

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجله ی علمی - تحقیقی پامیر، دپامیر علمی - خبر نیر ه مجله
سال هشتم، شماره 28، بهار، 1403

صاحب امتیاز: پوهنتون بدخشان

آمر مجله: پوهنمل دکتړ حبيب الرحمن رضاپور

مدیر مسؤؤل: پوهنوال اقبال حسام

سرديبر علوم اجتماعي: پوهندوی سيد عظيم الله عصمتی

سرديبر علوم طبيعي: پوهنمل جنيد الله صبوريار

مدیر عمومي مجله: شمس الدين اديب

مدیر نشریہ: نصرت الله نوری

هیأت تحریر (بخش علوم اجتماعي)

❖ پوهندوی دکتړ عبد القيوم طيب

❖ پوهنمل دکتړ حبيب الرحمن رضاپور

❖ پوهندوی جار الله بهروز

❖ پوهندوی نیاز محمد ذاکری

❖ پوهندوی نظام الدين نظری

❖ پوهنمل فضایل فضلومند

هیأت تحریر (بخش علوم طبيعي)

❖ پوهندوی عبد المجيد عبيدی

❖ پوهنمل عبد الحلیم مجیدی

❖ پوهنمل مقصود الله سعیدی

❖ پوهنمل معراج الدين راسخ

❖ پوهنمل محمد شاکر دھزاد

فهرست مطالب

عنوان مقاله

نگارنده

صفحه

بخش نخست: مقاله های علوم اجتماعی

- 5 محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان
پوهنمل عبدالعزيز نظری
- 21 نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان
پوهنمل دکتر حبيب الرحمن رضاپور
- 37 المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها لدراسة سيرة النبوية
پوهنوال دکتر غلام مصطفی نخبه
- 55 اسباب دعوی فریب در فقه اسلامی و راه حل های آن
پوهنمل عبد البصیر عزیز
- 74 راهبرد رزمی موسی بن نصیر در افریقا و اندلس در زمان خلافت ولید بن عبدالملک
پوهندوی حبيب الله حازم
- 96 بررسی پوشش چهره، و عدم آن در روشنایی سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم
پوهندوی دکتر نصرت الله ایوبی
- 110 قصیده رثاء سعد زغلول لحافظ ابراهیم: دراسة تحليلية عروضية
پوهنیار محب الله مجاهد
- 123 دسلیمان لایق په اشعارو کي اخلاقي او وطن دوستي روحيه
پوهنوال محمد سيد صديقي
- 137 مسوولیت مسلمانان در قبال محیط زیست
پوهندوی صنعت الله جویا
- مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان
150 پوهنیار عبدالمحمود موسایی
- 172 بررسی تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان
پوهندوی محمد طالب طارق
- مباحث اصولی متعلق به دلالت لفظ "امر" و تطبیقات آن در آیات استغفار در سوره های هود و نوح
188 پوهنیار امین الله حلیمی
- 205 مدیریت محیط زیست از نظر اسلام
پوهنمل محمد قاسم رشیدی

بخش دوم: مقاله های علوم طبیعی

- 222 نگاهی مختصری بر عملکرد، دستگاہوری و کاربردهای اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک
پوهنمل محمد شاکر دزداد
- 237 نقش پروبیوتیکها و پریبیوتیکها در تغذیه چوچه مرغهای گوشتی
پوهنیار محبوب الله جویا
- 256 بررسی جریانات کانوکشنی مانندل فوقانی زمین و تاثیرات آن بالای ریلیف زمین
پوهنمل مصطفی اورمر



بخش اول علوم اجتماعی



سال نهم، شماره 28

بهار 1403



محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان

پوهنمل عبدالعزیز نظری

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات پوهنتون: بدخشان، افغانستان

a.nazari1441@gmail.com

<https://orcid.org/009-0008-2910-6286>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

محاسبه نفس یک برنامه اخلاقی و یکی از شیوه‌های تربیتی دین اسلام می‌باشد که در قرآن کریم و در احادیث نبوی به آن تأکید شده، اهل عرفان و علمای اخلاق به آن ترغیب نموده‌اند. بنابراین، انسان باید همیشه اعمال خود را مورد ارزیابی قرار داده و محاسبه نماید، هرگاه مرتکب خطا و اشتباهات گردید، هرچه عاجل جهت رفع آن تلاش نموده و در زدودن اسباب آن اقدام نماید، اگر دریافت که در یکی از احکامات الهی غفلت ورزیده، باید برای جبران آن هرچه در توان دارد به کار گیرد تا که خود را تزکیه و اصلاح نماید. هدف تحقیق حاضر، بررسی محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان از نظر دین مبین اسلام می‌باشد. در تحقیق حاضر دو سوال مطرح بحث می‌باشد: محاسبه نفس چیست و چگونه باید نفس خود را محاسبه کرد. محاسبه نفس چه نقش مثبتی در اصلاح انسان دارد که به آن توجه خاصی شده است. در این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و با شیوه توصیفی و تحلیلی مورد تحقیق قرار گرفته است. یافته و نتیجه تحقیق حاضر این است که رستگاری انسان با محاسبه نفس و به اصلاح آن وابسته می‌باشد. گمراهی در اتباع و پیروی از خواهشات و نفس اماره بالسوء بوده و رسوای انسان با رها نمودن نفس انسانی به حال خودش رقم خواهد خورد.

کلیدواژه‌ها: اصلاح، انسان، دین اسلام، محاسبه، نفس.

The Role of Self-Examination in Human Development

Author
Email
Orcid

Abdul Aziz Nazari
Lecturer at the Shariah Faculty of Badakshan
University
a.nazari1441@gmail.com
<https://orcid.org/009-0008-2910-6286>

Abstract

Self-examination, as a moral practice, is one of the educational methods emphasized in Islam, highlighted both in the Holy Quran and the Prophetic hadiths. Scholars of mysticism and ethics have consistently advocated for this practice. Consequently, individuals are encouraged to continuously evaluate and reflect on their actions. If errors are identified, they must strive to rectify them promptly and address their underlying causes. Similarly, if one realizes they have neglected any divine command, efforts should be made to compensate and foster personal growth and improvement.

This study aims to explore the concept of self-examination and its role in human development from an Islamic perspective. The research addresses two primary questions: What is the nature of self-examination, and how should one engage in it? Moreover, what is the positive role of self-examination in human reformation that merits particular attention?

The study employs a library-based approach, utilizing descriptive and analytical methods to examine these questions. The findings suggest that human salvation is intricately tied to the process of self-examination and the refinement of the soul. Neglecting this practice leads to human misfortune and disgrace by allowing the soul to remain unchecked.

Keywords: self-refinement, human development, self-examination, ego, role.

Keywords: modification, human, calculation, ego, role.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و علی آله و اصحابه أجمعین. محاسبه نفس و ارزیابی اعمال خود در زندگی لازم و بسیار مهم بوده و باعث اصلاح و تزکیه انسان خواهد شد. اگر انسان در زندگی اعمال خود را به طور درست و همه جانبه محاسبه نموده خطاها و اشتباهات خود را تشخیص و اصلاح نماید امید است که فردای قیامت حساب و کتاب آن در نزد خداوند متعال آسان تر شود. انسان باید بداند که رستگاری بدون محاسبه نفس و اعمال خود امکان‌پذیر نیست. بنابر این انسان باید همیشه بنگرد که چه چیزی را برای فردای قیامت خود پیش فرستاده است. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ } [الحشر: 18].

« ای مؤمنان! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردای قیامت خود) پیش فرستاده است. از خدا بترسید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید».

ابن المقفع -رحمه الله- می‌گوید: لازم است که انسان عاقل و خردمند هر لحظه نفس خود را محاسبه نموده، اعمال و رفتار خویش ارزیابی نماید(ابن المقفع: (ب ت)، 18).

تبیین مسأله

در عصر حاضر اهمال و بی‌اعتنای و نه پرداختن به محاسبه نفس خود، به یک مشکل جدی تبدیل شده و باعث عدم تفکیک خیر و شر گردیده میزان جرم و جرایم را افزایش داده است، در حالی که آموزه‌های دینی بیانگر آن است که شخص مومن اعمال خود را قبل انجام و بعد از آن بررسی نموده و مورد محاسبه قرار بدهد اگر خطا و اشتباهی صورت گرفته باشد عاجل آن را اصلاح نماید، بنابراین، می‌توان گفت شناخت نفس و عوامل انحراف آن که یک معضل بزرگ در جامعه می‌باشد ایجاب می‌کند که این موضوع مورد تحقیق قرار گرفته چگونگی محاسبه نفس و شناخت موارد اصلاح آن در قالب یک مقاله علمی تنظیم گردیده و در دست همگان قرار داه شود تا باشد که از آن استفاده و بهره برداری صورت بگیرد.

پرسش‌های تحقیق

در تحقیق حاضر به صورت ذیل سوالات طرح گردیده است:

سوال اصلی

محاسبه نفس چیست و چگونه باید نفس خود را محاسبه کرد؟

سوالات فرعی

- 1- محاسبه نفس چه نقش مثبتی در اصلاح انسان دارد؟
- 2- محاسبه نفس بر چند نوع است؟
- 3- عدم توجه به محاسبه نفس و نه پرداختن به آن چه پیامد منفی خواهد داشت؟

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق حاضر به دو قسم تقسیم می‌شود:

هدف اصلی

- 1- بررسی محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان.

اهداف فرعی

- 1- شناخت محاسبه نفس و حالات آن از نظر اسلام.
- 2- تبیین انواع محاسبه نفس، فواید و اضرار ترک آن.

پیشینه تحقیق

در ارتباط به محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان برخی علما کتاب و مقالاتی به زبان عربی و به زبان دری تحریر نموده اند، اما کتب و مقالات تحریر یافته مغلق و پیچیده بوده استفاده از آنها برای نسل حاضر مشکل و دشوار می‌باشد. در این تحقیق عنوان مذکور به صورت کوتاه و قابل فهم برای همگان و به شیوه علمی به زبان دری نگارش یافته است تا باشد که در زمینه دستیابی به محاسبه نفس و چگونگی آن، برای جامعه مفید و مؤثر واقع شود.

روش تحقیق

در مقاله حاضر از روش تحقیق کتابخانه‌ای توصیفی استفاده شده و موضوع با دلایل از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - و نظریات علما مستند سازی شده است.

اهمیت تحقیق

بدون شک محاسبه نفس و ارزیابی رفتار و کردار خود چه قبل از عمل و چه بعد از عمل در زندگی انسانی بسیار مهم و داری اهمیت فراوان می‌باشد و محاسبه نفس

یکی از راه‌های اصلاح انسان بوده و بسیار مؤثر است، چراکه امراض و آلودگی‌های انسانی را جز با محاسبه‌ی نفس و مخالفت با آن نمی‌توان رفع کرد. انسان ناتوان از دید شرعی شخصی است که دنبال هوای نفس می‌رود و آرزوهای طولانی و گوناگون از خدا داشته باشد نمی‌تواند به رسگاری برسد. از این رو در مقاله حاضر تلاش شده که محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان به عنوان یک ارزش اخلاقی در عصر حاضر مورد جستجو و بررسی قرار می‌گیرد.

نتایج و یافته‌ها

مفهوم محاسبه: محاسبه در لغت مصدر «حَاسَبَ يَحَاسِبُ» از ریشه‌ی حسب است، «حَسِبْتُ الشَّيْءَ أَحْسَبُهُ حِسَابًا وَحَسَابًا» یعنی شمردم. حساب و محاسبه به معنای شمارش چیزی است. مراقبت در اینکه حفظ کند شخص ظاهر و باطن خود را تا آنکه چیزی که حسنت وی را باطل می‌کند از آن صادر نشود (فرهنگ دهخدا، حرف: م)

محاسبه در اصطلاح عبارت است از: بررسی احوال نفس و ارزیابی رفتار و کردار خود چه قبل از عمل و چه بعد از عمل، بدین معنی که انسان باید همه روزه تمام اعمال و کردار خود را بررسی نموده و مورد ارزیابی قرار داده تشخیص نماید که چقدر جوانب مثبت و منفی داشته برای خود و برای جامعه چقدر مفید و چقدر مضر می‌باشند (فرهنگ دهخدا، حرف: م). منظور از محاسبه نفس و ارزیابی رفتار و کردار خود چه قبل از عمل و چه بعد از عمل این است که هر شخص باید همیشه به محاسبه نفس و اعمال خود بپردازد. در مورد محاسبه، اهمیت و نقش آن در اصلاح انسان در نصوص دینی خیلی واضح و برجسته بیان گردیده است.

محاسبه نفس در روشنی قرآن کریم

در مورد محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان در آیات قرآنی ترغیب و تأکید بسیار شده است که چند آیه قرار ذیل ذکر می‌شود:

1- خداوند متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلِنُنظِرْ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ } [الحشر: 18].

« ای مؤمنان! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است. از خدا بترسید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید.

2- همچنان خداوند متعال می‌فرماید: **{ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ }** [الأنبياء: 47].

«و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی‌شود و اگر معادل دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم.»

3- در جای دیگر نیز خداوند متعال می‌فرماید: **{ يَوْمَ يَنْعُثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَنْبِئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ }** (المجادلة: 6). «روزی خدا همگان را زنده می‌گرداند و آنان را از کارهایی که کرده اند آگاه می‌سازد. کارهایی که ایشان آنها را فراموش کرده اند، ولی خداوند آنها را شمارش کرده است (و به حساب آنان گرفته است). خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است.»

محاسبه نفس در روشنی احادیث

در مورد محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان در احادیث نبوی ترغیب و تأکید بسیار شده است که چند حدیث به طور نمونه قرار ذیل ذکر می‌شود:
رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌فرماید: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ» هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ (ترمذی، 1395: 638).

«آدم زیرک و هوشیار کسی است که نفس خویش را محاسبه و مهار نموده و برای بعد از مرگش کار کند و آدم ناتوان کسی است که از هوا و هوس خود پیروی نموده و از خداوند امیدوار باشد.»

همچنان از حضرت عائشه - رضي الله عنها - روایت است که پیغمبر خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرموده است: «مَنْ نُوقِسَ الْحِسَابَ عُذْبٌ» قَالَتْ: قُلْتُ: أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: { فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا } [الانشقاق: 8] قَالَ: «ذَلِكَ الْعَرْضُ» (بخاری، 1422: 111). «هر کسی که دقیق مورد محاسبه قرار گیرد به عذاب و عقاب گرفتار می‌شود. حضرت عائشه - رضي الله عنها - عرض کرد: مگر خداوند متعال فرموده است: { فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا } [الانشقاق: 8] «با او حساب

ساده و آسانی خواهد شد». رسول الله- صَلَّى الله عليه وآله وسلم- فرمود: « این حساب و کتاب نیست بلکه این نشان دادن (عملکردهای او در دنیا) است». وجه دلالت آیات و احادیث فوق

از آیات و احادیث فوق چنین برداشت می‌شود که هر شخص باید اعمال خود را بررسی و محاسبه نماید که به چه پیمان‌های خیر و شر را انجام داده، اگر اعمال نیک او به تناسب گناهانش کم‌تر باشد باید که بعد از آن غفلت نورزیده و از محاسبه اعمال خود باز نماند و نفس خود را تحت کنترل در آورد. بلی نصوص دینی بیانگر همین مطلب می‌باشد باید هر کس خود را قبل از آن که مورد باز پرس قرار بگیرد محاسبه نماید تا محاسبه اخروی به آن سهل‌تر گردد. حضرت عمر-رضی الله عنه- می‌فرماید: «نفس خود را محاسبه کنید، پیش از این که مورد محاسبه قرار بگیرید اعمال خود را سبک و سنگین کنید، پیش از این که ارزش یابی شوید، اگر امروز خود را محاسبه کنید، حساب و بازخواست فردا برایتان آسانتر خواهد بود» (البغوی، 1403: 309).

انواع محاسبه‌ی نفس

محاسبه بر دو نوع می‌باشد:

1- محاسبه قبل از انجام عمل.

محاسبه قبل از انجام عمل بدین معنی است که انسان عزم، اراده و تصمیم‌هایی را که در ذهنش دارد باید قبل از عمل مورد محاسبه قرار دهد و کاری را که قرار است انجام دهد بخاطر چه می‌باشد و باید بیندیشد کاری را که می‌خواهد انجام دهد صحیح و مشروع است و یا خیر؟ اگر مشروع باشد آن کار را انجام دهد و اگر نامشروع باشد آن را انجام ندهد. بنابراین، شایسته است که انسان عاقل قبل از انجام عمل یک نوع محاسبه‌ی داشته باشد (القاسمی، 1415: 308).

هرگاه انسان بخواهد کاری را انجام دهد باید چهار نکته را مد نظر داشته باشد:

الف: آیا کاری را که می‌خواهد انجام بدهد توان انجام دادن آنرا دارد یا خیر؟

ب: آیا این عمل به نفع و سود آن است یا خیر؟

ج: آیا کاری را که قرار است انجام بدهد بخاطر بدست آوردن رضایت خداوند است

؟

د: چه عامل و انگیزه‌ای او را به انجام این عمل واداشته است؟

2- محاسبه بعد از انجام عمل

محاسبه بعد از عمل بدین معنی است که هرگاه انسان یک عمل و کاری را انجام می‌دهد بعد از آن لازم است که آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار بدهد، اگر کار انجام یافته به نفع و به سودش بوده باشد باید خوشحال و راضی شده و احساس راحتی نماید، از خداوند متعال سپاسگزاری کرده، در انجام همچو کار تلاش بیشتر کند و اگر کار انجام یافته زشت و نا مشروع و غیرمفید بوده باشد، عاجل توبه نموده و در جبران و اصلاح آن از هیچ نوع تلاش دریغ نرزد. بلی! انسان هرگاه کاری را انجام می‌دهد باید قبل از انجام و بعد از انجام دادن آن کار باید جوانب مثبت و منفی آن را محاسبه نماید. بدین اساس علما و دانشمندان اجماع نموده اند که محاسبه نفس قبل از عمل و بعد از عمل واجب است (السلمی، 1416: 18).

اولویت‌های محاسبه نفس

در نخست انسان باید محاسبه را با فرایض آغاز کند، اگر در انجام آن کوتاهی ببیند، باید جبران کند، سپس به محاسبه نفس در منهیات روی آورد، اگر در یافت که مرتکب گناهی گردیده است، باید با توبه و استغفار از خداوند و با انجام اعمال صالح به جبران آن اقدام نماید، اگر در یافت که مسؤولیت خود را انجام نداده است به انجام آن بپردازد، اعضای خود را محاسبه کند، زبان را به خاطر سخنان. پاها را به خاطر رفتن، دست‌ها را به خاطر کارها، چشم‌ها را به خاطر نگاه کردن و گوش‌ها را بر شنیدن محاسبه نماید (ابن قیم، 1395: 83).

فایده‌های محاسبه نفس

در محاسبه نفس مصالح و فواید زیادی وجود دارد مانند: اطلاع از عیوب خود، مداومت بر ذکر الله متعال، تمرین و عادت نفس بر عبادت، بیداری و هوشیاری، اجتناب از سخنان بیهوده... (السلمان، 1424: 198). هرگاه انسان نفس خود را مورد ارزیابی و محاسبه قرار دهد ثمرات و فواید ذیل بدست خواهد آورد:

1- حصول و کسب رضایت الله متعال و نیل به سعادت دو جهان؛

2- شناسای عیوب و تقصیرات خود و اصلاح آن؛

3- خلوص نیت و تقوی نفس؛

4- شناخت هدف آفرینش و خلقت انسان؛

5- سعی و تلاش در طاعت و عبادت الله متعال؛

6- زهد و تقوی در زندگی دنیا؛

7- اجتناب و دوری از گناهان خورد و بزرگ؛

8- ازدیاد توجه بنده به طرف الله متعال و ترس از او.

9- شناخت انعام و احسان الهی در ابعاد زندگی خود؛

10- شکر و سپاسگزاری در مقابل نعمت‌های الهی.

محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان

ترک محاسبه نفس اضرار و پیامدهای شومی در قبال دارد که باعث هلاکت انسان می‌گردد
زیان‌های شوم آن قرار ذیل می‌باشد:

1- بی‌توجهی به محاسبه نفس باعث و زمینه‌ساز ارتکاب گناه می‌شود؛

2- اجتناب از جرایم و دوری از کناهان، برای انسان دشوار و مشکل می‌شود؛

3- انجام اعمال صالحه، برای انسان ثقیل و سنگین تمام می‌شود؛

4- اهمال و ترک محاسبه نفس باعث هلاکت و سبب قساوت قلب می‌شود.

اسباب محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان

یکی از راه‌های اصلاح انسان، تزکیه، مجاهده و محاسبه نفس می‌باشد. لہذا می‌توان گفت محاسبه نفس در اصلاح انسان نقش بسزای دارد. دقت در آیات و احادیث نبوی و رهنمودهای اهل علم نشان می‌دهد که بعد از محاسبه نفس، حالات مثبت و سازنده‌ای در انسان ایجاد می‌شود که هر کدام یک عامل تأثیرگذار بر اصلاح انسان محسوب می‌شود. طوری که خداوند متعال می‌فرماید: {وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ} (القیامة: 2) «و به نفس ملامتگر سوگند».

در قرآن کریم از سه نفس نام برده شده است: الف - نفس اماره، که پیوسته انسان را به بدیها فرا می‌خواند، و بدیها را برای او می‌آراید. ب - نفس لوّامه، که از آن به عنوان وجدان اخلاقی نیز یاد می‌کنند، نفس بیدار و آگاهی است که هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته است و گاه گاهی مرتکب گناه می‌شود، اما هرچه عاجل به خود می‌آید و به مسیر سعادت باز می‌گردد و به ملامت و سرزنش آدمی می‌پردازد. ج - نفس مطمئنّه، نفس تکامل یافته‌ای است که نفس اماره را رام کرده و به مقام تقوای کامل و احساس مسؤولیت رسیده

و به آسانی لغزش برای او امکان پذیر نیست. به هر حال نفس لَوَامِه ، بعد از وقوع کار نیک یا بد، بلافاصله دادگاهی در درون انسان تشکیل می‌دهد و به عنوان قاضی و داور به حساب و کتاب او می‌پردازد. اینک حالات مثبت و سازنده‌ای محاسبه نفس قرار ذیل ذکر می‌شود:

1- ازدیاد معرفت و شناخت نفس

یکی از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان به وجود می‌آید خود شناسی می‌باشد. بدون شک محاسبه نفس معرفت و شناخت انسان را نسبت به خودش ازدیاد می‌بخشد. محاسبه نفس انسان را از غفلت نجات داده و بیدار می‌سازد و در نتیجه محاسبه نفس باعث می‌شود که انسان به پرورش و تزکیه نفس خود بپردازد و اصلاح شود. چنانچه رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌فرماید: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَتَّى عَلَى اللَّهِ» هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ (ترمذی، 1395: 638). «آدم زیرک و هوشیار کسی است که نفس خویش را محاسبه و مهار نموده و برای بعد از مرگش کار کند و آدم ناتوان کسی است که از هوا و هوس خود پیروی نموده و از خداوند امیدوار باشد».

2- شناخت وقت و اهمیت آن

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان به وجود می‌آید شناخت وقت و ارزش آن می‌باشد. بلی! هرگاه انسان در هر شبانه روز اعمال و کردار خود را محاسبه کند، به اهمیت عمر و به ارزش اوقات گران‌مایه خود بیشتر توجه نموده و از فرصت‌ها و از زندگی خود استفاده اعظمی می‌نماید. از این‌رو، محاسبه نفس انسان را متوجه ارزش وقت می‌کند، پس هرگاه انسان ارزش عمر و وقت را درک نماید، بهتر از پیش مواظب و مراقب اعمال و رفتار خود خواهد شد. و در نتیجه به پرورش و تزکیه نفس خود پرداخته، خود را اصلاح می‌نماید. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ } [الحشر: 18]. «ای مؤمنان! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردای (قیامت خود) پیش فرستاده است. از خدا بترسید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید».

3- مقایسه اعمال و رفتار خود با موازن شرعی

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان به وجود می‌آید احساس مقایسه اعمال خود با موازن شرعی می‌باشد. بدون شک در محاسبه نفس، انسان اعمالی را که انجام داده است، با معیارهای شرعی مقایسه نموده در می‌یابد که اعمال و رفتارش در کدام سطح با اصول و موازن شرعی مطابقت دارد. ابی طالب المکی- رحمه الله- می‌گوید: محاسبه نفس با تقوا و با موازنه صورت می‌گیرد(ابی طالب المکی، 1426: 137). بلی هرگاه انسان اعمال و رفتار خود را با اصول و موازن شرعی مقایسه نماید، زمینه‌ای اصلاح اعمال و تغییر رفتار در انسان بیشتر گردیده و در نتیجه انسان به پرورش و تزکیه نفس خود پرداخته، اصلاح می‌شود.

4- بازگشت به سوی خداوند

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان بوجود می‌آید توجه به خداوند متعال و توبه به سوی وی است. بدون شک انسانی که نفس و اعمال خود را طبق موازن شرعی محاسبه نماید و در یابد که در آن کوتاهی نموده است، در آغاز اظهار پشیمانی نموده و با خود شرط می‌کند که جرم و گناه را ترک نموده واجبات را انجام داده سپس مواظب باشد که مرتکب جرم و گناه نگردد، مصمم می‌شود که اعمال خیر را بیشتر انجام دهد. بلی! چنین انگیزه و اراده انسان را برای تغییر آماده نموده و نقش زیادی در اصلاح انسان دارد.

5- همنشینی با اهل ایمان و صالحان

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در انسان ایجاد می‌شود افزایش رغبت و میل به همنشینی با افراد صالح می‌باشد. مصاحبت با صالحان در اصلاح انسان نقش سازنده دارد. چرا که مصاحبت با صالحان باعث تعاون انسان‌ها در امور خیر خواهد شد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: { وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ } [المائدة: 2]. «در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی نکنید. از الله بترسید. بیگمان الله دارای مجازات شدیدی است.

رسول الله- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می‌فرماید: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَمَثَلُ الْجَلِيسِ السُّوءِ كَمَثَلِ الْمَسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ فَحَامِلُ الْمَسْكِ إِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً وَنَافِخِ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يَحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا خَبِيثَةً» (ابن حبان:

321: 1408). «مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده مشک و دمنده دمه آهنگر است که دارنده مشک یا برایت مشک می دهد، و یا از وی خریداری می کنی و یا از او بوی خوش را می یابی، و دمنده دمه آهنگر یا لباس را می سوزاند و یا از او بوی بد به مشامت می رسد.

6- نماز و مناجات با خداوند

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان به وجود می آید رغبت و میل به نماز و مناجات با خداوند می باشد. نماز و مناجات با خداوند متعال در اصلاح انسان نقش سازنده دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ} [البقرة: 153]. «ای کسانی که ایمان آورده اید! از شکیبایی و نماز کمک بگیرید که الله با شکیبایان است».

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به بلال - رضی الله عنه - گفت: «یا بلال، اَقِمِ الصَّلَاةَ، اُرْحَنَّا بِهَا» (ابوداود، 1430: 338). «ای بلال! نماز را اقامه کن تا که ما را بوسیله آن آرامش بخشی».

همچنان پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده اند: «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (الحاکم، 1411: 174). «روشنی چشم من در نماز قرار داده شده است».

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در دعای خویش می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» (نيسابوری، - 81). «پروردگارا! برایم دینم را که در آن نگهداشت کار من است و دنیا را که در آن زندگی و معیشت من است و آخرتم را که بازگشتم بدان است، اصلاح کن و زندگیم را برایم سبب ازدیادکارهای خیر و مرگ را وسیله راحتی ام از تمام بدی ها بگردان.

7- اخلاص و نیت پاک

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان بوجود می آید ازدیاد اخلاص و نیت پاک در اعمال می باشد. چون هرگاه انسان تمام اعمالش صادقانه و خالصانه برای الله متعال باشد بر هیچ کسی منت گذاری نمی کند و هیچ توقعی از کسی نداشته، دچار بدگمانی نمی شود. پس می توان گفت که اخلاص در اصلاح

انسان نقش سازنده خواهد داشت. چنانچه الله متعال می‌فرماید: { وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ } [البينة: 5]. «در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را پرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند، و نماز را چنان که باید بخوانند، و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.

رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» (ابن حنبل، 1421: 227). «الله متعال به صورت‌ها و اموال شما نگاه نمی‌کند؛ بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد.

8- ذکر و یاد مرگ

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان بوجود می‌آید، ازدیاد ذکر و یاد مرگ می‌باشد. بلی! ذکر و یاد مرگ در اصلاح انسان نقش سازنده خواهد داشت. مرگ به سراغ هر انسان می‌آید پس یاد مرگ غفلت، محبت و دلبستگی به دنیا را از قلب انسان پاک می‌نماید، دنیا و مادیات آن را در نظرش کم ارزش و ناچیز جلوه می‌دهد که این امر باعث اصلاح انسان می‌شود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: { كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ } [آل عمران: 185]. «هر کسی مزه مرگ را می‌چشد و بی‌گمان به شما پاداش و پادافره خودتان به تمام و کمال در روز رستاخیز داده می‌شود. و هرکه از آتش دوزخ به دور گردد و به بهشت برده شود، واقعاً سعادت را بدست آورده و نجات پیدا کرده است. و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می‌فرماید: «أَكْثَرُوْا ذِكْرَ هَازِمِ اللَّذَاتِ» یعنی الْمَوْتِ. (قزوینی، 2 / 1422). «قطع کننده و به هم زنده‌ی لذت‌ها را زیاد یاد کنید» (مرگ).

9- ذکر و یاد الله متعال

یکی دیگر از حالاتی که بعد از محاسبه نفس در زندگی انسان به وجود می‌آید، ازدیاد ذکر و یاد خداوند متعال می‌باشد. و ذکر و یاد خداوند متعال به طور مستمر در اصلاح

انسان نقش سازنده خواهد داشت. چرا که ذکر و یاد خداوند متعال اسباب غفلت، محبت به دنیا را از قلب انسان پاک می‌نماید و این امر باعث اصلاح انسان می‌شود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: { الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ } [الرعد: 28]. «آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند».

از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است که فرمودند: " يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ (بخاری، 1422 هـ ق (9/121)). » خداوند می‌فرماید: من مطابق گمان بنده ام نسبت به من، عمل خواهم کرد (گمان او نسبت به قبول دعا و عبادت و قبول توبه و استغفار باشد، یا عکس آنها) هرگاه مرا یاد نماید و مرا ذکر کند با او هستم، اگر مرا در نفس و قلب خود یاد کند، من هم او را پیش خود یاد می‌نمایم، و اگر مرا در ملاء عام یاد کند و در نزد دیگران ذکر مرا کند، من هم به نزد جماعت بهتر از آنان ذکرش می‌کنم».

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی محاسبه نفس و نقش آن در اصلاح انسان، می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود: منظور از محاسبه نفس، این است که هر شخص باید همیشه به محاسبه نفس و اعمال خود پرداخته رفتار و کردار خود را چه قبل از عمل و چه بعد از عمل مورد محاسبه قرار بدهد. حاسبه نفس به دو نوع است، قبل از انجام عمل و بعد از انجام عمل. عدم توجه به محاسبه نفس باعث می‌شود که انسان سعادت دنیا و آخرت را از دست بدهد. کمال و صلاح انسان مرهون این است که انسان باید همیشه با نگاهی دقیق و با بررسی کامل اعمال و کردار خود را مورد ارزیابی قرار داده و محاسبه نماید و در اصلاح خود بکوشد. دقت در آیات و احادیث نبوی نشان می‌دهد که بعد از محاسبه نفس، حالاتی سازنده‌ای در انسان ایجاد می‌گردد که هر کدام از این حالات یک عامل تأثیرگذار بر اصلاح انسان محسوب می‌شود.

منابع

قرآن كريم

- ابن القيم، محمد بن أبى بكر أيوب الزرعى أبو عبد الله (1395 - 1975). إغاثة اللهفان من مصائد الشيطان، التحقيق: محمد حامد الفقى، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد، (1408 هـ - 1988 م). الإحسان فى تقريب صحيح ابن حبان. التحقيق: الأمير علاء الدين على بن بلبان، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (1421 هـ - 2001 م). مسند أحمد بن حنبل. التحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة.
- ابى طالب المكي، محمد بن علي بن عطية (1426 هـ) قوت القلوب فى معاملة المحبوب و وصف طريق المرید إلى مقام التوحيد. تحقيق: عاصم إبراهيم. دار الكتب العلمية - بيروت.
- بخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله الجعفى (1422 هـ ق). صحيح البخارى. التحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الطبعة الأولى، الناشر: دار طوق النجاة.
- بغوي، حسين بن مسعود، محيي السنة، الشافعي (1403 هـ - 1983 م) شرح السنة. تحقيق: شعيب الأرنؤوط - محمد زهير الشاويش، الطبعة، الثانية، الناشر: المكتب الإسلامى - دمشق، بيروت.
- ترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوره (1395 هـ 1975 م). سنن الترمذى. التحقيق و التعليق: أحمد محمد شاكر، الطبعة، الثانية. الناشر: مطبعة مصطفى البابى الحلبي، مصر.
- حاكم، محمد بن عبد الله، النيسابورى، (1411 هـ ق 1990 م) المستدرک على الصحيحين. التحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- دهخدا، على اكبر بن خان باباخان (1311 هـ ش) لغت نامه دهخدا (فرهنگ متوسط دهخدا). ناشر: موسسه: انتشارات دانشگاه تهران.
- سجستانى، أبو داود سليمان بن الأشعث (1430 هـ 2009 م) سنن أبى داود. التحقيق: شعيب الأرنؤوط - محمّد كامل قره بللى، الطبعة: الأولى. الناشر: دار الرسالة العالمية.
- سلمان، عبد العزيز بن محمد (1424 هـ). موارد الظمان لدروس الزمان. الطبعة: الثلاثون.

- سلمی، سلطان العلماء عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام. (1416ھ - 1995م). مقاصد الرعاية لحقوق الله عز وجل. تحقیق: ایاد خالد الطباع. الناشر دار الفكر، دمشق.
- قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد سعید. (1415ھ - 1995م) موعظة المؤمنین من إحياء علوم الدين، التحقيق: مأمون بن محيي الدين الجنان، الناشر: دار الكتب العلمية. قزوينی، محمد بن یزید (-) سنن ابن ماجه. التحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الفكر - بيروت.
- مقفع، عبد الله بن المقفّع (-). الأدب الصغير والأدب الكبير. الناشر: دار صادر - بيروت.
- نیسابوری، مسلم بن الحجاج بن مسلم، (-) صحیح مسلم - م، الناشر: دار الجیل بیروت.



نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان

پوهنمل دکتري حبيب الرحمن "رضاپور"

ديپارتمنت تعليمات اسلامي پوهنځي شرعيات پوهنتون بدخشان، بدخشان افغانستان

habibraghi@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

بشر همواره در تلاش بوده که فقر را کاهش داده یا به‌طور کامل از بین ببرد، و برای این هدف راه‌های مختلفی را پیموده است. اسلام به‌عنوان دینی که در همه بخش‌های زندگی دارای برنامه‌های منظم است، نیز تلاش کرده است تا فقر را در جوامع کاهش دهد و از راه‌های مختلف به فقرا کمک کند. یکی از این راه‌ها زکات است که اگر به‌طور صحیح و درست مدیریت شود، می‌تواند فقر را به‌طور چشم‌گیری کاهش دهد. هدف این پژوهش توضیح این مسئله است که آیا زکات می‌تواند در کاهش فقر در افغانستان نقش مهمی را ایفا کند و یا خیر؟ در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی با ابزار کتابخانه‌ای و مرور پژوهش‌های موجود در مورد نقش زکات در کاهش فقر در کشورهای مختلف استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کشورهایی که زکات را به‌طور درست مدیریت کرده، توانسته‌اند فقر را در کشورهایشان کاهش دهند. از این پژوهش چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اگر زکات در افغانستان به‌طور صحیح جمع‌آوری، توزیع و مدیریت شود، می‌تواند به کاهش فقر در این کشور کمک کرده و آمار فقر را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها (Keywords): افغانستان، تولید ثروت، توزیع مجدد ثروت، زکات، فقر، کاهش فقر.

The Role of Zakat in Poverty Reduction in Afghanistan

Author
E-mail
Orcid

Dr. Habiburrahman Rizapoor
Islamic Studies Department, Badakhshan
University, Badakhshan Afghanistan
habibraghi@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

Abstract

Humanity has always strived to reduce or completely eradicate poverty, employing various methods to achieve this goal. Islam, as a religion with systematic programs in all aspects of life, has also endeavored to reduce poverty in communities and assist the poor through various means. One of these means is zakat, which, if properly and correctly managed, can significantly reduce poverty. The aim of this research is to explore whether zakat can play a significant role in poverty reduction. This study employs a descriptive-analytical method using library tools with a review of existing research on the role of zakat in poverty reduction in different countries. The findings of this research indicate that countries that have effectively managed zakat have been able to reduce poverty within their borders. From this research, it can be concluded that if zakat is properly collected, distributed, and managed in Afghanistan, it can help reduce poverty in the country.

Keywords: Afghanistan, zakat, wealth generation, wealth redistribution, poverty, poverty reduction

مقدمه

زکات یکی از روش‌های مهم اسلامی است که می‌توان از آن برای کاهش فقر در جوامع اسلامی استفاده کرد. پژوهش‌های علمی ثابت ساخته است که اگر زکات طور درست مدیریت شود می‌تواند سبب کاهش فقر در جامعه گردد. طور مثال زهار ولید در تحقیق علمی خویش تحت عنوان "أثر الزكاة كأداة من أدوات النظام المالي الإسلامي في تخفيف الفقر- حالة السودان" در یافته است که اگر اداره زکات در سودان طور درست فعالیت کند سالانه می‌تواند 136922 نفر فقیر را حمایت نماید. رقم فوق نظر نشان می‌دهد که مدیریت و توزیع درست زکات می‌تواند در کاهش فقر نقش قابل ملاحظه‌ی را ایفا نماید. (زهار ولید، 2016: 10). برای مدیریت درست زکات حکومتها مکلف‌اند تا اداره‌ی مستقلی را جهت جمع‌آوری، توزیع و مدیریت امور مربوط به زکات ایجاد نمایند. این اداره در نخست مکلف است تا همه اشخاصی را که دارای نصاب زکات‌اند همه سالانه تشخیص و ثبت نماید، هم‌چنان اشخاص مستحق دریافت زکات را شناسایی و ثبت دفاتر خویش به سطح محلی و ملی نمایند. بعد از آن زکات از افراد متمول دریافت و برای مستحق‌ها مطابق به رهنمای‌های شریعت اسلام توزیع گردد. هم‌چنان اگر فردی از ادای زکات امتناع ورزد اداره مذکور مطابق به قوانین موجود در کشور همراهی وی برخورد خواهد کرد. اگر حکومت‌ها در امر جمع‌آوری زکات سهل‌انگاری نمایند و مسأله پرداخت زکات را یک امر تبرعی و اختیاری سازند معلوم دار است که یک تعداد زیادی از مردم زکات خویش را نخواهند پرداخت. طور مثال کشور مالیزیا پرداخت زکات را یک امر تبرعی دانسته و هرگاه شخصی از پرداخت زکات امتناع ورزد وی را محاکمه و مجازات نخواهد کرد اما اگر شخص از پرداخت مالیات امتناع ورزد شخص مذکور از طرف دولت تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات می‌گردد. (محمد روزی، 2013: 141-150). نتیجه این عمل چنین خواهد شد که یک تعداد مردم از پرداخت زکات غفلت خواهند کرد.

در دوره‌ی حکومت محمد اشرف غنی و حامد کرزی، نظام جمع‌آوری زکات و عشر به صورت داوطلبانه بود و هیچ نهاد دولتی مسئول جمع‌آوری زکات وجود نداشت. اکنون، امارت اسلامی افغانستان قصد دارد یک اداره رسمی را برای جمع‌آوری زکات و عشر ایجاد کند، و تمام افرادی که نصاب را دارند ملزم به پرداخت زکات و عشر خواهند بود. اخیراً،

بعد از تحولات سیاسی اخیر نشست‌های مقدماتی در وزارت مالیه افغانستان تحت نظر امارت اسلامی افغانستان برگزار شد تا نحوه‌ی جمع‌آوری عشر و زکات در کشور مورد بررسی قرار گیرد. این نشست بر ضرورت تنظیم یک روش عملی برای جمع‌آوری عشر و زکات، افزایش آگاهی‌دهی عمومی در جامعه در مورد پرداخت زکات و جمع‌آوری و توزیع آن به مستحقان تأکید کرد. نمایندگان اداره‌های مسئول تصمیم اتخاذ نمودن که این طرح باید به گونه‌ای اجرا شود که به سمت توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر در کشور منجر شود. همچنین، سخنگوی وزارت مالیه در آن وقت، احمد ولی حقمیل، اعلام کرد که کمیته‌ای مشترک از وزارت زراعت، حج و اوقاف، وزارت امر به معروف و نهی از منکر، و وزارت مالیه برای اجرای این امر مامور شده‌اند. وی هم‌چنان تأکید کرد که عشر و زکات دو منبع مهم درآمد و اقتصاد در حکومت اسلامی هستند و باید از آن‌ها برای کاهش فقر استفاده گردد. (وزارت مالیه افغانستان، 2021)

تبیین مسأله

کاهش فقر یا مبارزه با فقر یکی از مسائلی است که اکثر کشورها تلاش دارند برای آن راه‌ها و روش‌های مؤثری را پیدا کرده و استفاده نمایند. کشورهای اسلامی نیز برای کاهش و مبارزه با فقر می‌خواهند از روش‌های که اسلام برای مبارزه با فقر، کاهش فقر و کمک به فقرا ارائه کرده است، استفاده نمایند. یکی از این روش‌ها فریضه زکات است. اما در مورد این که آیا زکات می‌تواند به کاهش فقر در کشورها کمک کند یا خیر، شک و تردیدهای وجود دارد. برخی بر این باورند که زکات نقش مؤثری در کاهش فقر ایفا می‌کند؛ اما برخی دیگر معتقدند که به دلیل بیشتر بودن تعداد فقرا و کم بودن افرادی که مالک نصاب زکات هستند، زکات نمی‌تواند نقشی مؤثری در کاهش فقر داشته باشد. این پژوهش به بررسی نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان می‌پردازد تا با تحلیل دقیق‌تر این مسئله، به این پرسش پاسخ دهد که آیا زکات می‌تواند در کاهش فقر در افغانستان نقش مؤثری ایفا کند و یا خیر.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

آیا زکات می‌تواند نقشی مهم و مؤثری در کاهش فقر در افغانستان داشته باشد؟

پرسش‌های فرعی:

1. نقش زکات در کاهش فقر چیست؟
2. آیا تجربه کشورهای اسلامی مؤثر بودن زکات در کاهش فقر را تأیید می‌کند و یا خیر؟

3. چطور می‌توان از زکات برای کاهش فقر در افغانستان استفاده کرد؟

اهداف تحقیق

پژوهش حاضر می‌خواهد به اهداف ذیل نایل گردد:

1. بررسی تاثیر زکات بر کاهش فقر، تحلیل تاثیر زکات بر وضعیت اقتصادی فقرا و نقش آن در بهبود زندگی آنان.
2. شناسایی الگوهای موفق مدیریت زکات، مطالعه و بررسی تجربیات کشورهای دیگر در مدیریت موفق زکات و کاهش فقر، و تطبیق آن با شرایط افغانستان.
3. ارزیابی وضعیت فعلی جمع آوری و توزیع زکات در افغانستان
4. ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود مدیریت زکات: پیشنهاد راهکارهای عملی برای بهبود فرآیند جمع آوری و توزیع زکات در افغانستان با هدف کاهش فقر.

پیشینه‌ی تحقیق

تا کنون مقاله‌ی جامع و همه‌جانبه‌ای یا کتابی در مورد نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان نوشته نشده است. البته، برخی مقالات در روزنامه‌ها و وبسایت‌های اینترنتی منتشر شده‌اند که چندی آن را مختصراً به معرفی می‌گیریم:

پوهیالی څارمن قیام الدین میرزاد (2023) در مقاله‌ی خویش در روزنامه ملی انیس با عنوان "جمع‌آوری زکات و نقش آن در مبارزه علیه فقر" در مورد بررسی تاریخچه زکات، فلسفه فرضیت آن و مباحث ابتدایی در مورد نقش زکات در مبارزه با فقر پرداخته است. تفاوت مقاله بنده با مقاله مذکور در این است که این پژوهش با در نظر گرفتن تجربیات کشورهای اسلامی در مدیریت زکات و نقش آن در کاهش فقر، توصیه‌هایی برای استفاده از زکات به عنوان راهکاری برای کاهش فقر در افغانستان ارائه می‌دهد.

هم‌چنین، پوهنیار محمد یعقوب رسولی (2023) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی سیاست‌گذاری مبارزه با فقر در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱)" که در وبسایت ریاست روزنامه‌های دولتی افغانستان منتشر شده است، به بررسی راهکارهای مختلف جهت کاهش فقر پرداخته است. نویسنده این مقاله زکات را نیز به عنوان یکی از راهکارهای مبارزه با فقر محسوب کرده است، اما تجارب عملی و دلایل موثقی برای اثبات ادعای خود ارائه نکرده است که این نکته تفاوت مقاله حاضر با مقاله فوق‌الذکر را نشان می‌دهد.

علی احمد اصغری (1395) در مقاله خود با عنوان "نقش زکات در تولید ثروت در نگرش قرآن کریم" که در مجله‌ی پژوهش‌های اجتماعی اسلامی ایران منتشر شده است، به صورت جامع به بررسی نقش زکات در تولید ثروت پرداخته است. اما این پژوهش نیز تجربیات مستندی از کشورهای اسلامی ذکر نکرده و به نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان پرداخته است.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحلیلی-توصیفی برای بررسی نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم، ابتدا به بررسی مقاله‌های علمی و کتاب‌های مرتبط به مدیریت زکات و نقش آن در کاهش فقر در کشورهای مختلف پرداخته شده است و سپس با تحلیل نمودن متن‌های فوق وضعیت افغانستان مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهای لازم صورت گرفته است.

اهمیت تحقیق

زکات به عنوان یکی از ارکان اصلی اسلام، نقش مهمی در ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی دارد. بررسی و تحلیل نقش زکات در کاهش فقر می‌تواند به فهم بهتری از جایگاه و اهمیت این فریضه دینی در جامعه اسلامی، به ویژه در افغانستان، کمک کند.

فقر یکی از بزرگترین چالش‌های اقتصادی در افغانستان است. این پژوهش می‌تواند راهکارهای عملی برای استفاده بهینه از منابع زکات به منظور کاهش فقر ارائه دهد و به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند. کاهش فقر تأثیر مستقیمی بر کاهش جرم و جنایت، افزایش سطح تحصیلات و بهبود سلامت جامعه دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای اجتماعی در افغانستان کمک کند تا برنامه‌های موثرتری برای کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی مردم اجرا کنند. از جانب دیگر ثبات سیاسی و امنیت در افغانستان به شدت تحت تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور است. با کاهش فقر و بهبود شرایط اقتصادی از طریق مدیریت صحیح زکات، می‌توان به افزایش ثبات و امنیت در کشور کمک کرد.

این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات علمی در حوزه‌ی مطالعات اسلامی و اقتصادی کمک کند و پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده در زمینه‌ی نقش زکات در کاهش

فقر و توسعه اقتصادی فراهم آورد. در مجموع، این پژوهش می‌تواند نه تنها به‌درک بهتر از اهمیت و تأثیر زکات در کاهش فقر کمک کند، بلکه به‌عنوان یک ابزار کاربردی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان نیز مفید باشد.

نتایج و یافته‌ها

زکات از دید لغوی به معنی‌های چون نمو، افزایش، پاکی، برکت می‌آید و در اصطلاح عبارت است از روش خاص جهت پرداخت حق الله (فقرا) از مال‌های خاص. امام ابن حجر رحمه الله می‌فرماید: زکات عبارت است از صدقه واجب، مندوب، نفقه، حقوق مالی و بخششی‌های دیگر. (الموسوعة الكويتية، 1404 هـ ق: 23\226).

فقر از دید لغوی ضد "غنی" است، طور مثال عرب‌های می‌گویند: "رجل فقير" یعنی در نزد آن شخص مال و سرمایه نیست. هم‌چنان فقر به معنی نیازمندی و احتیاج هم آمده، در برخی لغتنامه‌ها آمده است که اصطلاح "فقير" به کسی گفته می‌شود که استخوان پشت وی شکسته باشد، و برای بینوایان هم به‌خاطر فقیر می‌گویند که گویا استخوان پشت وی به‌سبب ناداری و زحمت زیاد شکسته است.

معنی فقر از دید اصطلاحی عبارت است از نیازمندی انسان، یا بی‌نصيب ماندن وی از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت کفالت او هستند کفایت کند. (حکیمی، 1368: 4/400).

لفظ زکات همراه با کلمه "صلاة" در بیشتر از 80 آیت قرآن کریم ذکر گردیده است، زکات از جمله نخستین سیستم‌های مالی است که جهت مبارزه با فقر و تنگ‌دستی و برآورده کردن مصلحت فقیران و اشخاص نیازمند و نهادینه ساختن عدالت اجتماعی در جامعه مشروع گردیده است. (بوشامة و مولود، 2010م: 178).

زکات در سال دوم هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم مشروع گردیده و مانند نماز، روزه و حج بالای همه مسلمانان که واجد شرایط باشند فرض می‌باشد. به همین سبب است که در اکثر جاهای که تأکید بالای خواندن نماز شده در آن جا بالای ادا کردن زکات نیز تأکید صورت گرفته است. الله جل جلاله در قرآن کریم چنین می‌فرماید: **وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**. (النور: 56).

و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید، و پیامبر (الله) را اطاعت کنید، تا شما مورد رحمت قرار بگیرید.

زکات به اندازه‌ای اهمیت دارد که الله جل جلاله ادا کردن آن را شرط اخوت ایمانی قرار داده است: **فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنَفْصُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُعْلَمُونَ**. (التوبه: 11).

پس اگر توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بدهند، برادران دینی شما هستند، و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند بیان می‌کنیم.

پیامبر صلی الله علیه وسلم بنا و ساختار اسلام را استوار به پنج چیز ساخته است، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ**. (البخاری، ب.ت: 11/1). در صدر اسلام زکات برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا برای کسانی که وی می‌فرستاد پرداخته می‌شد، بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم خلفای راشدین و فرستاده گان ایشان مسولیت جمع زکات را داشتند، از روش فوق معلوم می‌گردد که جمع آوری، مدیریت و توزیع زکات از مسولیت های حکومت اسلامی می‌باشد.

حکمت در فرضیت زکات توزیع عادلانه ثروت، کمک به فقیرها و بینوایان و مبارزه برای کاهش فقر در جامعه است. پژوهشی را که ابراهیم در منطقه سلانجور مالیزیا انجام داده است نشان می‌دهد که مدیریت درست زکات در کاهش فقر در آن منطقه سهم مهمی داشته است. (ابراهیم، 2013: 141-150). در پهلوی حکمت‌های فوق می‌توان از حکمت های دیگر زکات چون پاک ساختن نفس از بخل، کاهش محبت با مال و ثروت، تشویق انسان به مشارکت در کارهای اجتماعی و کمک به فقیرها و بینوایان را نیز دانست.

با مطالعه و بررسی مصارف زکات به این نتیجه می‌توان رسید که هدف عمده از فرضیت زکات کاهش فقر و کمک به فقیران و بینوایان است. (شعبانی و کاشیان، 1389: 4). از این که زکات منحیث وسیله‌ی مهم برای کاهش فقر در جامعه می‌باشد دانشمندان اسلامی این موضوع را طور گسترده در کتاب های خویش مورد بحث قرار داده اند، چنان‌که اکثریت کتاب‌های فقه، حدیث و تفسیر مباحث جداگانه و پراکنده ای را در این مورد دارند، هم‌چنان دانشمندان چون ابو عبید ابن سلام الهروی، امام ابویوسف، یحیی بن آدم، ابن زنجویه رحمهم الله در کتاب‌های خویش تحت عنوان "الاموال" و "الخراج" موضوع زکات را مورد بحث قرار داده و به جزئیات آن پرداخته‌اند. امام بخاری رحمه الله در مورد

زکات 172 حدیث، امام مسلم 17 حدیث، أبو داود 145 حدیث، امام احمد بن حنبل در مسند خویش 252 حدیث، دار القطنی 251 حدیث و بیهقی در سنن کبری 119 حدیث را راجع به زکات و مسایل مرتبط به آن ذکر نموده‌اند.

برای این که معلوم گردد که از کدام نوع دارای‌های زکات پرداخته شود و از کدام نوع دارای‌ها زکات پرداخته نشود، علما و دانشمندان اسلامی اموال را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

(الف). مال های ظاهری (الأموال الظاهرة): طوریکه از نام "الأموال الظاهرة" آشکار می‌گردد مراد از اموال ظاهری آن نوع مال‌های است که پنهان کردن آن از زکات گیرنده ممکن نباشد، مانند محصولات زراعتی، میوه جات و حیوانات. مطابق مذهب حنفی مسؤلیت گرفتن زکات از این نوع مال‌ها به دوش دولت است، به دلیل آیت که در آن الله جل جلاله، پیامبر صلی الله علیه وسلم را مامور به گرفتن زکات فرموده می‌گوید: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (التوبة 103)**

از اموال آن‌ها صدقه (و زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آن‌ها را پاک سازی و تزکیه شان کنی، و برایشان دعا کن، یقیناً دعای تو مایه‌ی آرامش برای آن‌هاست، و الله شنوا و داناست.

(ب). مال‌های پنهانی (الأموال الباطنة): مراد از این نوع، مال‌های است که پنهان کردن آن‌ها از صدقه گیرنده امکان دارد، مثل طلا و نقره و مال‌های تجارتي، مطابق مذهب حنفی مسؤلیت پرداخت زکات از چنین مال‌ها بدوش مالک آنهاست، و حکومت مکلف به تحقیق و جستجو در مورد کمیت آن نیست، اما اگر به طریقی دولت فهمید که مالک مال‌های مذکور زکات مال‌های خویش را کم می‌پردازد در آن صورت می‌تواند از مالک مال‌های باطنی تقاضای پرداخت زکات باقی مانده را نماید. (ابن عابدین، 2000م: 2/260).

انواع زکات:

از مطالعه متون اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که زکات دارای انواع ذیل می‌باشد:

- (1) **زکات حیوانات:** زکات حیوانات شامل زکات حیواناتی چون شتر، گاو، گوسفند می‌گردد، در گرفتن زکات از حیوانات پیامبر صلی الله علیه وسلم از اضافه ستانی، گرفتن مال‌های بهتر و از تشدد کردن بالای مالداران منع کرده‌اند.

(ابن سلام الهروی، ب.ت: 466). جزئیات زکات حیوانات در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم ذکر گردیده است که جهت جلوگیری از دراز شدن بحث از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌گردد.

(2) **زکات طلا و نقره:** زکات طلا و نقره هم یکی از موارد مهم وعاید زکات برای حکومت اسلامی می‌باشد، این مورد هم دارای نصاب مشخص بوده که جزئیات آن در کتاب‌های حدیث و فقه اسلامی ذکر گردیده است.

(3) **زکات زیورات:** در مورد این‌که از زیورات مورد استفاده زنان زکات باید پرداخت گردد و یاخیر، در میان علمای مسلمان اختلاف وجود دارد. برخی‌ها به این نظرند که از زیورات زنان هم باید زکات پرداخته شود و دلیل‌شان هم واقعه زن اهل یمن است که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد در حالی که در دست‌اش دو چوری طلای بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی پرسید: "هل تعطين زکاة هذا؟" فأجبت: "لا". فقال لها النبي صلی الله علیه وسلم: "أیسرک أن یسورک الله بهما سوارین من نار؟" (ابن سلام الهروی، ب.ت: 541) آیا زکات این‌ها را می‌پردازی؟ زن گفت: نخیر، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا خوش داری که خداوند در روز رستاخیز دو چوری آتشین را برایت بدهد؟ این حدیث نبوی به این دلالت دارد که باید از زیورات زکات پرداخته شود. نظر دوم این است که پرداختن زکات از زیورات فرض نیست و دلیل‌شان هم حدیثی است که از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه پرسان شد که آیا در زیورات زکات است؟ فرمود: نخیر، گفته شد اگرچه قیمت آن به ده هزار هم برسد؟ گفت بلی اگرچه از این هم زیاد شود. (ابن سلام الهروی، ب.ت: 543) هم چنان از انس بن مالک رضی الله عنه پرسان شد که آیا در شمشیر که از طلا باشد زکات است؟ فرمود: نخیر، (ابن سلام الهروی، ب.ت: 544) هم چنان سعید بن مسیب رحمه الله می‌فرماید: زکات زیورات این است که پوشیده شوند و به کسانی که نیاز دارند طور عاریت داده شوند. (ابن سلام الهروی، ب.ت: 544).

(4) **زکات مال‌های تجارتي:** از مال‌های تجارتي که بالای آن‌ها یک سال سپری شده باشد نیز باید زکات پرداخت گردد، مال‌های فوق قیمت‌گذاری شده و مطابق

به قیمت روزی که زکات باید از آن پرداخت گردد زکات آن‌ها محاسبه گردیده و پرداخته می‌شود.

آمار فقر در افغانستان

تحولات سیاسی و جنگ‌های متوالی در افغانستان باعث افزایش آمار فقر در کشور شده است، بر اساس راپور بانک توسعه آسیایی ۳/۴۷ درصد از جمعیت افغانستان در سال ۲۰۲۰ زیر خط فقر زندگی می‌کردند. (ADB, 2021)

بر اساس آمارهای دولت قبلی افغانستان از وضعیت معیشتی در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷، بیش از ۵۴ درصد از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کردند. هم‌چنان بر اساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، ۹۷ درصد از جمعیت افغانستان تا اواسط سال ۲۰۲۲ به دلیل خشک‌سالی، تأثیرات همه‌گیری کرونا و تغییرات سیاسی اخیر که منجر به سقوط دولت محمد اشرف غنی و ظهور امارت اسلامی به عنوان دولت جدید در افغانستان شده است، ممکن است فقیر شوند. (UNDP, 2021)

عوامل و اسباب فقر:

دلایل متعددی برای فقر وجود دارد، از جمله دلایل داخلی می‌توان از نبود امنیت و بی‌ثباتی در جامعه در گذشته، سوءاستفاده از ثروت‌های داخلی توسط مردم عام و مسوولین حکومت‌ها و جنگ‌های داخلی، واز دلایل خارجی مانند جنگ‌های بین‌المللی، و برنامه‌های استعماری توسط کشورهای قدرتمند و بزرگ، بهره‌برداری کشورهای بزرگ از ثروت‌های کشورهای فقیر، توزیع ناعادلانه ثروت‌ها و کمک‌های بین‌المللی در کشورهای فقیر نام برد. (مهدی، ب.ت: 1-2) در پهلوی موارد فوق می‌توان از پایان بودن آمار سواد، اعتیاد به مواد مخدر، معلولیت‌های جسمی و عقلی، بیماری‌ها، موقعیت جغرافیایی نادرست، سوء تغذی و بیکاری من حیث عوامل فقر در کشور نام برد.

زکات و کاهش فقر

زکات یکی از روش‌های اساسی برای مبارزه و کاهش فقر در جامعه اسلامی است. به همین دلیل، فقهای بزرگ از جمله امام ابو عبید قاسم بن سلام هروی بخش قابل توجهی از کتاب "الاموال" خود را به بحث درباره زکات و مسائل مرتبط به آن اختصاص داده‌اند، مانند زکات دام‌ها، پول، میوه‌ها، محصولات زراعی، طلا، نقره و جواهرات. (ابن سلام الهروی، ب.ت: 455-725).

زندگی مردم در مناطق روستایی افغانستان به شدت به دامداری و کشاورزی وابسته است، و این بخش در رشد اقتصاد افغانستان بسیار مهم است. با وجود فراوانی حیوانات در این کشور، دولت افغانستان از گذشته‌ها بدینسو هیچ برنامه‌ی منظمی برای جمع‌آوری زکات از این حیوانات ندارند، که این مسأله مانعی برای توسعه این بخش و بهبود شرایط زندگی کشاورزان و دامداران ایجاد می‌کند. به وضوح می‌توان دید که اسلام بر اهمیت پرداخت زکات از حیواناتی مانند گوسفند، بز، شتر و گاو تأکید زیادی دارد و برای کسانی که زکات این حیوانات را نمی‌دهند، وعیدهای شدید داده شده است. به عنوان مثال، ابوذر (رضی الله عنه) روایت کرده است که وی نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت، در حالی که او در سایه کعبه نشسته بود. وی می‌گوید وقتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم مرا دید، گفت: آنها زیانکارانند، قسم به خدای کعبه. گفتم: چه شده است؟ شاید چیزی درباره من نازل شده است. آنها چه کسانی هستند؟ پدر و مادرم فدای تو. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: ثروتمندان، مگر کسانی که این گونه عمل می‌کنند، و با دست خود به جلو، راست و چپ اشاره کرد (کنایه از صدقه کردن). سپس گفت: قسم به ذات که جان من در دست اوست، هیچ‌یک از شما نمی‌میرد و شتران، گوسفندان یا گاوهایی را ترک نمی‌کند که زکات آنها را نپرداخته باشد، مگر این که در روز قیامت بزرگتر و چاقتر از آنها بیایند و با سم‌های خود او را لگدمال کنند و با شاخ‌های خود او را بزنند. هر بار که آخرین آنها می‌گذرد، اولین آنها بازمی‌گردد، تا زمانی که قیامت قائم می‌گردد. (ابن سلام الهروي: 452).

بر اساس گزارش وزارت زراعت افغانستان، 31 میلیون هکتار از زمین‌های افغانستان به عنوان چراگاه حیوانات محسوب می‌شود و افغانستان قابلیت پرورش 310 میلیون حیوان، از جمله گاو، گوسفند، بز و غیره را دارد. مقامات وزارت زراعت و دامداری تأکید کرده‌اند که در ده سال آینده، افغانستان نه تنها به خودکفایی در تولید محصولات لبنی و دامداری خواهد رسید، بلکه به یکی از کشورهای صادرکننده حیوانات به کشورهای دیگر نیز تبدیل خواهد شد. (رادیو آزادی، 2021). این بدین معناست که افغانستان فرصت‌های فراوانی در زمینه پرورش حیوانات و دامداری دارد. اگر دولت افغانستان موفق به ایجاد یک سیستم منظم برای ثبت حیوانات و جمع‌آوری زکات از آنها شود، این اقدام می‌تواند گامی مهم در جهت کاهش فقر و توسعه اقتصادی کشور باشد. از سوی دیگر، زکات پول و اموال و

جواهرات نیز یکی از منابع درآمدی دولت افغانستان است که نباید نادیده گرفته شود. اگر زکات این منابع به درستی جمع‌آوری شود، می‌تواند گامی مؤثر در کاهش فقر و کمک به فقرا در کشور باشد.

تجارب کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که اگر زکات طور درست مدیریت شود می‌تواند نقشی مهمی در کاهش فقر در کشورهای اسلامی داشته باشد. کشورهای اسلامی برای مدیریت زکات از دو روش استفاده می‌کنند برخی کشورها مانند اندونیزیا موسسات غیردولتی در هماهنگی با دولت زکات را مدیریت می‌کند، این مؤسسات، بر اساس توانایی‌ها و فعالیت‌ها و امکانات خود، مردم را به‌طور نظری درباره زکات آگاه می‌سازند، سپس به ترویج و یادآوری جمع‌آوری وجوه زکات از ثروتمندان به‌صورت داوطلبانه و انتخابی می‌پردازند، و سپس به شناسایی مستحقان زکات و توزیع آن میان آنان می‌پردازند. اندونیزیا توانسته است با دادن حق مدیریت زکات به مؤسسات غیر دولتی نقشی مهمی را در جمع‌آوری زکات بازی نماید. قابل یادآوری است که این روش نقاط قوت و ضعف خود را دارد. نقطه قوت‌اش این است که مسولیت‌های دولت کم شده و مؤسسات در مدیریت زکات حکومت را کمک می‌کنند اما نقطه ضعف‌اش این است که چون پرداخت زکات جبری نیست و ضمانت اجرایی ندارد اکثریت مردم، زکات دارای‌های خود را نپرداخته و به همین سبب آمار زکات دهنده گان پایان می‌باشد. (Siti Mujiatun:2018) و در برخی کشورهای دیگر مثل مالیزیا دولت مسولیت جمع نمودن زکات را بدوش دارد. (Mohd Rodzi Embong:2013)

چندین کشور عربی و اسلامی به‌ایجاد مؤسسات مدیریت زکات روی آورده‌اند، از جمله صندوق زکات در اردن، لبنان، عمان، قطر، بحرین، مالزی، صندوق همبستگی اسلامی در امارات متحده عربی، اداره زکات در عربستان سعودی، بیت‌الزکات در کویت، دیوان زکات در سودان، مؤسسه دولتی رسمی زکات در پاکستان و ایران و صندوق زکات در الجزایر. این مؤسسات رسمی و نیمه رسمی در کمک به فقرا و نیازمندان و حمایت از یتیمان و بیوه‌ها از طریق دادن زکات نقشی مهمی داشته و در تبلیغ و نشر علوم شرعی، و نیز در کاهش مصائب و بلاهایی که مسلمانان در نقاط مختلف با آن مواجه هستند، مشارکت داشته‌اند.

در مورد این که پرداخت زکات یک امر الزامی باشد یا اختیاری دو روش در کشور های اسلامی وجود دارد، در برخی کشورها مانند ایران، بحرین، بنگلادیش، عراق، مصر، لبنان و الجزائر پرداخت زکات یک امر الزامی نبوده بل که یک امر اختیاری است و معمولاً توسط موسسات غیر دولتی زکات جمع اوری می گردد. اما در برخی کشورهای دیگر مثل عربستان سعودی، لیبیا، یمن پاکستان، سودان پرداخت زکات بالای همه کسانی که مالک نصاب شرعی اند الزامی می باشد طوری که در صدر اسلام و در زمان خلافت ابوبکر، عمر، عثمان و عمر بن عبدالعزیز بود. (فلاح محمد، 2013: 6).

از تجارب کشورهای اسلامی چون مالیزیا، اندونیزیا، پاکستان، عربستان سعودی و کشور های دیگر می توان فهمید که مدیریت درست زکات با ساختن یک اداره مستقل زکات (دولتی یا غیر دولتی) توزیع زکات به مستحقین آن و جلوگیری از سوء استفاده و فساد در این روند به وجود می آید. اگر امارت اسلامی افغانستان می خواهد از زکات منحصی یک راهکار مؤثر برای کاهش فقر استفاده نماید در مرحله اول باید یک اداره مستقل زکات و عشر را ایجاد و برای اداره فوق یک قانونی را که بتواند همه فعالیت های آن را تنظیم کند بسازد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان می دهد که زکات می تواند نقش مهمی را در کاهش فقر در افغانستان ایفا کند. زکات به عنوان یکی از ارکان اصلی اسلام، نقش قابل توجهی در کاهش فقر دارد. تجربه کشورهای اسلامی چون عربستان سعودی، اندونیزیا، مالیزیا، و غیره نشان می دهد که مدیریت درست زکات می تواند به طور موثری در کاهش فقر و افزایش عدالت اجتماعی مؤثر باشد. برای استفاده از زکات به عنوان ابزاری برای کاهش فقر در افغانستان، لازم است که سیاست ها و برنامه هایی به کار گرفته شود که جمع آوری، توزیع و مدیریت زکات را به طور صحیح و شفاف تنظیم کنند. ساختن یک اداره مستقل عشر و زکات، افزایش آگاهی عمومی، آموزش و ایجاد ساختارهای مناسب به سطح ملی و محلی برای این فرآیند از جمله گام های مهمی است که می تواند به بهبود اثربخشی زکات در کاهش فقر کمک کند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر، برای مقاله علمی "نقش زکات در کاهش فقر در افغانستان" پیشکش می گردد:

ایجاد و تقویت مدیریت سالم زکات: ایجاد یک اداره مستقل و معتبر برای جمع‌آوری و مدیریت زکات در سطح کشور، طوری که از شفافیت و کارایی بالایی برخوردار باشد. این اداره باید با استفاده از فناوری‌های نوین، اطمینان از شناسای مستحقین واقعی، تثبیت زکات دهنده‌گان، توزیع دقیق و عادلانه زکات را فراهم کند.

افزایش آگاهی دهی عمومی: اداره زکات و در مجموع دولت‌مردان باید برنامه‌های مشخصی آموزشی و اطلاع‌رسانی را به جامعه در موضوعات چون: اهمیت زکات از دید اسلام، مؤثریت زکات در کاهش فقر، عواقب عدم پرداخت زکات و موضوعات مرتبط دیگر برگزار نمایند. افزایش آگاهی مردم از وظیفه دینی و اجتماعی خود در ارتباط با زکات، می‌تواند به بهبود توجه و مشارکت عمومی در این زمینه کمک کند.

توسعه ساختارهای محلی: برای ایجاد اثربخشی بیشتر در جمع‌آوری و توزیع زکات، لازم است ساختارهای مناسب در سطح ولایت، ولسوالی‌ها و قریه‌جات ایجاد و تقویت شود.

قانونمند ساختن روند مدیریت، جمع و توزیع زکات: طوریکه یک قانون جامع برای اداره زکات ساخته شود تا مطابق آن همه فعالیت‌های این اداره تنظیم گردد.

منابع

- ابن عابدین، محمد امین. (2000م). حاشیة رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة، ج 2. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر.
- إرشید، محمود عبد الکریم. (2008م). "الحد من الفقر في الاقتصاد الإسلامي" مجلة جامعة القدس المفتوحة للأبحاث والدراسات، العدد: 13، 2008، ص 236.
- بخاری، محمد بن إسماعیل. (1422هـ ق). صحیح البخاری، ج 4، بیروت: دار طوق النجاة. بوشامه، مصطفی وحواس مولود. (2010). "معالجة مشكلة الفقر من منظور الاقتصاد الإسلامي"، في المجلة الجزائرية للعولمة والسياسات الاقتصادية، ص 178.
- جوهری، إسماعیل. (ب.ت). الصحاح، ج 2. مكة المكرمة: طبعة شربتلي.
- حکیمی، محمدرضا. (1368). الحياة. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، .
- رادیو آزادی، " چرا تعداد مواشی در افغانستان کاهش یافته است؟" (2021).

<https://da.azadiradio.com/a/26671785.html>

زهار ولید، أثر الزکاة كأداة من أدوات النظام المالي الإسلامي في الحد من الفقر-حالة السودان، (جامعة محمد البشير الإبراهيمي برج بوعریريج، 2016) ص 10.

- شعبانی، احمد، کاشیان، و عبدالمحمد. (2013). زکات پول از منظر فقه فریقین و بررسی ظرفیت بالقوه آن در فقرزدایی (مطالعه سالهای 1387 تا 1389 اقتصاد ایران). مطالعات اقتصاد اسلامی، 6(1)، 35-60.
- فلاح، محمد وسماعی صلیحه. (2013م). دور التطبيقات المعاصرة للزكاة في تحقيق التنمية. الجزائر: جامعة سعد.
- مهدي، رباح أحمد. (ب.ت). "الفقر وأثره على الفرد والمجتمع". بغداد: لجامعة المستنصرية، كلية الأدب قسم الأثروبولوجيا والاجتماع، ص 1-2.
- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية. (1404هـ ق). الموسوعة الفقهية الكويتية، ج 23. الكويت: وزارة الأوقاف الكويتية.
- وزارت مالیه افغانستان، "جلسة مقدماتی چگونگی جمع آوری عشر وزکات دایر گردید" 20 نوامبر 2021 المیلادی، <https://mof.gov.af>
- هروي، أبو عبيد قاسم بن سلام. (1989م). كتاب الأموال. بيروت: دارالشروق.
- ADB, "The Asian Development Bank and Afghanistan", accessed on 9/9/2021, from www.adb.org/counyties/afghanistan/poverty
- Embong, Mohd Rodzi and Roshaliza Taha and Mohd Nazli Mohd nor. (2013). "Role of Zakat to Eradicate Poverty in Malaysia" *Jurnal Pengurusan*, Vol.39.Pp. 141 – 150.
- Mujiatun, Siti.(2018). "Model of professional zakat management in indonesia." in *International Journal of Economics, Business and Management Research*, Vol. 2, 4.2018. Pp. 80-90.
- UNDP, "97 Percent of Afghans could Plunge into Poverty by mid 2022" (UNDP: UNDP website, 2021) accessed in 7 November 2021 from <https://www.undp.org/press-releases/97-percent-afghans-could-plunge-poverty-mid-2022-says-undp>

المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها لدراسة سيرة النبوية

الاستاذ دكتور غلام مصطفى نخبه

قسم التعليمات الإسلامية، كلية الشريعة، جامعة كابول أفغانستان

D.nukhba24@ku.edu.af

2293-8297-0090006

الكاتب

البريد الإلكتروني

معرف اركايد

الملخص

تهدف هذه الدراسة للتعريف بمصادر ومنابع سيرة النبوية ﷺ، كما هو معلوم أن منابع سيرة النبوية تمثل كنزاً لا يُضاهى من الحكم والعبر والدروس التي يمكن استخلاصها من حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم. فهو قدوة للمسلمين في جميع جوانب الحياة، سواء كانت دينية أو اجتماعية أو سلوكية. يمكننا من خلال دراسة سيرته الشريفة أن نتعلم كيف كان يتعامل مع الناس، وكيف كان يفكر ويتصرف في المواقف المختلفة التي مر بها. ومن المهم أيضاً أن نفهم السياق التاريخي والاجتماعي الذي عاش فيه النبي محمد صلى الله عليه وسلم، وكيف تأثرت حياته بالظروف التي كانت تحيط به. فهذا يساعدنا على فهم أسباب وملابسات الأحداث التي وقعت في ذلك الوقت، وكيف تصرف النبي صلى الله عليه وسلم في ظل هذه الظروف. اتبعت في انحاز هذا البحث منهجاً وصفيّاً وتحليلياً واستخدام موارد وبيانات المكتبة معتمداً على أمهات الكتب والمقالات العلمية المتعلقة بالموضوع. توصلت من خلال هذه الدراسة، إلى أن منابع سيرة النبوية تعتبر من الكنوز الثمينة التي توثق حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم وتعلمنا دروساً عظيمة في الإيمان، الأخلاق، والسلوك الحسن. وأيضاً إن منابع سيرة النبوية تتنوع وتشمل الكتب التاريخية، والحديث النبوي، والسير المؤلفة عن حياة النبي صلى الله عليه وسلم، والكتب التفسيرية التي توضح سياق الآيات القرآنية التي تتحدث عن حياة النبي. باختصار، منابع سيرة النبوية تمثل إرثاً عظيماً للإنسانية بأسرها، وتحتوي على دروس وعبر لا تُقدّر بثمن. وهي تعتبر دليلاً واضحاً على عظمة النبي محمد صلى الله عليه وسلم كقائد ورسول، وتعطينا نموذجاً يحتذى به في تحقيق النجاح والسعادة في الدنيا والآخرة.

الكلمات الرئيسية: المصادر، المصادر الرئيسية، المصادر التكميلية، السيرة النبوية ﷺ.

The primary sources that can be relied upon for the study of the Prophetic biography (Seerah)

Author
E-mail
Orcid

Prof. Dr. Ghulam Mustafa Nukhba

Islamic Studies Department, Shariah Faculty, Kabul
University, Kabul Afghanistan
D.nukhba24@ku.edu.af
2293-8297-0090006

Abstract

This study aims to introduce the sources and origins of the Prophetic biography (Seerah) of Prophet Muhammad (peace be upon him). It is well known that the sources of the Seerah are an unparalleled treasure of wisdom, lessons, and morals that can be drawn from the life of the Prophet Muhammad. He serves as a role model for Muslims in all aspects of life, whether religious, social, or behavioral. Through the study of his noble biography, we can learn how he interacted with people, how he thought and acted in various situations he encountered. It is also crucial to understand the historical and social context in which the Prophet Muhammad lived, and how his life was influenced by the surrounding circumstances. This understanding aids in grasping the reasons behind the events that took place at that time and how the Prophet (peace be upon him) acted under those conditions.

This research followed a descriptive and analytical methodology, relying on library resources and data, particularly major works and scholarly articles related to the subject. The study concluded that the sources of the Prophetic biography are invaluable treasures that document the life of the Prophet Muhammad (peace be upon him) and provide significant lessons in faith, morality, and good conduct. The sources of the Seerah are diverse, encompassing historical books, Prophetic traditions (Hadith), biographies written about the Prophet's life, and exegetical works that explain the context of Qur'anic verses related to his life.

In summary, the sources of the Seerah represent a magnificent legacy for all humanity, containing priceless lessons and insights. They serve as clear evidence of the greatness of Prophet Muhammad as a leader and messenger, providing us with a model to emulate for achieving success and happiness in both this world and the hereafter.

Keywords: sources, primary sources, supplementary sources, Prophetic biography (Seerah) of Prophet Muhammad (peace be upon him).

المقدمة

تاريخ الإسلام وحياء النبي محمد صلى الله عليه وسلم يعتبران من أهم الموضوعات التي تهتم كل مسلم، فهما يشكلان أساساً للعقيدة الإسلامية والسلوك الديني الصحيح. ولذلك، فإن منابع سيرة النبوية تعتبر من الكنوز الثمينة التي توثق حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم وتعلمنا دروساً عظيمة في الإيمان، الأخلاق، والسلوك الحسن.

مشكلة الدراسة

تعد سيرة النبي محمد ﷺ من أهم المواضيع التي تحظى باهتمام كبير في الدراسات الإسلامية، حيث تشكل مصدراً رئيسياً لفهم شخصية النبي ﷺ، وتعاليمه، وأفعاله التي تعد نموذجاً يحتذى به للمسلمين في جميع جوانب حياتهم. ومع ذلك، تواجه الدراسات المتعلقة بالسيرة النبوية تحديات كبيرة تتعلق بمصادر هذه السيرة. هناك تساؤلات حول مدى مصداقية المصادر المختلفة، وطرق تصنيفها، والاعتماد على بعضها دون الآخر. كما تبرز الحاجة إلى تحديد المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها كمرجع دقيق وموثوق لدراسة السيرة النبوية، مع الأخذ في الاعتبار اختلاف الروايات والمناهج التي اتبعها العلماء في توثيق حياة النبي ﷺ.

هذا البحث يهدف إلى توضيح أهم المصادر الرئيسية التي يعتمد عليها العلماء في دراسة السيرة النبوية، والتمييز بين المصادر الأولية والتكميلية، مع تحليل مدى موثوقيتها وأهميتها في تقديم صورة دقيقة وشاملة عن حياة النبي ﷺ.

أسئلة البحث

1. ما هي المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها لدراسة سيرة النبوية؟
 2. كيف يمكن استخدام السنة النبوية كمصدر رئيسي لدراسة حياة النبي محمد -ﷺ؟
 3. ما دور الكتب التاريخية في فهم ودراسة سيرة النبوية؟
 4. كيف يمكن استخدام الأحاديث النبوية في توثيق وتحليل سيرة النبي محمد -ﷺ؟
- علاوة على ذلك، تعتبر منابع سيرة النبوية مصدراً للحكمة والقيم الإنسانية العظيمة، حيث يمكن للمسلمين الاستفادة من تجارب النبي محمد صلى الله عليه وسلم في مواجهة التحديات والصعوبات التي قد تواجههم في حياتهم اليومية.

اهداف البحث

دراسة سيرة النبوية هي مجال بحثي هام تهدف إلى فهم وتحليل حياة النبي محمد -ﷺ- وسيرته النبوية. تعتبر المصادر الرئيسية لهذه الدراسات من أهم الأدوات التي تساهم في توثيق وتحليل هذه السيرة العظيمة. من بين هذه المصادر الرئيسية تأتي السنة النبوية والأحاديث النبوية التي تحتوي على أقوال وأفعال النبي محمد -ﷺ-. بالإضافة إلى ذلك، تعتمد دراسات السيرة النبوية على الكتب التاريخية التي توثق تفاصيل وأحداث حياة النبي -ﷺ-. توجد أيضاً الأفلام والمسلسلات الوثائقية التي تقدم رؤى مختلفة حول سيرة النبوية وتعمل على نشر المعرفة حول حياة النبي محمد -ﷺ-. إن دراسة سيرة النبوية تعتبر مصدر إلهام وتأمل للمسلمين وتساهم في تعزيز القيم الإسلامية وفهم الدين بشكل أعمق. وبشكل خاص تهدف هذه الدراسة إلى الأهداف التالية:

(1) تحديد المصادر الرئيسية لدراسة سيرة النبوية وتوضيح أهميتها في فهم تاريخ الإسلام وحضارته.

(2) تحديد طرق استخدام هذه المصادر بشكل فعال لتعزيز المعرفة بحياة وسيرة النبي محمد -ﷺ-.

(3) تسليط الضوء على الأهداف التي يمكن تحقيقها من خلال دراسة السيرة النبوية وتأثيرها على المجتمع الإسلامي.

(4) توجيه البحث والدراسات نحو استكشاف وتحليل المصادر الرئيسية لدراسة سيرة النبوية لإثراء المعرفة والفهم الشامل.

بالإضافة إلى ذلك، تساهم دراسة سيرة النبوية في تعزيز الهوية الإسلامية وتعميق الانتماء للإسلام كدين وسلوك حياتي، وهذا يساعد في بناء شخصية مسلمة قوية وثابتة على العقيدة والمبادئ الدينية.

إن منابع سيرة النبوية تعتبر أصلاً أساسياً لفهم الإسلام بشكل صحيح، وتعزيز الوحدة والتعاون بين المسلمين، وتعزيز القيم الإنسانية والثقافية الإسلامية، وتحقيق النمو الروحي والفكري للفرد المسلم.

اتبعت في انجاز هذا البحث منهجاً وصفيّاً وتحليلياً واستخدام موارد وبيانات المكتبة معتمداً على أمهات الكتب والمقالات العلمية المتعلقة بالموضوع.

الدراسات السابقة

من خلال تحليل مصادر السيرة النبوية بشكل دقيق ونقدي، يمكن للدارسين أن يكتشفوا عمق الرسالة النبوية وأهميتها في بناء الشخصية الإسلامية وتوجيه الفرد والمجتمع نحو الخير والتطور. تعتبر مصادر السيرة النبوية مصدراً غنياً بالمعرفة والحكمة، وتستحق الدراسة والتحليل العميق لاستنباط العبر والدروس من حياة النبي محمد -ﷺ-، ولذلك، اهتم بعض علماء السيرة بالتأليف والتصنيف حول مصادر السيرة النبوية، وفيما يلي بعض من هذه التصانيف:

1. كتاب "مصادر السيرة النبوية ومقدمة في تدوين السيرة"، من تأليف الدكتور محمد يسرى سلامة، وقد قدمه الأستاذ الدكتور بشار عواد معروف. تم طباعة الكتاب في دار الندوة للنشر والتوزيع عام 1431 هـ.
 2. بحث "مصادر السيرة النبوية بين المحدثين والمؤرخين"، تأليف الدكتور عبد الرزاق هرماس، الذي قدم لنيل جائزة نايف بن عبد العزيز آل سعود العالمية للسنة النبوية والدراسات الإسلامية المعاصرة عام 1428 هـ / 2007 م، وكتبه في كلية الآداب بجامعة ابن زهر في أكادير بالمغرب.
 3. كتاب "مصادر السيرة النبوية وتقويمها"، من تأليف الدكتور فاروق حمادة، وتم طباعته في دار القلم بدمشق.
 4. مقالة بعنوان "مصادر كتابة السيرة النبوية (دراسة نقدية)"، كتبها مروان فياض مرعي النعيمي، ونُشرت في مجلة التربية والعلم، المجلد 19، العدد 5، لعام 2012 م.
- توصلت بعد هذه الدراسة إلى أن منابع سيرة النبوية تعتبر من الكنوز الثمينة التي توثق حياة النبي - محمد صلى الله عليه وسلم - وتعلمنا دروساً عظيمة في الإيمان والأخلاق، والسلوك الحسن.
- ثانياً: إن منابع سيرة النبوية متنوعة وتشمل الكتب التاريخية، وكتب الحديث النبوي، وكتب السيرة عن حياة النبي -ﷺ-، والكتب التفسيرية التي توضح سياق الآيات القرآنية التي تتحدث عن حياة النبي -ﷺ-.
- الغرض من هذا المقال، الذي تم إجراؤه بالطريقة المذكورة بيان المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها لدراسة سيرة النبوية ﷺ، لذلك واصلت بحثي في الموضوع على النحو التالي: مصادر السيرة النبوية ﷺ، مدى ضرورة للتعريف بمصادر ومراجع سيرة النبوية ﷺ.

مصادر رئيسية أو أصلية، المصادر الثانوية أو التكميلية، واختتمته بذكر نتائج البحث وذكر المصادر.

أهمية البحث

ضرورة دراسة وأهمية منابع سيرة النبوية تكمن في عدة نقاط، أهمها:

فهم الصحيح الإسلام: من خلال دراسة سيرة النبي يمكن للمسلمين فهم الدين الإسلامي بشكل أفضل وأعمق، وهذا يساعدهم على تطبيق تعاليم الدين في حياتهم اليومية. الوقاية من الأخطاء: يمكن لدراسة سيرة النبي أن تحمي من الوقوع في الأخطاء والتحريفات التي قد تطرأ على تفسيرات الدين، فهي تعتبر المرجع الأساسي لفهم الإسلام بشكل صحيح.

الإلهام والباعث: تعتبر سيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم مصدراً للإلهام والباعث للمسلمين، فهي تحكي قصة رجل عظيم استطاع تحقيق النجاح والتميز في كل جوانب حياته.

من الضروري أيضاً دراسة منابع سيرة النبوية لتعزيز الوحدة والتلاحم بين المسلمين، حيث تعتبر سيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم رمزاً للوحدة الإسلامية والتسامح بين المسلمين. إذ يمكن لتعلم وفهم سيرة النبي أن يسهم في تقوية روابط الأخوة والتعاون بين أفراد الأمة الإسلامية.

النتائج التي تم العثور عليها

مصادر السيرة النبوية ﷺ

كل علم له مراجع ومصادر خاصة به، فالسيرة النبوية ﷺ، مثل العلوم الأخرى، لها مصادر محددة تستخدم كمصدر لها. والمصدر هناك العديد من المصادر الرئيسية التي يمكن الاعتماد عليها لدراسة سيرة النبوية، ومن أبرزها:

القرآن الكريم: يحتوي القرآن على العديد من الآيات التي تتحدث عن حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم، وعن تعاليمه وسننه. وبالتالي، يعتبر تدبر آيات القرآن المتعلقة بسيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم مصدراً هاماً لفهم حياته ومبادئه.

السنة النبوية: تعتبر السنة النبوية أو الحديث النبوي مصدراً أساسياً لفهم سيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم. فهي تسجل أقواله وأفعاله وتقريراته، ووصافه ﷺ.

كتب السيرة النبوية: هناك عديد من الكتب التي تناولت سيرة النبي محمد صلى الله عليه وسلم بشكل مفصل، مثل "السيرة النبوية" لابن هشام. تلك الكتب توفر تفاصيل وافية حول حياة النبي وتساعد في فهمها بشكل شامل.

الكتب التاريخية: بالإضافة إلى السنة النبوية، يمكن الرجوع إلى الكتب التاريخية التي تسجل الأحداث التي حدثت في عهد النبي محمد صلى الله عليه وسلم، مثل كتب الأحاديث والتاريخ الإسلامي.

باختصار، هذه المصادر تعتبر الأساس في دراسة سيرة النبوية وفهمها بشكل صحيح وشامل، وتساعد في استقاء الدروس والعبر من حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم. قسّم ضيف الله الزهراني مصادر السيرة النبوية إلى قسمين؛ الأول المصادر الرئيسية والثاني المصادر التكميلية.

1- المصادر الرئيسية أو الأصلية، وهى على النحو التالي:

- القرآن الكريم.
- كتب السنة النبوية.
- كتب السيرة المختصة.
- كتب الشمائل والدلائل.

2- المصادر التكميلية، وهى على النحو التالي:

كتب التراجم، والرجال، والأنساب، ودواوين الأدب وغيرها مما يورد عرضاً حديثاً عن سيرة النبي الله صلى الله عليه وسلم (الزهراني، ص: 3).

إلا أن معظم مؤلفي كتب السيرة النبوية ذكروا مصادر السيرة كالتالي:

القرآن الكريم، والكتب السنة، وكتب المغازي والسير، وكتب الشمائل النبوية وكتب دلائل النبوة، وكتب التاريخ العام وتاريخ الحرمين الشريفين، وكتب الأدب واللغة. أظن أن هدف الجميع هو نفسه، لكن التعابير مختلفة. وتجدر الإشارة إلى أن هذه المصادر ليست على درجة سواء في الأخذ منها والاعتبار عليها، بل تتفاوت بحسب قيمتها، ويأتي في مقدمتها القرآن الكريم فهو أوثق هذه المصادر وأصحها، ثم كتب السنة، ثم كتب المغازي والسير، ثم كتب الشمائل النبوية ودلائل النبوة، ثم كتب التاريخ العام وتاريخ الحرمين الشريفين، ثم كتب الأدب واللغة.

مدى ضرورة للتعريف بمصادر ومراجع سيرة النبوية ﷺ

من المهم بشكل كبير التعريف بمصادر ومراجع سيرة النبوية لعدة أسباب:
توثيق المعلومات: بتقديم المصادر والمراجع المستخدمة في دراسة سيرة النبوية، يمكن للقارئ أو الباحث التحقق من صحة المعلومات وثبوتها. فتوثيق المصادر يساعد في تأكيد مصداقية النصوص والمعلومات المقدمة.

تعزيز الثقافة العلمية: عند الإشارة إلى المصادر والمراجع في دراسة سيرة النبوية، يتضح للقارئ أهمية البحث العلمي والاعتماد على مصادر موثوقة. وهذا يساهم في تعزيز الوعي العلمي والثقافي لدى المهتمين بدراسة حياة النبي محمد صلى الله عليه وسلم. تسهيل الوصول إلى المعلومات: عندما يتم توضيح المصادر والمراجع، يمكن للطلّاعين والباحثين الرجوع إليها والاستفادة منها في دراساتهم وأبحاثهم. وبذلك يتيح ذلك للجمع الوصول إلى المعلومات بسهولة ويسر.

الاحترام للعلماء والباحثين: بذكر المصادر والمراجع، يُظهر الباحث احترامه لأعمال العلماء والمؤرخين الذين عملوا على توثيق سيرة النبوية. وهذا يعزز الاحترام والتقدير لجهودهم في هذا المجال.

بهذه الطريقة، يظهر أهمية توضيح مصادر ومراجع سيرة النبوية، وكيف يمكن أن يساهم ذلك في تعزيز الثقافة العلمية والمعرفية وتوثيق الحقائق والمعلومات.

مصادر رئيسية أو أصلية

1. **القرآن الكريم:** القرآن الكريم أصح وأدق مصدر للسيرة النبوية، من قرأ القرآن بعناية سيجد أن هذا الكتاب المقدس يصور حياة رسول الله صلى الله عليه وسلم صراحة أو ضمناً، ورد في هذا الكتاب عدة آيات تتحدث عن مراحل حياة الرسول صلى الله عليه وسلم. على سبيل المثال في سورة الضحى يتحدث عن طفولة النبي - صلى الله عليه وسلم - يقول سبحانه وتعالى: {الَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (6) وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (7) وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى} [الضحى: 6 - 8]..، وفي عدد من الآيات يتحدث عن بداية نزول الوحي علي النبي - صلى الله عليه وسلم - {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (3) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ} [العلق: 1 - 5]، وفي عدد من الآيات يتحدث عن غزواته صلى الله عليه وسلم، مثل غزوة بدر {وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ، بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم

مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ} [آل عمران آية: 123-126]. {وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} [الأنفال: آية 17] {إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ} [الأنفال: آية 12]، غزوة أحد {إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ} [آل عمران: آية 155]. {إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُحْرَاكُمْ فَأَبَابَكُمْ غَمًّا بِعَمَّ لَكِنَّا تَحَزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ} [آل عمران: آية 153]. {ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ} [آل عمران: آية 154].

{وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ} [آل عمران: آية 169].

{وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} [آل عمران: آية 139]. {إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوَلَهَا بَيْنَ النَّاسِ} [آل عمران: آية 140]، غزوة الخندق {وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا} [الأحزاب: آية 12]. {يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَحْزَابِ يَسْأَلُونَ عَنِ آبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا} [الأحزاب: آية 20]

{إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا، هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا} [الأحزاب: آية 10-11] . {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا} [الأحزاب: آية 9]. {وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا} [الأحزاب: آية 25]، غزوة الحنين {وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَابَسَتْ} [سورة التوبة: آية 25].

{ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا} [سورة التوبة آية: 26]، ونحوها كما تتضمن صراحة حالات الجهاد والتعامل مع الخصوم والأعداء، وتحدث عن بعض معجزاته، كمعجزة الإسراء والمعراج {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} [الإسراء: 1].

ومع ذلك يقول محمد يسرى "سلامة" في كتابه: "وقد عدَّ بعض المصنفين القرآن الكريم كأول مصادر السيرة وأهمها، وأرى أن يُنزه القرآن العظيم - كلام الله تعالى - عن هذا الوصف، وأن يدرج في قائمة ما، وإن جاء في طليعتها وأرأسها. ولا ريب أن الكتاب العزيز مصدر لجميع العلوم والمعارف الظاهرة والباطنة، ولكن ذكره في سياق كهذا أمر لا يليق. وتوفّر كتب التفسير المسندة مادةً ثريّةً في أبواب السيرة، وذلك في سياق تأويل الآيات وبيان أسباب نزولها" (سلامة: ص: 122).

2. **كتب السنة:** السنة النبوية هي المصدر الثاني للتشريع الإسلامي. وهي التي جمعت أقوال الرسول عليه السلام وافعاله وتقريراته وصفاته، ونظراً للارتباط الوثيق بين السنة النبوية والسيرة النبوية نجد عدداً كبيراً من كتب الأحاديث مثل: صحيح البخاري، صحيح مسلم، وسنن الترمذي، وسنن أبي داود، والنسائي، وابن ماجه، وموطأ مالك، ومسند أحمد، وغيرها من كتب الأحاديث التي ركزت على سيرة النبي صلى الله عليه وسلم وذكرها ما يتعلق بحياة الرسول صلى الله عليه وسلم - وغزواته، وخصائصه، ومناقبه وشمائله.

3. **كتب المغازي والسيرة:** هي الكتب التي تعنى بصفة أساسية بمغازي رسول الله صلى الله عليه وسلم وحروبه. لقد كانت السيرة النبوية ولاسيما المغازي تحت عناية المسلمين من الأوائل أو من زمن الطويل تصل تاريخها منذ صدر الاول، وكانت هذه العناية واضحة عند أولاد الصحابة رضي الله عنهم، وهم يسألون آباءهم عن مشاهدتهم مع رسول الله صلى الله عليه وسلم، وذكرياتهم عنها، لأن هؤلاء الأبناء كانوا يعتزون بسابقة آباؤهم أو بمواقفهم المشرفة إلى جانب النبي - صلى الله عليه وسلم - وتأتي هذه الكتب من حيث الدقة بعد القرآن الكريم، وكتب الحديث النبوي الشريف. ومما يعطيها قيمة علمية كبيرة، أن أوائلها كتب على يد جيل كبار التابعين، حيث كان الصحابة موجودين،

ولم ينكروا عليهم كتابة مغازي رسول الله صلى الله عليه وسلم، وهذا يعني إقراراً لما كتب (البكري، ص: 42-43).

وقد اختص بعضهم بالعناية التامة بها، أمثال أبان بن عثمان بن عفان رضي الله عنه (المتوفى: 105هـ) وعروة بن الزبير بن العوام (المتوفى: 93هـ) ومن صغار التابعين عبد الله بن أبي بكر الأنصاري (المتوفى: 135هـ) ومحمد بن مسلم بن شهاب الزهري (المتوفى: 124هـ) الذي جمع السنة في عهد عمر بن عبد العزيز بأمره، وعاصم بن عمر بن قتادة الأنصاري (المتوفى: 129هـ).

ثم جاء بعدهم محمد بن إسحاق بن يسار (المتوفى: 152هـ)، وكتب كتاب المغازي، ثم بعده محمد بن عمر الواقدي (المتوفى: 207هـ) وكتب كتاب المغازي المعروف بكتاب المغازي للواقدي وظهر بعده أبو محمد، عبد الله بن هشام الحميري المعافري (المتوفى: 218هـ) واختصر كتاب مغازي ابن إسحاق وسماه السيرة النبوية (السباعي: ص: 28-29).

4. **كتب الشمائل والدلائل:** ورد في القرآن الكريم آيات عديدة تتحدث عن رسول الله ورسالته، وكذا وفي كتب السنة، خصص ابواباً لبيان علامات النبوة، كما خصص الإمام البخاري (المتوفى: 256هـ) في صحيحه باباً مستقلاً لذكر علامات النبوة، وخصص الإمام مسلم نيسابوري (المتوفى: 261هـ) باباً لمعجزات النبوة وفي مسند الإمام أحمد (المتوفى: 241هـ) ذكر العديد من النصوص عن دلائل النبوة. ومع ذلك، تجدر الإشارة إلى أنه قد تم تأليف كتب مستقلة في الشمائل النبوية، وهي الكتب التي تبحث عن جوانب مهمة من سيرة الرسول صلى الله عليه وسلم في أخلاقه، وهديه، وعبادته مثل: ✓ كتاب "الشمائل النبوية، والخصائص المصطفوية" للإمام الحافظ الترمذي (ت 279هـ).

✓ كتاب "أخلاق النبي وآدابه" للشيخ عبد الله بن محمد بن حيان الأصبهاني (ت 369هـ).

✓ كتاب "شرف المصطفى" لأبي سعيد عبد الملك بن محمد النيسابوري (ت 406هـ).

✓ كتاب "شمائل النبي" لأبي العباس المستغفري (ت 432هـ).

✓ كتاب "الشفاء بتعريف حقوق المصطفى" للقاضي عياض (ت 544هـ).

✓ كتاب "الوفاء بأحوال المصطفى" لابن الجوزي (ت 597هـ)، (البكري، ص: 32).

5. والدلائل النبوة، والتي تعتبر المصدر الثالث للسيرة النبوية، ويُعرّف العلماء الدلائل النبوية: " بأنها الحجج البالغة القاطعة، والبراهين الواضحة الساطعة، الدالة على صدق وصحة نبوة سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم، وعلى شمول وعموم رسالته، بدلالات واضحة لا جدل فيها"، وسوف نذكر عدد تلك الكتب على النحو التالي:

- كتاب صفة النبي - صلي الله عليه وسلم - لأبي البخري وهب بن وهب الأسدي (المتوفى: 200هـ).
- كتاب صفة النبي، صلي الله عليه وسلم - لأبي الحسن، علي بن محمد المدائني (المتوفى: 224هـ).
- كتاب صفة أخلاق النبي، صلي الله عليه وسلم، لداود علي الأصبهاني (المتوفى: 270هـ)، (الزهراني، ص: 32).
- دلائل النبوة، لمحمد بن يوسف بن واقد الفريابي (المتوفى: 212هـ).
- آيات النبي، لعلي بن محمد المدائني (المتوفى: 225هـ).
- أعلام النبوة، لداود بن علي الأصبهاني (المتوفى: 270هـ) (الزهراني، ص: 35).
- أعلام رسول الله " صلى الله عليه وسلم، لابن قتيبة (ت 276هـ).
- أعلام النبوة" لابن أبي حاتم (ت 327هـ).
- تثبيت دلائل النبوة" للقاضي عبد الجبار المعتزلي (ت 415هـ).
- دلائل النبوة" لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني (ت 430هـ).
- دلائل النبوة" لأبي العباس جعفر بن محمد المستغفري (ت 432هـ).
- دلائل النبوة" لأبي القاسم إسماعيل الأصفهاني (ت 535هـ).
- أعلام النبوة" لأبي الحسن علي بن محمد الماوردي (ت 450هـ) (البكري، ص: 35)، (حمادة: ص: 39-141) (مرداس: 2021م).

المصادر الثانوية أو التكميلية

1. كتب التاريخ

هناك مجموعة الكثيرة من الكتب التي تحدثت عن التاريخ والسيرة النبوية، وهي في المرتبة الثانية بعد المصادر الرئيسية أو الأصلية للسيرة النبوية من حيث الصحة والدقة، فهذه الكتب ونحوها، إذا كانت تتحدث عن التاريخ من جهة، فهي تتحدث أيضًا عن

السيرة الرسول صلى الله عليه وسلم واحواله وأخلاقه، وغزواته وتعاملاته ونحو ذلك. ونذكر منها:

➤ كتب جمعت بين التاريخ والسيرة:

- تاريخ الأمم والملوك لمحمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الشهير بالإمام أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ) (أحمد: ص: 42).
- تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي (المتوفى: 748هـ).
- البداية والنهاية لعلماد الدين أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير، المعروف بابن كثير (المتوفى: 774هـ).

➤ كتب تتحدث عن التاريخ مكة والمدينة:

- أخبار مكة للأزرقي: (المتوفى: 233هـ).
- أخبار المدينة لعمر بن شبة: (المتوفى: 262هـ) (سعد المرصفي، ج: 1، ص: 144)، (النعمي: 2021م).

➤ كتب الأدب والشعر:

غالبًا ما تحتوي كتب الشعر والأدب التي كتبها علماء في العصر الإسلامي أو في البلاد العربية على نصوص ومشاهد مرتبطة بشكل مباشر أو غير مباشر بالسيرة النبوية. يجد المطلعون على كتاب المغازي لابن إسحاق أو السيرة النبوية لابن هشام أنهم ذكروا في كتبهم الآيات الشعرية كثيرة تصور وقائعاً وأحداثاً تتعلق بالسيرة النبوية صلى الله عليه وسلم. ولذلك نرى فإن علماء السيرة النبوية، يعدّ هذه الكتب الأدبية والشعرية من المصادر التكميلية للسيرة النبوية صلى الله عليه وسلم، نذكر منها:

- كتاب البيان والتبيين، لأبو عثمان عمرو بن بحر المعروف بالجاحظ؛ (المتوفى: 255هـ).
- كتاب المعارف، لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (المتوفى: 276هـ).
- كتاب الشعر والشعراء، لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (المتوفى: 276هـ).

➤ كتب التراجم الصحابة

وتعتبر كتب تراجم الصحابة من المصادر الثانوية التكميلية للسيرة النبوية، لأن الحديث عن الصحابة يقتضي الحديث عن السيرة النبوية. وكانت الصحابة-رضي الله تعالى عنهم- هم الذين رافقوا رسول الله صلى الله عليه وسلم في جميع الأحوال سواء في الرحلة والسفر أو في الحضور وشاركوا في الغزوات مع رسول الله صلى الله عليه وسلم، ورفعوا راية الإسلام وجاهدوا في سبيل الله لتكون كلمة الله هي العليا ولم يمتنعوا من التضحية بالنفس، والمال في الإسلام. لذلك يمكننا القول بأن حياة الصحابة كانت عجيبة متداخلة مع السيرة النبوية، وذكر أحدهم يتطلب ذكر الآخر. أي أن ذكر الصحابة مستلزم لتذكر رسول الله- صلى الله عليه وسلم- في الأمور كلها. الكتب حول تراجم الصحابة، نذكر منها:

- كتاب الطبقات الكبرى، لأبي عبد الله محمد بن سعد بن منيع، المعروف بابن سعد (المتوفى: 230هـ).
- كتاب تاريخ الصحابة، للأمام أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (المتوفى: 256هـ).
- كتاب أسد الغابة في معرفة الصحابة، لعز الدين أبي الحسن الجزري الموصلية (555-630هـ). المعروف بابن الأثير الجزري (المتوفى: 630هـ).
- كتاب الإصابة في تمييز الصحابة، لشهاب الدين أبو الفضل احمد بن على المعروف بابن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ).

➤ كتب البلدان

الكتب التي كتب في البلدان، هي أيضاً مصادر للسيرة النبوة، ولاسيما الكتب المكتوبة حول شبه الجزيرة العربية، لأن في كتب البلدان يتم التركيز على المجالات المتعلقة بالدول والمدن والتي يتم فحصها بالشكل التفصيلي. في هذا الكتب، يتم فحص المناطق والقرى والجزارين والجداول والوديان والجبال والطرق المختلفة، كما يحددون المحاصيل والزراعة والإنتاج ومستوى المعيشة والمسافات بين الأماكن ويفحصون القبائل والجماعات التي تعيش في نفس المناطق، وجرت أحداث متعلقة بالسيرة النبوية في الجزيرة العربية، لذلك، فإن الحديث في حالات مختلفة ومن زوايا مختلفة حول الجزيرة العربية ترتبط بشكل من الأشكال بمحتوى السيرة النبوية، نذكر منها:

- كتاب المسالك والممالك، لأبي القاسم عبيدا لله بن عبد الله المعروف بابن خرداذبة (المتوفى: 272هـ).

- كتاب الأعلاق النفيسة، لأحمد بن عمر ابو علي المعروف بابن رسته (المتوفى: 290هـ). وغير ذلك من الكتب التاريخية (الزهراني، ص: 62) (مرداس: 2021م).

مصادر السيرة عند المؤرخين: قال هرماس في كتابه: "مدارس الكتابة في السيرة النبوية، كلها تعتمد على المصادر الأساسية في هذا الفن، وهي القرآن الكريم، ومرويات الحديث النبوي، والشعر العربي المواكب لفترة السيرة، وما تفرع عن هذه المصادر من كتب واتجاهات، غير أن أصحاب مدرسة التاريخ، من قصاصين وأخباريين وأصحاب سير ومؤرخين، تميزوا عن غيرهم بمصادر أخرى غير مألوفة عند أصحاب الحديث"، ثم يقول: "ومن أبرز هذه المصادر: القصص، والحكايات، والإسرائيليات، ونصوص العهدين القديم والجديد، وأقوال أهل الكتاب، بالإضافة إلى المعاينة والمشاهدة اللصيقة لأماكن السيرة النبوية من ساحات ومعارك، وبيوت، وغيرها" (هرماس: ص: 270). ولكن قال النعيمي في مقالته: "ويلحق بالمصدر الأول (القرآن الكريم): كتب التفسير وأسباب النزول، ففيها كم كثير من الأخبار الصحيحة المتعلقة بالسيرة النبوية، ويشمل تفسير القرآن بالقرآن، لأن ما أجمل وأطلق في مكان بين و قيد في مكان آخر" (النعيمي: 2021م).

التائج

يمكن اختتام هذه الدراسة بذكر أن كل علم له مراجع ومصادر خاصة به، فالسيرة النبوية - صلي الله عليه وسلم - مثل العلوم الأخرى، لها مصادر محددة تستخدم كمصدر لها. وهي قسمين: الأول المصادر الرئيسية والثاني المصادر التكميلية. تعتبر منابع سيرة النبوية مصدراً للحكمة والقيم الإنسانية العظيمة، حيث يمكن للمسلمين الاستفادة من تجارب النبي محمد - صلي الله عليه وسلم - في مواجهة التحديات والصعوبات التي قد تواجههم في حياتهم اليومية. ومن الضروري أيضاً دراسة منابع سيرة النبوية لتعزيز الوحدة والتلاحم بين المسلمين، حيث تعتبر سيرة النبي محمد صلي الله عليه وسلم رمزاً للوحدة الإسلامية والتسامح بين المسلمين. إذ يمكن لتعلم وفهم سيرة النبي - ﷺ - أن يساهم في تقوية روابط الأخوة والتعاون بين أفراد الأمة الإسلامية. وإن منابع سيرة النبوية تعتبر من الكنوز الثمينة التي توثق حياة النبي - محمد صلي الله عليه وسلم - وتعلمنا دروساً عظيمة في الإيمان والأخلاق، والسلوك الحسن. منابع سيرة النبوية تتنوع وتشمل الكتب التاريخية، وكتب الحديث النبوي، والسير المؤلفة عن حياة النبي صلي الله عليه وسلم،

والكتب التفسيرية التي توضح سياق الآيات القرآنية التي تتحدث عن حياة النبي. وان هذه المصادر ليست على درجة سواء في الأخذ منها والاعتبار عليها، بل تتفاوت بحسب قيمتها، ويأتي في مقدمتها القرآن الكريم فهو أوثق هذه المصادر وأصحها، ثم كتب السنة، ثم كتب المغازي والسير، ثم كتب الشمائل النبوية ودلائل النبوة، ثم كتب التاريخ العام وتاريخ الحرمين الشريفين، ثم كتب الأدب واللغة.

التوصيات

وفي الختام يرى الباحث لكل من يريد دراسة سيرة النبوة العناية إلى نكات التالية:

1. ضرورة تنوع المصادر المستخدمة في دراسة سيرة النبوة، مثل السنة النبوية، الأحاديث، الكتب التاريخية، والموارد الإلكترونية.
2. يُنصح بالاعتماد على مصادر موثوقة وموثقة لضمان دقة المعلومات وتجنب انتشار المعلومات الزائفة.
3. يُنصح بتحليل المصادر بشكل نقدي وتقديم وجهات نظر متعددة حول سيرة النبي محمد للحصول على فهم شامل.
4. يُوصى بالاستفادة من الدراسات والأبحاث الحديثة حول سيرة النبوة لتحديث المعرفة والفهم الحديث لهذا الموضوع الهام.

المصادر

القرآن الكريم.

- بكرى، محمد أنور بن محمد علي. (_____). مصادر تلقي السيرة النبوية. المدينة المنورة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- بوطنى، محمد سعيد رمضان. (1426هـ). فقه السير النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة. دمشق: دار الفكر.
- حسنى، ا.م. (1985م-1405هـ). السيرة النبوية- دروس وعبر- بيروت -لبنان: المكتب الإسلامى.
- حمادة، ف. (_____). مصادر السيرة النبوية وتقويمها. دمشق: دار القلم.
- حمد، م. ر. (1992م). السيرة النبوية في ضوء المصادر الأصلية دراسة تحليلية. الرياض: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات.
- زهراني، ضيف الله. (_____). مصادر السيرة النبوية. المدينة المنورة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- سعد المرصفي. (1430هـ-2009م). الجامع للسيرة النبوية. الكويت: مكتبة ابن كثير.
- سقا، محمد الغزالي. (1427هـ). فقه السيرة. دمشق: دار القلم.
- سلامة، م. ي. (1431هـ)، مصادر السيرة النبوية ومقدمة في تدوين السيرة. القاهرة- مصر: دار الندوة للنشر والتوزيع.
- سلمى، محمد بن صامل، قصاص، عبد الرحمن بن جميل، الموسيقى، سعد بن موسى، الغيث، خالد بن محمد. (2010م-1431هـ). صحيح الأثر وجميل العبر من سيرة خير البشر. جدة -المملكة العربية السعودية: مكتبة روائع.
- عواجى، محمد بن محمد. (_____). أهمية دراسة السيرة النبوية والعناية بها في حياة المسلمين. المدينة المنورة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- غضبان، منير محمد. (1992م-1413هـ). فقه السيرة النبوية. مكة المكرمة: جامعة أم القرى.
- مرداس، س. (2021م) مناهج التعامل مع المصادر السيرة النبوية. مركز العمران الحضاري للثقافة والعلوم.
- نعيمي، م. ف. (2021م). مصادر كتابة السيرة النبوية (دراسة تحليلية)، مجلة التربية والعلم، 250-274.

هرماس، ع.ا. (2007م). مصادر السيرة النبوية بين المحدثين والمؤرخين. أكادير - المغرب:
كلية الآداب جامعة ابن زهر.

اسباب دعوای فریب در فقه اسلامی و راه حل‌های آن

عبدالبصیر عزیزی

دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون

بدخشان، بدخشان، افغانستان

azizi.basir2018@gmail.com

09-0005-7619-265600

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

در این شکی نیست که از نظر اسلام تجاوز بر نفس، آبروی و حیثیت مسلمان حرام بوده، حفاظت و حراست از آن از جمله اهداف والای اسلام به شمار می‌رود، در این مقاله سعی بر آن شده است که دعوی مبتنی بر فریب تا چه اندازه واقعیت دارد؟ حکم شرعی آن چیست؟ و اسباب وقوع آن چی بوده می‌تواند؟ شناخت دعوای فریب یکی از اهداف این تحقیق است. این تحقیق از روش استقرائی و درون متنی در ضمن پرسش‌ها، تحلیل و تجزیه داده‌ها برای غنابخشی بیشتر مراجعه با نظریات فقه اسلامی صورت گرفته است، با تأمل در منابع اصیل اسلامی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دعوی‌ها به شیوه‌های متعددی برای حصول حقوق از دیگران صورت می‌گیرد، پس دعوای فریب یکی از دعوای باطل، برای حصول خواست‌های نادرست و دور از واقعیت مورد کاربرد قرار می‌گیرد، با بیان مثال‌های تاریخی و راه حل‌های آن مورد بحث و کنجکاوی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: دعوا، فریب، اسباب و راه حل‌ها.

Causes of Deception Litigations in Islamic Jurisprudence and Their Solutions

Author
E-mail
Orcid

Abdul Basir Azizi

Islamic Jurisprudence, Shariah Faculty, Babadakhshan
University, Badakhshan Afghanistan
azizi.basir2018@gmail.com
0009-0005-7619-2656

Abstract

Within the Islamic framework, it is unequivocally prohibited to violate the rights, honor, or dignity of a fellow Muslim, as safeguarding these values represents one of the highest objectives of Islam. This article seeks to examine the legitimacy of deceit-based claims, the relevant Sharia rulings, and the potential causes underlying their occurrence. A central objective of this research is to analyze the nature of deceit claims, utilizing an inductive and intra-textual methodology, complemented by scrutiny, analysis, and data dissection, to enrich the study with insights from Islamic jurisprudential theories.

Drawing from authentic Islamic sources, the findings of this research reveal that claims are made through various channels to appropriate the rights of others, and deceit claims often serve as a tool for pursuing illegitimate and unrealistic objectives. Historical instances of deceit claims, alongside the methods of addressing them, are discussed and explored within this context

Keywords: Claim, Deceit, Causes, Solutions.

مقدمه

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه والصلاة والسلام على رسول الله

دين مبین اسلام دين كامل، فراگیر، انصاف و عدالت است که همه‌ی جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان را در نظر دارد، الله متعال میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) [النحل: ۹۰]. شریعت اسلامی، دعوی، مسوولیت‌های طرفین، شرایط آن، مجلس قضایی و چگونگی محاکمه را بطور مفصل مورد بحث قرار داده است، هدف اساسی آن جلوگیری از هرج و مرج در جامعه، راه حل‌های اختلاف ناشی از راه دعوی به شیوه حکیمانه می‌باشد. دعوی در فقه اسلامی به انواع و اقسام متعدد تقسیم شده است، یکی از انواع آن دعوای فریب است، که مدعی می‌خواهد به بهانه‌های متعدد از راه بهتان، ظلم، تجاوز، ضرر و دور از واقعیت در برابر دیگران انجام دهد، چون فریب و نیرنگ پدید آورنده کینه توزی، دشمنی و منجر شدن به نزاع و کشمکش بین مردم می‌گردد، در صورت تجاوز و ظلم، فقه اسلامی راه‌های سالمی را نشان داده است، تا متضرر حق تلف‌شده‌ی خویش را از طریق محاکمه مطالبه نماید، اما دعوای که دور از واقعیت، به هدف فریب، نیرنگ و تعدی بر بالای دیگران باشد، از نظر اسلام حرام و فقهای اسلام عقوبت آن را بیان داشته‌اند، در این مقاله موجز با بیان حقیقت دعوی فریب، اسباب و راه حل‌های آن را مورد بحث و بررسی قرار دادیم، از الله متان توفیق هدایت آرزو داریم.

تبیین مسأله

دعوای فریب یکی از مسایل داغ و موضوعات چالش برانگیز بوده که، حیات و زندگی اکثری از انسان‌ها را به ویرانی سوق داده و باعث سلب اعتماد ذات البینی شده است، با گفت و مگوهای اندک و سطحی شرف، آبرو و حیثیت انسان‌ها زیر پا می‌گردد، تحقیق این موضوع برکاهش و رفع اختلاف‌ها دور از واقعیت‌ها نقش اساسی در زندگی انسان‌ها دارد، در این موضوع تحقیقات علمی با بررسی دلایل قرآنی، احادیث و نظریات فقهای اسلام، بحث‌های دقیق صورت گرفته است، ولی در رابطه به نمونه تاریخی، اسباب، انگیزه و راه حل‌های آن معلومات دقیق و علمی جمع آوری نشده است.

پرسش های تحقیق

این تحقیق به پاسخ پرسش های زیر می پردازد:

1. دعوی فریب چه را گویند؟
2. آیا نمونه دعوی فریب در تاریخ اسلام وجود دارد؟
3. علل و اسباب آن چیست؟
4. روش های درمان دعوی فریب در اسلام چیست؟

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق به دست آوردن موارد زیر است:

1. بررسی واقعیت دعوی فریب و ارایه مثال ها در تاریخ اسلام؛
2. تعیین مجازات شرعی برای جلوگیری و سد راه انسان های مغرض و استفاده جو؛
3. بیان اسباب دعوی فریب؛
4. بیان روش های معالجه دعوی فریب در اسلام.

پیشینه ی تحقیق

تحقیقات کلی در رابطه به دعوی دروغ در فقه اسلامی صورت گرفته است از جمله:

1. الدعوی الکیدیة فی الفقه و النظام السعودی: از صالح بن محمد السودان؛
2. الدعوی الکیدیة دراسة مقارنة: از خالد الوذینانی؛
3. الشکوی الکیدیة و ما یترتب علیها من عقوبات شرعیة: از سعد بن ناصر الشتری است.

تحقیقات کلی و همه جانبه در رابطه به دعوی فریب و دروغ انجام شده است، تفاوت تحقیق هذا با سایر تحقیقات انجام در چند نقطه خلاصه می شود.

- همه ی تحقیقات علمی حقیقت دعوی مبتنی بر فریب را بیان نمودند ولی مثال های عملی که در تاریخ اسلام ثبت باشد را ارایه نکرده اند.

- از همه مهم‌تر محققین در معالجه و درمان دعوی فریب را بحث نکرده‌اند در این تحقیق در ضمن بیان حقیقت دعوی فریب، مثال‌های تاریخی و روش درمان آن در روشنی دلایل معلومات کلی و علمی جمع آوری شده است.
- همچنان، تحقیقات عملی که انجام شده است اکثراً به زبان عربی صورت گرفته است، ولی در زبان دری تحقیق علمی صورت نگرفته است.

روش تحقیق

محقق در جمع آوری اطلاعات و معلومات عمومی از روش‌های ذیل کمک گرفته است:

1. روش استقرایی: بعد از بررسی همه جانبه اطلاعات و معلومات کلی از کتاب‌های فقهی و کتاب‌های تخصصی مرتبط با قضایا و احکام جمع آوری شده است؛
2. روش مقارنه و مقایسه: محقق نظرات فقهی و طرز استدلال فقها را مورد مطالعه قرار داده بعد از تخریج احادیث قول راجح را بیان نموده است.

اهمیت تحقیق

در این شکی نیست که از نظر اسلام تجاوز بر نفس، مال و آبروی مسلمانان حرام است، برخی از انسان‌ها از راه تجاوز، اغراض و خواست‌های خویش را وسیله پامال نمودن حقوق انسان‌های دیگر و یا با عدم کنترل نفسی و نا آگاهی از احکام شرعی، همی داشته‌های مردم را حیف و میل می‌کنند، دعوی و وسایل اثبات آن از نگاه اسلام کار مهمی تلقی شده که برای مظلوم حق شکایت و بدگویی ظالم را داده است.

نتایج ویافته‌ها

مفهوم دعوی فریب.

مفهوم لغوی دعوا: دعوا در دستور زبان عربی، اسم است نه مصدر، فعل ماضی آن از (ادّعی)، از مصدر (ادعا) گرفته شده است جمع آن با فتح یا کسر عین دعاوی و یا دعاوی کاربرد دارد. دعوی در لغت به معانی متعددی آمده است، اکثراً به معنای طلب، مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله:

1- طلب و آرزو (المصباح المنیر: ۱/۱۹۵): الله متعال میفرماید: (لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ) [یس: ۵۷]. ترجمه: برای آنان در بهشت میوه های لذت بخش و فراوانی است. و هر چه طلب و آرزو نمایند، در اختیار ایشان خواهد بود. واژه يدعون: به معنای طلب و درخواست می کند را می رساند.

2- دعاء (المصباح المنیر: ۱۹۵): در لسان العرب آمده است: (لو قلت اللهم اشركنا في صالح دعاء المسلمين او دعوى المسلمين جاز) (لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۵۷). ترجمه: اگر بگویی، یا الله ما را در دعای مسلمان های نیکوکار یا دعای مسلمان ها شریک بساز، جایز است. الله متعال می فرماید: (دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخِرَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) [یونس: ۱۰]. ترجمه: در بهشت دعای مومنان این است که: تو منزهی، و تهنیت شان این است که: دروتان باد و سر انجام دعا و گفتار شان این است که: شکر و سپاس سزاوار پروردگار جهانیان است.

3- زعم و گمان بدون دلیل (لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۴/۲۶۱): الله متعال می فرماید: (فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ). [الملك: ۲۷]. ترجمه: هنگامیکه این وعده الهی را از نزدیک مشاهده کردند، چهره های کافران زشت می گردید و به ایشان گفته می شود: این همان چیزی است که خودتان می خواستید.

مفهوم اصطلاحی دعوی: در مذاهب فقهی تعریف های زیادی شده است که در

ذیل برخی آن ذکر می شود:

از نظر فقهای احناف: «قول مقبول عند القاضي يقصد به قائله طلب حق معلوم، قبل غيره حال المنازعة أو دفعه عن حق نفسه» (رد المحتار على الدر المختار، ۱۴۱۲: ۴۴۱/۳). ترجمه: دعوی سخن قبول شده یی نزد قاضی است که هدف گوینده آن طلب حق از طرف غیر در هنگام منازعه و یا دفاع از نفس خود می باشد.

از نظر مالکی ها: «طلب معين أو ما في ذمة معين أو ما يترتب عليه أحدهما معتبرة شرعا لا تكذبها العادة» (الفروق: ۴/۷۲) ترجمه: درخواست مشخص یا هر چیزی که به ذمه شخص معین و یا مربوط بر یکی از طرفین شود که از نظر شرعی قابل تأیید است و عادت آن را تکذیب نمی کند.

از نظر شافعی‌ها: «إنها إخبار عن وجوب حق للمخیر علی غیره عند حاکم لیلزمه به» (مغنی المحتاج، ۱۴۱۵: ۳۳۳). ترجمه: دعوی عبارت از خبر دادن حق ثابت خیر دهنده بالای غیر نزد حاکم بوده تا حاکم همان غیر را بر پرداخت آن ملزم گرداند.

از نظر حنابله: «إضافة الإنسان إلى نفسه استحقاق شيء في يد غيره أو ذمته» (مغنی: ۱۰/ ۲۴۲). ترجمه: عبارت از نسبت دادن یک چیز به سوی انسان که آن در دست و یا به دوش دیگری قرار دارد.

قول راجح

هر مکتب فقهی دعوی را نظر به برداشت علمی‌شان تعریف نمودند، همه‌ی تعریف‌های مذاهب اسلامی یک پیام و مفهوم را می‌رساند، ولی با وجود آن از میان تعاریف فوق تعریف احناف راجح‌تر است، زیرا مفهوم که در تعریف مالکی‌ها بیان شده است به تعبیر امروزی تعریف جامع و شامل نمی‌باشد، تعریف شافعی‌ها هم که خبر دادن از وجوب حق بر غیر نزد حاکم است، تعریف مانع از غیر نمی‌باشد، تعریف حنبلی‌ها مبنی بر اضافه‌ی حق بر نفسش، استحقاق چیزی را که در اختیار و ذمه غیر است جامع نیست، زیرا دعوی نسب از این تعریف خارج می‌گردد، تعریف احناف با وجود که نسبت به تعاریف فقهای دیگر دقیق‌تر است ولی شامل دعاوی مکتوبه نمی‌گردد، بنابراین فقهای معاصر چنین تعریف نموده‌اند: «الدعوی قول مقبول او ما يقوم مقام القول فی مجلس القضاء یقصد به انسان طلب حق له...» (نظریة الدعوی بین الشریعة الإسلامیة و قانون المرافعات المدنیة و التجاریة: ۸۳) دعوی عبارت سخن قبول شده و یا آنچه است که قائم مقام گفتار در مجلس قضا بوده و انسان بوسیله آن حق خود را مطالبه نماید.

مفهوم لغوی فریب: فریب واژه فارسی بوده در زبان عربی واژه‌های که مفهوم فریب را دارد خدعه، مکر و کید می‌باشد، واژه که در بحث ما ارتباط دارد، و اکثر فقها این کلمه را استعمال و مورد استفاده قرار داده‌اند، واژه کید است. لازم است به تعریف لغوی و اصطلاحی کید که به مفهوم فریب است بپردازیم. پس معنای واژه کید در لغت به معنای خدعه، فریب، حيله و نیرنگ (المصباح المنیر: ۲/ ۵۴۵) و یا اراده که به صورت پنهانی به قصد انجام ضرر باضشد، اطلاق می‌شود. (المعجم الوسیط: ج ۲ ص ۸۰۷)

ابن فارس چنین تعریف نموده است، کید مرکب از حروف ک، ی و دال بوده، اطلاق آن به معالجه چیزی به سختی باشد دلالت می‌نماید، پس کید به معنای معالجه است

چنانچه گفته اند هر شی را معالجه می‌نمایم در حقیقت تو علاج آنرا نمودی. (معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ۵/ ۱۴۹) پس خلاصه معنای لغوی آن فریب و تصمیم نادرستی که به طور پنهانی در حق غیر صورت گیرد.

معنای اصطلاحی کید: امام سیوطی در تعریف آن گفته است: «إرادة متضمنة لاستتار ما يراده عن يراده به» (معجم مقاليد العلوم في الحدود و الرسوم، ۱۴۲۴: ۲۰۷). ترجمه: اراده که در حال پنهانی قصد انجام آنچه را در مورد کسی را داشته باشد. کید به مفهوم ناپسند و مذموم بیشتر معمول است. اگر کاربرد این کلمه از جانب مخلوق باشد به مفهوم فریب و حيله ناپسند و اگر از جانب الله متعال باشد به مفهوم تدبیر درست برای مجازات اعمال مخلوق می‌باشد استفاده می‌شود. (التعريفات، ۱۴۰۳: ۱۸۹).

تعریف اصطلاحی دعوی فریب: «هي دعوى يقيما المدعي من غير حق بل يطالب بأمر لا حق له فيه في مجلس القضاء» (الكاشف شرح نظام المرافعات الشرعية السعودية: ۵۱/۱) دعوی فریب عبارت از دعوی است که در مجلس قاضی مدعی آن را به ناحق به راه می‌اندازد، و یا مطالبه چیزی را می‌کند در آن هیچ سهمی ندارد.

حکم دعوی فریب

دعوی که بر مبنای فریب صورت می‌گیرد نوعی از انواع دعوی باطل بوده و در بطلان آن نصوص زیادی وارد شده است، از جمله قول رسول الله صلی الله علیه وسلم است که فرمود: « مَنْ ادَّعى مَا لَيْسَ لَهُ فَلَيْسَ مِنْهُ وَلَيْتَبَوُّا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ ». (صحيح البخارى: ۱۸۰/۴). ترجمه: هر کس ادعای چیزی را کرد در آن سهم و حقی نداشت، از ما نیست و جای خود را در جهنم آماده کند.

روش استدلال: این حدیث بر تحریم دعوی که هیچ حقی در بالای دیگری نداشته باشد، دلالت دارد. امام بخاری در ذیل باب کسی که دعوی دروغ را به راه بیندازد، حقیقت آن را می‌داند، حدیث ام سلمه رضی الله عنها را آورده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم اختلاف و نزاع که در نزد خانه‌اش صورت گرفت شنید، بسوی آنان بیرون آمده گفت: « إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ، وَإِنَّهُ يَأْتِينِي الْحَصْمُ، فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ أْبْلَغَ مِنْ بَعْضٍ، فَأَحْسِبُ أَنَّ صَدَقَ فَأَقْضِي لَهُ بِذَلِكَ؛ فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ فَلْيُتْرِكْهَا » (صحيح البخارى، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۳). ترجمه: من هم يك انسانم، وقتی اختلاف را پیش من می‌آورید، شاید بعضی از شما در بیان مطالب خود از بعضی دیگر فصیح تر و

بلیغ تر باشد، من به حسب ظاهر فکر می‌کنم که راست می‌گویید، به نفع او حکم و قضاوت می‌کنم، ولی باید بدانید اگر به وسیله این قضاوت ظاهری حق کسی را به کس دیگری بدهم، (چون قضاوت ظاهری مال دیگران را حلال نمی‌کند و آن چیزی که به او داده شده است حق نیست) در واقع آن يك تگه آتش است، می‌خواهد آن را بگیرد و یا آن را به صاحب حق مسترد گرداند. حدیث دیگری از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ حَاصَمَ فِي بَاطِلٍ وَهُوَ يَعْلَمُهُ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ» (سنن ابو داود: ۴۹۶). ترجمه: کسی از راه باطل و ناحق با کسی دعوی نماید و آن را بداند که آن باطل است، تا زمانیکه از این دعوی دست نکشد، همواره در خشم و غضب الله قرار دارد. (همچنان رسول الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ أَعَانَ عَلَى خُصُومَةٍ بَطُلًا، أَوْ يُعِينُ عَلَى ظُلْمٍ، لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ» (سنن ابو داود: ۴۹۶). ترجمه: کسی در پیشبرد دعوی از راه ظلم به کسی دیگری کمک نماید و یا بر ظلم همکار باشد تا آن زمانیکه از دست برنداشته است همواره در غضب الله گرفتار است. حدیث ام سلمه و احادیث فوق بیان گر حکم دعوی که بر اساس فریب و باطل صورت گیرد وهمکاری از راه ظلم باشد و کسیکه چنین ادعای را کرده است از حقیقت آن باخبر باشد از جمله گناهان کبیره بوده و دارای عقوبت سنگین می‌باشد. (عون المعبود شرح سنن ابی داود و معه حاشیة ابن القیم، ۱۴۱۵: ۵/۱۰).

دعوی فریب در تاریخ اسلام

در تاریخ بشر نمونه زیادی از دعوی که به اثر دروغ، فریب و نیرنگ صورت گرفته است وجود دارد، اما شریعت اسلامی از راه توییح، زجر، شکنجه و از راه تربیت جزای سنگین مقرر کرده است. چند نمونه بارز و مشهور از دعوی فریب و دروغ در ذیل بیان می‌گردد.

مثال اول: ابن قیم رحمه الله داستان زنی را بیان نموده است آن زن انصاری در زمان عمر رضی الله عنه - با صدای بلند از رفتار زشت جوانی شکایت کرد، عمر - رضی الله عنه - از زنان علت آن را پرسید، و آن‌ها گفتند: «در بدن و لباس آن زن آثار منی وجود دارد» بنابراین، عمر - رضی الله عنه - فهمید و جوان را مجازات نماید. آن جوان با صدای بلند فریاد نموده و می‌گفت: "ای امیرالمؤمنین، سرنوشت من را معلوم، به حق و عدل فیصله کن، سوگند به خدا من با این زن عمل زنا را انجام ندادم و هیچ تصمیمی بر عمل زنا هم نداشتم

و این زن مرا وادار به این عمل کرد و من نفس خود را کنترل کردم، عمر - رضی الله عنه - بر وضاحت این مسأله از اصحاب مشوره کرد، علی رضی الله عنه مشوره داد، آب گرم را در لباس آن زن ریزانده شود، زمانیکه آب گرم را ریزانیدند بر اثر گرمی آب، تری که در لباس زن قرار داشت، سخت گردد، از طریق بوی کردن، دانستند آن سفیدی تخم است، آن زن را مورد شکنجه قرار دادند، آن زن اعتراف کرد که از جوان درخواست عمل زشت کردم آماده نشد تخم را گرفته زردی تخم انداختم و سفیدی آن را در لباس و اندامم خود ریزاندم. (الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة: ۱۲۰)

وجه استدلال: اعتراف آن زن از طریق قرینه قوی که مشابهت کلی در عصر فعلی ما همخوانی دارد، که آن تجربیات عملی از طریق لابراتور است، چنین قراین در پیشگاه قاضی کسب اعتبار می نماید به عنوان دلیل برای ثبوت عمل جرمی قابل حجت می باشد.

مثال دوم: هنگامی که عمر بن خطاب - رضی الله عنه - به حمص تشریف آورد، گفت: ای اهل حمص، والی تان را چطور یافتید؟ اهل حمص گفتند: از چهار چیز شکایت داریم: تا روز بلند نشود، برای ما بیرون نمی آید، از طرف شب به هیچ کسی جواب نمی دهد، در ماه یک روز از خانه بیرون نمی آید، در میان روزها گاهی نزدیک به مرگ می شود - یعنی او را بی هوشی و نوعی از جنون فرا می گیرد. عمر - رضی الله عنه - مردم و او را با هم جمع نمود از شکایات جواب خواست. سعید در هر یکی از سوالها جواب ارایه نمود. در جواب اول گفت: به خدا سوگند، اگر چه یادآوری آن را بد می دانستم. ولی با این همه قضیه چنین است که برای اهل حمص وجود ندارد، و من خود خمیر می کنم، بعد از آن می نشینم تا این که خمیر می رسد و آماده می شود، بعد نان می پزم، سپس وضو نموده، برای شان بیرون می آیم. در جواب گفت: اگر چه تذکر آن را بد می دیدم، من روز را به ایشان اختصاص دادم، و شب را به خداوند عزوجل اختصاص داده ام. در جواب سوم گفت: برای خود خادم ندارم که لباس هایم را بشوید، و لباس دیگری هم ندارم که آن را عوض کنم، (پس می نشینم تا این که خشک شود، بعد آن را می مالم، و بر تن می کنم و در آخر روز برای شان بیرون می آیم). در جواب چهارم گفت: من شاهد قتل خبیث انصاری در مکه بودم که قریش گوشت وی را بریدند، و بعد از آن او را بر تنه درختی بالا برده، گفتند: آیا دوست داری محمد - صلی الله علیه وسلم - در جای تو باشد؟ پاسخ داد: به خدا سوگند، من دوست ندارم که در میان اهل و فرزندانم باشم، و به پای محمد خاری فرو

رود، بعد از آن فریاد کشید: یا محمد! و هر وقت که آن روز را، و عدم نصرت و یاریم را در آن حالت از وی، که مشرک بودم و به خداوند بزرگ ایمان نداشتم، به یاد می‌آورم گمان می‌کنم که خداوند عزوجل من را به آن گناه ابداً نخواهد بخشید. و افزود: در همان حالت بیهوشی و دیوانگی به من می‌رسد. آن گاه عمر - رضي الله عنه - گفت: حمد و ستایش خدایی راست که فراست مرا نادرست و خطا نساخت. (حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ۱۴۱۶: ۲۴۵/۱، السیرة النبویة: ۱۵۸/۳، صور من حیاة الصحابة، ۱۴۱۲: ۱۲-۱۳)

وجه استدلال: عمر رضي الله عنه ادعای اهل حمص را مورد تحقیق و بررسی قرار داد، بی اساس بودن آنرا دریافت و دعوای آنها را نپذیرفت (حلیة الاولیاء، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۵۸-۱۶۱)، و این دلیل بر آن است که قاضی زمانیکه دروغ و بی اساس بودن قضیه را دریافت حق دارد که دعوی را رد نماید

مثال سوم: اهالی کوفه از سعد بن ابی وقاص شکایتی داشتند، در صحیح البخاری از جابر ابن سمره - رضي الله عنه - روایت است که می‌گوید: اهل کوفه از سعد - رضي الله عنه - نزد عمر - رضي الله عنه - خلیفه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - شکایت کردند. عمر - رضي الله عنه - او را عزل کرد و عمار - رضي الله عنه - را بجای او مسئولیت داد. مردم کوفه در شکایت علیه سعد تا جایی پیش رفتند که گفتند: او نماز را به خوبی نمی‌خواند. عمر - رضي الله عنه - سعد - رضي الله عنه - را احضار نمود و گفت: ای ابو اسحاق! این مردم می‌گویند: تو نماز را هم درست نمی‌خوانی. سعد - رضي الله عنه - گفت: بخدا سوگند، من به همان شیوه که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - و بدون کم و کاست، نماز را برای آنان اقامه می‌کردم. مثلاً دو رکعت اول نماز عشا را طولانی و دو رکعت آخر آن را مختصر می‌خواندم. عمر - رضي الله عنه - گفت: ای ابو اسحاق! گمان ما درباره تو نیز همین بود. آنگاه، گروهی را برای جستجو و تحقیق به کوفه فرستاد، آنان به همه‌ای مساجد کوفه سرزدند و از مردم درباره سعد پرسیدند. مردم، از او تعریف می‌کردند، تا اینکه به مسجد قبیلہ بنی عبس رسیدند. در این مسجد، شخصی بنام اسامه ابن قتاده درخواست و گفت: اکنون که مرا سوگند دادید، حقیقت را برای شما بازگو می‌کنم: سعد با ما به جهاد نمی‌رود، اموال غنیمت را عادلانه تقسیم نمی‌کند و در قضاوت و داوری، عدالت را رعایت نمی‌نماید. سعد - رضي الله عنه - گفت: به خدا سوگند که من سه دعا در حق تو می‌کنم: خدایا! اگر این بنده ات بخاطر کسب شهرت و

مقام، دروغ می گوید: عمرش را دراز کن، او را فقیر و تنگدست بگردان و گرفتار فتنه ها کن. جابر - رضی الله عنه - می گوید: بعدها که مردم، او را می دیدند و حالش را می-پرسیدند، می گفت: پیر و فقیر شده ام، اسیر فتنه ها گشته ام و دعای سعد، مرا به این روز، انداخته است. عبدالملک بن عمیر؛ راوی حدیث جابر، می گوید: من در آخر عمر، اسامه را دیدم که ابروهایش در اثر کهنسالی، روی چشم هایش افتاده بود (و آنقدر بی حیا شده بود) که بر سر راه عبور و مرور می نشست و برای دختران، ایجاد مزاحمت می کرد. (صحیح البخاری: ۱/۱۵۱، صحیح مسلم: ۱/۳۳۴) عمر رضی الله عنه ادعای اهل کوفه را که بر ضد سعد بن ابی وقاص بسته بودند، مورد تحقیق و بررسی قرار داد، بی اساس بودن آنرا دریافت و دعوی آنها را نپذیرفت. (فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۱۴۲۲: ۲/۲۳۹-240)

اسباب دعوی فریب

در شرایط امروزی اسباب دعوی مبتنی بر فریب و دروغ قرار ذیل می باشد:

1. عدم آگاهی دینی و پایین بودن بعد اخلاقی مدعی:

اکثرا انسان های ضعیف الایمان و ساده لوح گشودن دروازه فتنه ها، دروغ و سبک شماریدن گواهی دروغ، نفاق و فریبکاری را سرلوحه بی کاری خود می دانند. بجاست که انسان ها، الله را در همه ی امور زندگی خود مراقب دانسته و الله را ناظر اعمال خود بدانند، زیرا نفس، انسان به سوی بدی ها می کشاند، انسان با مکارم اخلاقی و رفتارهای سالم، باورهای درونی و ایمانی نفس خود را تقویت نماید، تحقق صداقت و راستی با دیگران مقاصد دین مبین است. (الدعوی الکیدیة فی الفقه و النظام السعودی: ۳۵)

2. تمایل و رغبت برای بدست آوردن دارای مردم از راه ظلم و بهتان:

بعضی از افراد ضعیف النفس به دعوی مبتنی بر فریب و دروغ پناه می برند، تا با ظلم و بهتان هیچ سهمی بر بالای دیگران ندارد. بدست آرد. اکثرا اینگونه دعوها در بین افرادی بوجود می آید که آنها از قبل با هم ارتباط دارند، این ارتباط می تواند رابطه خویشاوندی یا شراکت در یک دارایی خاص باشد. (قضاة و محامون الدعوی الکیدیة صوت الضعف و للمتضرر الحق فی التعویض، ۲۰۱۵: ۱۵ ماه می).

3. به نیت آزار و ایجاد ضربه مادی و معنوی بر اشخاص معین:

عده‌ی از افراد به دعوی فریب دست می‌زنند، هدف اساسی آن‌ها، به چالش کشاندن و آسیب رساندن به زندگی دیگران است. با توطیه ناسالم، نادرست، دور از واقعیت و آسیب رسانیدن زندگی دیگران را به خطر مواجه ساخته، دینال بدست آوردن اغراض منفی و انکار از دادن حقوق دیگران است، تا بتواند با بکارگیری این دعوی شهرت، مقام، وجایگاه افراد معین را با دلایل کاذبانه و بی اساس و دور از واقعیت اش پای مال نماید. (الدعوی الکیذیه فی المحاکم... التعزیر و التعویض المالی یحلان المشکله: ۱۵۵۲۶۵)

۴. عدم تطبیق بعضی از عقوبات بر افراد ناخلف و فریبکار:

شریعت اسلامی، دعوی فریب را به عنوان افتراء، بهتان، سخن دروغ و گواهی دروغ محسوب می‌کند، شریعت اسلامی، افرادی که دارای چنین خصلت اند با جزای تعزیری تشبیه نموده تا از تکرار این عمل جلوگیری صورت گیرد و عبرت برای دیگران باشد. و از طرف دیگر، با اجرای جزای تعزیری جبران خساره از آنها تأکید شده است، در برابر ادعای باطل چنین افراد جزای مادی و معنوی مشخص گردد، و جزای تکمیلی به عنوان عبرت و تنبیهی - عدم قبولی شهادت آنها است، اعمال شود، تا گواهی دروغ را وسیله کسب حقوق و زیاد شدن دعوای فریبکارانه قرار ندهد. با عدم تطبیق و کم رنگ شدن چنین جزای تعزیری و در نظر نگرفتن خسارات مالی، بعضی از انسان‌های ضعیف الایمان با چنین دعوای های فریبکارانه دست می‌زنند. (الدعوی الکیذیه فی الفقه و النظام السعودیه: ۳۴)

روش معالجه دعوی فریب

دین مبین اسلام مهمترین اسلوب‌ها و روش‌های را که در معالجه دعوی فریب در نظر گرفته است که در ذیل بیان می‌گردد:

1. ترسیخ عقیده توحید در نفس:

انسان مسلمان در همه امور زندگی خود عقیده درست، باور دقیق و ترس از الله متان را در قلب خود داشته و الله متان را در همه‌ی حالات پوشیده و آشکارا مراقبت و مواظب خود بداند، (الدعوی الکیذیه فی الفقه و النظام السعودی: ۳۴) الله متان از همه‌ی اعمال انسان‌ها و تصرفات او با خبر است، انسان‌ها در دنیا و آخرت در برابر عمل کرد خود پاسخ گو و مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ) [نمل: ۹۳]. ترجمه: پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. رسول الله جایگاه

مراقبت الله را در حدیث جبریل بیان نموده است، زمانیکه جبریل امین بصورت انسان از رسول الله چند سوال کرد، یکی از موارد آن مفهوم احسان می باشد: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (صحیح البخاری، ۱۴۰۷: ۱/ ۸۷). ترجمه: چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، یقین بدار که او تو را می بیند. پس کسیکه به مراقبت الله علم دارد، این را می داند که دعوی دروغ و همراه بودن آن جعل و فریب سزاوار عقوبت اخروی می کشاند، بجاست که از چنین دعوی نادرست جلوگیری صورت گیرد.

2. تشویق و ترغیب بر کسب اخلاق اسلامی

الله سبحانه و تعالی اخلاق شایسته را وسیله‌ی برای رسیدن به درجات بالای بهشت قرار داده است، انسان‌ها را به داشتن چنین اخلاق نیکو فراخوانده است، صداقت و راستی بخشی از اخلاق نیکو و مهمترین خصلت های خیر محسوب می گردد، الله متعال میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) [التوبة: 119]. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و با راستان باشید». رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ((عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا)) (صحیح البخاری، ۱۴۰۷: ۲۵/۸). ترجمه: به راستگویی و راستکرداری و صداقت چنگ بزنید، به تحقیق که صداقت و راستی به بر و نیکی رهنمود می سازد و نیکی و بر به سوی بهشت رهنمون می سازد. و هر فرد که همچنان راست می گوید و به دنبال راستی می باشد و در مسیر آن تلاش و کوشش می نماید تا آنکه نزد خدا از گروه راستگویان و صادقان محسوب می گردد. از دروغگویی و فریبکاری پرهیزید و دوری نمایید زیرا دروغ به سوی کارهای بد و زشت رهنمون می سازد و فجور و زشتی به سوی آتش جهنم رهنمون می سازد و هر فرد که همچنان دروغ می گوید و در مسیر آن حرکت کرده و تلاش مینماید تا آنکه نزد خداوند متعال از گروه دروغگویان و فریبکاران محسوب می گردد.

حدیث فوق مذمت دروغ و عواقب ناگواری که در قبال دارد را بیان نموده است، پس موضوع دعوای فریب به ویژه اتهامات دروغین و ادعاهای نامعتبر و دور از حقیقت می-باشد.

۳. بررسی از صحت یا دروغ یک دعوی:

قاضی مسؤولیت دارد از صحت یا دروغ بودن دعوا پیگیری نموده و خود را مطمئن سازد. خداوند می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ) [حجرات: 6]. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! این آیات درباره ولید بن عقبه بن ابی معیط نازل شده است. وقتی پیامبر او را به بنی مصطلق فرستاد، وقتی بنی مصطلق از آن خبر شده با او حمله کردند، ولید از آن‌ها ترسید و به سوی پیامبر برگشت و اطلاع داد که آن قوم منحرف شده‌اند و قصد کشتن من را داشتند زکات را نپرداختند. پیامبر صلی الله علیه وسلم دوباره خالد بن ولید را به سمت آن‌ها فرستاد و دستور داد که تحقیق کند و عجله نکند. وقتی خالد به سوی آن‌ها رسید، تعدادی را جهت بررسی و اخذ اطلاعات فرستاد، وقتی آن‌ها برگشتند، اطلاع دادند که آن قوم تا هنوز مسلمان‌اند، اذان و نماز آنها را شنیده‌اند. آن‌ها شب را سپری کردند زمانیکه صبح شد، خالد به سوی آن‌ها رفت و مشاهده کرد که خبر درست است. سپس پیامبر صلی الله را در جریان قرار داد. (الجامع لاحکام القرآن: ۲۰۵/۱۶، لباب النقول فی أسباب النزول: ۱۸۰/۱)

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- با محض اطلاع ولید فیصله نکردند، بلکه از تأمل کار گرفت، تا از صحت یا دروغ بودن ادعا مطمئن شود. بجاست که قضات و آنانیکه در منصب قضا مسؤولیت دارند قضاوت و فیصله‌های رسول الله را الگو و نمونه قرار داده از شتاب و بی صبری اجتناب نمایند، بعد از دریافت صحت و سقم دعوی در روشنی دلایل و در مطابقت با قوانین فیصله کنند. راه‌های شناسایی راست بودن و یا دروغ بودن دعوای فریب قرار ذیل است:

- اعتراف خود مدعی که دعوای آن مبتنی بر دروغ و فریب است. بنا ادعای کرده است باطل و بی اساس می‌باشد (الکاشف شرح المرافعات السعودی: ۵۳/۱، الشکوی الکیدیة و ما یترب علیها من عقوبات.....: ص ۷).

- تکرار دعوی که با حکم شرعی منتهی شده باشد، همی علما به این باور اند
اجتهاد با اجتهاد دیگر نقض نمی‌شود (التقریر و التحبیر، ۱۴۰۳: ۳/۳۳۵). رحیانی که از
علمای حنابله می‌باشد در کتاب معروفش فرموده است: با فیصله حاکم حکم قطعی می‌شود
و اختلاف از میان برداشته می‌شود، از باب سد ذرایع و قطع اختلافات مخالفت بر حکم
حاکم درست نمی‌باشد (مطالب اُولی النهی شرح غایة المنتهی، ۱۴۱۲: ۱/۳۹۲).

۴- عواقب اخروی دعوی فریب و دورغ:

یکی از ویژه گی نظام اسلام انصاف و عدالت است، ظلم و تجاوز را حرام گردانیده است،
چنانچه الله متعال می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) [نحل: ۹۰]. ترجمه: الله متعال
با عدل و نیکوکاری امر نموده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «يَا عِبَادِي إِنِّي
حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالُمُوا» (صحیح مسلم: ۴/۹۹۴).
ترجمه: ای بندگانم! من ظلم را بر خود حرام کردم و بین شما نیز آن را حرام قرار دادم پس
به همدیگر ظلم نکنید.

ضرر برای دیگران و تجاوز در حق شان از راه ادعاهای بی اساس و بی مورد، نوعی از ظلم
بوده و الله متعال آنرا حرام قرار داده است. پس دعوی فریب و بی اساس ظلم و اتهام زدن
برای انسان‌ها است، عواقب خطر ناک دارد و باعث آبرو ریزی انسان‌های نیک سیرت
می‌گردد رسول الله صلی الله علیه وسلم عواقب اخروی آن را بیان داشته اند، چنانچه
فرمودند: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ، وَإِنَّكُمْ تَخْتَصِمُونَ إِلَيَّ، وَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ أَلْحَنَ بِحُجَّتِهِ مِنْ
بَعْضٍ، فَأَقْضِي لَهُ بِنَحْوِ مَا أَسْمَعُ فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ أَخِيهِ فَإِنَّمَا أَقْطَعُ لَهُ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ يَأْتِي بِهِ
أَسْطِطًا فِي عُنُقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (صحیح البخاری، ۱۴۰۷: ۳/۱۸۰). ترجمه: من بشر هستم،
شما در حال مخاصمه و دعوی کنان در نزد من می‌آیید، ممکن بعضی شما از بعضی تان در
بیان داشته‌ها تیز زبان باشید، پس من آنچه که می‌شنوم فیصله می‌کنیم،

۵- بر طرف کردن مدعی علیه به مقتضای مصلحت است:

زمانیکه اهل کوفه به خلیفه مسلمانان (عمر رضی الله عنه) از سعد بن ابی وقاص شکایت
کردند، آنچه معلوم میشود معزول شدن برای دور ساختن فتنه بود در بعضی از روایت آمده
است، عمر رضی الله عنه فرمود: «لولا الاحتياط و أن لا يتقي من أمير مثل سعد لما عزلت») (فتح
الباری شرح صحیح البخاری، ۱۴۲۲: ۲/۱۰۱۸). ترجمه: اگر احتیاط نمی‌بود، برای
هیچ امیری همچو سعد مناسب نبود که از موقف اش عزل نمایم.

۶- تطبیق مجازات بر افراد فریبکار و دروغگو:

در فقه اسلامی برای قاضی صلاحیت داده شده است که مدعی را تعزیرا جزا دهد، آن در صورتی است که هدف مدعی ضرر و تکلیف به مدعی علیه باشد، بهوتی یکی از علمای حباب فرموده است: زمانیکه دروغ بودن مدعی ظاهر شد، هدف آن ازار و تکلیف مدعی علیه بوده باشد به سبب دروغ و ازار مدعی علیه، تعزیرا جزا داده می‌شود (کشاف القناع، ۱۴۰۲: ۱۲۸/۶)، قاضی در تعیین جزا صلاحیت عام و تام دارد، هر جزای مناسب که برای تنبیه مدعی و یا اضرار که بر مدعی علیه رسیده است، از قبیل: لت و کوب و حبس که به ظرفیت و توانایی جسد مدعی برابری نماید.

امام ابوحنیفه رحمه الله در رد آنانیکه برای دیگران بگویند: ای فاسق، ای دزد. اگر مدعی علیه انسان‌های با شخصیت و باوقار با این الفاظ موصوف نباشند، برای چنین افراد تهمت‌گر تعزیر است، تا شخصیت و آبرو انسان‌های خوب از شر و تجاوز انسان‌های شریسته و مغرض مصؤون و محفوظ بماند (معین الحکام فیما یتردد بین الخصمین من الاحکام: ۱/ ۱۷۸).

جزای تعزیری را فقهای اسلام بیان داشته اند و دعوای فریب و دروغ معصیت و نافرمانی می‌باشد، پس جزای تعزیر در برابر هر معصیت قابل تطبیق است.

اما کاسانی می‌گوید: تعزیر در برابر جرمی مشروع شده است که از جانب شریعت کدام حد معینی نیامده باشد، برابر است که آن معصیت در برابر حق الله و یا در برابر حق افراد باشد. (بدائع الصنایع، ۱۴۰۶: ۶۳/۷)

نتیجه گیری

دعوای فریب نوعی از دعوای باطل بوده مدعی از راه دروغ، ناحق و به جان زدن جانب مقابل در مجلس قضا می‌کشاند، در تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از دعوای مبتنی بر فریب وجود دارد، اسباب آن: عدم آگاهی دینی و پایین بودن اخلاقی مدعی، تمایل و رغبت برای بدست آوردن دارای مردم از راه ظلم و بهتان، به نیت ازار و ایجاد ضربه مادی و معنوی بر اشخاص معین و عدم تطبیق بعضی از عقوبات بر افراد ناخلف و فریبکار بوده می‌تواند، هیچ دردی بدون علاج نمانده است، علاج آن با ترسیخ عقیده توحید در نفس، تشویق و ترغیب بر کسب فضایل اخلاقی، بررسی از صحت یا دروغ یک دعوا، عواقب اخروی به دعوای فریب و دروغ، عزل مقام مدعی علیه به مقتضای مصلحت، و لو که ثابت هم نشود، فریبکاری و دروغ بودن مدعی ثابت شد و مجازات بر آن تطبیق می‌گردد

منابع

- ابن حجر العسقلانى، احمد بن على، (١٤٢٢). فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت: المكتبة العصرية.
- ابن عابدين، محمد امين بن عمر بن عبدالعزيز، (١٤١٢). رد المحتار على الدر المختار، بيروت: دار الفكر.
- ابن قيم الجوزى، (ب،ت). الطرق الحكميه فى السياسة الشرعية، دار الفوائد للنشر و التوزيع. ابن منظور، محمد بن مكرم بن منظور (١٤١٤). لسان العرب، بيروت: دار صادر
- ابن هشام، عبدالملك بن هشام، (ب،ت). السيرة النبوية، بيروت: المكتبة العصرية.
- ابو محمد عبدالله بن محمد بن قدامه، (ب،ت) مغنى، مكتبة القاهرة.
- احمد الزيات، ابراهيم مصطفى، (ب،ت). المعجم الوسيط. الاسكندرية: دار الدعوة احمد بن فارس، (١٣٩٩). معجم مقاييس اللغة، بيروت: دار الفكر.
- اصفهانى، ابو نعيم احمد بن عبدالله، (١٤١٦). حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، بيروت: دار الفكر.
- امير الحاج، ابو عبدالله محمد بن محمد، (١٤٠٣). التقرير و التحبير، بيروت: دار الكتب العلمية.
- بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٠٧). صحيح البخارى، بيروت: دار ابن كثير.
- بهوتى، منصور بن يونس، (١٤٠٢) كشف القناع، بيروت: دارالفكر.
- جرجانى، على بن محمد (١٤٠٣). التعريفات، بيروت: دار الكتب العلمية.
- حسينى، ابراهيم، (شماره: ١٥٢٦٥٩) الدعاوى الكيدية فى المحاكم... التعزيز و التعويض المالى يحلان المشكلة.
- رافت باشا، عبدالرحمن (١٤١٢). صور من حياة الصحابة، دار النفائس للنشر و التوزيع.
- رحياني، مصطفى سعد، (١٤١٢). مطالب أولى النهى شرح غاية المنتهى، المكتب الاسلامى.
- سجستاني، سليمان الاشعث، (ب،ت) سنن ابو داود، بيروت: دار الكتاب العربى.
- سويدان، صالح بن محمد، (الدعاوى الكيدية فى الفقه و النظام السعودى

سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، (ب،ت). لباب النقول في أسباب النزول، بيروت: دار الكتب العلمية.

سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، حلال الدين، (١٤٢٤). معجم مقاليد العلوم في الحدود و الرسوم، القاهرة: مكتبة الادب.

شترى، سعد بن ناصر (ب،ت). الشكوى الكيديه و ما يترتب عليها من عقوبات، الدورة الثانية و العشرون للمجتمع المتعقدة في مكة.

شربيني، شمس الدين محمد بن احمد، (١٤١٥). مغنى المحتاج، بيروت: دارالكتب العلمية. طرابلسى، ابو الحسين علاء الدين، (ب،ت). معين الحكام فيما يتردد بين الخصمين من الاحكام.

عبدالله بن محمد بن سعد، (ب،ت). الكاشف شرح نظام المرافعات الشرعية السعودية، السعودى: دار فرخون.

عبدالله سعد، (ب،ت). الكاشف شرح المرافعات السعودى. سعودى: مكتبة الرشد. عظيم آبادى، محمد اشرف بن امير، (١٤١٥). عون المعبود شرح سنن أبى داود و معه حاشية ابن القيم، بيروت: دارالكتب العلمية.

فيومى، احمد بن على، (ب،ت). المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، بيروت: المكتبة العلمية.

قرافى، ابوالعباس احمد بن ادريس، (١٤١٨). الفروق، بيروت: دارالكتب العلمية. قرطبى، ابو عبدالله محمد احمد، (ب،ت). الجامع لاحكام القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية.

قضاة و محامون «الدعوى الكيديه» صوت الضعف و للمتضرر الحق فى التعويض اخبار سعودى، شماره: ١٥ ماه مى ٢٠١٥م.

كاسانى، علاء الدين (١٤٠٦) بدائع الصنائع، بيروت: دارالكتب العلمية. ماوردى، ابو الحسن على بن محمد، (١٤١٩). الحاوى الكبير فى فقه مذهب الامام الشافعى، بيروت: دار الكتب العلمية.

محمد نعيم، ياسين، (ب،ت). نظريه الدعوى بين الشريعه الاسلاميه وقانون المرافعات المدنيه والتجاريه، مكتبة نور.

نيسابورى، ابو الحسين، مسلم بن الحجاج، (ب،ت). صحيح مسلم، بيروت: دار الجيل.



راهبرد رزمی موسی بن نصیر در افریقا و اندلس در زمان خلافت ولید بن عبدالملک

پوهندوی حبیب الله حازم

دیپارتمنت تاریخ پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون بدخشان، بدخشان افغانستان

@gmail.com9181habibullahhazem

۶۷۱۵-۱۸۰۰-۰۰۰۹۰۰۰۴

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

فتوحات اسلام بیرون از مرز عربستان در عصر خلفای راشدین آغاز و در دوره‌های بعد با تغییر اهداف این روند ادامه یافت. هدف از نگارش این مقاله بررسی راهبرد رزمی و سیاسی موسی بن نصیر در افریقا و اندلیس و گسترش مرزهای اسلام در آن سوی آب‌ها و نقش خرمندانه و شجاعانه وی می‌باشد. روش این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده است، که با رجوع به منابع موثق و معتبر تاریخی، اطلاعات فیش‌برداری و سپس تجزیه و تحلیل گریده است. یافته‌های تحقیق دال بر آن است، که دولت اموی با به کارگیری شیوه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توانستند قلمرو اسلام را به سرزمین‌های زیادی گسترش داده و نفوذ و نفوس حاکمیت اسلامی را بسط بیشتری بدهند. این گستردگی از میانه شرق آسیا تا اقیانوس اطلس در غرب وسعت یافته بود. این سیاست در زمان بنیان‌گذار این سلسله حضرت معاویه رض آغاز گردیده بود و در زمان جانشینان وی نیز تداوم یافته و به روزگار ششمین خلیفه‌ی اموی ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) به اوج خود رسید. فتح سرزمین‌های افریقای شمالی و اندلس، از رویدادهای مهم تاریخ قرن اول هجری است، که موجب آمیزش و اتصال اروپا، آفریقا و آسیا در طی هشتصد سال گردید؛ در این میان نباید نقش (موسی بن نصیر) و درایت فرمانده‌اش (طارق بن زیاد) را نادیده گرفت. وی سیاست‌مندترین فرماندهان قرن اول هجری بود. هرچند در جریان این فتوحات شرایطی فراهم گردید که نتیجه‌ی فتوحات را به نفع موسی بن نصیر پایان بخشید، ولی کاردانی و درایت نصیر را نمی‌توان انکار کرد.

کلیدواژه‌ها: آفریقا، اندلس، موسی بن نصیر، طارق بن زیاد

Simile and Its Layers in Surah Al-Rahman: An Applied Rhetorical Study

Habibullah "Hazim"

History Department of Social science faculty , Badakhshan

University, Badakhshan Afghanistan

habibullahhazem91@gmail.com

۶۷۱۵-۱۸۰۰-۰۰۰۹۰۰۰۴

Author

E-Mail

Orcid

Abstract

The Islamic conquests beyond the borders of Arabia began during the era of the Rashidun Caliphs and continued in subsequent periods with evolving objectives. The purpose of this article is to examine the military and political strategies of Musa ibn Nusayr in Africa and Al-Andalus, as well as his role in expanding the frontiers of Islam across the seas, highlighting his wise and courageous leadership. This research adopts a library-based method, gathering information from reliable and authentic historical sources, followed by analysis. The findings indicate that the Umayyad state, through a combination of hard and soft power strategies, succeeded in extending the Islamic territories to vast lands, thereby expanding the influence and authority of Islamic governance. This expansion stretched from the middle of East Asia to the Atlantic Ocean in the west. The foundation of this policy began with the founder of the Umayyad dynasty, Muawiyah (may Allah be pleased with him), and continued under his successors, reaching its peak during the reign of the sixth Umayyad Caliph, al-Walid ibn Abd al-Malik (86-96 AH). The conquest of North Africa and Al-Andalus stands as one of the most significant events in the history of the first Islamic century, fostering the integration and connection of Europe, Africa, and Asia over the course of 800 years. In this context, the roles of Musa ibn Nusayr and his skilled commander, Tariq ibn Ziyad, should not be overlooked. Musa was one of the most astute commanders of the first Islamic century. Although the circumstances of these conquests ultimately favored Musa ibn Nusayr, his skill and insight cannot be denied.

Keywords: Africa, Al-Andalus, Musa ibn Nusayr, Tariq ibn Ziyad.

مقدمه

هدف از فتوحات مسلمانان گسترش اسلام در خارج از مرزهای عربستان در عصر خلفای راشدین و در دوره‌های بعد با تغییرات اهداف فتوحات، این جریان تداوم یافت. دوره‌ی عبدالملک بن مروان و جانشین وی دوره‌ی فتح، گشایش و توسعه بود. قلمروی خلافت اموی از شرق به غرب وسعت یافت و زندگی مسلمانان بهبود چشم‌گیری پیدا کرد. در عصر ولید در اثر امنیت و آرامشی که به وجود آمده بود، توانست با ادامه‌ی فتوحاتی که در دوره‌ی خلفای سابق صورت گرفته بود، روند را دنبال نموده و قلمرو خلافت را وسعت بخشد. در زمان ولید سه نفر هر یک قتیبه بن مسلم باهلی و محمد بن قاسم ثقفی و موسی بن نصیر شهرت زیاد یافتند و تلاش آن‌ها در فتوحات موثر افتاد.

ولید در گام نخست از نتایج زحمات پدرش برخوردار شد. نیروی نظامی، بسیار توسعه یافته خلافت اموی به اوج خود رسیده بود و خلیفه قدرت آن‌را یافته بود که به عظمت و شکوه خلافت بیفزاید. برای این که خلیفه همه نقشه‌های خود را عملی کند پول کافی در اختیار داشت؛ به‌منظور این که سیاست مالی پدرش با دوراندیشی همراه بود و درآمدها به علت مسخرشدن سرزمین‌های تازه افزایش یافته و سوریه و مصر از برکت آرامش و آسایش آباد شده بود، در سرزمین‌های شرقی درآمدها رو به کاهش می‌رفت. در سیر فتوحات در غرب مسلمانان در سال ۸۶ هجری / ۷۰۵م تا کرانه‌های اقیانوس اطلس پیش رفتند که در این پیشروی‌ها فرمانده ایشان موسی بن نصیر فرماندار افریقا بود. وی نخستین فردی بود که تا اروپا پیش رفت و موسس نخستین حکومت اسلامی در اروپا شناخته شد، که به مدت هشت صد سال حکومتش تداوم یافت.

تبیین مسأله

ما در شرایط تهاجم، تعدی و تحریف و جنگ فکری جهان قرار داریم، بسیاری از مستشرقین و حتی دانشمندان اسلامی زیر تاثیرات و تبلیغات غرب قرار گرفته و به این عقیده هستند که اسلام از خود تاریخ ندارد، حتا به باور غلط آن‌ها، اسلام جز جنگ، قتل و غارت و سرقت سرمایه‌های ملت‌های دیگر هیچ نقشی در بیدارگری و حرکت تمدن و نشر و پخش آن نداشته‌اند. در حالی که تمدن اسلام در نخستین گامش در جامعه‌ی جاهلیت دگرگونی و تغییرات کلی آورد. هنگامی که دین اسلام در سرزمین اعراب بدوی طلوع نمود، انسانیت انسان زیر پرورش قرار داشت، ولی آهسته آهسته چتر اسلام بر فراز جامعه‌ی عرب گسترش

یافت و از مرزهای عربستان عبور و شرق و غرب را فرا گرفت. آن‌گاه که فاتحین نامدار اسلام مرزهای کفری را شکستند و دروازه‌های اروپا را باز کردند و مردم اروپا (اسپانیا) اسلام را دین عدالت دریافتند و به اسلام مشرف گردیدند و متأثر از اخلاق و سلوک مسلمانان شدند، از دنیای غرب در بعد اخلاق و انسان‌سازی خبری نبود. هدف از جنگ‌های مسلمانان تأمین عدالت و برقراری صلح در جامعه بشری بوده‌است. تمدن یعنی جنگ برای رهایی از توحش، تظلم، تعدی و جهالت! تمدن یعنی جنگ در برابر زورگویی، فرعون‌منشی و خودخدا پنداری! تمدن یعنی جنگ برای مصونیت، سکنه و سکینه‌ی بشریت! تمدن یعنی جنگ علیه فساد و تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی!

رزمندگان اسلام برای اهداف والایی که در بالا ذکر شد، مبارزه و مجاهده می‌کردند، نه برای استعمار، استثمار و استحمار آدمی! نه برای بردگی، تحقیر و تخفیف فرد و جامعه، بل برای تحقق جامعه‌ی فضیلت‌مند و تحصیل کرامت و شرافت انسانی. فتوحاتی را که موسی بن نصیرها در تاریخ اسلام انجام داده‌اند، جهت و جنبش به‌وضوح روشن است. منابع، مصادر و آموزه‌های اسلامی و تاریخی همه این موارد را مهر تأیید می‌زنند، که اسلام برای دفع خشونت، احقاق حقوق برابر و تحقق عطوفت پا به صحنه نهاده‌است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: راهبرد اساسی موسی بن نصیر به‌منظور گسترش دین اسلام در جنگ چگونه بود؟

سوالات فرعی

- 1) صف‌آرایی‌های نظامی موسی بن نصیر در رویارویی با دشمن چگونه بود؟
- 2) سپه‌آرایی‌های موسی بن نصیر در بعد سیاسی چگونه بود؟
- 3) رویکر فرهنگی بن نصیر در رزم‌گاه با دشمن چگونه بود؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: شناسایی شیوه‌ها و صف‌آرایی‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی موسی بن نصیر در جهاد و فتوحات اسلامی در افریقا.

اهداف فرعی:

- 1) شناخت روش‌های نظامی قابل استفاده موسی بن نصیر در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی.

- 2) شناخت روش‌های سیاسی موسی بن نصیر در فتوحات و جهاد اسلامی افریقا.
- 3) شناخت ابعاد فرهنگی فتوحات موسی بن نصیر در نبردها با دشمنان وی.

پیشنه‌ی تحقیق

چکیده‌ای از یافته‌های اسلام پژوهان و محققانی که در رابطه به فتوحات، مجاهدت‌ها و کشورگشایی‌های مبارزان اسلامی مسیرهای پرخم و پیچ تحقیق را پیموده‌اند، قرار زیر است: احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱) روی موضوعات مختلف بحث نموده یکی از سه نفری که در دوره‌ی ولید بن عبدالملک در فتوحات مسلمین مؤثر بودند موسی بن نصیر بوده، که به دلیل لیاقت اداری، نظامی و سیاسی که داشت، توانسته بعدها حوزه‌ای را به قلمرو خود اضافه کند که به تنهایی یک امپراطوری محسوب می‌شد.

احمد العدوی در کتاب خویش تحت عنوان موسی بن نصیر موسس المغرب العربی نوشته می‌کند: موسی در سن سی سالگی به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین زمان با روش‌های نظامی آشنایی خوب کمایی کرد.

ابو حنیفه احمد بن داود دینوری در کتاب اخبار الطوال نوشته می‌کند موسی بن نصیر برای اداره‌ی این سرزمین مولای خود ((طارق بن زیاد)) را بر طنجه و حوالی آن ولایت داد و سپاهی متشکل از هفده هزار عرب و دوازده هزار بربر که مسلمان شده بودند، همراهی و رهبری نمود؛ او به‌طور خاص به اعراب ماموریت داد که به مردم این منطقه قرآن و فقه و دین بیاموزند.

طبری وابن خلدون و ابن اثیر و جرجی زیدان و غیره روی موضوعات و تاثیرات و نقش عملیات نظامی، سیاسی و فرهنگی موسی بن نصیر در این عرصه نوشته کرده و مهارت‌های رزمی، سیاسی و فنی وی را در امر رهبری تایید کرده‌اند.

روش تحقیق

محققین و پژوهش‌گران روش‌های بی‌شمار را مطرح کرده‌اند و هر یک مطابق نیاز جامعه خویش و حل آن معضل روشی را به کار برده‌اند. در این جستار از روش تحقیق کیفی استفاده برده و نوعیت تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا بوده، نخست منابع از متون متفاوت جمع‌آوری سپس متون کدگذاری و استخراج گردیده و با روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردیده‌است.

اهمیت تحقیق

اهمیت و نقش موسی بن نصیر در فرایندی سیاست نظامی و چند بعدی‌اش در عرصه‌ی توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی در امر انتقال فرهنگ اسلامی به جهان غرب یکی از موضوعات مهم تاریخ عصر اموی محسوب می‌شود که در سده‌های نخست هجری فتوحات اسلامی در زمان کوتاهی به اهداف خود دست یافته‌است، چرا که مسلمانان به برکت ایمان عمیق‌شان به اسلام و اراده‌ی پولادین خود از چنان شور و حماسه پرچوش برخوردار بودند، که در اندک زمانی به وجود و حضور هر دشمنی که به هر اندازه هم نیرومندی می‌داشت، پایان می‌دادند. او بر دشواری طبیعت هر چه بود چیره می‌گشتند. مگر در فتح مغرب که حدود هفت دهه طول کشید تا مسلمانان توانستند مقاومت بربرها را درهم شکنند و فتح اسلامی را به اقصی نقاط این سرزمین برسانند در واقع به دلیل توانایی نظامی بربرهای ساکن افریقا احدی نیز جرات نمی‌کرد، تا به دیار آنان یورش برد و اولین کسانی هم که این شجاعت را به خرج دادند لشکریان مسلمان بودند، با این حال سیر فتوحات در این منطقه بسیار کند بود و تا ورود موسی بن نصیر به این ناحیه پیروزی مسلمانان کامل نگشت. در تحقیقات و مطالعات مربوط به تاریخ اسلام چه در کتب دسته اول و چه در آثار پژوهشی در رابطه با سرگذشت موسی بن نصیر و بیان فتوحات وی شرح مطالبی آمده است. در واقع سرگذشت موسی بن نصیر از جمله موضوعاتی است که منابع به اشکال مختلف به آن پرداخته اند، اما در این تحقیق سعی شده است با بیان روایات مختلف و با استناد به منابع اصلی در خصوص سرگذشت رزمی وی این موضوع را به صورت کامل و منسجم عرضه داریم؛ چون: مجاهدت‌های رزمی، سیاسی و فرهنگی وی الگوی خوبی است برای نسل‌ها و رهروان امروزی وی.

نتایج ویافته‌ها

بیوگرافی مختصر موسی بن نصیر

موسی بن نصیر بن عبدالرحمن بن زید ملقب به عبدالرحمن در سال ۱۹ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در شمال حجاز متولد گردید. برخی دانشمندان وی را از قبیله‌ی ((بکر بن وایل)) می‌دانند که قبل از ظهور اسلام در غرب فرات می‌زیستند و قبیله‌اش در جنگ‌ها و حملات در سرزمین فارس تاثیر به‌سزای داشتند. در دوره‌ی خلافت ابو بکر رضی قبیله‌اش درصفت جهاد قرار گرفتند و در این میان موسی بن نصیر فعال‌تر از دیگر افراد

خاندانش بود. پدر نصیر از مسیحیانی بود که به وسیله‌ی سپاهیان مسلمان اسیر شد و سپس مسلمان گردید و در زمان حضرت معاویه رض ریاست اداره پولیس را دارا بوده، ولی در جنگ صفین از مخالفت با حضرت علی رض امتناع ورزید و حاضر نشد که جنگ کند، با این حال حضرت معاویه رض که از لیاقت و کفایت وی آگاهی داشت این حرکت وی را ناپسندید. با مسلمان شدن پدر، نصیر نیز به دست خالد اسیر شد اما خالد وی را نزد خود نگهداشت و به تربیت و آموزش موسی پرداخت. بعد از آزادی از اسارت، موسی به شام مراجعه کرد، در دوران کودکی موسی اطلاع کافی به دست نیست و تنها با اطلاع اندک دانسته می‌شود که دوران کودکی را در دمشق سپری نمود و سپس به مانند پدر به خدمت دستگاه اموی درآمد و در سن سی سالگی در دوره‌ی حضرت معاویه رض به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین وقت با روش‌های نظامی آشنایی پیدا کرد. موسی بن نصیر بعد از حضرت معاویه رض تا روی کارآمدن مروان در دستگاه اموی حضور نداشت، و در سال ۷۷ از سوی عبدالملک والی آفریقا انتخاب شد. وی را رقیب طارق و حتا گاهی آن دو را سخت‌ترین دشمنان هم معرفی می‌کنند. موسی بن نصیر در سال ۸۹ هجری از طرف ولید بن عبدالملک والی آفریقا (تونس) انتخاب گردید و طارق بن زیاد که مولای وی بود را همراهش نمود موسی اسلام را از افریقا تا سرحدات اروپا گسترش داد. یکی از رادمردان دلاور و نامدار در تاریخ اسلام بود، وی توانست که دستگاه خلافت اسلامی را در تمام قلمرو مغرب زمین تحکیم بخشید...

موسی بن نصیر یکی از سه نفری که در دوره‌ی ولید بن عبدالملک در فتوحات مسلمین موثر واقع بودند، از آن جمله موسی بن نصیر در میدان جنگ به دلیل لیاقت اداری و نظامی که داشت تاثیراتش بیشتر بود. او توانست بعدها گستره‌ی به قلمرو خود را اضافه کند که به تنهایی یک امپراتوری محسوب می‌شد. وی به حکمت، استواری رأی، حسن تدبیر شهرت داشت؛ برخی علما وی را مردی خردمند کریم النفس، شجاع و پرهیزگار می‌دانند. زمان حمله به دشمنان آفریقا هفتاد ساله بود، ولی همت جوانان را داشت وی از جمله از مقتدرترین و باکیاست‌ترین مجاهدان جنگ و سیاست در قرن نخست هجری بود.

مسولیت موسی بن نصیر در بصره

موسی بن نصیر بعد از سنین رشد به مصر رفت و در خدمت برادر خلیفه ((عبدالملک بن مروان (عبدالعزیز)) که والی مصر بود در آمد موسی توانست اعتماد وی را کسب کند

زمانی که عبدالملک بن مروان می‌خواست برادر خود بشر را والی عراق کند به علت جوان بودن بشر، تصمیم گرفت تا شخصی را به‌عنوان مشاور با وی همراه سازد. در این وقت به برادر خود عبدالعزیز در مصر نامه نوشت که من برادرت بشر را والی بصره قرار داده‌ام بشر نیاز به فرد آگاه در امور مالی و اداری دارد، پس موسی را با وی همراه ساز تا مشاور وی باشد و دیوان عراق را به او بسپار وی را آگاه ساز که در هر اتفاقی مسوول است. عبدالعزیز سخن برادرش را پذیرفت و موسی را مشاور امور مالی بصره ساخت. بشر از مصر وارد بصره شد در حالی که موسی همراه وی بود و تا بر منصب حکومت بصره نشست همه کارها را به‌دست موسی سپرد و خود کنار کشید و موسی تنها مسوول امور مالی و دیوانی بصره گردید.

موسی همواره امین و فرد مورد اعتماد بشر بود تا زمانی که وی از دینا رفت و ((حجاج بن یوسف ثقفی)) به‌جای او روی کار آمد و چون در سال ۷۵ هجری حجاج به امارت عراق رسید، موسی را به اختلاس و عدم امانت‌داری متهم کرد. در این زمان عبدالعزیز با اموال و خراج مصر به شام رفته بود و با همان اموال نیز به کمک موسی شتافت. موسی که از ترس حجاج به شام فرار کرده بود به کمک عبدالعزیز هزار دینار به خلیفه پرداخت کرد تا از جان وی در گذرد درحقیقت اگر شفاعت عبدالعزیز نمی‌بود، حجاج موسی را کشته بود. موسی بعد از آن همراه عبدالعزیز به مصر رفت و در همان جا سکونت اختیار کرد و در پیش وی باقی ماند و با احترام زیست. پناه دادن موسی نزد عبدالعزیز نقطه‌ی عطفی در زندگی سیاسی وی محسوب می‌گشت. چرا که در آن زمان بر اثر حوادثی والی افریقا، حسان بن نعمان از سمت خود برکنار شد و موسی به درخواست عبدالعزیز جانشین والی افریقا شد. موسی در وقت فرصت تبارز دادن توانمندی‌های نظامی خود را در یافت.

مسوولیت موسی بن نصیر در شمال افریقا

قبل از موسی بن نصیر در افریقا در سال ۶۹ هجری حسان بن نعمان به‌حیث والی بود؛ حسان در مغرب در برابر نفوذ رومی‌ها، دفع شر بربرهای ساکن و کشتن یکی از زنان کاهن (هولت)، آن منطقه که قدرت بسیار داشت خدمات شایانی نمود، اما با این وجود، دشمنان وی نزد خلیفه‌ی اموی و برادر وی عبدالعزیز عامل اموی در مصر شکایت نموده و شایع نمودند که حسان اراده و عزم استقلال طلبی دارد.

همین بدگویی و ایجاد بدبینی کافی بود تا عبدالعزیز فرمان امارت حسان را باطل و به جای وی موسی بن نصیر را جانشین گرداند.

هرچند زمانی که عبدالعزیز وابسته خود، موسی را برای سرپرستی فتوحات در مغرب انتخاب کرد، خلیفه در توانایی وی برای اجرای این مسولیت به وی خوشبین نبود و حتا این نکته در مکاتباتش با عبدالعزیز انعکاس یافت. اما عبدالعزیز برادر خود را در این زمینه مطمئن ساخت. با اصرار عبدالعزیز بر جانشینی موسی به جای حسان، خلیفه این امر را پذیرفت، به این ترتیب عبدالعزیز در سال ۷۹ هجری یکی از نزدیک‌ترین مردان خود، موسی بن نصیر را والی افریقا تعیین نمود و موسی نیز توسط یک سلسله عملیات جنگی دلیرانه و جسارت که از خود و پسرانش بروز داد، نیروهای متحد بربر را درهم شکست، یونانیان را به کلی خارج کرد و سراسر کشور را امن و آرام گردانید.

درایت موسی بن نصیر

در عصر حاکمیت عبدالعزیز بن مروان، موسی بن نصیر متوجه مصر شد و آنجا را مهم‌ترین پایگاه فتوحات در شمال آفریقا می‌دانست که حضور نیروهای جنگی عرب در مصر نیز بر امتیاز آن می‌افزود. بعد از مشورت با این گروه نظامی و بررسی نبردهای قبلی بر آن بود تا بهترین و آسان‌ترین راه پیروزی بر ممالک دیگر شمال آفریقا را به دست آورد. همین گفت‌وگوها آغازگر زمینه‌ی حملات عربی به شمال آفریقا گشت و نتیجه‌ی غور و بررسی موسی در حملات قبلی به شمال آفریقا در این خلاصه می‌شده که سیاست اعراب بر پایه‌ی خارج کردن شمال آفریقا از یوغ رومی‌ها و تحت نفوذ خود درآوردن بار دوم رومیان نیز می‌کوشیدند تا تسلط خود بر شمال آفریقا را حفظ کنند.

موسی برای جلوگیری از اشتباه پیشینیان، تدبیر خود را برای جنگ جویان ترسیم نمود؛ به این ترتیب با ایجاد امنیت از نفوذ رومیان پیشگیری نمود. همچنین از یقیه را که شامل تونس، طرابلس، الجزایر، و قسطنطنیه بود به عنوان پایگاه خود برگزید؛ به دلیل این که این مکان مقر و مرکز نظامی رومیان و کلید پیروزی شمال آفریقا به شمار می‌رفت.

اوضاع بد سیاسی اسپانیا مقارن موسی بن نصیر

زمانی که آفریقا تحت حکومت اسلامی از نعمت آزادی عقیده و عدل و داد برخوردار بود و مراحل ترقیات اساسی را سریع می‌پیمود، در این وقت اسپانیا همسایه وی زیر پره‌های مظالم گوت‌ها خرد و نابود می‌شد. در این دوره اشخاص متمول، طبقات ممتاز از دادن

مالیات و سایر عوارض دولتی معاف بودند و از این رو طبقات متوسط که تمام بارهای کشور فقط تحمیل بر آن‌ها بوده رو به خرابی و پریشانی نهادند. فعالیت مربوط به پیشه و هنر به واسطه‌ی گرفتن عوارض و مالیات زیاد و کمرشکن یکسره معدوم گردیده و تجارت و صنعت به کلی از کشور رخت بر بست.

از طرف دیگر نازایی و بی حاصلی سرتاسر آن کشور را فرا گرفت. کشاورزان و غلامان همیشه طوق بندگی به گردن داشتند. زارع و غلام مالک چیزی نبوده و هرگونه اختیاری را فاقد بوده و بی اجازه مالک قدمی نمی توانستند بردارند. حتا بدون اجازه و رضایت ارباب، حق ازدواج را نداشتند، از سوی حالات روحی و اخلاقی آنان نظیر مادیات آن‌ها در نهایت درجه‌ی انحطاط و خرابی بوده است. یهودیان که عده بسیاری از آنان در آن شبه جزیره مسکن داشتند همیشه مورد تعقیب و آزار و اذیت سلاطین و کشیشان و نیز اشراف بودند. اینان منتظر منجی نجات بخشی بودند و توضیح آن که ایالت مسلمین در طرف دیگر تنگه به نظر این مردمی که گرفتار ظلم وجود سلاطین گوتیک روسای مذهبی بودند، آسمان امنیت و آرامش شمرده می شده است و لذا عده زیادی از آن‌ها از این مظالم طاقت فرسا از خاک اسپانیا فرار کرده به استان مسلمانان یعنی به آفریقا پناهنده شده بودند. در این زمان که آفریقا به دست موسی بن نصیر اداره می شد، حکومت اسپانیا به دست رودریک بود. این فرد ((وی تیزا)) پادشاه سابق را مخلوع و مقتول نموده بود و خود صاحب تاج و تخت شده بود ((ژولین)) فرماندار بر اثر یک حرکت خلاف بی رحمانه‌ای که از رودریک نسبت به او در باره دخترش فلوریندا رسیده بود، ناچار ملحق به سایر فراریان اسپانیا گردیده و از موسی درخواست نمود که آن کشور را از چنگال ظالمانه پادشاه غاصبش نجات بخشد.

سلوک و برخورد موسی بن نصیر با بومیان محلی

نیروهای فاتح زمین‌های زراعتی اسپانیا را بین طوایف عرب و بربر تقسیم می کردند. این عمل سبب بروز کشمکش بین طوایف مختلف مسلمانان در اسپانیا گردید. و همان نخستین دهه‌ی سلطه‌ی مسلمانان بر اسپانیا طوایف بربر این منطقه، که زمین‌های کوهستانی و کم محصول به آن‌ها واگذار شده بود، علیه‌ی فرمانداران عرب خود دست به شورش زدند؛ هرچند این شورش‌ها توسط عرب‌هایی که از سوریه گسیل شده بودند سرکوب گردید. همچنین مهاجرت عرب‌ها به اسپانیا عامل بسیار موثری در عربیزه و اسلامیزه نمودن مردم اسپانیا بود. مردم بومی این منطقه با عنوان موالی یا برده و یا مزدور به خدمت درمی آمدند و

همچنان گاهی با خانواده محلی ازدواج برقرار می‌شد. موسی بن نصیر پس از آن به مصر، ولایت خود بازگشت با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام پیوسته است. با این که وی با بربرهای مخالف خود بسیار شدت عمل به خرج داد و بدون رحمت و شفقت آنان را کشت و ده‌ها هزار نفر از آنان را به اسارت گرفت. اما مسیر انتشار اسلام در میان بربرها باقی ماند.

عبیدالله بن صالح مورخ، تاکید می‌کند که پیش از اقدام برای فتح اندلس همه بربرها به درستی مسلمان شده بودند.

سیاست موسی بن نصیر در قبال بربر یک طرف دیگر هم داشت که بیشتر انسانی و مودت‌آمیز بود؛ او با کسانی که مسلمان شدند بر پایه‌ی مسالمت و همکاری متقابل عمل می‌نمود. موسی با این گروه به انصاف و محبت رفتار نمود و بین آنان و اعراب به مساوات عمل، از آنان به‌عنوان نیروی نظامی استفاده کرد، در مقابل اخلاص وی، آنان نیز اخلاص ورزیدند و در قبال دوستی نمودند. عملکرد موسی در افریقا سبب شد وی به امیر قیروان معروف شود. (مونس، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

حیات سیاسی موسی بن نصیر در اندلس

زمانی که موسی بن نصیر به قیروان رسید دو امر مهم و بزرگ را احساس کرد و می‌بایست انجام دهد، تا سرزمین‌های شمال آفریقا عملاً در قلمرو دولت اسلامی درآید. او می‌بایست ابتدا مناطقی از مغرب ادنی و اوسط را که فتح نشده بود، به‌ویژه مناطق اطراف آن را که قبایل بربر در آن‌جا پناه گرفته بودند و هنوز پرچم مقاومت در برابر اسلام و دولت آن‌را برافراشته بودند، فتح می‌کرد و در مرحله‌ی بعدی مغرب افقی که هر چند ((عقبه بن نافع)) با عبور از آن تا ساحل اقیانوس اطلس رفت اما بربرهای آن‌جا هنوز در برابر حکومت مسلمانان تسلیم نبودند فتح می‌نمود.

نخستین کار موسی پس از رسیدن به قیروان این بود که سپاهی به منطقه زعوان در نزدیکی قیروان اعزام کند. این سپاه منطقه مذکور را فتح و شمار بسیاری از ساکنان بربر در آن‌جا را اسیر کرد و فرمانده آنان ((ورقطان)) نیز دستگیر شد. (ابن عداری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۲)

موسی بن نصیر پس از آن به مصر بازگشت، با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام، پیوسته است. به دلیل عملکرد موسی با ساکنان شمال آفریقا وی موفق شد پایه‌های دولت اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه‌های اطلس و انتهای صحرای بزرگ آفریقا

تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه‌ای از سیطره مسلمانان خارج نماند. پیروزی مسلمانان در نشر اسلام در روزگار موسی بن نصیر در مغرب اقصی و نزدیکی به بربرها و عرب ساختن آن‌ها گام‌های موثری در مسیری طولانی به سوی شبه جزیره ایبری و برپایی دولت عرب اسلام در جنوب قاره اروپا پس از ناتوانی خلفای دمشق از تحقق چنین دستاوردی در کرانه‌های بسفراو با مساعدت و یاری آنان موفق شد پایه‌های دولت اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه‌های اطلس و انتهای صحرای بزرگ افریقا تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه‌ای از سیطره‌ی مسلمانان خارج نماند، جز شهر سبته که یک نفر مسیحی از گوت‌ها و شاید از رومیان بیزانسی به نام یولیان برآن‌جا فرمانروای می‌کرد و با قدرت و عناد در مقابل مسلمانان ایستاد. موسی پس از آن برای تسلیم عاصیان و معارضان قبایل همراه زناته و کتامه حرکت کرد و برآنان تاخت و شماری از آنان را کشت و شماری را به اسارت گرفت.

و آنگاه که از وی امان خواستند با آنان صلح کرد و عده‌ای از گزیدگان خود را برای انجام صلح نزد او به گروگان گذاشتند. (ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج: ۱، ۳۴)

موسی بن نصیر برای اداره‌ی این سرزمین مولای خود ((طارق بن زیاد)) را به طنجه و اطراف آن ولایت داد و سپاهی متشکل از هفده هزار عرب و دوازده هزار بربر که مسلمان شده بودند همراه او نمود؛ او به طوری خاص به سپاهیان ماموریت داد که به مردم این منطقه قرآن و فقه و دین بیاموزند. این مردم اساساً با اسلام به‌عنوان یک دین و عقیده بیگانه نبودند. زیرا ((عقبه بن نافع)) شماری از فقه‌ها را در میان آن‌ها باقی گذاشت تا قرآن و اسلام را به آن‌ها بیاموزند (دینوری، ۱۳۸۱: ۲۹۱). بعد از تسلط عقبه بن نافع بر مسیله و دستیابی به اقلیم حاصل‌خیز زاب مسلمانان عملاً وارد منازل قبایل بربر شدند که مشهورترین آنان ((لواته)) و ((هواره)) بود، که تسلط یافتند.

چهار نفر از پسران عقبه بن نافع همراه موسی بن نصیر بودند. موسی آنان را با سپاهسانی برای فتح منطقه ((سجومه)) فرستاده بود اعزام کرد تا اهالی بربر ساکن آن‌جا را تسلیم کنند. موسی دست پسران عقبه را میان آنان بازگذاشت تا انتقام خون پدرشان را از آنان که در شکست عقبه بن نافع شرکت داشتند بگیرند. علاوه برآن هدف دیگر موسی آن بود که این منطقه دروازه‌ی ورود به اسپانیا و طنجه بود و نتیجه‌ی نبرد، شکست و تسلیم اهالی سجومه و اسارت هزاران نفر از آنان و اسارت خانواده‌ی ((کسیله بن لمزم)) بود. موسی بن نصیر برای انجام ماموریت بزرگ یعنی به تسلیم درآوردن و فتح مغرب و وادارکردن این سرزمین به منطقه‌ی

نفوذ مسلمانان سپاه فراوانی تشکیل داد، اما بربرهای آن‌جا که اخبار برخورد مسلمانان با بربرهای مغرب ادنی و اوسط و نیز آزار و اذیت و اسارت ده‌ها هزار نفر از آنان را شنیده بودند، فرار کردند. موسی با سپاهیان خود به آنان رسید و پس از نبرد شماری بسیاری را کشت؛ تا این‌که از او امان خواستند و تسلیم شدند. با سرعتی شگفت‌آور که شاید یکی از علل آن خشونت بسیار بود. مغرب افقی تسلیم اسلام گشت و مردم بربر در برابر دین و دولت اسلام رام و فرمان‌بردار شدند. پسران عقبه ششصد نفر را از میان اسرا بدون توجهی شرعی و بدون قصد انتقام شخصی و شاید برای ترساندن بربرها کشتند تا تضمینی برای تداوم فرمان‌برداری آنان از مسلمانان باشد (ابن اثیر، ۴: ۱۴۴).

اسپانیا مورد دقت و توجه موسی بن نصیر

وضعیت حکومت ویسیگوتیک و بی‌اعتنای جمعیت ستم‌دیده اسپانیایی-رومی امید راحت و آسان را در اختیار مسلمانان گذارد که به تازگی در دیگرسوی تنگه‌های جبل الطارق استقرار یافته بودند. موسی بن نصیر که به گونه‌ای پیروزمندانه مراکش را ساخته بود. به همراه نایب خود طارق بن زیاد فرماندار طنجه و با مشارکت کنت ژولیان اسطوره‌ی معروف به فاتحان خوش اقبال اسپانیا تبدیل شدند؛ ورود اولین نیروهای مسلمان به اسپانیا حرکت یک نیروی چهارصد نفری به رهبری طریف که خود یک بربر بود، آغاز شد، تا هنوز جای پای مسلمانان در افریقا استقرار نیافته بود که به فکر عبور از تنگه‌ی جبل الطارق در بین افریقا و اورپا افتادند.

این واقعه در سال ۷۱۰م روی داد. با حکمرانی موسی بر افریقا، اسپانیا همزمان تحت فرمان ((ویزیگوت)) و حکمرانی ((رودریک)) بود. عرب‌ها در نیمه‌ی دوم قرن هفتم م برای فتح اسپانیا اقدام کردند و به دوران امپراطور کت، ومبا، که حکومتش از ۶۷۲ تا ۲۸۰م بود به سواحل اسپانیا حمله بردند. عرب‌ها از مدت‌ها پیش به انتظار فرصتی برای فتح اسپانیا بودند و عواملی به این امر کمک کرد، از جمله اشتیاق یولیان به دولت آل غطیسه که سبب همکاری وی با موسی بن نصیر شد.

این حقیقت مسلم است که موسی بن نصیر در سال ۷۱۰م/۹۱ هجری با تصور سلطه کامل بر مغرب به فکر حمله به اسپانیا افتاد.

موسی بن نصیر این منطقه را چنین توصیف می‌کند: آسمان و زمینش به زیبایی سوریه، آب و هوایش مانند یمن، گل‌ها و عطرها‌ی دل‌انگیزش مانند هندوستان، میوه‌هایش چون مصر

و فلزگران بهایش مانند چین. اسپانیا شهری بزرگ و پرجمعیت داشت که با عمران و آبادی خود می درخشید و به همان نسبت مردم آن در فساد و تباهی فرو رفته بودند؛ از این رو اگر چنین کشوری هرچند هم در ظاهر بزرگ باشد، به دست عده‌ی کمی از مردم متدین و پرشور که معتقد بودند خداوند آن‌ها را برای هدایت بشر فرستاده است و در ضمن غنایم جنگی نیز آن‌ها را به جنگ می کشانید سقوط کند. نباید تعجب کرد مسلمانان این جهاد را موجب افزایش تعداد مسلمین و تضمینی برای فتوحات خود می دانستند. مسلمانانی که در اندیشه‌ی آخرت نبودند. نیز اسپانیا را کشوری پر نعمت برای خویش یافتند به همین جهت فتح اسپانیا مقصد دنیا و آخرت مسلمانان را تامین می کرد؛ در این اثنا موسی بن نصیر بلاد مغرب را بگشود و تنها شهر ((سبته)) که کلید فتح اسپانیا بود، فتح نشده بود. در پایان سال ۷۰۹م امپراطور ((ویتا کا)) که بعد از ((اژیکا)) به حکومت اسپانیا رسیده بود معزول شد و در اوایل سال ۷۱۰م آشیلایا به جایش نشست عرب‌ها ((ویتا کا)) را غیطشه می نامند. آشیلایا دیری نپایید و در بهار همان سال به دست بزرگان و پشویان مذهبی معزول شد و ((رودریک)) فرماننده سپاه گت که عرب‌ها او را لذریق نامیده‌اند به جای وی انتخاب شد. او آخرین پادشاه گت بود که در اسپانیا حکومت کرد. کنت ژولیان حاکم شهر سبته که با رودریک دشمنی داشت با حزب آشیلایا، یار شد تا از دست رودریک خلاص شود، سپس از موسی بن نصیر کمک خواست او نیز فرصت را برای حمله به اندلس مناسب دید و با عبدالملک در این باب مشورت کرد. ولید در آغاز مردد بود عاقبت بدو اجازه داد، اما گفت که احتیاط کند مبادا ژولیان درصدد فریب مسلمانان باشد. موسی به کمک ژولیان به مرزهای جنوبی اندلس حمله برد و با غنایم فراوان بازگشت. خبر پیروزی طریف سبب شد موسی تشجیع شود و سپاهی مرکب از هفت هزار نفر که بیشتر شان بربران بودند فرماندهی طارق بن زیاد حاکم طنجه برای تسخیر اندلس بفرستد. طارق بن زیاد به کمک کشتی‌های حاکم سبته نزدیک صخره‌ای به نام جبل الطارق در ساحل اسپانیا پهلو گرفت طارق در سال ۹۲هجری با کشتی‌های ژولیان از دریا گذشت و در جنوب اسپانیا فرود آمد، در این هنگام ((رودریک)) سرگرم فرونشاندن انقلابی بود که آشیلایا و طرفدارانش در شمال پدید آورده بودند. وقتی از هجوم عرب آگاه شد، خطر را دریافت و برای نجات کشور خویش با شتاب تمام، سپاهی نزدیک به صد هزار نفر فراهم آورد، اگر این سپاه نظم کامل و روحیه‌ی خوب داشت سپاه طارق را از میان برمی داشت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۳۳). باید گفت که طارق به

دلیل آن که صادق با خلاق شجاع و دارای حسن رفتار با سربازان برابر بود، مقرب و مورد اعتماد موسی بن نصیر قرار گرفت و فرماندهی نخستین حمله جدی اسلام به اسپانیا به او واگذار شد. بزرگ‌ترین اعجاز مسلمانان در فتح مغرب، به وقوع پیوست. به ناگاه مقاومت بربرها در هم شکست و حاکمیت سیاسی مسلمانان استقرار یافت و دین با سرعتی خارق العاده اشاعه پیدا کرد این تغییر اوضاع با نام موسی بن نصیر ربط می‌یابد و این وسوسه پیش می‌آید که او را فاتح حقیقی شمال افریقا بپنداریم. در واقع جای تعجب است که چرا وقایع نگاران عرب از او اطلاعات بسیار اندکی می‌دهند، ممکن است به این علت باشد که وقایع نگاران معاصر شرح تفصیل ماجراجویی‌های او را گستاخانه پنداشته‌اند.

کارزار پیروزمندانه‌ی طارق در کنار وادی بکه

طارق بن زیاد در کنار وادی بکه در سال ۹۲ هجری/۷۱۱م با نیروهای رودریک روبه‌رو شد و این جنگ هشت روز ادامه پیدا کرد در این وقت موسی بن نصیر پنج هزار نیرو به کمک طارق فرستاد، در این جنگ طارق پیروز شد از جمله عوامل پیروزی وی آن بود که دو پسر غیطشه و یارانش در اثنای جنگ به عرب‌ها پیوستند، به علاوه ژولیان بسیاری از سپاهیان ((رودریک)) را به سوی خود جلب و در سپاه وی نفاق و تفرقه انداخت. این پیروزی درهای شبه جزیره لیبیا را به رویشان گشود. چنان‌که پس از آن هرگز مجبور نشدند در فتوحات خود پا به معرکه‌ای چنین مهم بگذارند. شمار بسیاری از نیروهای گوت در میدان جنگ بر زمین افتادند و لزیق ناپدید شد (ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۳۵۷). در این پیروزی مسلمانان، شماری از نیروهای خود را از دست دادند شماری به اسارت گرفته شدند؛ اما آنچه مهم بود آن‌که روحیه‌ی مسلمانان بالا رفت و نقاط ضعف در نیروهای نظامی اسپانیا را شناختند.

پس از پیروزی مسلمانان در بکه امکانات عظیم و سریعی برای یاری طارق بن زیاد و پشتیبانی از حمله او در سرزمین مغرب به‌راه افتاد. موسی بن نصیر که به فتوحات طارق رشک برد و از نافرمانی او به خشم آمده بود در الجیراس مستقر شد و به همراه هجده هزار تن از سربازان خود، بعد از تسخیر ((مدنیاسیدونیای))، ((کارمونا)) و ((الکالا دوگرادرا)) بدون هیچ مشکلی سویل را به تصرف خود درآورد. او تنها در مقابل استحکامات مریدا که هواداران اصلی شاه رودریک در آن اجتماع کرده بودند، مجبور شد شش ماه را در محاصره بگذراند. به محض آن‌که این شهر تسلیم شد، موسی راه ((تولدو)) را درپیش گرفت و

با طارق ملاقات کرد و با تحقیر و تمسخر این سردار نامی، گنجینه‌های متعلق به سلسله‌ی ویسگوتیک را از وی تحویل گرفت. موسی بن نصیر در صدد بود تا از طریق ((ساراگوسا)) به لرید)) یورش برد. اما خلیفه‌ی اموی ولید، به وی فرمان داد همراه طارق در دمشق حاضر شده و در مورد فتوحاتش توضیح دهد.

نخستین پیروزی مسلمانان توسط طریف با چهار صد نفر سرباز پیاده و صد نفر سواره بربر در شبه جزیره کوچکی که آخرین بخش جنوب غربی اورپاست، حاصل شد. این امر در سال ۹۲ هجری / ۷۱۱ م تحقق یافت. طریف مولای موسی بن نصیر ولایتدار امویان در شمال افریقا بود. و این شبه جزیره تاکنون نیز به نام طریف (تاریغا) در جغرافیای اروپا باقی مانده است. موسی بن نصیر با تجربه که از همکاری با بربرها داشت عده‌ای از آن‌ها را تا طریفه پیش برد و هر جا دست به حمله می‌زد با مقاومت سختی مواجه نمی‌گردید. موسی بن نصیر هم، چون وضع را بدین گونه دید عزم خود را برای پیشروی بیشتر جزم کرد و در سال بعد نیروی تازه مرکب از دوازده هزار جنگ‌جو را که اکثر آن‌ها بربر بودند تحت فرمانده طارق بن زیاد مامور نمود که در خاک اسپانیا پیشروی کنند. طارق بن زیاد با این سپاه اندک کلیه لشکریان ویزیگوت را شکست داد. سرپادشاه آن‌ها رودریک را برید و برای خلیفه به دمشق فرستاد. طارق پس از این پیروزی به تسخیر شهرهای اسپانیا پرداخت و بر اشبلیه و قرطبه و طلیطله استیلا یافت. گت‌ها این شهرها را خالی کرده بودند و تنها یهودیان در آن مقیم بودند که طارق آنان را در انجام مراسم دینی شان آزادشان گذاشت.

منابع عربی می‌نویسند که گزینه انسانیت و حسادت موسی بن نصیر در مقابل دستاورد موسی و فرمانده زبردستش طارق و پیروزی‌های وی که ابعاد آن از امیال و آرزوهای مسلمانان در گذشته تحریک شد. با وجود آن، ما بعید می‌دانیم که موسی بن نصیر چنین واکنشی در قبال فرمانده زبردست خود انجام داده یا به او حسد ورزیده باشد. زیرا طارق از طرف والی مغرب می‌جنگید بنام او پیروز می‌شد و فتح می‌کرد و ب ه هنگام سختی‌ها و شاید به او مراجعه کرد. از این‌ها گذشته همواره با موسی در ارتباط بود و خبر هر پیروزی را به او می‌داد و تا آن‌جا که امکان داشت با وی مشورت می‌کرد و پس از پیروزی متوجه او شد خواه این روایات درست باشد یا نه. موسی بن نصیر از ترس این که مبادا نیروهای اسپانیا برای انتقام از شکست خود بازگردند و شاید در صورت صحت روایات مورخان به منظور رقابت و هم‌چشمی با طارق در فتوحات به سرعت نیروی قدرت‌مندی برای پشتیبانی

سپاه طارق راه انداخت. پس از آن که نیروهای طارق پیاده شدند. (نوذری، ۱۳۸۲: ۲۶۳) چنانچه گفته‌اند موسی پس از چندین حمله‌ی موفقیت‌آمیز بر دژهای سر راه پایتخت سید و طارق را مجبور کرد که همه گنجینه‌های به‌دست‌آمده در کاخ شاهی با ضبط شده از کلیساها را به او تسلیم کند. موسی بن نصیر فرمان داد تا سکه‌های به خط لاتینی با شعار اسلامی زدند. مملکت و یزیگوت‌ها همچون خانه‌ای مقوای فرو ریخت و پیشروی به شمال در مقابل مسلمانان باز شد.

قسمی که او توانست به همراه سپاه شکست ناپذیر خود تا مناطق ((گوادالجر)) و ((الکالادو هنارس)) به پیش تازد. طارق از رویارویی با سپاه گوت وحشت داشت سپاهی را که بیش از حد انتظار بزرگ و بیش از سپاه طارق بود، مطابق برخی منابع صد هزار سواره داشت طارق در مقابل از موسی بن نصیر تقاضای نیروهای کمکی کرد فرمانده مسلمان به سرور و مافوق خود موسی بن نصیر نوشت که پادشاه اندلس آن قدر نیرو آورده که او را یاری مقاومت نیست. وی شهر شدونه را با زور گشود از آن‌جا به قرمونه که دژ عظیمی داشت به همین دلیل موسی به حيله و فریب متوسل شد و گروهی از سربازان یولیان را برآن داشت تا با موافقت اهالی در روز وارد شهر شوند آنان به مردم شهر خیانت کرده شب هنگام دروازه‌های شهر را برای مسلمانان گشودند و بدین‌گونه سپاه موسی بدون جنگ بر قرمونه چیره شد. این پیروزی موسی بود. موسی از آن‌جا راهی اشلیبه شد. با اهالی این شهر پیکار کرد و بعد از یک ماه شهر را محاصره گرفت تا آن‌که این شهر نیز به‌دست مسلمانان سقوط کرد.

وقتی که موسی بن نصیر از پیروزی طارق خبر یافت، غیرتش تحریک شد و خواست افتخار اندلس نصیب وی شود و از غنایم آن سهمی ببرد، لذا سپاهی زیاد برای تکمیل فتح اندلس فراهم آورد و نامه‌ای به طارق نوشت که هرکجا هست بماند تا وی برسد. اما طارق پس از مشورت با سران سپاه از اطاعت وی سر پیچید. زیرا وقفه‌ی جنگ مسلمانان را به خطر می‌انداخت و به‌گت‌ها فرصت می‌داد که دست و پای خود را جمع کنند. از این رو فتوحات خود را ادامه داد تا به طلیطله رسید.

اما به نوشته‌ی ابن اثیر اختلاف بین طارق و موسی در هنگامی فتح اندلس و برخورد آنان با یکدیگر از یک‌سو و ترس خلیفه از دیگرسو و محبوبیت موسی از سوی دیگر باعث شد که خلیفه وی را به دمشق احضار کند. (ابن اثیر، ج ۴: ۴۴۸ و ابن خلدون، ج ۲: ۲۰۲-۲۲۲) ولید

از قصه‌ی وی خبر یافت فرمان داد که از پیشروی چشم‌پوشد و موسی و طارق را به نزد خویش خواند، زیرا نمی‌خواست که مسلمانان را در خطر بیندازد، به علاوه بیم داشت که اگر موسی فتوحات خود را به پایان برد نفوذش فزونی‌گرديد و هوس استقلال کند. موسی به فرمان خلیفه تا به سوی دمشق حرکت کرد اما پیش از ورود وی ولید بیمارشد، بیماری‌ای که در آن درگذشت. سلیمان بن عبدالملک که ولیعهد بود از موسی خواست راه دمشق را آهسته بسپارد تا پیش از رسیدن وی ولید مرده باشد، زیرا می‌خواست غنیمت‌ها و هدیه‌ها که همراه موسی بود نصیب وی شود، اما موسی این دستور را پذیرفت و سلیمان کینه او را در دل گرفت و وقتی به خلافت رسید او را به معرض بازخواست برد.

موسى با غنايم وجواهر بى شمار و سى هزار اسير به همراه طارق عازم دمشق شد تا آنچه را آورده به خلیفه تسلیم کند ولید پس از سه روز در گذشت و سلیمان به جای وی نشست، اما دارایی موسی و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد. بنا به نوشته‌ی یعقوبی، طارق از مولای خود نزد سلیمان بدگویی کرد پس سلیمان تمام مال او را گرفت و صد هزار دینار از وی مطالبه کرد، موسی گفت هنگامی که روی کار شما آدم‌اسبی و پوستینی داشتم اکنون هم همان را به من بدهید و خود دانید و بقیه. (یعقوبی، ۱۳۶۵ج ۲:۲۵۲) موسی بن نصیر قبل از حرکت، استیلاى خود را به منطقه‌ی زیر سلسله کوه‌های پیرنی میان فرانسه و اسپانیا، تا گالی‌سیا کامل ساخت. او را در اواخر سال ۹۵هجری / ۷۱۴م راهی دمشق شد و پسر خود عبدالعزیز را به‌عنوان فرماندار اندلس برگمارد. اسپانیا را آرام کرد و با تیودومیر، حاکم منطقه مورسیا پیمان اطاعت و تسلیم به امضا رسانید. وی بعدها با بیهوی رودریک ازدواج کرد و در سال ۹۷هجری / ۷۱۶م به‌دستور خلیفه سلیمان آن هم بعد از دو سال حکومت درسویل به قتل رسید.

اطاعت عبدالعزیز از دستور پدر در اندلس:

زمانی که موسی بن نصیر می‌خواست به سمت دمشق حرکت کند فرزند خویش عبدالعزیز را به عنوان حاکم اندلس برگزید. عبدالعزیز امور حکومت را نظم بخشید و کمیته‌ای تشکیل داد تا احکام و قوانین متناسب با وضع مردم را تنظیم کنند. به زراعت و اصلاح راه‌ها توجه کرد، مظالم گت‌ها را از میان برد، مالیات سنگین را تخفیف داد و طبقات مردم را با رعایت دین و نژاد مساوات بخشید و مردم را به دین و مال و جان امان داد و عرب‌ها را به آمیزش و

ازدواج با بومیان ترغیب نمود، خود او نیز با بیوه‌ی رودرویگ که بر دین خویش بود ازدواج نمود.

سرنوشت ناگوار موسی بن نصیر

بعد از فتح اندلس (اسپانیا) تمام فکر موسی متوجه ((جلیقیه)) بود که فرنگی‌ها آن را ((گالیا)) می‌نامند. مرکز گالیا شهری بود که عرب آن را ((شانت یا قو)) می‌خواندند. در همان اوقات که وی سرگرم لشکر کشی و عزیمت به سوی گالیا بود مغیث رومی فرستاده خلیفه ولید بن عبدالملک سر رسید و نامه‌ی خلیفه را که به او دستور داده بود از اسپانیا خارج شود و از پیشروی باز ایستد به وی داد. موسی بن نصیر از این دستور نا بهنگام خلیفه ناراحت شد؛ زیرا در آن هنگام تنها شهری که هنوز به دست مسلمانان تصرف نشده بود، گالیا بود که موسی بن نصیر بر آن بود تا به هر نحوی آن را فتح نماید. ناچار با فرستاده خلیفه از درمهربانی درآمد و از وی درخواست مهلت نمود تا کالیا را اشغال نماید و او در پاداش و غنیمت آن شهر سهیم باشد. مغیث با پیشنهاد موسی موافقت نموده و با موسی بن نصیر به سوی گالیا شتافتند. وقتی موسی وارد صحرای آن جا شد، دژهای ((بارو)) و ((لک)) را گشود، در آن جا اقامت گزید و دسته‌هایی از سپاه خود را در اطراف پراکنده ساخت تا به ((صخره بلای)) واقع در ساحل اقیانوس اطلس رسید. اهالی آن جا نیز ناچار به تسلیم شدند و قبول جزیه نمودند و سپاهیان عرب در دشت‌های آن جا سکونت ورزیدند. بربرها و عرب‌ها به هر نقطه که می‌رسیدند و آن جا را می‌پسندیدند، توقف می‌کردند و منزل می‌گزیدند. بدین گونه دامنه‌ی اسلام در سر زمین اسپانیا وسعت یافت و سراسر قلمرو آن را فراگرفت.

در همین زمان فرستاده دیگری از طرف ولید بن عبدالملک سر رسید و موسی را در تاخیر حرکت به سوی دمشق سرزنش نمود. ولید به فرستاده‌ی دوم دستور داده بود موسی را ملزم کند که رهسپار دمشق شود. موسی بن نصیر نیز ناگزیر جلیقیه (گالیا) را ترک نمود و به شهر اشبلیه آمد. در آن جا فرزندش عبدالعزیز بن موسی را به عنوان فرمانروای کل اسپانیا به جای خویش منصوب داشت و خود با طارق بن زیاد در سال ۹۵ هجری باغنایم و جواهر بی حساب و سی هزار اسیر عازم دمشق شد. در عین حال او همچنان مشتاق جهاد و گشودن ممالک دیگری بود و از این که خلیفه او را از تعقیب منظورش باز داشته است سخت متاسف بود. او آرزومند بود که فرصت یابد و بقیه کشورهای اروپا را فتح کند. (ارسلان، ۴۶: زمان که موضوع او به خلیفه ولید بن عبدالملک رسید، از این که وی این همه در کشورهای

مسیحی پیش رفته و مسلمانان را مقهور نموده، در آن کشورها ساکن گردانیده است به سختی ناراحت شد. از این رو سفیری فرستاد و موسی را توییح کرد و دستور داد که به مرکز خلافت (دمشق) مراجعت کند. در ضمن به سفیر خود سفارش کرده بود چنانچه موسی بن نصیر از آمدن خودداری کرد مسلمانان را از اسپانیا و سایر نقاط اروپا به این سوی دنیای اسلام کوچ دهد. علت خشم سلیمان بن عبدالملک نسبت به موسی بن نصیر این بود که شنید وی غنایم و اسرای بی شماری وارد مصر شده و اشراف و بزرگان و فقه‌های مصر را مورد نوازش و اکرام قرار داد. در این زمان خلیفه ولید بن عبدالملک بیمار گردید و در همان اوقات نامه‌ی خلیفه به وی رسید که در آمدن به دمشق شتاب کند؛ ولی متعاقب آن از سلیمان عبدالملک برادر خلیفه نامه‌ی دیگری برای موسی رسید که در حرکت به سوی پایتخت شتاب نکند. یعقوبی بدگویی طارق بن زیاد را از موسی بن نصیر نزد سلیمان دلیل این خشم می‌داند. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۵۲) موسی بن نصیر طبق فرمان خلیفه تعجیل در آمدن نمود و سه روز قبل از فوت خلیفه وارد دمشق شد و غنایم و اسرا و ذخایر را که آورده بودند به وی تسلیم نمود. این عمل باعث خشم سلیمان بن عبدالملک شد و چون ولید درگذشت و سلیمان به جای وی نشست دارایی موسی بن نصیر و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد و با فجیع‌ترین وجهی مجازاتش نمود.

به گفته‌ی ابن عذارى مراکشی در ((تاریخ المغرب فی اخبار ملوک الاندلس والمغرب)) راجع به پایان کار و سرنوشت موسی بن نصیر می‌نویسد: ((ولید بن عبدالملک در سال ۹۶ هجری درگذشت و سلیمان، برادرش به جای او نشست و سخت بر موسی بن نصیر خشم گرفت تا جایی که فرمان داد او را در یک روز بسیار گرم وسط آفتاب نگاه دارند. موسی بدنی فریه داشت آنقدر او را در آفتاب نگاه داشتند که بیهوش شد و نقش بر زمین گردید. وقتی به هوش آمد سلیمان به وی گفت: من به تو نوشتم در آمدن به دمشق شتاب مکن، ولی اعتنا به نامه‌ی من نکردی اکنون جریمه‌ات این است که باید صد هزار دینار تقدیم کنی، موسی گفت قربان آنچه با من بود از من گرفتید، دیگر صد هزار دینار از کجا بیاورم؟ سلیمان گفت: حتما باید این مبلغ را تسلیم کنی موسی از خلیفه استدعا کرد او را از پرداختن این مبلغ هنگفت معذور بدارد. ولی سلیمان ناراحت شد. گفت نه نمی‌شود حال که اصرار می‌کنی باید سیصد هزار دینار زر سرخ آماده کنی سپس دستورداد او را شکنجه دهند و خواست دستور قتلش را صادر کند. ولی او به ((یزید بن مهلت)) که نزد خلیفه محترم بود

پناه برد و سلیمان هم به خاطر ((یزید بن مهلت)) از قتل او صرف نظر کرد ولی گفت باید آنچه دارد تسلیم کند؛ گویند موسی بن نصیر یک میلیون دینار به خلیفه تسلیم کرد و خود را از مهلکه نجات داد. موتگو این روایات را افسانه می‌پندارد و معتقد است که وی اسپانیا را در ۷۱۴ ترک کرده است. زیرا در سال ۷۱۵ به دمشق رسید (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۷: ۲۸۰)

نتیجه‌گیری

مرد شایسته‌ی تاریخ اسلام و فاتح بزرگی افریقا و اروپا موسی بن نصیر است که خدمات سترگ در عرصه‌ی فتوحات و نشر تمدن اسلام انجام داده است، از دیگری دیده نشده است. رفتاری هم که سلیمان بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی همراه وی نمود، هیچ جنایت کاری نکرده است. موسی بن نصیر نه تنها از جمله مردان نامدار و بزرگ اسلام است، بلکه از مردانی نامی و شهیر جهان به‌شمار می‌رود. برای درک عظمت وی بسنده و کافی است که خواننده بداند، او کسی بود که بربرهای سلحشور و پرحلاکت و سخت‌جان را، پس از شورش‌ها و مقاومت‌ها و جنگ‌های پی‌درپی، سرکوب و آرام نمود و با این که دوازده بار از پذیرش اسلام سرباز زدند، سرانجام همگی به‌دست وی مسلمان شدند و به اسلامیت خود ثابت ماندند و نیز کافی است که خواننده بداند، که وی در سن هفتاد و پنج سالگی وارد اسپانیا شد و تمام آن کشور را فتح کرد و امور آن‌جا را نظم بخشید؛ در حالی که او و سربازان تحت فرماندهی مخصوصش طارق بن زیاد، از سی هزار تجاوز نمی‌کرد.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۳). العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۴، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عذاری، محمد بن محمد، (۱۴۰۰) البیان المغرب فی اخبار المغرب، ج ۲، ۳، بیروت دارالثقافه.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدآیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ارسلان، شکیب. تاریخ فتوحات اسلامی. ترجمه علی دوانی، دفتری نشر فرهنگ اسلامی.

آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۳). اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا. تهران: انتشارات دانشگاه.

بلاذری، ابوالحسن. (۱۴۰۴). فتوح البلدان. قم: نشرالارمیه.

سالم، عبدالعزیز. (۱۹۸۸). تاریخ المسلمین و آثارهم فی اندلس. بیروت: دارالنهضت العربیه.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۸). تاریخ طبر. ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر. عزالدین، ابن اثیر. تاریخ کامل. ترجمه عباس خلیلی، ج ۷، ۴، ۳، ۲، تهران: انتشارات علمی. عنان، محمد عبدالله. تاریخ دولت اسلامی در اندلس. ترجمه عبدالحمید آیتی، ج ۱، تهران: انتشارات کیهان.

لشکری، حفیظ الله. (۱۳۹۹). زاندر اسلامى تا اسپانیای مسیحی. کابل: بشارت. لودر، دوروتی. (۱۳۴۴). سرزمین و مردم اسپانیا. ترجمه شمس الملوک مصاحب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

مونس، حسین. سپیده دم اندلس. ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی،

نعنی، عبدالمجید. (۱۳۸۶). دولت امویان در اندلس. ترجمه محمد سپهری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



بررسی پوشش چهره، وعدم آن در روشنائی سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

پوهندوی دکتر نصرت الله ایوبی

دیارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل

Nasrat2014@gmail.com

2865-4703-0001-0009

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

مسأله پوشش چهره از ساخت هیچ سازمان جهانی و یا فرد نیست؛ بلکه یک امر شرعی و اخلاقی است. بناء تلاش صورت گرفته؛ تا دلائل پوشاندن چهره و عدم آن در لابلای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم توضیح شود. و از مهم ترین اهداف این تحقیق ابراز موقف شرعی همرا با پاسخ های قناعت بخش به یک سلسله افراد بکه میگویند: حجاب شرعی با عصر مدرن سازگار نیست. و روشیکه از آن درین تحقیق استفاده شده است روش تحلیلی و توصیفی است. و یافته های تحقیق نشان داده که دلائل که تأکید برحجاب دارد صحیح و صریح است، ولی دلائل عدم پوشش چهره و یا حجاب از دو حالت خالی نیست: یا صریح است ولی غیر صحیح، و یا هم صحیح است ولی غیر صریح. و از دیگر یافته های تحقیق: پوشش چهره همانند بقیه احکام شرعی به چندین مراحل عبور کرده است.

کلید واژه: حجاب، پوشش، پرتو روایات، الزامی بودن روپوش.

An Examination of Face Covering According to the Traditions of the Prophet Muhammad (Peace Be Upon Him)

Author
E-Mail
Orcid

Dr. Nasaratullah Ayubi
Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Kabul University,
Afghanistan
nsrat2014@gmail.com
0009-0001-4703-2865

Abstract

The issue of face covering is not the creation of any global organization or individual; rather, it is a religious and ethical matter. Therefore, efforts have been made to elucidate the reasons for covering the face and the arguments against it as found within the traditions of the Prophet Muhammad (Peace Be Upon Him). One of the primary objectives of this research is to express the religious stance alongside providing satisfactory responses to a series of individuals who claim that religious veiling is incompatible with the modern era. The methodology employed in this research is analytical and descriptive. The findings indicate that the reasons supporting veiling are both valid and explicit, whereas the arguments against face covering or veiling fall into two categories: either they are explicit but incorrect, or they are correct but not explicit. Furthermore, the research reveals that the practice of face covering, like other religious rulings, has undergone several stages of evolution.

Keywords: Veiling, covering, illumination of traditions, obligation of covering.

الحمد لله رب العالمین، والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی المبعوث رحمة للعالمین، وعلی آله وصحبه أجمعین، وبعد: بیان مسئله و ماهیت موضوع را باید از این نقطه آغاز نمود که از میان ده ها عنوانین راجع به حجاب شرعی بررسی پوشش چهره را انتخاب کردم، تا در موردش بحث حدیثی مفصل داشته باشم، بنا بر دلائل ذیل:

أ. سرمایه گذاری بیست ساله غرب در افغانستان یک امر طبیعی نبوده، بلکه یک تلاش سیستماتیک برای تضعیف و انحلال اخلاقی به شمار می رود، نباید آن را نادیده گرفت، و آنچه امروز گفته میشود که حجاب میراث فرهنگی قشر خاصی است؛ نتیجه همان تلاش ها است؛ درحالیکه حجاب همانند بقیه احکام شرعی عمر هزار و چهارصد ساله دارد.

ب. پوشش چهره در لابلای سنت پیامبر علیه السلام را بخاطر انتخاب کردم که؛ مشروعیت حجاب همانند بقیه احکام شرعی - حرمت شراب بطور نمونه - چندین مراحل را پیموده است، و در برخی از آیات قرآنی احتمالات زیاد وجود دارد؛ زمانیکه بررسی این شعیره الهی را از منظور روایات به بحث میگیرم به منظور این است که روایات بیانگر مجمل و یا عمومات قرآنی است، و آنچه در روایات صراحت میداشته باشد، در آیات نمیداشته باشد، مانند: تعداد رکعات نمازها، نصاب زکات و غیره. و همچنان تطبیق عملی آیات قرآنی از روزنه سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم، و صحابه کرام بحیث اولین کسانی که مورد خطاب قرار گرفتند چگونه بود؟ این جاست که فهم آیات به دور از فهم سلف یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم، صحابه رضی الله عنهم و پیشوایان دین رحمهم الله مدار اعتبار نیست. روی همین علل و انگیزه ها عنوان فوق را انتخاب نموده به امید این که به دور از احساسات مورد پسند خوانندگان گرامی قرار گیرد.

تبیین مسأله

مسئله حجاب بانوان یکی از مسائل داغ معاصر است و عده از غرب گرایان باورمند برین هستند که گویا حجاب اسلامی خلاف آزادی های انسانی و در تضاد به حقوق بشر قرار دارد، درین بحث متواضع تأکید برین شده است که حجاب بر علاوه ازین که یک فضیلت است، در عین وقت حکم شرعی است، بناء زمانیکه حکم الهی بیاید برای مرد و زن مومن چاره نیست جز سر تسلیم خم کردن، و آنچه به اهمیت عنوان می افزاید موارد ذیل است:

- سنت دومین منبع تشریحی است که بدون آن فهم آیات قرآنی دشوار است.
- پاسخ های قناعت بخش به افرادی که میگویند: حجاب نشانه تخلف و عقب گرایی است.
- ازاله شبهه که میگوید: حجاب از بدعات گروه های تند رو اسلامی است، نه شریعت الهی.

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی تحقیق

بررسی پوشش چهره و عدم آن در لابلائی سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم چگونه است؟

پرسش های فرعی

س1: دلایل مشروعیت پوشاندن چهره در لابلائی سنت چه حیثیتی دارد؟

س2: دلایل عدم مشروعیت پوشاندن چهره در لابلائی سنت از چه جایگاهی بر خوردار است؟

س3: کدام یک از دو موقف سازگاری با روح شریعت اسلامی دارد؟

اهداف تحقیق

- ارایه دلایل مشروعیت پوشاندن چهره از لابلائی سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم.

- ابراز موقف شرعی درستیکه با روح شریعت اسلامی راجع به پوشاندن چهره سازگاری دارد.

- بیان ضعف روایات مبنی بر عدم پوشاندن چهره.

پیشینه‌ی تحقیق

مسئله حجاب در آیات متعددی قرآنی و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم، حتی به دیگر زبانها مثلاً: زبانی عربی بحث و تبادل نظر شده است و تحقیقات فراوانی راجع به پوشش چهره و عدم آن به رشته تحریر در آمده و هر کس تلاش کرده تا نصوص را به ذوق خود تعبیر کند. ولی پوشش چهره و عدم آن فقط در پرتوی روایات قسمیکه عنوان را اختیار کردم، در حد علم بنده تحقیقی درین خصوص پیدا نکردم؛ بناء لازم دیدم تا در مورد مقاله آماده کنم.

از جمله تحقیقاتیکه درین راستا به زبان عربی نوشته شده مشت و نمونه خروار آن را خدمت تان تقدیم میکنم:

1- ظهار الحق والصواب في حكم الحجاب والتبرج، والسفور، والخلو بالمرأة الأجنبية، وسفرها بدون محرم، والاختلاط، في ضوء الكتاب والسنة وآثار السلف الصالح، سعید بن علی بن وهف القحطاني، مطبعة سفیر، الرياض.

2- إتحاف الأحباب بما ثبت في مسألة الحجاب، عبد القادر بن حبيب الله السندي، الجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، السنة التاسعة - العدد الأول - جمادى الثانية 1396هـ / يونيو 1976م.

3- عودة الحجاب، محمد أحمد إسماعيل المقدم، دار طيبة (توزيع دار الصفوة) - الطبعة العاشرة، 1428 هـ - 2007م.

- 4- الحجاب شریعة الله في الإسلام واليهودية والنصرانية، سامی عامری، المؤسسة العلمية العالمية الدعوية.
- 5- الحجاب في الشرع والفترة، عبد العزيز بن مرزوق الطّريفي، دار المنهاج، الطبعة: الأولى، 1436 هـ - 2015 م.
- 6- الحجاب أدلة الموجبين وشبه المخالفين، أبو عبد الله مصطفى بن العدوی، مصر - الدقهلية - منية سموند، 1408 هـ.
- 7- كشف الأسرار عن القول التلید فيما لحق مسألة الحجاب من تحريف وتبديل وتصحيف، ترکی بن عمر بن محمد بلحمر، عام النشر: 1430 هـ .

تفاوت میان این تحقیق و تحقیقات فوق

- تمامی تحقیقات هفت گانه که در فوق از آن تذکر داده شد به زبان عربی اند ، همچو تحقیقات در زبان فارسی و پشتو تا هنوز به رشته تحریر در نیامده است.
- تحقیقات که قبلا از آن تذکر داده شد حجاب را به شکل کلی به بحث گرفتند ولی تحقیق هذا فقط پوشش چهره را از دید حدیثی به بحث میگیرد.

روش تحقیق

در راستای تدوین و جمع آوری مقاله هذا از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است، روش تحلیلی به آن روش گفته میشود که محقق تلاش خستگی ناپزیر را در راستای جمع آوری اطلاعات نصوص دینی ، ادبی ، ابراز علل و انگیزه ها به خرج میدهد تا بتواند نتایج مطلوب را بدست بیاورد.

اهمیت تحقیق

- آنچه باعث رونق تحقیق هذا گردیده و از اهمیت می افزاید موارد ذیل است:
- سنت دومین منبع تشریحی در تمام موارد دینی به شمار می رود، چون احکام شرعی به شرح وتفصیل بیشتر در سنت مطهره آمده است، از جمله موضوع که آن را به بررسی گرفتیم.
 - آیات قرآن را نباید به دور از سنت توضیح داد؛ زیرا سنت بحیث تفسیر کننده آیات عام، مجمل است، خوشبختانه آیات حجاب در برخی موارد عام است، روایاتی که در این مقاله گنجانیده شده است میتوان توسط آن از آیات مفهوم درست گرفت.
 - بدون تردید یک سلسله شکوک وشبهات راجع به حجاب وجود دارد، در این مقاله کوشش شده تا پاسخ های قناعت بخش به آن عده افراد یکه میگویند حجاب شرعی با عصر مدرن سازگاری ندارد ارائه گردد.

نتایج و یافته ها

دلایل پوشاندن چهره از لابلاى سنت پیامبر علیه السلام

راجع به پوشاندن چهره زن دلایل متعددی از قرآن، سنت و اقوال معتبر اهل علم وجود دارد، ذیلاً به برخی دلایل آن فقط از نقطه نظر روایات اشاره میگردد:

دلیل اول: حادثه افک یک حادثه المناک تاریخی است، من به تفصیل آن نمی پردازم، فقط به محل شاهد اشاره میکنم، عائشه رضی الله عنها میفرماید: « وَكَانَ يَرَانِي قَبْلَ أَنْ يُصْرَبَ الْحِجَابُ عَلَيَّ، فَاشْتَيْقَظْتُ بِأَشْيَئِجَاعِهِ حِينَ عَرَفَنِي، فَخَمَرْتُ وَجْهِي بِحِلْبَابِي » (بخاری، 1422: حدیث، 2661 و مسلم، 1334: حدیث، 277).

زمانیکه نگاه صفوان به من خورد و من را شناخت؛ چون من را قبل از فرضیت حجاب دیده بود می شناخت، انا لله گفت، در صدایش بیدار شدم، چهره خود را پوشانده حجابم را به تن کردم.

سوال این جاست: اگر حجاب چهره فرض نمی بود عائشه چرا این کار را کرد، درحالیکه زمان نزول وحی بود و عائشه رضی الله عنها از اولین گروه تطبیق کننده آیات حجاب بودند؟

دلیل دوم: صفیه رضی الله عنها از جمله کنیزک های خیر بود، زمانیکه در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گرفت، صحابه گفتند: « إِنْ حَجَبَهَا فَهِيَ امْرَأَتُهُ، وَإِنْ لَمْ يَحْجُبْهَا فَهِيَ أُمُّ وَلَدٍ، فَلَمَّا آزَادَ أَنْ يَرْكَبَ حَجَبَهَا » (بخاری، 1422: حدیث، 5085 و مسلم، 1334: حدیث، 1365).

دیده شود اگر حجاب کرد به معنای این است که زن پیامبر است، اگر حجاب نکرد کنیز؟ ولی زمانیکه حرکت کردند، حجاب کرد، دانستند که این زن پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است.

ابن قدامه رحمه الله میگوید: " وَالْأَمَةُ يَبَاحُ النَّظَرُ مِنْهَا إِلَى مَا يَظْهَرُ غَايِلًا، كَالْوَجْهِ، وَالرَّأْسِ، وَالْيَدَيْنِ، وَالسَّاقَيْنِ.... وَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ عَدَمَ حَجَبِ الْإِمَاءِ كَانَ مُسْتَفِيضًا بَيْنَهُمْ مَشْهُورًا، وَأَنَّ الْحَجَبَ لِغَيْرِهِنَّ كَانَ مَعْلُومًا) (ابن قدامه، 1405: 103 / 7).

نگاه کردن به چهره، دستان، پاهای کنیز مشکلی ندارد، این خود دلیل آشکار برین است که بر کنیزان حجاب حتمی نیست، ایجاب میکند که به غیر کنیزان حجاب یک امر تعیین شده بوده.

دلیل سوم: در یکی از سفرها در واپسی به مدینه پای شتر لغزید، پیامبر علیه السلام و صفیه از پشت سواری به زمین افتادند، همسفر پیامبر صلی الله علیه وسلم بنام طلحه گفت: ای پیامبر چیزی زیان دیدید؟ گفت: نخیر! متوجه صفیه باش، " فألقى أبو طلحة ثوبه على وجهه، ثم قصد المرأة، فسدل الثوب عليها » (بخاری، 1422: حدیث، 3085 و مسلم، 1334: حدیث، 1345).

ابو طلحه چادرش را به چشمان خود گرفته رفت تا نگاهش به زن نام محرم نخورد، سپس چادرش را به روی صفیه انداخت.

دلیل چهارم: روایات متعددی از صحابه پیامبر در کتب روایات حدیثی آمده؛ زمانیکه ایشان ازدواج کردند پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید آیا نامزدان را قبلاً دیده بودید، گفتند: نخیر! گفت: برو بین، زیر در چشمان قبیلۀ انصار چیزی است که قابل ملاحظه است «فَأَذْهَبَ فَأَنْظَرَ إِلَيْهَا، فَإِنَّ فِي الْأَنْصَارِ شَيْئًا» (مسلم، 1334: حدیث، 1424).

جابر رضی الله عنه میگوید: من خود را در زیر درختان خرما گرفته نامزاد متوجه من نمیشد و من آن را میدیدم؛ تا این که او را پسند کردم (ابو داود، 2009: حدیث، 2082) (1).

سوال عمده که خود را مطرح میکند: اگر بانوان بدون پرده در کوچه و بازار می بودند چه حاجتی بود تا این قدر مشقت را متحمل شده در گرمی روز از زیر درختان نامزدش را نظاره کنند؟

دلیل پنجم: عائشه رضی الله عنها میگوید: حبشیان در مسجد تمرین و نیزه بازی میکردند، من هم علاقمند شدم؛ تا تماشا کنم، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم چادر خود را برایم پرده ساخت و من تماشا میکردم، «يَسْتُرْنِي بِرِدَائِهِ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبَشَةِ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ» (بخاری، 1422: حدیث، 87 و مسلم، 1334: حدیث، 892).

سوال: اگر چهره مشکلی نداشت؛ پس چرا پیامبر توسط چادر عائشه را پنهان کرد؟

دلیل ششم: عائشه رضی الله عنها، از کاکای رضاعی اش پرده کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش گفت: «إِنَّهُ عَمَلٌ، فَأَذْنِي لَهُ» (بخاری، 1422: حدیث، 2644 و مسلم، 1334: حدیث، 1445).

کاکای رضاعی ات میشود، اجازه ورود به خانه بدهی - از او پرده نکن - .

دلیل هفتم: از مجموع روایات حدیثی که در مورد بانوان که به سفر حج و عمره میروند این معلوم میشود که: زن در حالت احرام، نه دستکش پوشیده میتواند، و نه چهره خود را پوشانده میتواند «وَلَا تَتَّقِبُ الْمَرَأَةُ الْحَرَامَ، وَلَا تَلْبَسُ الْقَفَّازِينَ» (بخاری، 1422: حدیث، 1838).

در حدیث عائشه رضی الله عنها آمده است: «فَإِذَا حَادَوْنَا، سَدَكْتُ إِحْدَانًا جَلَبَابَهَا مِنْ رَأْسِهَا عَلَى وَجْهِهَا، فَإِذَا جَاوَزُونَا كَسَفْنَا» (ابو داود، 2009: حدیث، 1833) (2).

(1) حدیث صحیح است.

(2) حدیث صحیح است.

زمانیکه قافله از پیش روی میامد روی بند را به روی خود ایوزان میکردیم، زمانیکه میگذشت چهره خود را باز میکردیم.

سوال این جاست: زمانیکه از زن در حالت احرام مطالبه به عدم پوشش چهره میشود و از قافله حجاب میکند به این معنی است که قبلاً چهره پوشیده بوده تا این که دستور به عدم پوشش میشود.

دلیل هشتم: عائشه رضی الله عنها میفرماید: زمانیکه آیت حجاب (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) (النور: 31).

« و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌هایشان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) « فرود آمد، بانوان صحابه چادران خود را تکه کرده به شکل حجاب به سر و صورت خود انداختند » فَأُخْتِمْنَ بِهَا».

در روایت دیگر نیز آمده است: زمانیکه آیات حجاب فرود آمد، بانوان انصار در تطبیق آیت قرآن شتاب ورزیده « كَأَنَّ عَلَىٰ رُؤُوسِهِنَّ الْغُرَبَانَ مِنَ الْأَكْسِيَّةِ » (ابو داود، 2009: حدیث، 4101) (3).

گویا زاغها بر سرشان نشسته است، یعنی همه سیاه پوش به جاده ها ریختند.

حافظ ابن حجر، در شرح حدیث فوق میگوید: (فَأُخْتِمْنَ بِهَا : أَيُّ عَطَائِنَ وَجُوهَهُنَّ) (ابن حجر، 1379: 8/940).

چهره های خود را پوشانیدند.

دلیل نهم: سوده رضی الله عنها زن چاق و قامت بلند بود، بعد از نزول آیات حجاب زیر پرده هم شناخته میشد، چون به اندازه او کسی دیگر نبود، زمانیکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسان میکند که من زیر پرده هم شناسائی میشوم؟ پیامبر برایش میگوید: «إِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَكِنَّ أَنْ تَخْرُجَنَّ لِحَاجَتِكِنَّ» (بخاری، 1422: حدیث، 146 و مسلم، 1334: حدیث، 217).

زمانیکه برای رفع حاجت بیرون میشوید و شناخته هم شوید مشکلی ندارد، چون از حد توان تان بیرون است. و مرادهم در آیت قرآن کریم که میگوید: (الا ما ظهر منها) مگر آنچه از آنها ظاهر و بر ملا میشود که در توان آنها نیست همین مورد است، یعنی اگر چاقی، یا قد بلند، و یا کوتاه، و غیره مواردیکه بر آن مواخذه نمیشوند، به تعبیر قرآنی بر آن استثنا وارد شده است، نه آنچه که بر میگردد به چهره و مواردیکه شریعت به پوشاندن آن تاکید کرده است.

دلیل دهم: بانوان مسلمان در عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز صبح به مسجد میرفتند، در حالیکه بقایای تاریکی شب بود؛ ولی بازهم پرده میکردند « مُتَلَفَعَاتٍ بُمُرُوطِهِنَّ » (بخاری، 1422: حدیث، 867 و مسلم، 1334: حدیث، 645).

یعنی خود را در چادر نما های که داشتند می پیچانیدند.

دلیل یازدهم: گفتگوی طولانی پیامبر صلی الله علیه وسلم با یک اعرابی در سفر، پیامبر علیه السلام ظرفی از آب را خواست، به ابو موسی و بلال دستور داد، تا از آن استفاده کنند، « فَتَادَتْهُمَا أُمُّ سَلَمَةَ مِنْ وَرَاءِ الشَّرِي: أَفْضَلًا لِأُمَّكُمْ مِمَّا فِي إِيَّاكُمْ فَأَفْضَلًا لَهَا مِنْهُ » (مسلم، 1334: حدیث، 2497).

ام سلمه از پشت پرده صدا بلند کرده گفت: آیا چیزی برای مادران در ظرف آب باقی

سوال: ام سلمه حیثیت مادر را داشت و زن سال کرده هم بود، چرا از پشت پرده حرف میزند؟

دلیل دوازدهم: پیامبر صلی الله علیه وسلم به علی رضی الله عنه گفت: « لَا تَتَّبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَإِنَّ لَكَ الْأُولَىٰ وَلَيْسَتْ لَكَ الثَّانِيَةُ » (ابو داود، 2009: حدیث، 2149) (4).

ترجمه: زمانیکه نگاهت به زن نامحرم اصابت میکند، تکرار نکن، چون نگاه اول بخشش است، نه که نگاه دومی، پس اگر حجاب برای زن لازم نباشد چرا پیامبر نگاه را به سوئی آن مجاز نمیداند؟

دلیل سیزدهم: روزی بانوان در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث و گفتگوی دینی داشتند، و سر صدایشان بلند بود، درین اثنا عمر بن خطاب رضی الله عنه اجازه ورود گرفت تا نزد پیامبر بیاید، اجازه داده شد، زمانیکه وارد خانه شد، « قُمْنَ يَتَدَرُونَ الْحِجَابَ... مَا لَقَيْكَ الشَّيْطَانُ قَطُّ سَالِكًا فَجَا إِلَّا سَلَكَ فَجَا غَيْرَ فَجَاكَ » (بخاری، 1422: حدیث، 3294 و مسلم، 1334: حدیث، 2396).

ترجمه: همه شتاب زده حجاب کردند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: درهیچ مصیری شیطان تورا نمی بیند مگر راه خود را تغییر میدهد.

سوال: پیامبر جایگاه پدری و معلمی داشت ولی از عمر چرا پرده کردند؟

دلیل چهاردهم: حجاب نه فقط یک امر مشروع در امت آخر زمان است؛ بلکه در امت های سابقه هم بود مشروع بود؛ قسمیکه از عمر بن خطاب در تفسیر آیت (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ) (القصص: 25).

« قَائِلَةٌ بِثُوبِهَا عَلَىٰ وَجْهِهَا لَيْسَتْ بِسَلْفَعٍ مِنَ النِّسَاءِ خَرَّاجَةٌ وَلَا جَعَةٌ وَلَا جَعَةٌ يَدُهَا عَلَىٰ وَجْهِهَا » (حاکم، 1411: حدیث، 353).

چادرشان به روی شان بود، از بانوان نبودند که با جرأت حرف میزدند، ویا تیز رفتار وگشتار میکردند، دست خود به را به چهره خود گذاشت.

بررسی روایات عدم پوشاندن چهره از لابلای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

آری در مقابل این روایات انباری از روایات دیگری که تأکید به عدم پوشش چهره دارد نیز وجود دارد. ذیلا روایات را همرا با پاسخ ارایه میگردد:

دلیل اول و پاسخ آن : حدیث عائشه - رضي الله عنها- اسماء زمانیکه نزد پیامبر آمد و به تنش لباس های نازک بود، پیامبر علیه السلام آن را مورد خطاب قرار داده گفت: « يا أسماء إن المرأة إذا بَلَّغَتِ الْمَحِيضَ لم يصلح أن يُرى منها إلا هذا وهذا» وأشار إلى وجهه وكفَّته» (ابو داود، 2009: حدیث، 4104).

ای اسماء زمانیکه زن به مرحله بلوغ برسد نباید جسم آن نمایان شود بجز چهره و دستان؟

أ. خودی امام ابوداود گفته: " هو مرسل، خالدٌ بنُ دُرَيْكٍ لم يُدرِكْ عائِشَةَ، وسعيد ابن بشير ليس بالقوي" این روایت مرسل است، به دلیل این که خالد عائشه را ندیده، درسند روایت انقطاع است، وسعيد بن بشر قوی نیست، یعنی کمزور است (ابو داود، 2009: حدیث، 4104).

ب. در سند روایت هذا قتادة، و وليد بن مسلم هر دو مدلس اند، و صورت ادا شان به صیغه (عن) که از مدلس در باب روایت هرگز قابل قبول نیست.

شواهد که برای تقویت روایت هذا مطرح میشود، در سندش ابن لهيعة ضعیف، در آخر عمرش دچار اختلاط شده بود، راوی که درسند از آن روایت میکنند ابن رمح است، از جمله عبادله اربعه نیست، در سند شاهد دومش عیاض بن عبد الله دیگر راوی ضعیف قرار دارد، ودر سند شاهد سومش قتادة، قرار دارد، ومراسیل قتادة از ضعیف ترین مرسل در باب روایت حدیث محسوب میشود.

ج. احتمال این هم وجود دارد که این داستان قبل از مشروعیت حجاب صورت گرفته باشد.

د. از عمل کرد اسماء وعائشه این معلوم میشود که در زنده گی شان کس چهره شان را ندیده، زمانیکه روایت راوی مخالف عملش بود، نزد برخی ها عملش مدار قبول است نه روایتش .

دلیل دوم و پاسخ آن : حدیث جابر - رضي الله عنه- داستان زن کومه سیاه: پیامبر صلی الله علیه

وسلم بعد از وعظ ونصیحت در روز جمعه نزد بانوان رفت تشویق کرد که آنها صدقه بیشتر بدهند... زنی که کومه های سیاه داشت بلند شد گفت: چرا؟ در پاسخش گفت: «لَأَنْكِرُ تَكْتَبِرُونَ السَّكَاةَ، وَتَكْفُرُونَ الْعَشِيرَ» (مسلم، 1334: حدیث، 885).

ترجمه: به اساس شکایت زیاد ونفرین کردن تان از شوهران تان صدقه بیشتر دهید؟

ا. قسمیکه در برخی سندهای این حدیث آمده است که: « امرأة من سفلة النساء سفعاء الخدين » زنی از طبقه پایین، یعنی کنیز بود، وکنیزان مستثنی اند

ب. احتمال این هم وجود دارد که آن زن کهن سال باشد، وایشان به نص قرآن مستثنی اند.

ج. احتمال این هم وجود دارد که قبل از فرضیت حجاب بوده باشد، چون نماز عید در سال دوم هجری مشروعیت پیدا کرد، و آیات حجاب در سوره احزاب به اتفاق علماء خیلی ها بعد نازل شد.

د. زمانیکه صحابی میگوید: «سفعاء الخدين» این از وصف خود صحابی نیست، بلکه از طریق فامیلش وصف شده است، قسمیکه در روایت دیگر آمده است: دو زن یکجا در یک رخت نخواستند، زیرا این زن رفته اوصاف این زن را به شوهرش نقل میکند، بناء حرف جابر در مورد آن زنیکه کومه سیاه داشت از خودش نیست بلکه از طریق فامیلش نقل قول کرده.

ه. احتمال این هم می رود که حجابش غیر قصدی از آن افتیده باشد، چون درحالت عصبانیت صحبت میکرد - حتی سیاق روایت این را تایید میکند - متوجه چادرش نشده باشد.

دلیل سوم و پاسخ آن: قصه زنی از قبیله خثعم، فضل بن عباس در مراسم حج پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بود، ناگهان دوشیزه آمد از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسان میکرد: « إِنَّ قَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ، أَذْرَكَتْ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَثْبُتَ عَلَى الرَّاحِلَةِ، أَفَأَحْجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ» (مسلم، 1334: حدیث، 1334).

حج بالای پدرم فرض شده، او در وضعیت قرار دارد که شیخ بزرگ است، بالای سواری ایستاد شده نمیتواند آیا عوض آن حج کنم جواز دارد؟ پیامبر فرمود آری.

محل استشهاد: فضل بن عباس نوجوان بود طرف این دختر نگاه میکرد، پیامبر علیه السلام کوشش میکرد تا رخ فضل را دور بدهد، ولی او از ناحیه دیگر تلاش میکرد تا این دختر را نظاره کند، این به معنای این است که چهره آن دوشیزه باز بوده؟

ا. زنیکه در حالت احرام است نباید چهره خود را بیوشاند، قسمیکه، اگر نیازی بود رو بند خود را به چهره اش ایوزان میکند (این قدامه، 1405: 325/3).

ب. در برخی روایات آمده است که پدرش آن را به قصد ازدواج به پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده بود، بناء دیدن مخطوبه در شریعت نه این که جواز دارد بلکه مطلوب است.

ج. قسمیکه در مسند احمد و برخی کتب روایات آمده است: (وَكَانَتْ جَارِيَةً خَلْفَ أَبِيهَا) این کلمه بیانگر این است که تا هنوز به سن تکلیف نرسیده بود، بناء پیامبر صلی الله علیه وسلم به فضل گوشزد کرد و به دوشیزه هیچ گوشزدی نکرد.

د. احتمال این هم وجود دارد که برخی ها تازه مسلمان شده بودند، تا هنوز تمام احکام دین را فرا نگرفته بودند، و این بانو میشود از جمله آنان بوده باشد که تازه مسلمان شده به حج آمده باشد.

دلیل چهارم، و پاسخ آن: بانویکه آمد؛ تا خود را به پیامبر هبه کند: « فَصَعَّدَ النَّظَرَ فِيهَا وَصَوَّبَهُ، ثُمَّ طَأَّطَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسَهُ » (مسلم، 1334: حدیث، 1425).

پیامبر صلی الله علیه وسلم متوجه آن زن شده بررسی کرد، و به آن پیام منفی داد، اگر چهره آن زن پنهان میشد پیامبر چگونه آن را ارزیابی میکرد؟

ا. آن زن به قصد ازدواج آمده بود، حتی کسانیکه طرف دار عدم پوشاندن چهره اند با ما در مورد دیدن مخطوبه اتفاق نظر دارند.

ب. احتمال این هم می رود که این داستان قبل از مشروعیت حجاب بوده باشد.

ج. از احکام خاصه به پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده باشد، چون پیامبر حیثیت پدر معنوی را - بجز آنانیکه به آنها ازدواج کرد - دارد (ابن حجر، 1379: 210 / 9).

دلیل پنجم، و پاسخ آن: حدیث فاطمة بنت قیس رضی الله عنها؛ زمانیکه میخواست عدت بگذراند، پیامبر اولاً برایش مشوره داد، برو در خانه ام شریک زن سخاوتمند است عدت بگذار؛ سپس گفت: نزد آن زیاد مهمان میاید، وخطر این هم است « أَنْ يَسْقُطَ عَنْكَ خِمَارُكَ أَوْ يَنْكَشِفَ الثَّوْبُ عَنْ سَائِقِكَ، فَيَرَى الْقَوْمُ مِنْكَ بَعْضَ مَا تَكْرَهِينَ » (مسلم، 1334: حدیث، 2942).

چادرت از سرت بیفتد، ویا پاچه ات بالا شود، ونگاه مردان به تو بخورد که مورد نا راحتی تو شود، بناء مشوره میدهم نزد پسر عمویت ام مکتوم فرد نا بینا، رفته عدت خود را بگذران؟

این روایت را برای ادعای خود ذکر کردند، حد الامکان تلاش کردم تا محل شاهد را پیدا کنم نتوانستم، برعکس سیاق و سباق روایت دلالت به حفظ حجاب میکند - والله اعلم - .

نتیجه گیری

بعد از بررسی و جمع آوری دلایل مربوط به موضوع و جمع بندی آن تحت عنوان پوشش چهره به یافته های ذیل دست یافتیم: از لابلای بررسی ها به این نتیجه رسیدیم: دلایل تأکید برحجاب صحیح و صریح بوده، و دلایل عدم پوشش چهره و یا حجاب از دو حالت خالی نبود: یا صریح غیر صحیح، و یا صحیح غیر صریح. ادعای خصوصیت حجاب به ازواج مطهرات ادعای عاری از دلیل است، آری ازواج مطهرات باوجودیکه مادران مومنان اند و مادر از فرزند حجاب نمیکند، ولی ازواج مطهرات مکلف به پرده کردن از مومنان بودند، تا این حد از خصوصیات شان بود، ولی در مجموع حجاب ادعای عاری از دلیل، عقل و منطق است. تطبیق عملی و برداشت صحابه در نخستین ادوار تشریحی از روایات همان پوشش چهره است. پوشش چهره همانند بقیه احکام شرعی به چندین مراحل عبور کرده، برخی روایاتیکه جواز میدهد همانا مراحل نخستین تشریح است، در بعدها تأکید بالای حجاب شرعی شده بود. آیات قرآنی جنبه عمومی دارد، نمیتوان آن را به دور از روایات تفسیر نمود. فهم آیات به دور از فهم سلف صالح و تلاش کردن برین که عقل را به نقل مقدم دانسته مطابق معیارهای معاصر رفتار صورت گیرد و اکنون زمان تطبیق آن نیست؟ مکر و فریب شیطانی است. دعوت به بی حجایی سنت سیئه عاشقان است که میخواهند خود و جامعه را تباه کنند.

پیشنهادها

از لابلای یافته های تحقیق به پیشنهادات ذیل توصیه میگردد:

- به سبک این مقاله تلاش شود مقاله مشابهی در پرتو آیات قرآنی نوشته شود، با نظر داشت این که در میان قرآن و سنت هیچ تعارضی وجود ندارد.
- از عموم نویسندگان که در مسائل شرعی مینویسند تقاضا به عمل میاید: تا به نصوص شرعی ارج گذاشته مطابق فهم سلف ابراز نظر نمایند، نه این که مطابق عقلهای خود.
- به خواهران، مادران و طبقه اناث توصیه میشود فریب دعوای فریبنده شرق و غرب را نخورید، شما گنج هستید، هیچ کس آماده نیست گنج را بر ملاء عام به لیلانم بگذارد.

القرآن الڪريم

ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (1379 هـ) تحقيق، عبد العزيز بن عبد الله بن باز، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دار المعرفة .

ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني. تحقيق، عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض (1415 هـ) الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية. ابن قدامه، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد المقدسي. (1405 هـ) المغني شرح مختصر الخرقى، بيروت: دار إحياء التراث.

بخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي. (1422 هـ) تحقيق، مصطفى ديب، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، بيروت: دار ابن كثير، اليمامة.

بزازى، محمد فؤاد. (بدون تاريخ) حجاب المسلمة بين اتحال المبطلين وتأويل الجاهلين، الرياض: مكتبة أضواء السلف.

بيهقى، أحمد بن الحسين، أبو بكر. (1989م) السنن الصغير، باكستان: جامعة الدراسات الإسلامية. تركي، بلحمر. (بدون تاريخ) كشف الأسرار عن القول التليد فيما لحق مسألة الحجاب من تحريف وتبديل وتصحيف.

ترمذى، محمد بن عيسى. (1975م) السنن، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي. حاكم، أبو عبد الله. (1411 هـ) تحقيق، مصطفى عبد القادر عطا، المستدرک على الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلمية .

سامى عامرى (بدون تاريخ) الحجاب شريعة الله في الإسلام واليهودية والنصرانية، السعودية: المؤسسة العلمية العالمية الدعوية - مبادرة البحث العلمي لمقارنة الأديان.

سجستاني، أبو داود، سليمان بن الأشعث. (2009م) السنن، بيروت: دار الرسالة العالمية. سندی، عبد القادر بن حبيب الله السندي. (1396 هـ) إتحاف الأحباب بما ثبت في مسألة الحجاب، عربستان سعودی: الجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، السنة التاسعة .

طريفي، عبد العزيز بن مرزوق. (1436 هـ) الحجاب في الشرع والفترة، رياض: دار المنهاج السعودية. عدوى، أبو عبد الله مصطفي. (1408 هـ) الحجاب أدلة الموجبين وشبه المخالفين، مصر: الدقهلية.

قزوينى، أبو عبد الله محمد بن يزيد. (2009م) السنن، بيروت: دار الرسالة العالمية. مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري. (1334 هـ) ، تحقيق، محمد فؤاد عبد الباقي (بدون تاريخ) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

نسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب. (2012 م) السنن، قاهرئ: دار التأصيل .



قصيدة رثاء سعد زغلول لحافظ إبراهيم: دراسة تحليلية عروضية

محـب الله مجاهد

قسم اللغة العربية، كلية الأدب، جامعة بدخشان، فيض آباد، افغانستان

Mujahidmuhib777@gmail.com

4348-4892-0008-0009

الكاتب

البريد الإلكتروني

معرف اركايد

الملخص

الرثاء يعني: البكاء على الميت، ومدحه، مع ذكر صفاته الحسنة، وأخلاقه النبيلة، ومواقفه المشرفة، والدعاء له بالرحمة والمغفرة، وحث ذويه على الصبر والسلوان. والهدف من هذه المقالة هي نقد القصيدة على معايير العروضية من حيث بيان صحيح أبياتها ومكسورها وتطبيق التفعيلات العروضية عليها وبيان زحافاتهما وعللها حتى يكون لدينا مادة خصبة لنقد القصيدة نقداً صحيحاً، موضوعياً والمنهج المتبع في هذه المقالة هي منهج الوصفي التحليلي، بتقطيع أبيات القصيدة وبيان زحافاتهما وعللها، ومن خلال بحثي وصلت إلى أن هذه القصيدة محكم النسيج، قوي البناء، متين البنية موافق لما وضع خليل الفراهيدي من البحر الشعري والتفعيلات وما خرج منها إلى ما يشين ويزري وينقص من قيمة الشاعر وشعره، فوجدت فيها الخبن وهو كثير فيه وهو يزداد الوزن حسناً وجمالاً، وفيها التشعيب وهو صحيح لا يدل على كسر البيت، فما جاء فيها من العلل والزحافات التي تكون قبيحاً ومن المعايير الوزنية مثل "الكف" و"الشكل" الذين ورودهما في البحر الخفيف عيب، يجب للشاعر أن يجتنبه.

الكلمات المفتاحية: القصيدة، البحور الشعرية، العروض، الرثاء، الزحاف.

Saad Zaghloul by Hafez Lamentation poem Ibrahim Transversal analytical study

Author
Email
Ocid

Muhibullah Mujahid

Department of Arabic Literature, Faculty of
Language & Literature

mujahidmuhib777@gmail.com: E-mail address

0009-0008-4892-4348

Abstract

Elegy refers to mourning the deceased, praising them, highlighting their virtuous qualities, noble character, and honorable actions, while praying for mercy and forgiveness for them, and encouraging their loved ones to exhibit patience and perseverance. The objective of this article is to critique a poem based on the principles of prosody, examining its intact and broken verses, applying prosodic meters, and identifying its metrical irregularities and defects. This process aims to provide a fertile ground for an accurate and objective critique of the poem. The methodology employed in this article is a descriptive-analytical approach, involving the segmentation of the poem's verses and identification of its metrical deviations and defects. Through my research, I concluded that the poem is meticulously crafted, solid in structure, and consistent with the poetic meters and patterns established by Khalil al-Farahidi. The poem adheres to the prescribed meter without deviating into flaws that would diminish the poet's or the poem's value. I observed a notable presence of "khaban," which is abundant in the poem and enhances its rhythm and beauty, along with "tash'iith," which, though present, does not indicate a broken verse. However, certain irregularities and metrical flaws, such as "kaf" and "shakal," are considered defects when they appear in the Khafif meter and should be avoided by poets.

Keywords: poem, poetic meters, prosody, elegy, metrical irregularity

المقدمة

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم أجمعين، وبعد:

لما كان موضوع بحثي دراسة وتحليل أبيات من شعر حافظ إبراهيم فاخترت من بين قصائده أشهر قصيدة له التي قالها في رثاء سعد زغلول لأن في هذه القصيدة أظهر وفائه وصدق عاطفته تجاه زعيم الحرية «سعد زغلول» بقي في رثائه زهاء تسعين بيتاً يرثي له ويبرز حسه القوي وحزنه العميق على فقد مصر أقوى خطيبها وزعيمها العظيم، فأحلل هذه القصيدة العروضية وبيان مدى تلازم الشاعر بتفاعيل ذلك الوزن وأنهى بالنتائج التي توصلت إليها من خلال هذا البحث.

بيان المسألة

توصيف قصيدة ما بأنها من أشهر قصائد الشاعر، واختيارها من بين سائر القصائد والقول أن هذه القصيدة أروع قصيدة قاله في الرثاء لا بد أن يكون يهذه المقالات مبرراتها وهي كثيرة منها أن يكون القصيدة موفية حق البحر الذي قيل فيه، ففي هذه الدراسة نحن نريد أن نحلل ونفكك هذه القصيدة عروضية بموازينها المشهورة ونرى هل هي من حيث البناء محكم البناء أم فيها من الوهن ما يشينها وينقص من شأنها.

أسئلة البحث

- 1- هل القصيدة محكمة البناء من حيث الشكل والبناء؟
- 1- هل الشاعر أدى حق الشعر من حيث الوزن ووفى بمقاطعته العروضية؟
- 2- هل الزحافات والعلل الطارئة في الشعر من نوع المقبول منها أم مردودها؟

أهداف البحث

- 1- معرفة مدى التزام الشاعر بالبحر الذي أنشد فيه الشعر ومراعاته لأصول وقواعد العروضية لذلك البحر.
- 2- معرفة الزحافات والعلل الطارئة للقصيدة.
- 3- معرفة مدى قدرة الشاعر في التعبير دون الخلل في الوزن الشعري.

الدراسات السابقة

لا شك أن المواقع التي تبين بحر القصائد وقافيتها كثيرة ومتوفرة في الشبكات العنكبوتية والكتب العروضية كثيرة ومتوفرة أيضا إلي أن مقالة يحلل القصيدة كاملا ويبرز جوانب قوتها وضعفها قليلة ورغم التحقيق والتفحص في المواقع المختلفة الإلكترونية والمكتبات العامة المتوفرة إلا أنني لم أعتز على مقالة نحو هذه المقالة التي أريد أن أكتبها، وهذه المقالة فريدة من نوعها.

منهج البحث

المنهج المتبع في هذه المقالة منهج الوصفى التحليلي، فقامت بتحليل وتوصيف القصيدة الرثاء التي أنشدها حافظ إبراهيم في سعد زغلول.

أهمية البحث

هذا البحث يعرف مواطن التغيير الذي لا يجوز للشاعر الدخول فيه، وما يجوز له فيه من مباحث المهمة التي تساعد الناقد في نقد شعر ما نقد صحيحًا، علميًا، موضوعيًا. ويبين مدى قوة الشاعر في إنشاد الشعر المحكم البنيان، متين البنية، خالية من الزخافات والعلل التي يشين وينقص من قيمة الشعر والشاعر. ويبين صحيح أبيات الشعر من مكسوره .

النتائج التي تم العثور عليها

ولد الشاعر المصري محمد حافظ إبراهيم في محافظة أسيوط 24 فبراير 1872 – 21 يونيو 1932م. وكان شاعرًا ذائع الصيت، حاملًا للقلب "شاعر النيل" الذي لقبه به صديقه الشاعر أحمد شوقي، وأيضًا لُقّب "شاعر الشعب".

كان حافظ إبراهيم إحدى عجائب زمانه، ليس فقط في جزالة شعره بل في قوة ذاكرته والتي قاومت السنين ولم يصبها الوهن والضعف على مر ستين سنة هي عمر حافظ إبراهيم. يعتبر شعره سجل الأحداث، إنما يسجلها بدماء قلبه وأجزاء روحه ويصوغ منها أدبًا قيمًا يحث النفوس ويدفعها إلى النهضة، سواء أضحك في شعره أم بكى وأمل أم يئس، فقد كان يترصد كل حادث هام يعرض فيخلق منه موضوعًا لشعره ويملؤه بما يجيش في صدره. ووفاته

توفي حافظ إبراهيم سنة 1932م في الساعة الخامسة من صباح يوم الخميس، وكان قد استعدى اثنين من أصحابه لتناول العشاء ولم يشاركهما لمرض أحس به. توفي ودُفن في مقابر السيدة نفيسة.

آثاره الأدبية

- الديوان.
- البؤساء: ترجمة عن فكتور هوغو.
- ليالي سطوح في النقد الاجتماعي.
- في التربية الأولية. (معرض عن الفرنسية)
- الموجز في علم الاقتصاد. (بالاشتراك مع خليل مطران) (ويكيبيديا: حافظ إبراهيم).

<https://ar.wikipedia.org/w/in>

الرثاء

الرثاء في اللغة يعني البكاء على الميت، ومدحه بعد موته. وقد ورد تعريف الرثاء عند ابن منظور وغيره من أصحاب المعاجم، وجميعهم يحومون حول المعنى المتعارف عليه للرثاء وهو: البكاء على الميت، وذكر محاسنه.

ورثي فلانٌ فلاناً: إذا بكاه بعد موته، ورثوث الميت أيضاً إذا بكيته وعدادت محاسنه، وكذلك إذا نظمت فيه شعراً. (لسان العرب: مادة (رثاً))

والرثاء عند الخليل، يعني البكاء على الميت ومدحه. (كتاب العين: 234/8)

أما المعنى الاصطلاحي للرثاء فقد جاء عند عدد من الأدباء والنقاد، ومنهم النووي الذي رأى "أن المرثي جعلت تسليية لمن عضته النوائب بأنيابها، وقرت الحوادث بين نفسه وأحبائها، وتأسية لمن سبق إلى هذا المصراع، ونهل من هذا المشرع". (نهاية الأرب: 160/5 - 161)

أما مبرد فقد حصر الرثاء في التعزية، وقال: "والعزاء هو السلو، وحسن الصبر على المصائب".

(التعازي والمرثي والمواظع والوصايا والحكم: ص 45)

وأحسن الشعر عنده "ما خلط مدحاً بتفجع، واشتكاء بفضيلة، لأنه يجمع التوجع الموجه تفرجاً، والمدح البارع اعتذاراً من إفراط التفجع باستحقاق المرثي. فإذا وقع نظم ذلك بكلام صحيح ولهجة معرية، ونظم غير متفاوت فهو الغاية من كلام المخلوقين". (التعازي والمرثي والمواظع والوصايا والحكم: ص 45)

وقد قسم أبو البقاء الرندي، الرثاء إلى ثلاثة أقسام: التوجع والتأبين والتعزية. "فالتوجع: يكون بتعظيم الرزء وإجلال الخطب، وإعمال التأسف. والتأبين: يذكر مآثر المرثي ومكارمه، ووصف ما يجب له. وأما التعزية: فبالحض على الصبر والترغيب في الأجر، والتأسي بالسلف فيما ناب عن مجامع الدنيا". (الوافي في نظم القوافي: ص 28)

وبناء على ما سبق نستنتج أن الرثاء يعني: البكاء على الميت، ومدحه، مع ذكر صفاته الحسنة، وأخلاقه النبيلة، ومواقفه المشرفة، والدعاء له بالرحمة والمغفرة، وحث ذويه على الصبر والسلوان.

فن الرثاء عند حافظ إبراهيم

فن الرثاء أهم فنون شعر حافظ، تحس فيه بصدق العاطفة ووفرة الإحساس، لأنه كان وقياً غاية الوفاء. فإذا فقد صديقاً جزعت نفسه أشد جزع، وانطلق لسانه يعبر عن ذلك في ألفاظ كأنها نسيج ثوب من الحزن لُفت به نفسه.

وترجع براعة حافظ في الرثاء إلى أمرين:

الأول: أنه كان قوي الحس، ذا نفس راضية لا تستبقي من صلاتها بالناس إلا الخير ولا تحتفظ إلا بالمعروف، ولا ترى للإحسان والبر جزاء يعدل الإشادة به والثناء عليه.

الثاني: أنه كان منطوياً على شيء غير قليل من الحزن والأسى بسبب ما عاناه في حياته من يؤس ومترية. (حافظ إبراهيم شاعر النيل: ص 128 - 129)

وكان حافظ سريع التأثر، شديد الانفعال. وقد تركت في نفسه حياته الأولى ندوب حزن عميق لا تلبث أن تنفر إذا تخطف الموت واحداً من أصدقائه أو من العظماء الذين يُجلهم. ولعل حافظاً كان يُحس في قرارة نفسه أن أصحابه قد أخلصوا له الود غير طامعين في جاه أو نَسَب، لأنه كان رجلاً فقيراً لا حول له ولا طول. فهم أحبه لأنه خليق بحبهم وتقديرهم. فإذا فقد

فمكث نحو أربع سنين. واتصل بالسيد جمال الدين الأفغاني، فلازمه مدة. واشتغل بالتحضير في جريدة الوقائع المصرية مع الإمام الشيخ محمد عبده، سنة 1298 هـ ونُقل منها إلى وظيفة (معاون بنظارة الداخلية) ونشبت الثورة العربية (سنة 1298 هـ - 1881 م) فكان ممن اشتركوا بها. وقبض عليه (سنة 1299 هـ) بتهمة الاشتراك في جمعية سرية، قيل: إنها تسعى لقلب نظام الحكومة، فسجن شهورا، وأفرج عنه مبروا. وحصل على إجازة الحقوق، فاشتغل بالمحاماة سنة 1301 هـ ونبه ذكره، فاختير قاضيا، فمستشارا. وتولى وزارة المعارف، فوزارة (الحقانية) فوكالة رئاسة الجمعية التشريعية. وانتخب سنة 1337 هـ - 1919 م رئيسا للوفد المصري، للمطالبة بالاستقلال، فنفاه الإنجليز إلى مالطة (في 8 مارس 1919) فأصبح اسمه رمزا للنهضة القومية. وعاد من المنفى، بعد قليل. ثم نفوه إلى جزائر سيشل سنة 1922. وتولى رئاسة مجلس الوزراء (سنة 1924) ورئاسة مجلس النواب سنة 1925 و 1926 وتوفي بالقاهرة سنة (1346هـ - 1927م). انفراد بقيادة الحركة الوطنية وتنظيمها ما بين سنتي 1919 و 1927 فكان رجل مصر، ولسانها، وموضع ثقافتها، وقبلة أنظارها. وعمل المحتلون البريطانيون على إبعاد الجمهور المصري عنه، ففشلوا. وخالفه أنصار له، وعارضه آخرون، فما ازداد إلا شدة وقوة، وهو أول سياسي مصري أسمع الغرب صوت (الجامعة العربية) فقال - وهو بلندن - يهدد الإنجليز: (إن مصر تملك زرا كهربائيا، إذا ضغطت عليه لبتها بلاد العروبة جميعا) وكان يحسن الفرنسية، تعلمها كبيرا، كما فعل أستاذه جمال الدين الأفغاني ومحمد عبده، قبله، وله إلمام بالألمانية والإنكليزية. وألف في شبابه كتابا في (فقه الشافعية - ط) وجمعت في أواخر أعوامه (خطبه) و (مختارات منها) في كتابين مطبوعين. (معجم المؤلفين: 209/4 و الأعلام: 83/3)

قصيدة رثاء

هذه القصيدة مكونة من تسعين بيتًا على بحر الخفيف وقافية الباء، التي مطلعها:

إيه يا ليلُ هلْ شَهِدْتَ المُصَابَا كَيْفَ يَنْصَبُ فِي النُّفُوسِ إِنْصَابَا

الآن وبتوفيق الله تعالى أقوم بدراسة وتحليل هذه القصيدة ونقدها نقدًا عروضيًا بحيث أبين بحره ثم أقوم بتقطيع كل بيت على حدة وأبين ما فيه من الزحاف والعلل إن كان فيه.

بعد التعمق في تفعيله هذه القصيدة وتقطيعها عروضيًا وجدت أنها قيلت في البحر الخفيف، فما هو بحر الخفيف؟

بحر الخفيف

وزن بحر الخفيف بحسب الدائرة العروضية:

فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن (علم العروض

والقافية: ص 98)

يستعمل البحر الخفيف تاما ومجزؤا. (موسوعة العروض والقافية: ص 115)

أ- الخفيف التام:

1. فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن

2. فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن فاعلاتن مستفعل لن فاعلن
 3. فاعلاتن مستفعل لن فاعلن فاعلاتن مستفعل لن فاعلن (العروض الواضح وعلم القافية: ص 96)
- ب- الخفيف المجزوء:

- 1- فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن مستفعلن
- 2- فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن فعولن (العروض الواضح وعلم القافية: ص 96)
- 3- زحاف الخفيف:

يدخل الخفيف من الزحاف الخبن والتشعيت، وقد يدخله الكف. (علم العروض والقافية: ص 98)

الخبين: هو حذف الثاني الساكن. (علم العروض والقافية: ص 79)
التشعيت: هو حذف العين من "فاعلاتن" أي حذف أول الوند المجموع فيها فتصبح "فالاتن" أي بثلاثة أسباب خفيفة، وذلك الزحاف يحدث في تفعيلة الضرب، ويقل في غيرها من "فاعلاتن" التي تأتي في ثنايا البيت، أي في حشوه وعروضه. (علم العروض والقافية: ص 79 و العروض الواضح وعلم القافية: ص 96)

الكف: هو حذف السابع الساكن من "فاعلاتن" فتصير "فاعلات"، ولكن العروضيين يعتبرون دخول هذا الزحاف في الخفيف أمرًا قبيحًا شاذًا ولذلك يحسن بالشعراء أن ينأوا عنه كلما كان ذلك ممكنًا. (علم العروض والقافية: ص 79)

جوازاته

1. فاعلاتن يسير فعلاتن، وهذا يقع في الحشو والعروض والضرب، وهو حسن، ويسمى (الخبين)، وهو حذف الثاني الساكن.
2. فاعلاتن يسير فاعلاتن، ويقع في الحشو والعروض، وهو نادر مستكره، ويسمى (الكف)، وهو حذف السابع الساكن.
3. فاعلاتن يسير فعلاتن، ويقع في الحشو والعروض، وهو نادر وقبيح جدًا، ويسمى (الشكل)، وهو مركب من الخبن والكف.
4. مستفعلن يسير متفعلن، وهو حسن، ويسمى (الخبين)، وهو حذف الثاني الساكن.
5. مستفعلن يسير مستفعلن، ويقع حشواً وعروضاً، وهو قبيح ونادر، ويسمى (الكف)، وهو حذف السابع الساكن.
6. مستفعلن يسير متفعلن، ويقع في الحشو والعروض على نادرة، وهو قبيح جدا، ويسمى (الشكل)، وهو مركب من الخبن والكف.
7. فاعلن يسير فعلن، وهذا يقع في العروض والضرب، وهو حسن، ويسمى (الخبين)، وهو حذف الثاني الساكن. (العروض الواضح: ص 99-100)

ملاحظة

البحر الخفيف من أكثر البحور طلاوة وليناً وموسيقية، وليس في بحور الشعر بحرٌ كالخفيف يصلح للتصرف في الأغراض والمعاني، فهو يصلح للفخر والحامسة والغزل والمديح والرثاء والوصف والعتاب والحكمة... ولذا أكثر من النظم على وزنه فحول الشعراء المتقدمين. وما أكثر القصائد الرائعة التي وقَّع ألحانها على البحر الخفيف. وهذه القصيدة من نوع الخفيف التام التي أقوم بتقطيعها بيتاً بيتاً ثم أبين ما فيها من الزخافات والعلل إن وجد منها شيئاً:

إيه يا ليلُ هلَّ شَهِدْتَ المُصَابَا كَيْفَ يَنْصَبُ فِي النُّفُوسِ انْصِبَابَا
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وهو حسن.

بَلِّغِ المَشْرِقِينَ قَبْلَ انْبِلَاجِ الـ صُبْحِ أَنَّ الرُّؤْيَسَ وَكَلَى وَغَابَا
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وهو حسن.

وَانِعِ لِلنَّبِيراتِ (سعداً) فـ(سعدُ) كان أمضى في الأرض منها شهاباً
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

قُدِّ يا ليل من سوادك ثوباً للدراري وللضحى جلسابا
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن، والتشعيب: هو

حذف أول الوند المجموع: فاعلاتن - فاعلاتن = مفعولن. (العروض الواضح: ص 96)

أَنْسَجِ الحَالِكاتِ مِنْكِ نَقاباً واحبِّ شمس النهار ذاك النقاباً
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

قل لها: غاب كوكب الأرض في الأُر ض فغيبي عن السماء احتجاباً
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

والبِسِيني عليه ثوب جِدادِ واجلسي للعزاء فالحزن طاباً
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

أين (سعدُ)؟ فذاك أوَّلُ خَفْلِ غاب عن صدره وعاف الخطابا
فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبن)/فاعلاتن: الخبن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

لم يعوّد جنوده يوم خطبٍ أن ينادى فلا يرِدُ الجوابا

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

علّ امرأً قد عاقه، علّ سقمًا

فاعلاتن/ مستفعّلن/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

أي جنودَ الرئيس نادوا جهاراً

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن؛ وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

إنها النكبة التي كنتُ أحشى

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

إنها اللفظة التي تنسف الأذ

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن=مفعولن(التشعّيث):

الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن، التشعّيث في الضرب ولا يلزم التشعّيث جميع أضرب القصيدة وأعاريضها، بل يجوز جمعه مع الصحيح. والتشعّيث: هو حذف أول الوجد المجموع: فاعلاتن - فاعلاتن = مفعولن.

مات (سعدٌ)، لا كنتِ يا (مات سعدٌ)

فاعلاتن/ مستفعّلن/فاعلاتن فاعلاتن/مستفعّلن/فاعلاتن: الخبّن في فاعلاتن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

كيف أقصدتِ كلَّ حيٍّ على الأُر

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

حسرةً عند آتية عند آو

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

قل لمن بات في (فلسطين) يبكي

فاعلاتن/ متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن: الخبّن في مستفعّلن، وكذلك في فاعلاتن؛ وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

قد دُهِيتم في دُوركم ودهينا

فاعلاتن/ مستفعّلن/فاعلاتن(الخبّن) فاعلاتن/متفعّلن(الخبّن)/فاعلاتن:

الخبّن في فاعلاتن، وكذلك في مستفعّلن؛ وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

مفقدتم على الحوادث جفنًا

وفقدنا المهند القرضابا

فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/فعلاتن(الخبين)
 فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/فالاتن=مفعولن(التشعيث): الخبن في فاعلاتن، وكذلك في
 مستفعلن، وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن، التشعيث في الضرب ولا يلزم التشعيث
 جميعاً أضرب القصيدة وأعاريضها، بل يجوز جمعه مع الصحيح. والتشعيث: هو حذف أول
 الوند المجموع: فاعلاتن - فالاتن = مفعولن.

سله ربه زماناً فأبلى ثم ناداه ربه فأجابا

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن(الخبين):

الخبين في مستفعلن وكذلك في فاعلاتن؛ وهو حسن، وهو حذف الثاني الساكن.

قدّر شاء أن يزلزل مصرًا فتغالى فزلزل الألبابا

فَاعِلَاتِن(الخبين)/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن(الخبين)
 فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/مفعولن(التشعيث)

طاح بالرأس من رجالات (مصري) والأوشابا
 وتخطى التّخوت

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/مفعولن(التشعيث)

والمقاديّر إن رمت لا تبالي أ رؤسًا تصيب أم أذنا

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/مفعولن(التشعيث)

خرجت أمة تشيع نعشًا عبا
 قد حوى أمة وبحراً

فَاعِلَاتِن(الخبين)/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن(الخبين)
 متفعلن(الخبين)/فَاعِلَاتِن

حملوه على المدافع لما أعجز الهام حمله والرقابا

فَاعِلَاتِن(الخبين)/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن(الخبين)
 متفعلن(الخبين)/فَاعِلَاتِن

حال لون الأصيل والدمع يجري وصباحاً مذا

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/فَاعِلَاتِن

وسها النيل عن سراه دُهولا حين ألقى الجموع تبكى انتحابا

فَاعِلَاتِن(الخبين)/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن

ظنّ يا سعد أن يرى مهرجاً فرأى ماتماً وحشداً عجابا

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فعلاتن(الخبين)/متفعلن(الخبين)/فَاعِلَاتِن

لم تُسقى مثله فراعاًين (مصري) يوم كانوا لأهلها أربابا

فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن/مِتْفَعْلِن(الخبين)/مفعولن(التشعيث)

خضب الشيب شبيهم بسوادٍ ومحا البيض يوم من الخضابا

فاعلاتن(الخبين)/متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)
واستهلت سحب البكاء على الوا	دي فغطت خضراءه
والبيابافاعلاتن/متفعّلن/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن/متفعّلن/فاعلاتن
ساقّت (التيبيس) العزاء إلينا	وتوخت في مدحك الإسهابا
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن(الخبين)/متفعّلن/مفعولن(التشعيبث)
لم يُنحْ جانحٌ عليك كما نا	حت ولا أطنبُ المحبُّ وحابى
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)
واعتراف (التاميز) يا سعدٌ مقيا	سّ لما نال نيلنا وأصابا
فاعلاتن/متفعّلن/فاعلاتن	فاعلاتن/متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)
يا كبير الفؤاد والنفس والآ	مال أين اعترمتّ عنا الذهابا
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن
كيف ننسى موافقاً لك فينا	كنت فيها المهيب لا الهيابا
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)
كنت في ميعه الشباب حساماً	زاد صقلاً فرنذُه حين شابا
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن(الخبين)	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن
لم ينازلك قارحُ القوم إلا	كنت أقوى يداً وأعلى جنابا
فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن
عظّم لو حواه (كسرى) أنو شر	وان) يوما لضاق عنه إهابا
فاعلاتن(الخبين)/متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن	فاعلاتن/ متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن
ومضاً يريك حد قضاء ال	له يفرى متنا ويحطم نابا
فاعلاتن(الخبين)/متفعّلن(الخبين)/فاعلاتن	فاعلاتن(الخبين)/متفعّلن/فاعلاتن(الخبين)

نتيجة البحث

الرتاء يعني: البكاء على الميت، ومدحه، مع ذكر صفاته الحسنة، وأخلاقه النبيلة، وموافقته المشرفة، والدعاء له بالرحمة والمغفرة، وحث ذويه على الصبر والسلوان. فن الرثاء أهم فنون شعر حافظ، تحس فيه بصدق العاطفة ووفرة الإحساس، لأنه كان وفياً غاية الوفاء. فإذا فقد صديقاً جزعت نفسه أشد جزع، وانطلق لسانه يعبر عن ذلك في ألفاظ كأنها نسيج ثوب من الحزن نُفت به نفسه.

هذه القصيدة من أطول قصائد الرثاء عند حافظ إبراهيم المكونة من تسعين بيتاً.

هذه القصيدة من أروع القصائد موسيقى لأنها محكم النسيج موافق لما وضع خليل بن أحمد الفراهيدي من البحور الشعرية والتفعيلات وما خرج منها إطلافاً لاسيما في هذه الأبيات الأربعين أنا قمت بتحليله وبيان تفاعليه فرأينا أنه جاء فيها كثير من الخين وهو في هذا البحر حسن مقبول عند علماء العروض؛ يزداد الوزن حسناً وجمالاً.

ما جاء في هذه القصيدة من الكف؛ وهو حذف السابع الساكن في فاعلاتن، وهو نادر مستكره، وكذلك الشكل؛ وهو مركب من الخين والكف، وهو نادر وقبيح جداً، والكف في مستفعلن، وهو نادر وقبيح وكذلك الشكل فيه، فرأينا أن هذه القصيدة خالية من هذه المعايير الوزنية مما يشين موسيقى القصيدة. أما التشعيب الوارد في ضروب هذه القصيدة وهو حذف الحرف الأول من الوند المجموع فهو جائز في هذا البحر وهو علة تجري مجرى الزحاف لا يلتزم في جميع أبياته.

الاقتراحات

دراسة العروضية للشعر أحد العناصر الأهم لنقد الشعر ومعرفة الشعر الصحيح من المكسور فلذا أرجوا أن يبحث المحققون في المجال كثيراً ويزودوا مكتبة اللغة العربية وآدابها بدراساتهم القيمة في هذا المجال القيم. الدراسة العروضية للشعر يكون مجالاً خصباً لطلاب اللغة العربية لتمرين وتقوية مهاراتهم المكتسبة في علم العروض فلذا أتوقع منهم أن يكثروا من التمارين في هذا المجال.

المصادر

- إبراهيم مصطفى وإخوانه. (1431هـ). المعجم الوسيط. الناشر: دار الدعوة، القاهرة - مصر.
 ابن منظور، محمد بن مكرم. (1414هـ). لسان العرب، التحقيق: اليازجي وجماعة من اللغويين. الطبعة الثالثة. الناشر: دار الصادر - بيروت.
 الجندي، عبد الحميد سند. حافظ إبراهيم شاعر النيل. ط4، القاهرة - دار المعارف.
 الرندي، أبو البقاء صالح بن شريف. الوافي في نظم القوافي. تونس - دار الكتب الوطنية، الزركلي، خير الدين بن محمود. (2002م). الأعلام. ط 15، دار العلم للملايين.
 عتيق: عبد العزيز. (2006م). علم العروض والقافية. ط 1. القاهرة - دار الآفاق العربية.
 الفراهيدي، الخليل بن أحمد. (1431هـ). كتاب العين. المحقق: د. مهدي الخزومي ود. إبراهيم السامرائي. الطبعة الأولى. الناشر: دار ومكتبة الهلال.
 كحالة، عمر رضا. معجم المؤلفين. بيروت - دار إحياء التراث العربي.
 المردي، أبو العباس محمد بن يزيد. (1431هـ). التعازي والمرثي والمواظ والوصايا والحكم. تحقيق: محمد إبراهيم الجمل، دار النهضة مصر للطباعة والتوزيع والنشر.
 النويري، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب. (1423هـ). نهاية الأرب. تحقيق: يحيى الشامي، ط 1، بيروت - دار الكتب العلمية.
 الواصل، سعد. (1441هـ). موسوعة العروض والقافية. ط 1، مكتبة ملك فهد.
 ويكيبيديا: حافظ إبراهيم. <https://ar.wikipedia.org/w/in>
 الهاشمي، محمد علي. (1991م). العروض الواضح وعلم القافية. ط 1، دمشق - دار القلم.



د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطن دوستي روحیه

لیکوال

برینبنا لیک

ارکاید

پوهنوال سید عمر صدیقی

دیپارتمنت ادبیات پښتو پوهنځی زیان وادیات پوهنتون تخار، افغانستان

Sayedomarsediqi2014@gmail.com

0009-0006-6176-513

لنډیز

که د پښتو ادبیاتو لیکلو آثارو ته وکتل شي له مبالغې پرته سړی ویلی شي چې داسې سکالو نشته چې د پښتو شاعرانو او لیکوالو دې د شعر او یاهم د نثر په ښکلي خولی کې نه وي رانگارلي، هر یوه ترخپلي وسي په یوه او یا هم په ډېرو موضوعاتو باندې د خپل قلم نیلی خغولي دي، خپل ولس ته یې یو څه پریښي دي، د یادولو وړ ده هغه دا چې په پښتو ادبیاتو کې یې شمېره سیاسي، اجتماعي، اخلاقي، وطن دوستي، انتقادي، حماسي او فلسفي شعرونه او نظموه شته او لرویی، دا چې چا ورباندې کار کړی او هغه یې را ټولي کړي او سپرلي تر یوې اندازې لیدل کېږي، لکه څنگه چې د سلیمان لایق په اشعارو باندې هم په بشپړه توګه چا کار نه دی کړی او په خاصه توګه د اخلاقي او وطن دوستي روحیه په برخه کې چې د هغه په شعرونو کې هر اړخیزه مفکورې راوسپړي او څېړنه ورباندې وکړي، نو ما دغه کار ته ملا وتړله تر څو د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطن دوستي روحیه را وسپرم او څېړنه ورباندې وکړم. نودلته مې وغوښتل چې په دغه څېړنيزه مقاله کې دغه ډول اخلاقي او وطن دوستي روحیه چې د سلیمان لایق په اشعارو کې د ادبیت او هنریت د جوهر په مټ هويت او اعتبار موندلی وي، چې د فکر او پیغام تر څنګ یې دخلکوادبي او هنري ذوق هم نسکین کړی وي راواخلم او تشریح یې کړم. خودلته تر هر څه مخکې غواړم لومړی اخلاقي او وطن دوستي اشعار تشخیص او بیایي وسپرم او ورکې هغه څلول شوي فکرونه او پیغامونه به هم جوت کړم چې اخلاقي او وطن دوستي رنگ اوریا یا موخه اوماننا ولري تر څولو ستونګي او د ادب مینه وال او په ځانګړي ډول د ادب او فرهنگ مینه وال ترې سمه ګټه لاسته راوړي.

کلیدي کليمي: اخلاقي ايډيال، شعري ارتقاء، افکار او هیواد پالنه

The Moral and Patriotic Spirit in the Poetry of Suleiman Laiq

Author | **Sayeed Omar Sediqi**
Pashto Littrature of Language and Littrature Faculty of Takhar
University, Takhar Afghanistan
E-Mail | Sayedomarsediqi2014@gmail.com
Orcid | [0009-0006-6176-513](https://orcid.org/0009-0006-6176-513)

Abstract

When examining the works of Pashto literature, one can assert, without exaggeration, that there is hardly a theme left untouched by Pashto poets and writers, whether in the form of poetry or prose. Each, within their capacity, has addressed various topics, leaving behind a legacy for their people. It is worth noting that Pashto literature encompasses countless political, social, ethical, patriotic, critical, epic, and philosophical poems and compositions. However, the degree to which these have been collected, explored, and analyzed varies. For instance, no comprehensive study has yet been conducted on the poetry of Suleiman Laiq, especially with regard to the moral and patriotic spirit that pervades his work. This aspect of his poetry remains underexplored, with many dimensions of his ideas and themes still awaiting thorough investigation.

Therefore, I took it upon myself to undertake this task in order to delve into the ethical and patriotic elements present in Suleiman Laiq's poetry. In this research article, I aim to explore and explain how these moral and patriotic concepts are intricately woven into the artistic and literary essence of his poetry. These themes not only convey profound ideas and messages but also satisfy the literary and aesthetic tastes of the audience.

Before proceeding, my primary goal is to identify and analyze the moral and patriotic poems in Laiq's work, and to uncover the underlying thoughts and messages that embody the essence of morality and patriotism. By doing so, I hope this research will benefit readers, literary enthusiasts, and especially those with a deep interest in literature and culture.

Keywords: moral ideals, poetic evolution, thoughts, patriotism.

سریزه

د هرې موضوع په برخه کې څه لیکل په تیره بیا د شعر او شاعرۍ په لوی ډگر کې دیوې موضوع رامنځ ته کول ډېرو معلوماتو ته اړتیا لري دغه معلومات دزیاتو علمي معتبرو سرچینو او آثارو دپلټنې له لارې تر لاسه کیدای شي.

پښتو ژبه له هغه وخت نه چې دخبرو او کتا بو نو ژبه شوه دادب په تاریخ کې یې دیوه نوي ادبي او علمي ژوند بنسټ کېښود، زموږ ادیبانو، شاعرانو او لیکوالو دخپلو ادبي او علمي هڅو، فعالیتو نو، هلوځلو او دبی ساري شاعرانه نوښتونو، تر کیبونو او تصویرونو په نتیجه کې نن ورځ پښتو ژبه او ادب یې په یوې نوې او ځواکمنې لارې دادبي او ملي گټو په گانه سمبال کړی دی.

د دغو پیاوړو او تکرره لیکوالو او شاعرانو له ډلې څخه یو هم بنا غلی سلیمان لایق دی چې د ده په اشعارو کې فکري رنگارنگي په سمه توگه لیدل کېږي نومام دازیارېستلی دی ترڅوپه دې مقاله کې دده اخلاقي او وطندوستي اشعار دده دائارو څخه راټول کړم او ویې سپرم .

لکه څنگه چې لایق په فکري او اروايي توگه ځان دخلکو دښي او نیکمر غي ورځي لیدوته سپارلی دی دیوې ادبي تحریک د فکري شالید په بڼه په خلکو کې را وتوکیدو، لایق دپښتو معاصر ادب (خصوصاً د انتقادي ریالیزم په حواله سره) یو تکرره او دښه استعداددرلودونکي شاعر دی، ژوند یې ټول دذهني استبداد گر او استعمار چیانو په ضد دمبارزې روڼه هنداره ده او د ده دشاعري او ادبي هڅو زیاته برخه اخلاقي او ټولنیزو افکارو تعمیم او دټولني دزیارکښ انسان دیو والي، پیوستون او همدارنگه دظالمو او استعمار گرو په وړاندې د دوی ویښولو ته وقف شوی دی .

د مسالي معرفي کول (تبیین مساله)

سره له دې چې پښتو شعر او ادب له سیاسي، اجتماعي، فلسفي، انتقادي، عشقي، اخلاقي، وطندوستي او حماسي سوژو او افکارو څخه خالي نه دی، خو یو داسې مقاله چې یوازې د سلیمان لایق اخلاقي او وطندوستي اشعار څېړني او شنني ته ځانگړی شوی وي او بیا خپور شوی وي زما له نظره نه دی تیر شوی . د همدې اړتیا او ضرورت له مخې چې دغه خورا نوي موضوع د څېړني لپاره ما وټاکله، ترڅو د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحیه لومړۍ په دقیق ډول تشخیص کړم، بیایي راټولي او وروسته یې توضیح او تشریح کړم، له نېکه مرغه د سلیمان لایق په شعر او شاعرۍ کې اخلاقي او وطندوستي افکار په زیاته پیمانه انعکاس موندلی او بیلگې یې ډېره ترسترگو کېږي .

ما په دغه څېړنیزه مقاله کې د سلیمان لایق شعرونه چې اخلاقي او وطندوستي فکرونه او نظریات ورکې ځلیدلی وي د مختلفو معتبرو سرچینو څخه راټولي کړي او دلته می څېړلي او شنلي دي. باور لرم چې دا زما څېړنیزه مقاله د سلیمان لایق اخلاقي او وطندوستي اشعارو په شننه او څېړنه کې لومړی اثر وي، هیله من یم چې نور لیکوالو او ادیبانو به هم دا لاره ونیسي او دغه شانته موضوعگانې به لا زیاته او ډیره پسي وڅېړي، چې دا ډول لیکنې او څېړني زموږ د ملي او فرهنگي شتمني په بداینه کې مرسته کوي .

د څېړنې پوښتنې

اصلي پوښتنې

۱- د سلیمان لایق د اشعارو په فکري رنگارنگي باندې تر کومې اندازې پورې کار شوی دی؟

فرعي پوښتنې

۱- د سلیمان لایق د اشعارو په فکري تنوع کې کومې برخې روښانه شوي دي؟

۲- د سلیمان لایق په اشعارو کې کوم ډول فکري تنوع لیدلای شو؟

۳- د سلیمان لایق د اشعارو کومه برخه ډیره درنه بریښي؟

د څېړنې موخي (اهداف)

د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحيه تر سرلیک لاندې موضوع کې داسې مطالب ځای شوي او بیان شوي دي چې په هغه کې اخلاقي او وطندوستي موضوعات تشریح شوي دي ، نو د فکري او هنري ارزښت له پلوه ځانگړی اغېزه لري . د سلیمان لایق د شاعري درنه برخه د افغانستان او پښتون ملت د وینښتیا او یووالي لپاره ځانگړی شوی ده . د لایق په وینا کې تل ریاکاران او د تیر شاهي نظام واکداران ټکول شوي او نقاب یې له مخ څخه غورځېدلی دی .

نو دا هم ویلی شو چې ددغه مضمون د فکري محتوا په درک او پوهېدو سره به د ادب مینه وال او په ځانگړي ډول هر لوستونکی به د سلیمان لایق د شعر په معنا او مفهوم ځان پوه کړي.

د څېړنې شالید (پیشینه تحقیق)

د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحيه داسې یوه موضوع ده چې زما په اند مخکې په سمه توگه چا نده لیکلې او څېړلې او زما له نظر تر اوسه پورې ندی تیر شوی، د همدې ندرت له مخې ددې موضوع څېړنې او شننې ته خورا زیات اړتیا محسوسیدله، نو ځکه ما دا موضوع وټاکله او ومې څېړله، فکر کوم په منظم ډول به زما دغه مقاله د پښتو ادب په برخه کې لومړنۍ څېړنیزه مقاله وي چې د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحيه ورکې لیکل شوی او څېړل شوی ده، او که چېرې چا د سلیمان لایق په اشعارو څېړنه هم کړې وي نو د لایق په نورو شعري رنگارنگیو به کار کړی وي، اما په دې برخه کې تر اوسه پورې چا کار ندی کړی .

او همدارنگه په دا څېړنیزه مقاله کې له گڼ شمیر معتبرو ماخذونه څخه مي کار اخیستی او استفاده مي ورڅخه کړې ده چې زما له موضوع سره یې نږدې تړاو درلود.

د څېړنې میتود: د کوم روش او میتود څخه چې ما په دې څېړنیزه مقاله کې ورڅخه کار اخیستی هغه کتابتوني روش دی ، د مقالې په اړه مي گڼ شمیر کتابونه راټول کړي او استفاده مي ورڅخه کړې ده .

د څېړنې ارزښت او اهمیت

د هر ډول موضوعاتو راورل د شاعر په هنرمندانه فکر پورې اړه لري چې د هغې موضوع لپاره څه ډول الفاظ و ټاکي او په څه ډول یې لوستونکو ته وړاندې

کوي ، دلته چې موضوع د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحيې ته اختصاص ورکړ شوی نوکه په سمه توگه د لایق شعرونو ته وگورو دده په شعرونو کې هر ډول مفکورې لکه سیاسي ، انتقادي، اخلاقي ، وطندوستي ، اجتماعي، عشقي او حماسي په بڼه توگه لیدل کېږي .

د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطندوستي روحیه یوه داسې موضوع ده چې مخکې په سمه توگه چا نه ده څېړلې . د همدې ندرت له مخې ددې موضوع څېړنې او شننې ته خورا زیات اړتیا محسوسېدله نو ځکه ما دا موضوع وټاکله او ومې څېړله .

پایلي او موندنې

د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي او وطن دوستي روحیه که د آثارو عمومي احصایه په پام کې ونیسو را ته څرگنده به شي چې دپښتو ادب معاصره دوره له هره اړخه خورا پیاوړې دوره بلل کېږي. سپین شعر، هایکو او یوشمېر نورو فورمونو هم په دغه دوره کې بشپړ پرمختگ وکړ، ډېر مینوال یې وموندل. او شعري بڼې یې پرې بنایسته وساته .

د یادونې وړ ده د منځپانگې له مخې هم دغه دوره ځانگړی ارزښت لري، ځکه شاعران یې له گڼو پېښو څخه اغېزمن شوي او خپل احساسات یې د شعر په ژبه څرگند کړي دي. سلیمان لایق ددغه کتار هغه ستوری دی چې په شعري ذوق یې ډیر وگړي دي ته متوجه کړی، خو له خپلې خاورې ، تېر او هیواد سره مینه وکړي. دلته د لایق په شعرونو کې دوه بنيادي ټکي خورا اړین بولم . یو دا چې سلیمان لایق په خپلو شعرونو کې دهیواد، خاورې، تېر او وگړو سره پوره مینه کړې ، بله دا چې دشعرونو اخلاقي اړخ یې هم پوره وده کړې ده ، شعري ډگر یې پرې گرم ساتلی دی. مونږ ددغه علمي مقالې په لړ کې دا دوه اړخه څه ناڅه راوسپړل .

د سلیمان لایق په اشعارو کې اخلاقي روحیه

سلیمان لایق د پښتو ادب په ارته لمن کې گڼ شمېر آثار لري، چې د اوسمهال غوښتنې یې په شعرونو کې راسپړلې دي. په شعرونو کې یې اخلاقي اړخ خورا پیاوړی دی نوموړی ورورپالنه په رنگینو الفاظو داسې ترسیموي .

ژوندون که ښه دی په انسان ښه دی

که انسان ښه دی په احسان ښه دی

زموږه ښکلې هیواد که ښه دی

په ورور پالنه دافغان ښه دی

(لایق ، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳)

د سلیمان لایق پورتنی شعر ته که په سمه توگه وگورو نو دده په شعر کې اخلاقي رنگ له ورايه ښکاري اود افغانانو ژوندکول دورورولې په فضا کې دده د شعري ځواک نښه ده ، اودهر انسان لپاره احسان غوره شتمني بولي .

نه پنجابیان دي، نه غجران دي

زموږه خلک ټول افغانان دي

په یوه با غچه کې وړ- وړ مېوي دي

په یوه چمن کې راز - راز گلان دي

(لایق، ۱۳۶۰، ص ۸۹)

که پورتنی بیتونو ته په سمه توګه وګورو دلایق په شعر کې اخلاقي رنگ په سمه توګه لیدلای شو، افغانی وحدت یې په ډېر ښه شان بیان کړی دی په رښتیا هم یو والی همدې ته وایي چې ټول افغانان په یوه کور کې اوسېږي او ټول سره وروڼه دي که پښتون دی، که تاجک دی، که هزاره دی، که پشه یې دی او که ازبکان دي، ټول د یوې ونې څانګې دي چې رنگارنگ میوې نیسي. د دغه شعر منځپانګه خورا لوړه بریښي ملي وحدت د اخلاقي ایډیال په توګه ترسیموي. هر څوک باید خپل مسوولیت وپېژني، شاعر هم مسوولیت لري چې د ټولني وګړي د ورور ولی، مینې او ښېګڼې خوا ته راوبولي .

که هزاره دي که تاجکان دي
که ازبکان دي، که ترکمنان دي
له پښتنو نه بیا تر بلوڅو
په یوه وطن کې ټول افغانان دي

(لایق، ۱۳۶۲، ص ۷۱)

سلیمان لایق په پورتنی شعر کې افغانان د یوه ګډ کور غړي بولي او دافغانانو تر منځ یې څه توپیر نه دی کړی، وایي چې ټول افغانان د یوه هیواد (افغانستان) وګړي دي. او دافغان نوم د ټولولپاره بسنه کوي. نود لته هم لایق خپل درانه مسوولیت ته متوجه دی، نوموړی وایي چې په بې اتفاقی سره هیواد نه جوړېږي بلکې وحدت او ورورولي ده چې الله پاک هم پرې راضي کیږي. او دښه دخوښی لامل هم ګرځي .

دوخت لوبه

د
زمان دسمندر له هرې څنډې
هره
سایوه بېړۍ وزی روانېږي
لاهنه
الونیا نه وي چې یوه بله
دسفر
منتظرانو ته رسېږي
دراټګ
غوا که هر څومره قوي وي
دبیا تګ
په سر انجام کې تما مېږي
ټول
عالم دوخت دلوبو نندارڅو دي
څوک
رسېږي نندارې ته څوک ډوبېږي

ژوندون

څه دی، یو میدان دهسي لوبی

چی

په باد باندې سپرېږي او تېرېږي

لایق

کومه هیله وکړي له دې عمره

چی په سایې دبنیاد خښتي نرېږي

(لایق، ۲۰۱۳، ص ۳۴)

دسلیمان لایق د شعر عمومي جاج خلک او ولس د پوهې او زده کړې خواته رابولي او وایي چې وخت لکه سره زر داسې ارزښت لري او د سترگو په رپ کې تیرېږي نو د هر چا لپاره دا ضروري خبره ده چې باید خپل ځان د زمانې له غوښتنې سره سم عیار کړي ترڅو د نورو نه وروسته پاتې نه شي دلته له عمرڅخه هم سرتکوي. دوخت تېریدل د باد په شان بولي، سلیمان لایق دغه بیتونه د سترخوشحال بابا پرسبک ویلي هغه هم عمر له باد سره تشبې کوي.

دسلیمان لایق په اشعارو کې دهبوادپالنې روحیه

داځمکه څه ده؟ که افغان نه وي

هغه تن څه دی چې کی ځان نه وي

هندوکش څه دی، څومری ډیري

که کور اوکلی دافغان نه وي

(لایق، ۱۳۹۰، ص ۱۴)

دسلیمان لایق دپورته بیتونو له منځپانګې دا ښکاري چې په افغانانو مین کس دی، وایي ځمکه په افغانانو ښکلي ده که په دې ځمکه افغانان نه وای دې ځمکې اودې خاورې به هېڅ ارزښت نه درلودی. د لایق فکر د هېواد خاوره، وګړي او دهغه ژوند د سرو زرو په شان بولي، هندوکش، آباسین، ترنک، ارغنداب او امو ددې خاورې هغه پانګې بولي چې د نړۍ په هېڅ وچه کې یې بېلګه نه موندل کېږي

وطن هېرول

ما وې چې لارشم او وطن هېر کړم

دغه دوینو انجمن هېر کړم

په زړه مي شین دی دا دغم بوتی

خلکو زه نه شم چې وطن هېر کړم

(لایق، ۲۰۱۳، ص ۷۳)

د سلیمان لایق له پورتنې شعرڅخه دا څرګندېږي چې هغه په وطن باندې مین کس دی، وطن هېڅ وخت نه هېرېږي که ټول عمر یوانسان په پردیسي کې تېره کړي بیا یې هم خپل ټاټوبی یادېږي. اودې تل دمردک خورلې بلبل په

څېر له خزان وهلي بن څخه دوتلو هلي ځلي کوي خو د ورکتوب خاپوړي
اودژوند بيلابيلي خاطرې دتللو اجازه نه ورکوي .

هره ډبره

هره ډبره زمونږ دغرونو
يوه معجزه ده دقدرتونو
زړه مې ترلې په هره شگه
پاس په چړنو، کوز په خوړونو

(لایق، ۱۳۰۲، ص ۶۳)

دسلیمان لایق پورتنی شعر ته که په سمه توگه وگورو نو دده په شعر کې
دوطن دمیني رنگ له ورايه ښکاري. ده دگران افغانستان دهر غره ډبره يې
يوه معجزه دالله ج دقدرتونو بللي ده اودخپل زړه داسې پيوستوالی يې ورسره
ښودلی چې دچړنو او خوړونو سيمه يې يوه بيلگه راوړي ده .

ای زما ښکلی وطنه زما تته

زما کوره زما گوره زما عدنه

چې نارام ته مې وياړې ته مې نازي

ستا زانگودب اباغ پر دمورلمنه

زما په ډډو دگلانو پيالنگ لکي

که هرڅومره دستاخاوره شي اغزنه

په دروکې په سيندوکې په رغوکې

په هرگام کې دې دژوندسندره پلنه

هره تيره دې له شور اوزوره ډکه

دفرنگ دیرغل وودندان شکنه

ستا په پښه کې سپېلنی اوويارنی شم

ای زما ښکلی وطنه، زما تته

(لایق، ۱۳۹۱، ص ۱)

پورته شعر دسلیمان لایق د فکر هینداره ده. یوپیاوړی وطن دوستي په کي له وراه معلومیري نوویلاي شوچی لایق یووطن دوست شخصیت دی چی همیشه یی دوطن دمینی په پلمه خواره او زره رابنکونکي شعرونه اونظمنه ویلي دي

د سلیمان لایق په شعر کي د وطن ستاینه.

د پښتو ژبي پیاوړي شاعر سلیمان لایق په لاندې بیتونو کي د خپل هیواد بنسکلاء په خورا لوړ انداز سره ثابته کړی، لاندې کچي چی د بیابان اغزي هم د بل هیواد تر گلونو غوره گڼي. د لایق په عاطفه کي دا مسایل را گرځیدلي چی هیواد د خولو په باران کي دوب دی څوک نشته چی ددغه زخمی هیواد د وگړو غږ واورې .

دخولوباران

ژړوي مــــی تېریادونه دشــــباب
زه که څه
یمه
دغــــرونو
ځیر افغان

یوځل دومره مهلت راکړه چی اوبه کرم

ستــــادشونوپه شــــربت تــــری ارمان

پــــرپرده پرپرده چی راوسپړي گلونه
داتــــپره
تــــپره
اغزي
دبیابان

که لاسونه دباغبان وای خوځېدلي
لاپــــخواب
ه دا بېديا
وه گلستان

هــــره لوبشته یی دمینی منزلگاه وه
دا

وطن چی اوس لوڅ شوی او عریان

هــــره تیره دوطن بچــــوته ژاري

خو افسوس چی څوک یی نه اورې فغان

دلـرمو او مارانو په خـای پرپرده
چې خواره شي سندر غاري بلبلان
هره خنده به یې رشک دفر دوس شي

که یې سم شي دخولوگرم باران
(لایق، ۱۳۹۲، ص ۶)

دلایق په پورته شعر کې وطن دوستي او افغان دوستي څرکونه له ورايه ښکاري چې هر بیت یې ده د افغان دوستی او وطن دوستی نمایندگي کولای شي. لکه څنگه دی په خپل وطن باندې افتخارکوي او هره ډبره دلالونوڅخه غوره بولي..

دچري خوب

افغان

چاسره نه جنگوي ولـي

لاپالي

له گاونډيو دود اوڅـلي

له هر

چاسره ساتي د وروري مينه

لايي

څوک په دښمنی نه دي نيولي

چي

غليم يې لمسوي دوی ورته خاندي

خدای

له موره په درنه ورځ زېږولي

لکه

غرونه دوطن په تـوپانو کي

سپلابونو ته مسکپري غـلي

غلي

چا چي

کـبرته شمله پرې نېغه کړي

دوی

هـغه له خپله کبره غورځولي

که

يې ايښي چاته په سپينه لمن ټاپي

هـغه ټاپي يې پخپلو ويـنو

وللي

که چا
یو ورسره کـړي دوی سل کړي

خـوابونه یې پـه دې
تله تللي

تـول افغان لـه اباسینه تر
جیحونه

زمانې په یوه زانگوکي
زنـگولي

کـه پینتون ،که هزاره ،که ازبک
دی

لـه یـوبل سره په یو
مزي تړلي

(لایق، ۱۳، ۲۰، ص. ۹۰)

د سلیمان لایق پورتنی شعر ته که په سمه توګه متوجه شو نو د هیواد ولسي او افغانیت فکر پکې په سمه توګه راڅرګندېږي او هغه دا چې شاعر دلته د افغانانو تر منځ کرښه او سرحد نه مني او وایي چې افغانان څوک هیڅکله نشي چې سره بیل کړي او ددوی تر منځ بې اتفاقی او درزونه پیدا کړي ، او هغه څوک چې د افغانانو بې اتفاقي غواړي هغوی دې خدای (ج) د نمرود د لښکرو په شان له منځه یوسي .

دپسرلي ډبوي

دا اورونه په

بیدیاووکي بلېږي

که دسروګلو غوټی دي

چې غوړېږي؟

دخاتولـوقافلي

دي راروانی

که دسرومیوپيالي

ویشلي کېږي؟

نوي

قوتونه

ارزوګاني

په

رګونودبـز

ګرانوکی نڅېږي

خوانه گوره چې فرصت
درنه لارنه شي
زمانه انتظارنه
بـاسي تېرېږي
دوطن فـضا هوا
اودبنتي غرونه
دزلـمو له
ارمـانوسره سمېږي
زمانه به پرده
پورته کړي له کاره
ددبمن زرگی که چوي
که ويلېږي
چي په سرکې يې هوس
دمستی نه وي
هـغه گام نه پورته
کېږي نه رغېږي
پسرلی بـه نوی
نوی زېری راوړي
چي
دفرمسحايکي
خوځېږي (لایق،
1360:27)

که دلایق پورته شعر په غورسره وگورو نو راته ښکاره به شي چې په دې شعرکې طبیعي منظري ستايل شوي دي او په خاصه توگه دپسرلي نښې نښانې يې ستايلې اودانسانانو لپاره دسوکاله ژوندهيله کوي. په همدې ترتيب يې خپل هيواد له ديوې سره تشبې کړی، ديوه تل خپل ځان سوځي او نورو ته رڼا ورکوي.

دپښتوکوره

ای د ایشیا تاجه دلـر غونو عظموکوره!
گران افغانستانه دزړه سـره دپښتوکوره
مینه دې خوځېږي زماپه شعرکې څپې څپې
ای دلـر ورو غرونو اوسیندونو او درو کوره
ستا په طبیعت کې طبیعت هم رزمي شوی دی
ای د سیلاونو او واورینو توفانوکوره
هـره لوبشته خاوره دې کتاب کتاب خبرې دي
ای د روایتو مذهبـو او تـرانو کوره
ښاد دې يې، اباد دې يې، ازاد دې يې، ودان دې يې
کور دامنیت دې يې کعبه دهر افغان دې يې
(بېنوا، ۱۳۸۸، ص ۸۸)

که پورته شعرته په زیرسره وگورو نو لایق دگران هېواد افغانستان ستاینه کړې ده. او د هېواد طبیعي جوړښتونه یې ستایلي دي . پایله

څرگنده خبره ده چې د منظوم کلام تله او ترازو قافیه او عروض گڼل کیږي ، دا چې په منظومه ژبه ددې فن مراعاتول د هر شاعر لپاره اړین گڼل کیږي ، یا دا چې د منظوم کلام لپاره به یو اسلوب او سبک ټاکي . د اسلوب او سبک پرته به گرانه وي چې شاعر د شعر ځانگړتیا وي دي روښانه شي ، ځکه د سبک په واسطه د یوه شاعر شخصیت او د هغوي ټول پرنسیپ روښانه کیږي .

د معاصرې دورې وطن دوست شاعر سلیمان لایق هم د یوه اسلوب خاوند شاعر دی چې په خپله هنرمندانه ژبه یې زموږ د ټولني رنگینه عکاسي کړې ده .

د معاصرې څېړنې په اعتبار ویلی شو چې د سلیمان لایق د منظومې ژبې تر ټولو لویه ځانگړنه داده چې په شعرونو کې یې سیاسي ، اجتماعي ، اخلاقي، وطن دوستي، انتقادي ، حماسي او فلسفي افکار له ورايه لیدل کیږي . له شکه پرته پښتو ادب په دغه لویه او ارته لمن کې ډېر داسې ادبي ستوري شته چې په کلام کې یې ډېرې ښې ادبي مرغلرې لیدل کیږي چې زموږ دوگړو تنده ورباندې خړوبه وي .

په اخلاقي، اجتماعي ، انتقادي ، حماسي او فلسفي بڼه د شعر ویل خورا ستونزمنه خبره ده

سلیمان لایق هغه ادبي شخصیت دی چې د خپلو خوندورو اشعارو ، ادبي لیکنو په ترسره کولو سره یې خپلې ژبې او ادب ته ډېر څه ورکړي ، په تېره بیا د ملي کلتور د څلولو هڅه ، خلک د سولې ، اتفاق او یووالي خواته رابلل نه هیروي . د شعرونو په منځپانگه کې یې اخلاقي او د هېواد پالنې اړخونه خورا قوي بریښي .

پایله

له شکه پرته د منظوم کلام ښکلا او ښایست په څلورو اساسي توکو (تخیل، ادراک، عاطفه او احساس) پورې تړلي ده. سلیمان لایق هم خپله شاعري د دغه اړوندو توکو په وسیله رنگینه کړې ده. لایق تربل هرڅه د شعري قوت په موخه اخلاقي او وطن دوستي ته مخه کړې، شعري ځولۍ یې د اخلاقي او وطن دوستي پرمت ډکه ښکاري. په معاصره دوره کې ډیره سلنه شاعرانو اخلاقي او وطن دوستي رنگونه انتخاب کړي، بیا په ځانگړي توگه سلیمان لایق اخلاقي او وطن دوستي رنگونه په خپل گڼو شعري فورمونو کې استعمال کړي، دا ځکه چې نه یوازې خپل درد بلکې د ټولني د وگړو، خاورې او هېواد پالنې دردونه یې په اخلاقي او وطن دوستي رنگونو او ظریف سبک په خپلو شعرونو کې څرگنده کړي. نوموړي شاعر ته اخلاقي او وطن دوستي افکار ځانگړی هنداره ښکاري چې د منظوم کلام ټول اړخونه په کې ویني، د ظالم ظلم او د مظلوم عاجزي د اخلاقي درد په وسیله راسپړي. نو ویلای شو چې سلیمان لایق د معاصرې دورې په شاعرانو کې د اخلاقي او وطن دوستي رنگ د استعمال په وجه ممتاز شاعر

گڼل کېږي. په پای کې د نوموړي شاعر د اشعارو رنګارنګیو څخه مو څو بېلګې د اخلاقي او وطندوستي افکارو څخه ګرانو لوستونکو ته وړاندې کړ ترڅو د دوی د پام وړ وګرځي.

د څېړنې وړاندیزونه

د دغې مقالې دلایلي پېژندنې او بشپړ درک لپاره به ښه او په ځای وي چې لاندې وړاندیزونه په پام کې ونیول شي .

۱- د درنو او ښاغلیو څېړونکو څخه په درنښت هیله کېږي چې د معاصرې دورې شاعرانو اشعار په سمه توګه تر څېړنې لاندې ونیسي او خپل ژبه پرې لاغني کړي.

۲- د پښتو شاعرانو په خاصه توګه د سلیمان لایق اشعارو کې هر ډول مفکوري لکه: سیاسي، اجتماعي، اخلاقي، دیني، وطندوستي، فلسفي او حماسي رنګارنګی موجودې دي نو هیله کېږي چې د دوی اشعار دې تر څېړنې لاندې ونیول شي او ګټه ترې واخیستل شي.

منابع

بینوا، عبدالروف . (۱۳۸۸) . اوسنی لیکوال . کندهار: علامه رشاد خپرندویه ټولنه

جهاني، عبدالباري. (۱۳۶۱). د مشکو کاروان. کوټه: صحاف نشراتي موسسه روهي، محمدصديق. (۱۳۸۵). شعر پيژندنه. کابل: صميم ادبي ټولنه روهي، محمدصديق . (۱۳۸۴). د پښتو ادبياتو تاريخ (دويم ټوک) پېښور: دانش خپرندويه ټولنه

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). انواع ادبي. تهران: انتشارات فردوس عمید، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر لایق، سلیمان . (۱۳۵۷). یادونه درمذونه . کابل: دولتي مطبعه . لایق، سلیمان . (۱۳۶۰). کیردی (دويم چاپ) . کابل: د علومو اکاډيمي مطبعه .

لایق، سلیمان . (۱۳۶۲). شپېلۍ. کابل: د علومو اکاډيمي . لایق، سلیمان . (۱۳۹۰). سپرغکي . کوټه: پښتو ادبي غورځنگ . لایق، سلیمان . (۱۳۹۱). د اناسين سپېږې . کابل: دولتي مطبعه . لایق، سلیمان . (۱۳۹۲). چونغر. پېښور: دانش خپرندويه ټولنه . لایق، سلیمان . (۲۰۱۳م). سندرې په سويوواټونوکي . کوټه: پښتو ادبي غورځنگ

لایق، سلیمان. (۱۳۶۳). ساحل. کابل: دولتي مطبعه مشوانی، عبدالقیوم زاهد. (۱۳۸۵). پښتو پښتوسیند. پېښور: دانش خپرندویه ټولنه .



مسئولیت مسلمانان در قبال محیط

زیست

پوهندوی صنعت الله جويا

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان،

sunatullahjuya@gmail.com

0009-0001-8530

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

موضوع محیط زیست در عصر کنونی یکی از موضوعات مهم و داغ می باشد، حقیقت مسلم است که تمام موجودات حیه به شمول انسانها به محیط سالم به خاطر بقاء حیات شان نیازمند محیط سالم اند، دین مبین اسلام نیز به اهمیت موضوع اشاره نموده است، آیات متعددی قرآنی و احادیث گهربار رسول الله صلی الله علیه وسلم در قبال استفاده درست از محیط زیست تأکید نموده و هدف تحقیق، بیان مسئولیت شرعی مسلمانان در قبال محیط زیست می باشد، تا همه افراد جامعه در قبال موضوع خود را مسوول پنداشته بی تفاوت نباشند، این مقاله به شیوه تحلیلی روش استقرائی و کتابخانه‌یی بوده و از متون معتمد دینی مسائل اخذ گردیده است، یافته های تحقیق نشان میدهد که محیط پاک و سالم برای زیست امر مهم و ضروری می باشد، نتایج تحقیق میرساند که در صورت استفاده ناسالم از محیط زیست حیات موجودات حیه به چالش مواجه میگردد، تخریب و آلوده ساختن محیط زیست عوامل مختلف دارد، راه حل به خاطر حفاظت محیط زیست آگاهی دهی به افراد جامعه با بیان اضرار و عواقب وخیم آن و تطبیق قانون توسط حکومت ها مسوولیت پذیری همه افراد جامعه می باشد.

کلید واژها: اسلام، تخریب، زیست، قرآن، محیط .

Author
E-Mail
Orcid

Sunatullah Joya

Islamic Studies Department, Shariah Faculty, Badakhshan
University, Badakhshan Afghnaistan
sunatullahjuya@gmail.com
0009-0001-8530

Abstract

The environment has become one of the most pressing and critical issues of the modern era. It is an undeniable fact that all living beings, including humans, require a healthy environment for their survival. The Islamic faith also emphasizes the importance of this matter. Numerous Qur'anic verses and the noble sayings of Prophet Muhammad (peace be upon him) stress the responsible use of the environment. The aim of this research is to highlight the religious obligations of Muslims toward the environment so that all members of society view themselves as accountable and do not remain indifferent to this critical issue. This paper utilizes an analytical approach, employing inductive and library-based research methods, drawing upon authoritative religious texts. The findings reveal that maintaining a clean and healthy environment is essential for life. The results indicate that irresponsible use of the environment poses serious challenges to the survival of living beings. Environmental degradation and pollution stem from various causes, and the solution lies in raising public awareness about the harmful consequences, ensuring the enforcement of environmental laws by governments, and fostering a sense of responsibility among all individuals in society.

Keywords: Islam, degradation, environment, Qur'an, ecology

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی رسوله الامین و علی آله و أصحابه
أجمعین
اما بعد:

الله متعال انسان را منحه‌ی خلیفه خود در روی زمین خلق نموده او را مأمور به آبادی و عمران زمین نموده است، زمین زادگاه انسان و محل زیست همه موجودات حیه می باشد، الله متعال آب و هوای زمین را برای امرار معیشت انسان و تمام موجودات حیه سازگار خلق نموده است، تمام نیاز مندهای مادی از خاک زمین فراهم می‌شود، گیاهان درخت و سنگ همه آن چیزیکه در زمین قرار دارد به فایده موجودات حیه آفریده شده است. الله انسان و جن را به خاطر عبادت و پرستش خود خلق نموده و هم چنان از انسان صراحتاً در قرآن کریم خواسته شده تا زمین را اعمار نمایند.

زمین گاهواره انسان است، بشر تمام نیازهای مادی خود را از خاک زمین فراهم می‌نماید، متأسفانه به اثر استفاده نا مطلوب انسانها کره زمین تخریب گردیده است، در عصر متمدن ما شاهد آلودگی هوا و تخریب این سرمایه عظیم انسانی هستیم، علمای زمین شناسی صدای خود را بلند نموده از بروز فاجعه بزرگ خبر می‌دهند، استعمال اسلحه مخرب، ماشین آلات، ازدیاد نفوس انسانی عوامل اند که در تخریب محیط زیست نقش به سزا دارند. درین مقاله سعی شده تا ضمن بیان عوامل مخرب محیط راه حل های مناسب نیز پیشنهاد گردد، درین شکی نیست که نوشتن مقالات علمی در جهت بیداری انسانها نقش مهم ایفاء می‌نماید.

تبیین مسأله

یکی از معضلات بزرگ در جهان معاصر تخریب محیط زیست می‌باشد، با وصفیکه دین مبین اسلام به عمران زمین امر نموده از مسلمانان اکیدا می‌خواهد تا محیط زیست را تخریب و آلوده نسازند، با در نظر داشت این همه تأکیدات نصوص دینی مسلمانان در حفاظت محیط زیست نقش مهم دارند، درین شکی نیست که تخریب محیط زیست در دراز مدت باعث بروز آفات و امراض مهلک گردیده حیات موجودات حیه را به مشکل مواجه می‌سازد، ما مسلمانان مسوولیت داریم تا در زمینه اقدام نموده حتی المقدور به خاطر حفاظت محیط زیست عمل نمایم، جامعه را از طریق میدیا، منابر، مساجد، نوشتن مقالات و کانفرانس ها آگاهی داده مسوولیت خود را ایفاء نمایم.

پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی:

س: محیط زیست چی را می‌گویند کدام عوامل باعث تخریب آن می‌گردد؟

سوالهای فرعی:

س 1: محیط زیست چیست؟

س 2: قرآن کریم راجع به محیط زیست چی رهنمایی دارد؟

س 3: با کدام راه کارها جلو تخریب محیط زیست گرفته خواهد شد؟

س 4: مسوولیت ما در قبال محیط زیست چی می‌باشد؟

اهداف تحقیق

مقاله حاضر می‌خواهد به اهداف ذیل نایل گردد:

1. شناخت اضرار تخریب محیط زیست؛
2. شناخت اسباب آلودگی محیط زیست؛
3. راه‌های جلوگیری از تخریب محیط زیست؛
4. راهنمای‌های دین در پیرامون موضوع؛
5. مسوولیت ما در قبال محیط زیست.

پیشینه‌ی تحقیق

پیرامون موضوع محیط زیست مقالات زیادی تحریر شده است، منجمله مقاله ای (ارزیابی عوامل موثر بر تخریب محیط زیست با استفاده از شاخص‌های آلودگی آب: مطالعه موردی ایران) <https://aes.basu.ac.ir> این مقاله در پیرامون عوامل موثر بر تخریب محیط زیست در کشور ایران نوشته شده است، درین شکی نیست که بسا عوامل در تمام دنیا اثرات ناگوار بر محیط زیست می‌گذارد، افغانستان نیز از آن مصئون نمانده است.

مقاله دیگری تحت عنوان (بررسی عوامل موثر در تخریب محیط زیست) civlica.com. این مقاله توسط دانشجویان پوهنتون گیلان در دوره‌ای ماستری به رشته تحریر در آورده شده است، درین مقاله در قسمت آلودگی‌های (آب، خاک، هوا و صوت) بحث همه‌جانبه صورت گرفته است.

مقاله دیگری تحت عنوان (انسان؛ مهم ترین عامل تخریب محیط زیست) به تاریخ 18 حمل 1401 توسط دانشمند ایرانی imna.ir/news/580602/ نوشته شده است. درین مقاله وضعیت محیط زیست نگران کننده خوانده شده است، هم چنان درین مقاله پیشنهاد شده است، تا راه حل برای بیرون رفت از این معضل جستجو گردد. یافته های تمام پژوهش نشان میدهد که محیط زیست در حال تخریب بوده عدم توجه به این موضوع باعث بحران بشری گردیده حیات تمام موجودات حیه را به خطر مواجه می‌سازد.

ویژگی مقاله بنده نسبت به مقاله های که در فوق تذکر یافته درین است که درین مقاله سعی شده تا واژه ها درست تعریف شود، موضوع با استدلال از آیه های قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ بیان شود، اضرار تخریب محیط در روشنی اقوال علماء خیلی برجسته بیان و توضیح داده شده است، راه حل ها برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و هم چنان مسوولیت مسلمانان در پر تو نصوص دینی در قبال محیط زیست توضیح گردیده است.

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده است روش استقرائی و کتابخانه‌یی بوده که با استفاده از منابع مکتوب با رعایت مراحل پژوهش علمی صورت گرفته است. در این پژوهش از مقالات، کتاب ها و رساله ها برای غنای موضوع استفاده شده است.

اهمیت تحقیق

محیط زیست از موضوعات مهم و درخور توجه بوده به همین خاطر علمای جهان معاصر به آن توجه مبذول داشته در قسمت محیط زیست مقالات و تحقیقات زیادی نموده اند، متون دینی نیز به اهمیت موضوع اشاره نموده طوریکه الله متعال در آیه قرآنی میفرماید: هُوَ

أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (سوره هود آیه 61)

الله ذاتی است که شما را از زمین آفرید و آبادانی زمین را به شما واگذار نموده است.

زحیلی در تفسیر آیه مبارکه می‌نویسد:

«وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا أَي جَعَلَكُمْ عِمَارًا تَعْمُرُونَهَا وَتَسْتَغْلُونَهَا بِالزَّرْعَةِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْبِنَاءِ . فِكُون

الأرض قابلة للعمارة النافعة للإنسان» (زحیلی، 1418 هـ: ج 12 ص 99)

شما را برای عمارت زمین گمارید تا آن را با پیشه زراعت و صنعت و اعمار ساختمانها آباد سازید، از سوی دیگر الله متعال زمین را صالح و سازگار برای عمارت خلق نموده است، تمام اشیاء که به سود و نفع انسان است در زمین موجود می‌باشد. در فرهنگ دهخدا معنای استعمار چنین بیان شده است: «استعمره المكان» باشنده‌ای آن جای گردانید او را، استعمار به معنای مطالبه آبادانی از کسی. (دهخدا)

واژه استعمار و اعمار در اصل به معنای تفویض آبادی زمین به کسی می‌باشد، لازمه کلمه استعمار این است که وسائل لازم را در اختیار شخصی قرار دهد، الله متعال وسائل عمران و ظرفیت و استعداد آباد سازی و عمران زمین را به انسانها اعطاء نموده است.

نتایج و یافته‌ها

مفهوم شناسی محیط زیست

محیط زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، کیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، نباتات و غیره، که پیرامون انسان هستند، خلاصه کرد محیط زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، کیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. (مهدی، 1392: 122)

تعریف محیط زیست: محیط که ما در آن زیست داریم، به عبارت دیگر تمام چیزهایی که در کره زمین خلق شده اند، اعم از کوهها، اشجار، نباتات، آب، هوا، معادن همه محیط زیست محسوب می‌گردند.

جایگاه محیط زیست در قرآن کریم

قرآن کریم مسلمانان را به اعمار زمین امر نموده است، مسوولیت انسانها ساکن در زمین است تا این کره خاکی را آباد سازند، طوریکه الله متعال می‌فرماید:

هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (سوره هود آیه 61)

الله ذاتی است که شما را از زمین آفرید و آبادانی زمین را به شما واگذار نمود. ابن عباس در قسمت تفسیر آیه مبارکه می‌گوید:

الله متعال شما را به اعمار و بازسازی زمین توانایی و قدرت بخشیده است، تا با استفاده ازین نعمت موهوبه الهی زمین را اعمار و شگوفا سازید (ابن عباس، ب ت: 1/123)

درین شکی نیست که تخریب ضد اعمار می‌باشد، هر انسان در قسمت اعمار زمین سعی و تلاش نکرد بی تفاوتی را اختیار نمود، یا اینکه دست به تخریب محیط زیست زد و زمین را تخریب نمود، در حقیقت به این اشارده الهی توجه نه نموده و بر خلاف آموزه قرآنی عمل نموده است.

درخت از نعمت های جلیل الهی بوده که باعث شادابی و طراوت زمین می‌شود، درخت در حیات موجودات حیه نقش مهم دارد، کلمه (شجر) در قرآن کریم هفت مرتبه تکرار شده است، و ماده (الحرث) کشت و زراعت که نشانه آبادی زمین و طراوت آن می‌باشد (5) مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده است، آب مایه حیات بدون آب زندگی ممکن نیست، در قرآن کریم (17) مرتبه از آب یاد شده است.

جایگاه محیط زیست در حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم

به اهمیت موضوع در احادیث زیادی اشاره شده، رسول الله صلی الله علیه وسلم کسانی را که محیط را آلوده می‌سازند، و باعث تخریب محیط زیست می‌شوند نفرین نموده است.

عن أبي هريرة، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «اتقوا اللعائين» قالوا: وما اللعائان يا رسول الله؟ قال: «الذي يتخلى في طريق الناس، أو في ظلهم»

از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بر حذر باشید تا در زمره دو گروهی که مورد لعنت قرار دارند محسوب نشوید» صحابه پرسیدند ای رسول خدا! این دو گروه کی‌ها هستند ایشان فرمودند: «کسانی که در راه عامه و سایه های مردم می‌نشینند قضای حاجت نموده محیط را آلوده می‌سازند» (مسلم، ب ت: 1/226).

در حدیث دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم پیرامون محیط زیست تاکید نموده سه گروهی را که باعث تخریب محیط زیست می‌شوند نفرین نموده است. عن معاذ بن

جبل، قال: قال رسولُ الله - صلى الله عليه وسلم -: «اتَّقُوا الْمَلَاعِنَ الثَّلَاثَةَ: الْبِرَّازَ فِي الْمَوَارِدِ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ، وَالظَّلَّ» (ابوداود، 2009 م: 1 / 21) .

از معاذ بن جبل روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برحذر باشید تا در زمره سه گروهی که مورد لعنت قرار دارند محسوب نشوید، کسانیکه کنار جوی و آبگیره مردم را کثیف میکنند، کسانیکه در راه عامه قضای حاجت می کنند، کسانیکه سایه های مردم را آلوده می سازند.

درین دو حدیث به اهمیت موضوع محیط زیست پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره نمودند، و افرادی را که محیط زیست را تخریب میکنند ملعون خوانده است.

جوی ها و دریا ها که از نعمت های پر ارزش الهی اهمیت بسزایی در حیات موجودات حیه دارند، این نعمت های پر ارزش الهی در حال تخریب قرار دارند، تمام کثافات به طور بی رحمانه به دریا ها و کنار دریا های ریخته می شود، آب که مایه حیات انسان و تمام موجودات حیه می باشد کثیف و آلوده شده است. آلودگی آب از یک سو محیط زیست را تخریب و از سوی دیگر باعث انقراض ماهی ها که از منابع خوب غذایی محسوب می شوند گردیده است.

ریختن کثافات در راه ها و پارک های عامه نیز یک فرهنگ مبتذل و مروج در کشور ما افغانستان بوده باشند گان دهات و شهرها به این عمل دست می زنند، در حالیکه آموزهای دینی این امر را نکوهش نموده افرادی را که باعث تخریب و آلودگی محیط می-گردند ملعون خوانده است.

ایمان تنها باور نبوده بلکه از انسان مسلمان میخواهد تا طبق مقتضای آن عمل نماید، رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسِتُّونَ أَوْ سَبْعُونَ بَابًا، أَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَأَزْفَعُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن ماجه، 2009 م: 1 / 22)

از ابو هریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ایمان شصت و چند یا هفتاد چند شاخه دارد، پائین ترین آن دور کردن چیزهایی که مورد اذیت انسانها می شود از سر راه بوده، و بلندترین شاخه ایمان گفتن لا اله الا الله است، حیاء نیز یک بخش از ایمان می باشد.

درین حدیث مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم پاک نگهداری راه های عامه و دور کردن چیزهای که باعث اذیت عابرین می گردد یکی از بخش های ایمان معرفی نمودند، بر عکس کسانیکه محیط را آلوده و راه ها عامه را تخریب می کنند، عمل شان باعث اذیت عابرین میگردد، در حقیقت به مقتضای ایمان شان عمل نکرده اند، ایمان شان ناقص می باشد.

در جای دیگر چنین فرمودند:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ» (بخاری، 1422 هـ ق: 3 ص 133).

از ابو هریره رواست استکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: دور کردن اشیای که باعث اذیت عابرین می شود از سر راه در ذات خود صدقه است.

مسئولیت مسلمانان در قبال محیط زیست

اعمار زمین و شاداب و سرسبز ساختن آن مسئولیت دینی و شرعی همه انسانهای ساکن درین کره خاکی بوده هر گونه غفلت و اهمال در زمینه عواقب خطیر و ناگوار را در قبال خواهد داشت، در جوامع بشری انسانها متفاوت بوده همه به یک طرز دید نمی باشند، تعداد کثیری از انسانها به خاطر منافع شخصی شان حیات افراد جامعه را به خطر مواجه می سازند، تخریب محیط زیست امروزه به یک فرهنگ مبدل شده است، هیچ کس خود را در زمینه مسوول نمی پندارند، در حالیکه این عمل در شریعت اسلامی زشت و گناه خوانده شده است، دین مبین اسلام به مسلمانان دستور می دهد تا مسوولیت امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، ترک این عمل در همه ابعاد زندگی باعث تباهی انسانها می شود.

الله متعال می فرماید:

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...
سوره آل عمران آیه 110.

شما بهترین امت هستید که برای مردم پدید آورده شده است، به کار شایسته امر میکنید و از کار ناشایسته باز میدارید.

ابن کثیر می گوید:

وجه بهتری امت درین است که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند. (ابن کثیر، 1430 هـ.ق: 3 / 334).

درین شکی نیست تخریب زمین که خانه و محیط زیست انسانها و موجودات حیه می باشد. یک عمل زشت و شنیع بوده عواقب و پیامدهای ناگوار را در قبال دارد، مسوولیت همه مسلمانان است تا حتی المقدور جلو کسانی را که محیط را آلوده می سازند و تخریب میکنند بگیرند، از طریق میدیا و منابر به مردم آگاهی داده شود، تا درین مورد توجه نمایند.

امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی های این امت خوانده شده است، درین شکی نیست که اعمار زمین کار معروف و تخریب آن منکر و گناه است، باید مسوولانه در زمینه عمل نمود. طبق این ارشاد الهی ما در قبال محیط زیست مسوولیت داریم تا جلو کسانی را که محیط را تخریب میکنند گرفته شود، در غیر آن کره زمین به مخروبه مبدل گردیده حیات موجودات حیه به انواع از چالش ها مواجه می شود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در پیرمون امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَاسْتَطَاعَ أَنْ يُعَيِّرَهُ بِيَدِهِ فَلْيُعَيِّرْهُ بِيَدِهِ وَقَطَعَ هُنَاذُ بَقِيَّةَ الْحَدِيثِ وَفَاءُ ابْنُ الْعَلَاءِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ بِلِسَانِهِ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» (ابی داود، ب ت، 11 / 415)

از ابوسعید خدری روایت است که گفت: شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم که میفرمودند: کسی که منکر (عمل زشت) مشاهده نمود اگر توان منع کردن را داشت با دست خود منع کند، اگر توان آن را نداشت به زبان خود منع کند، اگر توان آن را نداشت به دل خود آن را زشت و کریمه بیندارد، این ضعیف ترین مرحله ایمان است.

مسوولیت هر فرد جامعه است که با منکرات ستیز و مبارزه نماید، در صورت توان با دست خود جلو افرادی را که عمل زشت را مرتکب می شوند بگیرد، به همین منوال به زبان و قلب خود در مقابل منکر مبارزه کند.

در قسمت حفاظت از محیط زیست باید همه مسوولانه سعی نمایند، تا جلو تخریب محیط زیست گرفته شود، در غیر آن همه گناهکار می شوند و محیط تخریب و از استفاده بیرون شده انواع از امراض و بدبختی دامن گیر بشر می گردد.

راه های مبارزه با تخریب محیط زیست

1. آگاهی دهی برای مردم از طریق منابر و میدیا، درین شکی نیست که مسجد و ممبر در جوامع مذهبی نقش بسیار مهم در تغییر ذهنیت افراد دارد، دروس مساجد خطبه های جمعه فرصت خوبی برای بیان حقایق و روشن گری در جامعه می باشد، با استفاده ازین فرصت باید به اهمیت محیط زیست مردم را آگاه نمود، در روشنی آیات قرآنی و احادیث گهر بار رسول الله صلی الله علیه وسلم موضوع را توضیح داد.
2. استفاده دوباره از مواد به جای دور ریختن آن، در صورت امکان باید مواد استفاده شده به صورت های شرعی و صحی آن مورد استفاده قرار گیرد.
3. مصرف کمتر چیزهایی که باعث تخریب محیط می شود مانند کیسه پلاستیکی.
4. غرس و نگهداری از درختان، بازیابی مواد و مصرف کمتر انرژی می تواند به کاهش اثر گلخانه ای و گرم نشدن زمین کمک کند.
5. استفاده محدودتر از عراده جات مصرف سوخت پاک در کارخانه ها.
6. دفن نمودن کثافات و اشیاء استفاده شده در زمین.
7. تدوین قانون حفاظت از محیط زیست و تطبیق آن در جامعه، مجازات کسانی که مکررا در تخریب محیط زیست نقش دارند.

اضرار تخریب محیط زیست

1. تخریب محیط زیست باعث شیوع امراض می گردد
2. حیات موجودات حیه را به خطر مواجه می سازد.
3. هزینه مصارف زندگی را بالا می برد، بیشتر انسانها به خاطر تداوی امراضی که ناشی از تخریب محیط زیست است پول های هنگفتی به مصرف می رسانند.

4. زیبای‌های طبیعت را از بین می‌برد. برای مبارزه با تخریب محیط زیست همه باید دست به هم دهند.

نتیجه‌گیری

محیط زیست عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که پیرامون انسان هستند. انسانها و تمام موجودات حیه در زندگی یومیه خود از آنها استفاده می‌کنند. قرآن کریم راجع به محیط زیست تاکید ویژه‌ای دارد از انسانها می‌خواهد که زمین را اعمار و آباد کنند، تخریب محیط عمل زشت و خلاف آموزهای اسلامی می‌باشد، در احادیث زیادی راجع به محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی تاکیدات صورت گرفته است. راهای جلوگیری تخریب محیط زیست: از طریق آگاهی دهی برای افراد جامعه غرس اشجار مثمر و غیر مثمر، تقلیل استفاده از وسائلی که باعث تخریب محیط زیست می‌شوند جلوگیری تخریب محیط گرفته خواهد شد. تمام مردم بالاخص قشر تحصیل کرده در قبال محیط زیست مسوولیت دارند تا حتی المقدور به خاطر جلوگیری از تخریب محیط زیست مبارزه و عمل نمایند، با نوشتن مقالات و کانفرانس‌ها پیرامون موضوع به مردم آگاهی دهند. دولت اسلامی مسوولیت دارد تا از طریق تطبیق قانون محیط زیست جلو تخریب محیط را بگیرد.

منابع

القرآن الکریم

ابن عباس، عبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - (ب ت) تنوير المقباس من تفسير ابن عباس، جمع و ترتيب: مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي، لبنان: دار الكتب العلمية .

ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (ب ت) تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي بيروت: دار إحياء الكتب العربية.

ابوالفداء، إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوتي، المولى أبو الفداء (ب ت) روح البيان، بيروت: دار الفكر

ابي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السَّجِسْتَانِي (ب ت) بيروت: المكتبة العصرية، صيدا .

بخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي (1422 هـ) چاپ اول، بيروت: دار طوق النجاة .

خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشیحي أبو الحسن، المعروف بالخازن (1415 هـ) لباب التأويل في معاني التنزيل، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية .

دهخدا، ص ۲۱۲۳۷ علی اکبر، (۱۳۷۷ هـ ش)، لغت نامه دهخدا، ایران: چاپ دانشگاه تهران.

زحیلی، وهبة بن مصطفى الزحيلي (1418 هـ ق) التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، بيروت: دار الفكر.

گروه از دانشمندان ایرانی (1401) <https://aes.basu.ac.ir>

مهدی، روانشاد نیا مهدی (1393 هـ ش) کتاب مدیریت ایمنی، ایران: دانشگاه تهران.
نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (ب ت) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي .



مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان

پوهنیار عبدالحمود موسایی

دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون بدخشان

افغانستان

abmahmoodm@gmail.com

5410-6873-0009-0009

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

مسئولیت مدنی ناشی از تولید محصولات مواد خوراکی معیوب مسئولیتی است که در نتیجه استفاده از محصولات خوراکی معیوب رخ می‌دهد و به مصرف‌کنندگان ضرر وارد می‌کند و به همین لحاظ محصولات مذکور را محصولات غیر ایمن می‌نامند؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد غذایی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان چگونه است؟ این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به پیدا کردن جواب سؤال مزبور پرداخته است و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در نظام حقوقی افغانستان برای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان قانون مدنی در ماده ۷۷۷ و ماده ۱۹ قانون حمایت از مستهلک اگر چه به صورت صریح بیان نشده اما از آن استنباط می‌شود که مسئولیت براساس نظریه تقصیر است و همچنان برای تحقق مسئولیت باید یک سلسله ارکان وجود داشته باشد که در نظام حقوقی افغانستان همان ورود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت می‌باشد و در مورد آثار آن نیز باید بیان داشت که افرادی که از مواد خوراکی معیوب آنها ضرری به مصرف‌کنندگان می‌سد دارای مسئولیت حقوقی (جبران خسارت مادی و معنوی) هستند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، تولیدکننده، مصرف‌کننده، عرضه‌کننده، مواد خوراکی و حقوق

افغانستان

The Civil Liability of Food Producers Towards Non-Contractual Consumers in The Legal System Of Afghanistan

Author
Email
Orcid

Abdulmahmood:Musai
Lecturer at the Law Faculty of Badakshan
University
abmahmoodm@gmail.com
0009-0009-6873-5410

Abstract

The civil liability arising from the production of defective food products is a responsibility resulting from the use of such defective food products, causing harm to consumers and thus labeling these products as unsafe. Therefore, the question arises as to what extent the civil liability of food producers towards non-contractual consumers is in the legal system of Afghanistan. This study addresses this question through a descriptive-analytical method and finds that in the legal system of Afghanistan, civil liability for producers is established in the Civil Code under Article 777 and Article 19 of the Consumer Protection Law. Although not explicitly stated, it can be inferred that liability is based on the theory of fault, and still, a series of elements must be present for liability to be established, namely the occurrence of harm, the wrongful act, and causation, which are also applicable in Afghanistan's legal system. Regarding its consequences, it should be noted that individuals who cause harm to consumers by supplying defective food products bear legal liability (compensation for both material and moral damages).

Keywords: Civil Liability, Producer, Consumer, Supplier, Food Products, Afghan Law

مقدمه

انسان یک موجودی است که مانند دیگر موجودات برای ادامه حیات نیاز به تغذیه سالم دارد و به‌تنهایی نمی‌تواند تمام مواد خوراکی خویش را تولید و یا زرع نماید؛ بنابراین هرکس آنچه را که توان دارد تولید می‌کند و سایر نیازمندی‌های خود را از هم نوع خود خریداری می‌نماید. برای دولت‌ها تأمین امنیت تولید مواد خوراکی سالم یک ضرورت اساسی محسوب می‌شود حتی در کشورهای که تابع بازار آزاد هستند نظارت و کنترل لازم بر مواد خوراکی صورت می‌گیرد کشورها با وجود اینکه تفاوت‌ها در ساختار نظام حقوقی خود دارند بازهم بر محصولات غذایی (اعم از مواد اولیه و فرآورده شده) نظارت و کنترل دارند و مقرراتی در این خصوص وضع نموده‌اند تولیدکنندگان شرکت‌های بزرگ تولیدی مواد خوراکی را تأسیس از دانش و مهارت‌های خاص جهت کسب درآمد بیشتر استفاده می‌کنند و عرضه‌کنندگان آن مواد خوراکی را توزیع می‌نمایند و اینکه خود شرکت‌ها مستقیماً توزیع می‌کنند و گاهی دیده می‌شود که محصولات خوراکی کم‌کیفیت‌راهی بازار می‌شود که در نتیجه مفهومی به نام تأمین امنیت غذایی پدیدآمده است که نه تنها از سوی فعالان صنعت مواد غذایی، بلکه توسط نظریه‌پردازان حقوق و امنیت ملی کشورها بکاربرده می‌شود.

تبیین مسأله

مسئولیت مدنی ناشی از تولید محصولات مواد خوراکی معیوب مسئولیت است که در نتیجه استفاده از محصولات خوراکی معیوب رخ می‌دهد و به مصرف‌کنندگان غیر قراردادی ضرر وارد می‌کند و به همین لحاظ محصولات مذکور را محصولات غیر ایمن می‌نامند. فکر و اندیش‌ای حمایت از مستهلک محصولات خوراکی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف شکل گرفت. در افغانستان مخصوصاً بعد از ورود آمریکا به افغانستان پدیده طلبان و معماران خواستند رونق بازار را تضعیف نمایند براین اساس سرمایه‌گذاران واردات خود را به کشور افزایش دادند و یا اینکه مواد اولیه را از کشورهای گوناگون از جمله پاکستان، ازبکستان، ایران و ترکیه وارد ساخته‌اند و شرکت‌های بزرگ تولیدی مواد خوراکی را تهیه نموده‌اند و

محصولات بدون کیفیت را وارد کرده و تولیدات غیراستندارد را تولید می‌کنند و توزیع کنندگان آن را راهی بازار می‌سازند از این جهت به مصرف‌کنندگان ضررهای جسمی و مالی وارد شد. بدون شک یکی از اسباب دستیابی به امنیت مواد خوراکی اصلاح قوانین و مقررات حاکم بر تولید و عرضه مواد خوراکی است، اگر مقررات در این زمینه جامع نباشد به‌خصوص در حوزه مجازات اعم از مجازات جزایی و مدنی تحقق مؤلفه «سلامت موادغذایی» به‌دشواری امکان پذیراست، زیرا نقص مقررات تأمین غذایی کار را مشکل می‌سازد یا سلامت موادخوراکی را تهدید می‌کنند. باوجود قانون عام در افغانستان مانند (قانون مدنی که در ماده ۷۷۶-۷۷۷ و ۱۰۹۷ خود به این موضوع اشاره دارد) که می‌توان قوانین مذکور در زمینه مسئولیت حقوقی مانند: «مبانی، شیوه جبران خسارت و زیان‌های ناشی از عیب مبیع» کمک کند. قانون‌گذار افغانستان ناگزیر شد تا قانون خاصی را تحت عنوان (قانون حمایت از مستهلک وضع نماید. گذر زمان و تولید گسترده انواع مواد خوراکی از جمله مواد غذایی، دارو، تسهیل حمل‌ونقل کالا، سرعت مبادلات مواد خوراکی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و به طور متقابل افزایش مصرف نیاز مردم جامعه به انواع محصولات خوراکی و وجود واسطه‌های گوناگون در تولید و توزیع این محصولات ایجاب می‌کند نظام حقوقی شایسته‌ی برای حمایت از جبران خسارت ناشی از مواد خوراکی آلوده ایجاد شود، که متأسفانه قانون‌گذار افغانستان این موضوع را جدی نگرفته است. با توجه به اینکه هیچ ضرری در جامعه نباید بدون جبران باقی بماند و هر کسی سودی به دست آورد باید پاسخگوی ضرر ناشی از آن باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که برای مسئول دانستن تولیدکنندگان مواد خوراکی معیوب چه شرایط، مبانی و آثار در نظام حقوقی افغانستان پیش‌بینی شده است؟ این مسأله در علوم مختلف از جمله فقه اسلامی، اقتصاد و اخلاق ریشه دارد. و ما از منظر حقوق مخصوصاً حیطه‌ی مسئولین مدنی تولیدکنندگان بعد از ورود آمریکار به افغانستان آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد روشی که در این مقاله بکار گرفته شده است روش تحلیلی _ توصیفی است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان

غیرقراردادی در نظام حقوقی افغانستان چیست؟

سوالات فرعی:

1. مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان چیست؟
2. ارکان مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان چیست؟
3. آثار مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان چیست؟

اهداف تحقیق

بدون شک هر تحقیقی دارای اهداف است، که محقق را وادار می‌سازد بر تحقیق، تحقیق حاضر دارای اهداف کلی و جزئی است.

هدف کلی

تبیین مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان؛

اهداف جزئی

بررسی مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان؛

بررسی ارکان مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان؛

بررسی آثار مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان؛

پیشینه‌ی تحقیق: در خصوص موضوع حاضر در نظام حقوقی افغانستان کتاب، پایان‌نامه و مقالات جامع که حق موضوع را کامل ادا کرده باشد نوشته نشده است و تنها یک قانون که در افغانستان به اسم قانون حمایت از مستهلک یاد می‌شود از طرف قانون‌گذار افغانستان وضع شده است، اما برخی آثار نوشته شده و مرتبط با موضوع قرارذیل است.

1- مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) دکتر سید حسین صفایی، ارتباط اثر با موضوع پیشنهادی این است که مبانی مسئولیت مدنی و مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا و خدمات بیان نموده است که با بخش از موضوع پیشنهادشده ارتباط دارد اما در مورد

مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی سخنی را بیان نکرده است که تحقیق حاضر به بررسی آن می‌پردازد.

2- مسئولیت مدنی الزام‌های خارج از قرارداد محمد اسحاق رحیمی، ارتباط اثر با موضوع پیشنهادی این است که اثر مذکور مسئولیت مدنی را تعریف و انواع آن را بیان کرده است اما به بررسی مسئولیت مدنی مواد خوراکی معیوب نپرداخته است.

3- مسئولیت مدنی مسئولیت‌های خاص و مختلف دکتر ناصر کاتوزیان، ارتباط اثر با موضوع پیشنهادی این است، که در این کتاب از مسئولیت مالکیت و حفاظت اموال بحث شده است که یک بخش مهم آن مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا است، که با موضوع پیشنهادی مرتبط است.

4- الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد دکتر سید مرتضی قاسم‌زاده، ارتباط اثر با موضوع پیشنهادی این است که کتاب مذکور آثار مسئولیت مدنی را بیان داشته و این موضوع جزء موضوعات پیشنهادی به حساب می‌آید.

5- مسئولیت مدنی غیر قراردادی در حقوق افغانستان دکتر عبدالحسین رسولی، ارتباط اثر یاد شده با موضوع پیشنهادی عبارت است از: در مسئولیت‌های ویژه این کتاب که یک بخش عمده مبحث این کتاب شامل موضوع پیشنهادی می‌شود اما در این کتاب به صورت مشخص به بحث مسئولیت مدنی مواد خوراکی معیوب اشارن نشده است.

روش تحقیق: محتوای این تحقیق حاضر از منابع مکتوب با استفاده از شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده است، بنابراین منابع تحقیق فعلی با مراجعه به کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات نگاشته شده و سایت‌های انترنتی که در این مورد موجود بوده جمع‌آوری شده است، سپس با روش تحلیلی _ توصیفی پردازش داده‌ها اقدام صورت گرفته است.

اهمیت تحقیق

این تحقیق در زمینه‌ی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی معیوب جزء محدود آثار است، که نگاشته شده به ویژه در نظام حقوقی افغانستان است، که می‌توان در امر گسترش جلوگیری عدم استفاده مواد خوراکی معیوب مفید واقع شود و زمینه ساز برای تحقیق‌های دیگری در این بخش باشد.

نتایج یافته‌ها

مفهوم مسئولیت مدنی: مسئولیت مدنی (ضمان قهری) (ساکت، 1387: 107) مسئولیت است که در مقام خسارتی که فرد و افراد تحت مراقبت و اداره او و یا اشیاء تحت حفاظت وی به دیگر وارد می‌کنند و همچنین مسئولیت فرد بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد را می‌گویند. (لنگرودی، 1399: 675) به عبارت دیگر «در هر موردی که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند که وی در برابر شخص جبران خسارت شونده دارای مسئولیت مدنی است و بر مبنای این شخص زیان رساننده ملزم به جبران زیان وارده به متضرر می‌شود. این نوع مسئولیت بر اساس یک رابط دینی بین زیان زننده ایجاد می‌شود و اصطلاحات نظیر قرض‌گیرند، قرض‌دهند، پرداخت دین و قرض، در این نوع مسئولیت استعمال می‌گردد». (کاتوزیان، 1386: 46) در این تعریف مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت جزایی قرار خواهد گرفت.

انواع مسئولیت مدنی

الف. مسئولیت قراردادی: مسئولیت قراردادی مسئولیت است که شخصی در عقود (اعم از عقود معین و غیر معین) تعهدی را پذیرفته باشد و به علت عدم انجام آن، تأخیر در انجام آن تعهد یا در حین انجام و یا به سبب انجام آن تعهد به متعهدله ضرری وارد نمایند. به عبارت دیگر آن مسئولیت ناشی از قرارداد نامیده می‌شود.

ب. مسئولیت غیر قراردادی: منظور از مسئولیت غیر قراردادی آن است، مؤلفه‌های مسئولیت قراردادی در آن وجود نداشته باشد و همچنین مسئولیت خارج از قرارداد نیز نامیده می‌شود.

مفهوم تولیدکننده و مصرف کننده

الف. مفهوم تولیدکننده: برای اینکه مفهوم روشنی از تولیدکننده به دست بیاوریم ضروری است تا تعریف از تولید داشته باشیم. تولید در لغت به معنی چیزی را از چیز دیگری ساختن و به وجود آوردن، حاصل کردن اگرچه از طریق زراعت و صناعت آمده است. (عمید، 1387: ذیل واژه ت) در اصطلاح تولید را می‌توان از دو نظر تعریف کرد.

1- از نظر اقتصادی: از نظر اقتصاد تولید عبارت است از «ایجاد فایده و مطلوبیت برای ارضای خواسته‌های و نیازهای بشر» (توانای فرد، 1385: 817) بنابراین هر فردی که ایجاد فایده می‌کند اقدام به تولید نموده است.

2- از نظر حقوقی: از نظر حقوقی اصطلاح تولید نسبت به آنچه در اقتصاد بیان شد محدودتر است. قانون‌گذار افغانستان تولید را چنین تعریف کرده است، تولید عبارت است از «ایجاد، استخراج، استحصال، پرورس، یا بسته‌بندی جنس می‌باشد». (قانون حمایت از مستهلک، 1395: ماده 3) و همچنین تولیدکننده را نیز قانون‌گذار افغانستان تعریف نموده است: «تولیدکننده شخص حقیقی و یا حکمی است که جنس را ایجاد، استخراج، استحصال، پرورس، یا بسته‌بندی نموده باشد». (قانون حمایت از مستهلک، 1395: ماده 3)

ب. مفهوم مصرف‌کننده: برای اینکه مفهوم روشنی از مصرف‌کننده به دست بیاوریم ضروری است تا تعریف از مصرف‌کننده باشیم. مصرف: در لغت از واژه (صرف) گرفته شده است به معنی بکار بردن و خرج کردن است. (دهخدا، ذیل واژه ص) علم اقتصاد مصرف را چنین تعریف نموده است: «بکاربردن کالا و خدمات برای اجابت خواسته‌های انسانی یا به عبارت دیگر مصرف؛ همان از بین بردن مطلوبیت است». (منوچهر، 1372: 925) در کشورهای که وضعیت کار و تولید عادی است، مصرف‌دار اهمیت ویژه‌ی است زیرا که از یک طرف هدف اقتصادی توزیع و تولید است و از طرف دیگر به چگونگی سرمایه‌گذاری، تولید و تخصیص منابع جهت داده می‌شود. از نظر اقتصادی مصرف آخرین مرحله فرایند اقتصادی و متفاوت از مرحله‌های توزیع و تولید است که تقسیم ثروت، جمع‌آوری و تبدیل آن را صورت می‌دهد. از این جهت مصرف نه تنها منفی نبوده بلکه بر خلاف برداشت عمومی لازمه چرخش اقتصاد پویا و سالم است. کالای سرمایه‌ی در مقابل کالای مصرفی بکار می‌رود و کالای سرمایه‌ی برخلاف کالای استهلاکی و مصرف از دوام، ثبات و ارزش بیشتر برخوردار است. پس کالای استهلاکی محصولی است، که برای برآوردن نیاز شخصی استفاده می‌شود و عموماً در برابر تولید بکار می‌رود. مصرف‌کننده (مستهلک) عبارت از شخصی است که چیزی و یا کالایی را مورد استعمال و استفاده قرار می‌دهد. قانون حمایت از مستهلک افغانستان مصرف‌کننده را چنین تعریف نموده است: «مستهلک شخصی است که جنس یا خدمت را جهت مصرف شخصی یا خدمات عامه در بدل قیمت، خریداری نموده باشد». (قانون حمایت از مستهلک، 1395: ماده 3) از تعریف قانونگذار چنین نتیجه می‌گیریم که مصرف‌کننده دو نوع است:

1- مصرف کننده عام: عبارت است از هر فردی که کالای سرمایه‌ی، واسطه‌ی و نهایی را مورد استفاده قرار می‌دهد. این تعریف در برگیرنده تمام شهروندان است؛ زیرا که در این مفهوم تولیدکننده که مواد خام را خریدای می‌کنند نیز مصرف کننده است.

2- مصرف کننده خاص: عبارت است از هر فردی که کالای نهایی را در جهت رفع حوایج زندگی خود مورد استعمال قرار می‌دهد. در نظام‌های حقوقی که از مصرف کننده حمایت می‌کنند تنها مصرف کنندگانی را مورد حمایت قانونی خود قرار می‌دهند که مصرف کنندگان بر معنی خاص باشد. برخی از نویسندگان نیز گفته‌اند: مصرف کننده، افراد حقیقی یا حکمی هستند که برای رفع ضرورت‌های خود بدون در نظر داشت سود تجارتي، عوضی را در بدل مقداری از کالا و خدمات جزئی که رافع آن نیازمندی باشد می‌پردازند. (اکبری، 1391: 3)

مفهوم عرضه کننده و مواد خوراکی

الف. مفهوم عرضه کننده: اگرچه تعریف عرضه کننده محصولات تا حدودی واضح است، با این حال باید اظهار داشت که شناخت دقیق و تشخیص دایره شمول این مفهوم نیز از دیگر سختی‌های فراروی اجرای قواعد حمایت از مصرف کنندگان است. بر این اساس اینکه مفهوم عرضه کننده هم در شناسایی قلمرو قوانین مورد بحث، عاملی تشخیص کننده است. از این جهت لازم است تا تعریف مشخصی از عرضه کننده داشته باشیم تا اینکه زورمندان و تقلب کاران از حمایتی که قانون برای زیردستان مدنظر گرفته فرار نکنند و فلسفه وجود قانون حمایت از مصرف کننده از بین نرود. بر همین اساس بسیاری از قوانین اعم از (داخلی و بین المللی) عرضه کننده را تعریف و ویژگی‌های لازم وی را بیان کرده‌اند. در علم اقتصاد عرضه کننده، این گونه تعریف شده است: «عرضه مقادیر کالا است که فروشندگان کالا حاضر و قادرند در قیمت‌های مختلف و در واحد زمان برای فروش به بازار ارائه کنند». (نوفستی، 1390: 104) عرضه در مقابل تقاضا به کار می‌رود و خاص تر از توزیع است. حقوق دانان نیز عرضه را مشابه به معنایی که در علم اقتصاد بیان شد استعمال کردند. قانون گذار افغانستان در قانون حمایت از مستهلک در فقره 8 و 9 ماده 3 خود به تعریف عرضه و عرضه کننده پرداخته است، در فقره 8 ماده 3 در تعریف عرضه چنین بیان می‌دارد «عرضه: فروش طور نقد یا به اقساط مبادله و اجاره جنس یا خدمت می‌باشد، به استثنای هبه، مگر که به منظور تبلیغات تجارتي صورت گرفته باشد». (قانون حمایت از مستهلک،

1395: ماده (۳) و در بند ۹ همان ماده عرضه‌کننده را اینگونه تعریف نموده است «عرضه-کننده شخصی است که جنس یا خدمت را عرضه نموده باشد».

ب. مفهوم مواد غذایی: خوراکی در لغت به معنی غذا، خوردنی، طعام و هرآنچه که قابلیت خوردن را داشته باشد آمده است. (عمید، واژخ) قانون حمایت از مستهلک نیز تعریفی از خوراکی نشده است و اینکه چه چیز در قلمرو مواد خوراکی داخل است نیز هیچ بیان نشده است. از این جهت که قانون‌گذار افغانستان در این مورد سکوت را اختیار کردند ناگزیر می‌شویم تا به عرف مراجعه نماییم. چرا عرف یکی از منابع حقوق به شمار می‌آید و از آنجا که مواد خوراکی امری موضوعی است، در رسیدگی‌های قضایی، قاضی قضیه برای اینکه توان تشخیص را داشته باشد که در دعوا مطروحه مورد دعوا از مصادیق مواد خوراکی است یا خیر، اولاً آنچه که مقبول و پسندیده نزد خردمندان است (عرف) را معیار قرار می‌دهد و در صورت شک در این مورد، کارشناس نظر خواهد داد. نظر کارشناس بایستی وجدان دادرس را قناعت بدهد و هیچ‌گاه براو تحمیل نخواهد شد. (کاتوزیان، 1392: 130).

مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در برابر مصرف-کنندگان غیر قراردادی

بند اول: مسئولیت مبتنی بر تقصیر: تئوری تقصیر نخستین تئوری مسئولیت مدنی است و قانون‌گذار افغانستان آن در ماده 776 و 777 قانون مدنی پذیرفته است و بیان می‌دارد: «هرگاه به اثر خطا و تقصیر ضرری به غیر عاید گردد مرتکب به جبران خسارت مکلف می‌باشد». (قانون مدنی، 1355: ماده 776) و همچنان ماده بعدی همین قانون مشعر است که: «هر نوع تعدای که از آن ضرری به غیر از اضرار مندرج مواد فوق به شخص دیگری عاید گردد، مرتکب به جبران خسارت مکلف می‌باشد». (قانون مدنی، 1355: ماده 777) در قانون مزبور تعریفی از تقصیر نشده و تنها آن را مبانی مسئولیت مدنی قرار داده استاز متن قانون افغانستان درک می‌گردد که قانون‌گذار تئوری تقصیر را قبول کرده؛ ولیکن با تحولات در به وجود آمدن تولید و مصرف این تئوری نیز نتوانست، از نابسامانی، بی عدالتی و نابرابری اجتماعی جلوگیری کند. در مقابل وضعیت جدید، مسئولیت مدنی خارج از قرارداد نیز کهن و فرسوده می‌باشد و جوابگوی ضروریات نوین نبوده؛ چراکه مسئولیت مدنی خارج از قرارداد بر مبنای تقصیر استوار بود. جهت اینکه تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات مواد خوراکی مسئولیت پیدا کنند خریدار بایستی تقصیر و رابطه سببیت میان

تقصیر و زیان‌های وارده را ثابت می‌کرد. نظربه مغلق و پیچیده شدن تولید و شبکه توزیع و عرضه ثبوت این گونه تقصیر برای خریداربرخی اوقات ناممکن بود. صرف نظر از این در اکثریت از زیان‌ها اصولاً تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مرتکب هیچ‌گونه تقصیری نمی‌شوند. در نتیجه اکثریت زیان‌های وارده به خریدار جبران نشده باقی خواهد ماند. در مقابل خریدار به واسطه گسترش صنعت و کارخانه‌جات به مفاد سرشاری دست پیدا کرده بود. در راه پراخم و پیچ تولید و توزیع نه تنها تمیز تقصیر مشکل است که در موارد زیادی نیز تقصیر اتفاق نه افتاده است تا براساس قواعد عمومی ضمانتی به بار آید. برای مصرفی شدن بیش‌ازپیش جامعه امروزی بلند رفتن تنوع در محصولات خوراکی و خدمات و پیچیدگی روند تولید و ارائه آن‌ها در اکثریت موارد خریدار در این ناکام باقی می‌ماند، چراکه ثبوت تقصیر در وقتی ممکن است که خریدار احاطه و اطلاع ضروری در نحوه ساخت محصولات خوراکی و ترتیب آن داشته باشد. در حالی که نظر به توسعه و گسترش محصولات مصرفی، توقع این گونه اطلاع از خریدار عادی نباید داشته باشیم. به طور خلاصه می‌توان گفت که فواید و سود تولید و عرضه را سرمایه‌داران می‌گیرند، اما ضرر آن را بر خریدار تحمیل می‌کنند و عدالت به چنین نابسامانی مخالفت دارد، هرچند که دو طرف عقد بی گناه باشند و این سبب شد که تئوری‌های نوینی در زمینه مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مواد خوراکی مطرح شود.

مسئولیت محض: تئوری تقصیر هر چند برای حمایت از سازندگان از جایگاه ویژه‌ی برخوردار بود؛ اما وسیله خوبی برای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مواد خوراکی نبود. سازندگان و تولیدپیشگان با استفاده از این فرصت تلاش برای تولید بیشتر و درآمد زیادتر می‌کردند و از طرف دیگر مقابل زیان‌های روزافزون به خریدارها از مسئولیت جبران آن ضرر معاف بودند. زیرا که یا دارای تقصیر نبودند و یا هم اثبات تقصیر شان کار دشوار بود. این نابسامانی سبب ظهور اعتراضات مردمی گردید. این اعتراضات سبب شد تا اینکه صاحبان فکر و اندیشه در تلاش حل این معضل باشند. حقوقدانان، فلاسفه و سایر دانشمندان این اعتراضات مردمی را برحق دانسته و جامعه سرمایه‌گذاری را ناچار ساختند تا کسانی که سود سرشار را به دست می‌آورند بایست بخشی از ضررها را نیز جبران کنند. این نظریه در قالب ایده‌های نوین مطرح و عملی شد. تئوری خطر و اقدام نامتعارف از جمله این ایده‌ها بود که تعریفی نوی از عدالت ارائه شد. عدالت تنها تقسیم عادلانه سرمایه و خوبی‌های آن نیست،

بلکه همراه آن بایستی ضررهای وارده نیز به طور منصفانه تقسیم شود و تنها بر عهده متضرر تحمیل نشود. لازمه همبستگی اجتماعی نیز همین گونه است. البته تئوری تقصیر و اینکه هر شخص در بند خطای خویش بوده باشد، صحیح تلقی گردید، اما بسنده دانسته نشد. تقصیر نتیجه عمل بد است، که فرد مقصر باید مسئولیت آن را خودش به تنهایی بر دوش بکشد. بردوش کشیدن گناه دیگری امر منطقی نیست. ولی برخی اوقات بدون اختیار ضرری را متوجه متضرر می‌کند که در این مورد منصفانه نیست که متضرر به تنهایی آن را به عهده خود بکشد. ضرری که به مصرف‌کننده مواد خوراکی می‌رسد نوعاً از قسم دوم است. به قول یکی از دانشمندان: «راننده بی‌مبالات مکافات خودسری به تنهایی می‌بیند، لیکن خریدار بی‌گناهی که همراه با سایر مصرف‌کنندگان کالایی را می‌خرد و از عیب اتفاقی تولید صدمه می‌خورد، شایسته نیست که به تنهایی عیب چرخه تولید را متحمل شود؛ چرخه‌ای که به سود همگان در گردش است و عیب اتفاقی نیز لازمه حرکت طبیعی آن است». با این زمینه‌ی اجتماعی و فکری مسئولیت محض متمایل گشت. هدف تئوری نوین ایجاد تعادل اقتصادی دانسته شد. در تئوری مسئولیت محض، تنها رابطه سببیت میان عیب محصولات خوراکی و یا خدمات و ایجاد ضرر بسنده است و نیازی به ثبوت تقصیر تولیدکننده و عرضه‌کننده نیست، همین گونه ضرری نیست که رابطه قراردادی بین متضرر و فروشنده وجود داشته باشد. براین مبنا عرضه‌کننده در ایمنی و سلامت محصولات و خدمات دقت و توجه بیشتر خواهد کرد. برای به حداقل رساندن مجموع مصرف‌های حوادث جلوگیری از حادثه، مسئولیت بردوش شخصی قرار گیرد که آگاهی بیشتری در مورد خطرات دارد و توانایی جلوگیری از آن را نیز دارد. در ارتباط بین مصرف‌کننده و عرضه‌کننده این تولیدکننده و عرضه‌کننده است که بر مبنای مسئولیت محض از خطرات محصولات و خدمات اطلاع بیشتر دارد و یا اینکه می‌تواند داشته باشد و برای بدوش کشیدن هزینه‌های آن نیز مناسب‌تر است. این موضوع سبب می‌گردد که: وی برای رفع خطرات و افزایش کمیت و کیفیت و سلامت محصولات خوراکی تلاش بیشتر کند. همین گونه کالای خود را بیمه نموده، زمینه تقسیم زیان در جامعه و بالابردن رفاه اجتماعی را فراهم کند. در مسئولیت محض تولیدکنندگان وقتی از زیر دوش مسئولیت بری می‌گردند که ثابت کنند عیب محصولات منسوب به آنها نیست. مانند اینکه ثابت کنند: عیب در وقت فروش وجود نداشته و یا بعداً عیب به وجود آمده است؛ یا که عیب بر اثر قوانین آمره‌ی بوده که

توسط مقامات عمومی وضع گردیده است. اتحادیه اروپا با تصویب دستورالعمل در سال 1985 و قبول مسئولیت محض تولیدکنندگان محصولات خوراکی معیوب، اجرا و رعایت دستورالعمل فوق را برای تمامی اعضای خود الزام‌آور کرد. همچنین آمریکا نیز در نسخه سوم تبصره نوین حقوق مدنی سال ۱۹۹۷ نیز نظریه مسئولیت محض را پیش‌بینی کرده است. (صفایی و همکاران، ۱۳۹۴: شماره 6، ص 47) تئوری مسئولیت محض در قوانین اکثریت کشورهای توسعه یافته‌ی جهان برای تولیدکنندگان محصولات خوراکی پذیرفته شده است.

مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در فقه اسلامی: قانون

حمایت از مستهلک افغانستان در ماده دوم خود نخستین هدف و رسالت این قانون را حمایت از مصرف‌کننده در مقابل تقلب و اعمال گمراه‌کننده و معلومات غیر واقعی تولیدکنندگان یا عرضه‌کنندگان جنس اعم از (مواد خوراکی و غیره) خدمات دانسته شده است. بدون تردید این‌گونه اهداف از منظر فقه اسلامی نیز امر مقدس و مطلوب دانسته می‌شود؛ زیرا که برقراری نظم و عدالت اجتماعی و جلوگیری از کلاهبرداری در نصوص دینی مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند (ج) در قرآن کریم می‌فرماید: (إن الله يأمر بالعدل والاحسان). (سوره نحل، آیه 90) ترجمه: (یعنی خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان داده است). با این ویژگی قاعده مشهور فقهی لاضرر از مهم‌ترین مبنای فقهی حقوق حمایت از مصرف‌کنندگان است. این قاعده از متن روایتی که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت شده گرفته شده است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (لاضرر ولاضراری الاسلام). کاتوزیا، دوره 38، 1387: شماره 3، ص 339) ترجمه: (یعنی دین مبین اسلام زیان رسانیدن با خود و دیگران را ممنوع قرار داده است). هدف این است که در روایت هم بیان شد به دیگران زیان نرسانید و هم از آن استنباط می‌شود که اگر شخصی زیان وارد نماید آن جبران کند. در مسئولیت محض ضررهای وارده به موجب معیوب بودن محصولات خوراکی است که باید جبران شود. بدین ترتیب مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان، نه تنها مخالف فقه اسلامی نیست بلکه دارای مبانی محکم و استوار می‌باشد.

در بحث اتلاف با اینکه رأی اکثر دانشمندان فقه بر آن است که تقصیر، یکی از ارکان مسئولیت مدنی است، اما اکثریت فقها بر این نظراند، که از اطلاق قاعده اتلاف دانسته می‌شود که تقصیر رکن مسئولیت مدنی نمی‌باشد و مبنای آن ورود زیان به دیگران است و

ملاک آن نیز صدق عرفی اتلاف است. (مراغی، 1425، ق: 435) در بحث ضمان اتلاف غاصب علمای فقه حنفی عمدی بودن را شرط ندانسته‌اند. در اتلاف مستقیم اگر به خطا مال شخص دیگری را تلف نماید، ضمان خسارت وارد شده می‌باشد. افزون بر آن می‌توان مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مواد خوراکی را براساس قواعد فقهی ذیل توجیه کرد: «الضرر يزال» «الضرر يدفع بقدر الامکان» «الخراج بالضمنان» «الغنم بالغرم» «من اتلف مال غیره فهوله ضمان» (ابراهیم زلمی، 1398: 455) «المغرور يرجع علی من غره» (زرکلام، بی تا: ص 6) همان گونه که بعضی از دانشمندان بیان کرده‌اند: آنچه مبنای مسئولیت را در فقه اسلامی تشکیل می‌دهد، به مسئولیت محض بسیار همخوانی دارد نسبت به تئوری تقصیر. صرفاً برخی موارد است که دلیل مخصوص تقصیر رکن مسئولیت به شمار می‌آید و بدون آن ضمان به وجود نمی‌آید. ارتباط تلازم عرفی میان تولید محصولات خوراکی معیوب و ضررهای ناشی از آن وجود دارد و به همین علت بایست مسئولیت ناشی از عیب تولید محصولات را به آن نسبت داد و او را مسئول جبران ضررهای وارده به مصرف‌کننده مواد خوراکی دانست.

ارکان مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در قبال مصرف‌کنندگان غیر قراردادی در نظام حقوقی افغانستان

عیب: در قانون حمایت از مستهلک افغانستان تعریفی از عیب نشده؛ اما در ماده اول فقره 11 قانون مزبور جنس غیر مصئون را این گونه تعریف نموده است که: «جنس غیر مصئون: جنسی است که با وجود استفاده آن مطابق رهنمود داده شده، سبب ایجاد ضرر جسمی مستهلک گردیده باشد». (قانون حمایت از مستهلک، 1395: ماده 1) از تعریف قانون‌گذار استنباط می‌گردد که جنس یک واژه عام بوده و در نظام حقوقی افغانستان شامل تمام محصولات می‌گردد اعم از محصولات غذایی و غیر غذایی و همچنین قانون مدنی نیز عیب را تعریف نکرده؛ ولیکن در ماده اول قانون مدنی فقره دوم بیان نموده است در صورتی که حکم قانون موجود نباشد محکمه مطابق فقه اسلامی به‌ویژه فقه حنفی حکم را صادر نماید؛ برای مفهوم عیب با استناد به ماده مزبور رجوع می‌نماییم به فقه اسلامی و در فقه حنفی عیب را چنین تعریف نموده است که: «عیب عبارت است از آن چیزی که نزد تجار و اهل خبره نقصانی در ثمن مبیع به بار آورد». (الزحیلی، 3130) به طور خلاصه می‌توان گفت که مواد خوراکی زمانی معیوب تلقی می‌گردد که سلامت آن به گونه‌ای که افراد انتظار آن

را داشته باشند نبوده باشد. سلامت محصولات خوراکی شامل امنیت فرآورده آن نیز می‌گردد. با استفاد از ماده 1097 قانون مدنی وقف به صورت جمع‌بندی می‌توان عیب را نظام حقوقی افغانستان این‌گونه تعریف نماییم که: (عیب آن است که کالا وقت تسلیم از صفت‌های که وجود آن نزد خریدار دارای اهمیت ویژه بود خالی باشد یا در آن عیبی مشاهده گردد که سبب کاهش قیمت یا منفعت آن حسب مقصود اصلی معامله یا ظاهر شیئی و یا هدف که به آن آماده گردیده، شود).

مفهوم و انواع ضرر

الف. مفهوم ضرر: ضرردر لغت به معنی گزند و زیان، تنگنا، خسارت به شخص یا اموال. (عمید، ذیل واژه (ض)) ضرر در اصطلاح به همان معنای لغوی خود به کاررفته است و در قوانین افغانستان از ضرر تعریفی نشده است اما قانون مدنی در ماده 779 خود ضرر را به معنی لغوی آن به کاربرد است که بیان می‌دارد: «محکمه جبران خسارت را به تناسب ضرر عانده تعیین می‌نماید، مشروط بر آنکه ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر نشأت کرده باشد». (قانون مدنی، 1355: ماده 779) برخی‌ها ضرر را چنین تعریف کرده‌اند: «ضرر عبارت است از زیان وارده بر شخص.... و آن هر گونه کاهش در کمیت یا کیفیت مال شخص زیان دیده که در باب تعهدات از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن ناشی می‌شود». (قاسمی، 1392: 197) به طور خلاصه حقوقدانان افغانستان ضرر را به مفهوم عرفی آن قابل پذیرش می‌دانند.

ب. انواع ضرر: ضرری که به فرد وارد می‌گردد، به اعتبار موضوع به سه نوع مادی، معنوی و بدنی می‌باشد. ضررمادی نیز بر دو نوع است ضرر مثبت همان از بین رفتن مال که وجود داشته است و ضرر منفی همان عدم النفع است برای روشن شدن بهتر موضوع اولاً انواع ضرربدنی سپس ضررمالی و در ادامه ضرر معنوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ضرربدنی؛ اولین ضرری که در اثر استفاده مواد غذایی به نظر می‌رسد همان ضرر جسمانی است؛ اما جبران این زیان عیناً قابل امکان نیست از همین جهت قانون‌گذار برای آن جبران مالی را با پیروی از فقه اسلامی پیش‌بینی نموده است و قانون مدنی در ماده 774 خود بیان می‌دارد: «شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خسارت وارده مکلف می‌باشد». ضرر جسمانی گاهی سبب زیان-های مالی می‌گردد مانند هزینه تداوی؛ و برخی وقت‌ها به طور درد و رنج آشکار می‌شود

مانند ازبین رفتن زیبای که در اثر منفجر شدن بسته شیر در دست مصرف کننده سبب صدمه صورت آن می شود و بعضی وقت ها امکان دارد که ضرر جسمانی مرکب از ضرر مادی و معنوی باشد مانند ازبین رفتن زیبایی و هزینه تداوی آن که در ذیل ضررهای مادی و معنوی را مورد بررسی قرار می دهیم.

ضررمالی؛ ضرر مالی عبارت از ضرری است که به پول قابل تقویم باشد و به عبارت دیگر ضررمالی عبارت از ضرری است که در نتیجه ازبین رفتن اعیان و اموال یا کمی درقسمت ارزش آن مال و ملکیت معنوی یا ازبین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان وارد گردد. (رحیمی، 1397: 56) از دید حقوق دانان افغانستان و همچنین در میان فقها شک نیست که هرفردی مالی دیگر را ازبین ببرد باید مسئول جبران خسارت را پرداخت نماید. قانون مدنی در این مورد بیان می کند که فردی که مال دیگر را ازبین ببرد مسئول جبران زیان آن است. (قانون مدنی، 1355: ماده 758) همین گونه اتلاف مال غیر را ضمان می پندارد. (قانون مدنی، 1355: ماده 759) در هر صورت هنگامی که فعل یا ترک فعل فردی موجب ازبین خود مال، منفعت مالی، حقوق مالی یا کاهش قیمت مال دیگرگردد، بر مبانی قواعد عمومی مسئولیت مدنی ملزم به جبران آن زیان بوده و بایستی آن را جبران کند. (رحیمی، 1397: 57)

ضرر معنوی؛ عبارت از ضرری است که به حیثیت و اعتبار اشخاص وارد می گردد و یا اینکه سبب صدمه روحی به آن می شود. براساس این تعریف ضرر معنوی دو نوع است یکی زیان های مربوط به حیثیت و اعتبار شخص، دوم زیان های مربوط به لطمه زدن به عواطف و ایجاد درد ورنج روحی که فرد متضرر با ازدست دادن عزیزان خود آن ها را متحمل می -گردد. این تعریفی که از ضرر شد جامع نیست چون شامل تمام مصادیق خسارت معنوی نمی شود و به طور خلاصه می توان زیان معنوی را این گونه تعریف نمود: «خسارت معنوی: عبارت از خسارت وارده به حیثیت یا اعتبار، شخصیت، جسم، روح، آزادی و هر حق دیگر قانونی فرد که جنبه مادی ندارد». (رحیمی، 1397: 61) در مورد اینکه ضرر معنوی قابل جبران به مال است و یا خیر؟ برخی آن را قبول دارند و برخی دیگر آن را نمی پذیرند و در نظام حقوقی افغانستان ضرر معنوی قابل جبران است چنانکه که قانون مدنی سابق بیان

می‌دارد: «1- جبران خسارت شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد...». (قانون مدنی، 1355: ماده 778) در بنیاد اول ماده فوق به صورت واضح ضرر معنوی را مانند ضرر مادی قابل جبران دانسته است، حتی ضررهای وارده بر اقارب متضرر را نیز از جمله ضررهای مسلم و مورد قبول قرارداده است که بیان می‌کند: «2- اگر سبب وفات شخص که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به جبران خسارت حکم نماید». (قانون مدنی، 1355: ماده 778، فقرة 2) بر اساس ماده مزبور هرگاه به اثر فوت متضرر یا دیگر صدمات وارده بر آن به صورت غیر مستقیم به اقارب وی زیان برسد محکمه تنها نسبت به جبران ضرر معنوی زوج و نزدیکان آن تا درجه دوم مانند: پدر، مادر، جد، جده، ولد، ولد، برادران و خواهر آن رأی صادر می‌کند، سایر اقارب آن اگرچه گرفتارالم روحی و زیان معنوی ناشی از فقدان مرحوم شده باشند، نمی‌توانند طلب جبران خسارت معنوی کنند. (قاسمی، 1387: 220) اگر مصدوم در وقت سلامتی به هر چهار گروه فوق نفقه می‌پرداخته است و در اثر مصدومیت‌های که از سوی ضارب به فرد رسیده و این افراد از نفقه محروم شده‌اند، باید ضارب تمام مصرف-های این اشخاص را به علت اینکه تحت تکفل مصدوم قرار داشته‌اند پرداخت نماید. (مجددی، 1398: 90) و همان‌گونه می‌توان در خواست جبران خسارت از اشخاص حقوقی کرد مانند سوء استفاده از مارک یک شرکت صاحب شهرت که سبب از بین رفتن اعتبار آن گردد متقلب باید جبران خسارت معنوی نماید.

لزوم برقراری رابطه سببیت و عدم احراز علمی آن

الف. لزوم برقراری رابطه سببیت: با استناد به ماده 779 قانون مدنی هدف از رابطه سببیت این می‌باشد که زیان وارده نتیجه مستقیم تقصیر ارتکاب فعل مضر شخص باشد؛ یعنی اینکه تقصیر فرد علت زیان وارده باشد تا اینکه محکمه شخص را ناچار به پرداخت جبران خسارت نماید. (رسولی، 1398: 244) در غیر این صورت نمی‌توان شخص را مجبور ساخت تا اینکه زیان وارده را جبران کند. در زمینه مواد غذایی ممکن است یک مواد غذایی معیوب تولید شود و بعد از چندین واسطه بر مصرف‌کننده برسد و در اثر استفاده آن وی متضرر گردد در این صورت باید رابطه سببیت را ثابت نماید که زیان وارده مستقیماً ناشی از فعل تولیدکننده بوده است. در این باره قاضی برای احراز این سببیت عرفی به اوضاع و احوال نگاه خواهد کرد.

ب. عدم احراز علمی آن: به موجب ماده 987 قانون مدنی کسی مدعی ضرر و خواهان جبران خسارت است باید در پیشگاه محکمه آن را به اثبات برساند؛ چراکه او مدعی است و مدعی باید خواسته خود را نزد محکمه ثابت نماید. اثبات تقصیر در اکثریت موارد آسان است اما در مورد مواد خوراکی اثبات تقصیر تولیدکننده کاری است دشوار که مصرف کننده را ناچار می سازد تا به نظر کارشناس مراجعه نماید و کارشناس هم نمی تواند نظر دقیق در این مورد ابراز کند و محکمه باید به دلایل قانع کننده حکم صادر کند. در مورد نبود دلایل باید به نظر کارشناس حکم را صادر کند که در چنین مورد مدعی متضرر به بی حقی محکوم می شود و وجدان حقوقی این را نمی پذیرد از این جهت پیشنهاد می گردد که در مورد مواد خوراکی از آنجا که مصرف اینگونه فرآورده در ارتباط مستقیم به سلامت انسان قاضی احوال و اوضاع مخصوص دعوا، سلامتی مدعی را پیش از مصرف و بعد از مصرف اماره قراردادها و مدعی را از مشکل اثبات تقصیر برهاند.

آثار مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در نظام حقوقی افغانستان

جبران خسارت: نظام حقوقی افغانستان در مورد ضررهای ناشی از محصولات معیوب ملاک خاصی جهت جبران خسارت پیش بینی نکرده است، اصولاً قاعده کلی جبران خسارت در مورد ضررهای ناشی از محصولات معیوب قابل اعمال می باشد، بر این اساس بحث تفصیلی جبران خسارت را باید در نظام حقوقی افغانستان جست. همان گونه که بیان شد، آنچه به صورت مختصر ذکر می شود که علی الاصل بنابر ویژگی های فرآورده های خوراکی بیشتر مطرح است. منظور از جبران خسارت از میان بردن آسیب و ضررهایی است، که به افراد یا مالکیت آن ها در در نتیجه تخلف فاعل ضرر وارد می شود و میزان آن متناسب به ضرر و محرومیت متضرر از حقوقی است که در صورت عدم تخلف فاعل ضرردریافت می نمود عامل ضرر به عنوان مسئول در این مورد مکلف است، که زیان های وارده را جبران کند. به عبارت دیگر، جبران خسارت مبلغی از نقود و هر چیزی دیگری است که خسارت وارده به متضرر و دارایی اذ دست رفته آن را که در نتیجه طبیعی فعل زیان بار است. جبران می نماید. (رحیمی، 1397: 117) برای مثال مغازه داری خوردنی فاسد شده را به مسافری عابری فروشد و خریدار در اثر مصرف آن مسموم شده و در اثر این مسمومیت تصادف می نماید که هم خودش صدمه می بیند و هم موترش، در این صورت باید فروشنده خسارت

مالی و جانی مصرف‌کننده را جبران نماید، جبران خسارت عامل، زیانها و آسیب‌ها و مضرات را از بین می‌برد.

شیوه‌های جبران خسارت: عامل ضرر به هدف اعاده متضرر به حالت پیش از تخلف و تقصیر، بعضی وقت‌ها عین ضرر وارده را مرفوع می‌نماید که از آن بنام روش عینی جبران خسارت یاد می‌شود؛ اما گاهی عامل ضرر، خسارت وارده را به وسیله عوض جبران می‌نماید که از آن به جبران زیان بالمثل تعبیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شده است که تا مسئولیت مدنی تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و فروشندگان مواد خوراکی را در قبال مصرف، کنندگان غیر قراردادی از لحاظ حقوق موضوعه افغانستان و نظریات دانشمندان حقوق تا حد امکان مورد بررسی قراردادها و نقاط ضعف و قوت آن را با توجه به نظام‌های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته در این مورد، شناسایی گردد و در نهایت نتایج زیر به دست ما حاصل شد،

با توجه به نقش و ارزش مواد خوراکی که بیان شد، مواد غذایی مستقیماً بر سلامت انسان نقش حیاتی دارد باید هر فردی که سود بیشتر به دست می‌آورد زیان‌های ناشی از آن را جبران نماید و محاکم باید ابزاری به دست داشته باشند که توسط آن مقصر را ملزم به جبران خسارت کنند، البته ابزارهای عمومی مانند قانون مدنی کارایی ضروری ندارند؛ زیرا که متضرر از مصرف غذای فاسد نه از فسخ عقد ضرر می‌بیند و نه هم از قیمت محصولات معیوب و سالم که در مقابل آن ارزش خسارت آن را جبران می‌نماید. از همین جهت مبانی مختلفی که دانشمندان علم حقوق در مورد مسئولیت مدنی تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و فروشندگان مواد خوراکی ارائه کرده بودند، ما آن را در قالب مسئولیت غیر قراردادی بیان کردیم.

مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی در نظام حقوقی افغانستان هیچ پیشروی وجود ندارد. از همین جهت در این مقاله تلاش شد تا اینکه با انتقاد برخی مبانی، مبانی مناسب برای تولیدکنندگان مواد خوراکی پیدانماییم که در نهایت مبانی مسئولیت محض، مناسب‌ترین مبنا می‌باشد و گاهی می‌توان تئوری تقصیر را قابل پذیرش دانست.

در مورد ارکان مسئولیت مدنی تولیدکنندگان باید بیان داشت که همین‌گونه که برای تحقیق هر مسئولیت دیگری یک سلسله ارکان ضروری است، برای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی نیز ضروری می‌باشد. ارکان مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی عبارتند از: فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت. در مورد آثار مسئولیت مدنی تولیدکنندگان مواد خوراکی معیوب آثار مدنی در نظام حقوقی افغانستان پیش‌بینی شده است که جبران خسارت اعم از (مادی و معنوی) می‌باشد.

- ابراهیم زلمی، مصطفی. (1398) قواعد فقهی معاصر، انتشارات احسان.
- اکبری، مرضیه. (1391) تحلیل حقوق مصرف‌کننده خودرو در حقوق ایران
کارشناسی ارشد) دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- تاجمیری، امیر تیمور. (1370) حقوق مدنی، تهران، انتشارات افرینه.
- توانای فرد، حسن. (1385) فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران، انتشارات جهان رایانه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (1399) ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش.
- رحیمی، محمد اسحاق. (1397) مسئولیت مدنی و الزام‌های خارج از قرارداد،
انتشارات فرهنگ.
- رسولی، عبدالحسین. (1398) مسئولیت مدنی غیر قراردادی در حقوق افغانستان،
انتشارات واژه.
- الزحیلی، وهبه. (بی تا) الفقه الاسلامی و ادله، ج 4.
- زرکلام، ستار و هاشمی، سیدرضا. مبانی مسئولیت تولیدکنندگان در فقه و نظام حقوقی
ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، بی
تا.
- ساکت، محمد حسین. (1387) حقوق شناسی، انتشارات ثالث.
- سنهوری، عبدالرزاق. (1390) دوره حقوق تعهدات (ضمنان قهری) ج 2، انتشارات
دانشگاه قم.
- صادقی، محمود وحسامی، زینب. (1397) حمایت از حقوق مصرف‌کننده در قرارداد
های مشارکتی زمانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره 81.
- صفایی، سیدحسین. و همکاران، (1394) مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا و
ارائه دهندگان خدمات، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امریکا و اتحادیه
اروپا، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره 6.
- عمید، حسن. (1389) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر.

قاسمی، عبدالخالق. (1392) مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد، انتشارات دانشگاه کاتب، کابل.

قانون حمایت از مستهلک، منتشره جریده رسمی، شماره 1241، 1395.

قانون مدنی، افغانستان، منتشره جریده رسمی، شماره 353، 1355.

کاتوزیان، ناصر. (1386)، حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری-

مسئولیت مدنی) انتشارات دانشگاه تهران، ج 1.

کاتوزیان، ناصر. (1386)، محدودیت آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف-

کننده، فصلنامه حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره 38،

شماره 3.

کاتوزیان، ناصر. (1392)، اثبات و دلیل اثبات، انتشارات میزان، ج 7.

مجددی، یحیی. (1398)، مسئولیت مدنی (حوادث حقوقی) انتشارات قدس، هرات

افغانستان.

مراغی، عبدالفتاح. (1425 ق) العناوین، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ج 2.

مصباح یزدی، محمدتقی. (1386) دروس فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات اطلاعات.

منوچهر. (1372) فرهنگ علوم اقتصادی، انتشارات امیرکبیر، ج 2.

نوفرستی، محمد. (1390) مبانی اقتصاد خرد با نگرشی به اقتصاد ایران، تهران،

انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا



بررسی تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان

پوهنمل محمد طالب طارق

دیارتمنت تاریخ پوهنخی علوم اجتماعی پوهنتون بدخشانپ

Taruqtariq1985@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-3486-1799>

نویسنده

نشان برقی

نشان اراکاید

چکیده

تغییرات اقلیمی به عنوان یک واقعیت جهان معاصر و پدیده‌ای چالش‌زا در جغرافیای کره زمین مطرح است. خطرات ناشی از آلوده گی هوا، گازهای گلخانه‌ای، گرمای زمین، خشک سالی و بحران آب، تأثیرات بالقوه بر روند زندگی اقتصادی انسان‌ها، زیرساخت‌های فرهنگی، جغرافیایی طبیعی و ایکوسیستم زمین بار خواهد آورد که در نهایت جامعه بشری را به چالش‌های بزرگی روبرو خواهد کرد. تأثیر تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان، محور پژوهش حاضر است، که آسیب‌پذیری این کشور را در تغییرات اقلیمی به تحلیل گرفته و براینده این تغییرات را بر روند توسعه اقتصادی افغانستان به بررسی می‌گیرد. این تحقیق با این پرسش آغاز می‌شود که چگونه می‌شود، تهدیدها و خطرات تغییرات اقلیمی را بر روند تکامل اقتصادی افغانستان مهار کرد و این کشور را از آسیب‌پذیری آن نجات داد؟ هدف تحقیق حاضر، شناسایی فرصت‌های متنوع ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی افغانستان جهت مبارزه با تغییرات اقلیمی است تا این کشور را از بحران تغییرات اقلیمی، نجات داد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحقیقات بین‌المللی و ادبیات نظری به آن پرداخته خواهد شد. بنابراین، نتیجه گرفته میشود که افغانستان می‌تواند با به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه بشری، در امر مبارزه با تغییرات اقلیمی موفق شود و با مدیریت منظم آب، کنترل مصرف ذخایر گازی، حفظ اراضی سبز و ایجاد زیرساخت‌های ایکولوژیکی، بحران اقلیمی را به فرصت تبدیل کند.

واژه‌های کلیدی: اقلیم، خشک سالی، مدیریت آب و ایکوسیستم.

Analysis of Climate Change Effects on Afghanistan's Economic Development

Author
Email
orcid

Mohammad Talib Taruq
History Department of Social science faculty ,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan
Taruqtaruq1985@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0007-3486-1799>

Abstract

Climate change is recognized as a contemporary global reality and a significant challenge for Earth's geography. The dangers posed by air pollution, greenhouse gases, global warming, droughts, and water crises have potential effects on human economic life, cultural infrastructure, natural geography, and the planet's ecosystem, ultimately confronting humanity with profound challenges. The present research focuses on the impact of climate change on Afghanistan's economic development, analyzing the country's vulnerability to these changes and assessing the outcomes of climate change on its economic growth. This research begins with the question: How can the threats and risks of climate change to Afghanistan's economic development be mitigated, and how can the country be safeguarded from its vulnerabilities? The aim of this study is to identify Afghanistan's diverse geo-economic and geo-strategic opportunities to combat climate change and to guide the country out of this crisis. The research methodology is analytical-descriptive, relying on library resources, international studies, and theoretical literature. Consequently, it is concluded that Afghanistan can succeed in combating climate change by utilizing its human potential, through proper water management, controlling gas reserves consumption, preserving green lands, and establishing ecological infrastructure, thus transforming the climate crisis into an opportunity.

Keywords: climate, drought, water management, ecosystem.

مقدمه

افغانستان یکی از کشورهای آسیایی است که در معرض جدی خطرات ناشی از تهدید تغییرات اقلیمی قرار دارد. این کشور به نسبت موقعیت ژئواستراتژیک اش بالای (کمر بند خشک جغرافیای جهان که دارای بارندگی محدود و درجهی گرمای بالاست)، همواره به عنوان ششمین کشور آسیب‌پذیر در تغییرات اقلیمی جهان شناخته میشود. هر چند افغانستان جای پای در تولیدات صنعتی، خطوط ریل، مصرف بالای ذغال سنگ و گازهای گلخانه‌ای ندارد، اما محاصره شدید این کشور توسط کوه‌های خشک و خشن، دشت‌ها و صحرای بی آب و علف، خشک سالی متوالی، این کشور را در منطقه آسیب‌پذیر ساخته است.

تحقیقات تازه نشان می‌دهد که محیط زیست جهان به دلیل تولیدات انبوه گازهای گلخانه‌ای در آینده به یک چالش بزرگ مواجه است که اثرات آن دامن تمام جهان را فرا خواهد گرفت. افغانستان به دلیل جغرافیای طبیعی نامناسب در این ردیف قرار دارد. دانشمندان زیست‌شناس، قرن ۲۱ میلادی را قرن تغییرات اقلیمی گفته‌اند که در آن یخچالها و منابع یخی (قطب شمال و جنوب) در حال ذوب شدن قرار داشته و آب اقیانوس‌های جهان در حال بالا رفتن است که اثرات خطرناکی بالای ساکنین تمام دنیا باقی خواهد گذاشت. افغانستان که یک جغرافیای کوهستانی و خشکه است، آسیب‌پذیری آن نظر به تمام جهان بیشتر است. خشک سالی یکی از اثرات مهمی تغییرات اقلیمی است که تمام سطوح زندگی مردم را متأثر کرده و در حال حاضر به بحران بزرگی تبدیل شده است.

تبیین مسأله

شناخت مولفه‌های تأثیرگذار، ناشی از تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان به ما کمک می‌کند تا آسیب‌های تغییرات اقلیمی را به گونه‌ی علمی شناسایی و راه‌حل‌های مناسب را برای مهار، مدیریت و مبارزه علیه آن ارایه کنیم. بیان این مشخصه که تغییرات اقلیمی اثرات بد و ناگواری بر کیفیت تولیدات، زراعت، روابط اقتصادی، تعاملات منطقه‌ای و محیط زیست افغانستان دارد به ما کمک می‌کند تا مشکل را آسانتر تشخیص و الگوهای علمی را جهت ارایه‌ای طرح‌های تازه به دولت و اداره‌های مربوطه پیشکش کنیم. هرچند راجع به تغییرات اقلیمی، تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در سطح جهان صورت گرفته است که کارشناسان طرح‌های علمی را جهت مقابله و مدیریت بحران اقلیمی به دولت‌ها دادند،

اما به دلیل نیاز صنعتی جهان و تأمین روابط اقتصادی دنیا، تلاش‌ها جهت مبارزه و مقابله یا تغییرات اقلیمی تا هنوز نتیجه محسوس در جهان معاصر نداشته است. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۹)

در خصوص بیان طرح مسأله این پژوهش باید گفت که تحقیقات جامع و کلی راجع به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان تا هنوز صورت نگرفته است. نگارش‌ها و معلومات در حد ابتدایی و آسیب شناسانه بوده که توسط نهادهای بین‌المللی در حد مشوره ارایه شده است. این تحقیق به این هدف سامان یافته است تا عینیت علمی را با برابندی که تغییرات اقلیمی بر اقتصاد افغانستان اثر گذاشته است به بررسی بگیرد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

تغییرات اقلیمی چه تأثیری بالای اقتصاد افغانستان خواهد داشت؟

پرسش‌های فرعی

۱. راه‌های مقابله با تغییرات اقلیمی با چه شیوه‌های امکان پذیر است؟

۲. چگونه می‌شود چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی را به فرصت تبدیل کرد و از آن در امر بهبود اقتصاد افغانستان کار گرفت؟

۳. تغییرات اقلیمی چه پیامدهای در دراز مدت به افغانستان به بار خواهد آورد؟

هدف تحقیق

هدف اصلی

بیان میزان تأثیر پذیری افغانستان از تغییرات اقلیمی.

اهداف فرعی

۱. توجه به ضرر ناشی از تغییرات اقلیمی.

۲. نگاه به پیامد طویل‌مدت تغییرات اقلیمی در افغانستان.

است که تلاش میشود، تا دورنمایی کلی آن با اثرگذاری اش در جامعه و اقتصاد این کشور به تحلیل و بررسی گرفته شود.

اهمیت تحقیق

اهمیت این پژوهش در این است تا مولفه‌های را که مانع پیشرفت اقتصادی افغانستان شده‌اند، در داخل، منطقه و مارکیت بین‌المللی به معرفی بگیرد. تغییرات اقلیمی بخش

از این مولفه‌ها است که سقف شکننده‌ای را در تولیدات زراعتی، منابع آبی و غیره ایجاد کرده و فرصت‌های خوبی انکشافی را از این کشور گرفته است. طوفان‌های آبی، سیل‌های صخره‌ای، خاک‌بادهای فصلی، قلت باران و ده‌ها موارد دیگر، نمودارهای اند که در پلتفرم تغییرات اقلیمی افغانستان ایجاد میشود و اثرات ناگواری بر اجتماع، اقتصاد و زیر ساخت‌های افغانستان از خود به ارثیه می‌گذارد. بناً اهمیت این تحقیق در این است تا خواننده گان را به تبعات منفی اثرات تغییرات اقلیمی بر ساختار اقتصادی افغانستان آشنا کند.

روش تحقیق

این پژوهش تحلیلی - توصیفی است. گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای و تحلیل مبانی نظری صورت گرفته است. در تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از منابع و اطلاعات از کتاب‌ها، مجلات تحقیقی، ژورنال‌های داخلی و بین‌المللی مرتبط به موضوع، طرح پژوهشی و غیره کار گرفته شده است. در این تحقیق، سعی شده است، ضمن جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع و کتابخانه، تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و تحلیلی با حقایق و عینیت علمی صورت گیرد تا سوالات مرتبط با عنوان کلی پاسخ داده شده و طرح‌های مهمی جهت رفع چالش‌ها و ایجاد فرصت‌های لازم در قبال موضوع بررسی و تبیین شود.

پیشینه‌ی تحقیق

حفظ و نگهداشت محیط‌زیست، یکی از اصلی‌ترین بنای تمدنی در کانون‌های گذشته بشر است. تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و حوزه سند، تلاش‌های جدی را در هزاره‌های چهارم و سوم قبل میلاد، جهت بنا و اعمار محیط زیست خود انجام دادند که فعالیت‌های ایشان جهت فضای سبز با غرس اشجار، ساخت بندها و جوی‌های آب و اعمار دیوارهای محافظتی و غیره مهم و برجسته است. حتا طوریکه آشور بانیپال و حمورابی را به عنوان چهره‌های سازنده‌ای محیط زیست تمدن‌های قدیمه بشر می‌دانند. افزون براین، مبارزه برای بقا، میان انسان و طبیعت یک اصل جدا ناپذیر در فرهنگ انسانی است که باعث تخریب و ویرانی جغرافیای طبیعی و محیط زیست نیز شده است.

قبل از انقلاب صنعتی، دانشمندان عصر روشنگری از خطرات احتمالی تغییر اقلیم و آلوده‌گی محیط زیست که اصل مشترک تمام انسان‌ها است، هشدار می‌دادند و حتا میان گروه‌های نخبه‌ای علمی در قرن ۱۸ میلادی، موضوع حفظ طبیعت و ایکوسیستم به یک

مسئله مهم تبدیل شده بود. همزمان با آغاز انقلاب صنعتی و بکارگیری انبوه از ذخایر طبیعی (ذغال، نفت و باروت) جهان به آسیب تغییرات اقلیم پی برد و دانشمندان یکی از مهم ترین پیامد انقلاب صنعتی را تخریب انبوه جنگلات، آزاد سازی انبار گازات طبیعی و غیره دانسته اند که از لوله‌های کارخانه‌جات عصر انقلاب صنعتی به فضای طبیعت جهان صادر می‌شد. بنابراین، بعد از انقلاب صنعتی، جهان وارد عصر تازه‌ای از مبارزه و مجادله شد که بحران تغییرات اقلیمی و مدیریت آن بود. تحقیقات پیرامون چالش‌های زیست محیطی میان دانشمندان در جهان امروز شکل تازه‌ای بخود گرفته است. (Naqdi, 2017:29)

آنتوم آرلوف (۲۰۱۷) در یک تحقیق علمی ثابت کرد که قرن ۲۱ میلادی، آغاز مبارزه نفس‌گیر انسان‌ها با طبیعت است که پیامد آن، نابودی تدریجی بشر است. وی تاکید داشت: تغییرات اقلیمی اصل مشترک تمام ملت‌های دنیا است و متأسفانه که ملت‌های فقیر در این مبارزه خساره‌ای بیشتر خواهند پرداخت. وی یاد آور شد که اگر جهان، مشترک برای مهار تغییرات اقلیمی دست بکار نشود، ممکن همه‌ای بشریت آسیب‌پذیر شوند.

ایم. ایل پاری (۲۰۰۴) در یک پژوهشی علمی زیر عنوان تأثیر تغییرات اقلیمی بر تولید غذایی جهان نگاشته است که تغییرات اقلیمی بر وضعیت انبار غذایی جهان تأثیر بدی خواهد گذاشت که در آن تجارت جهانی شدیداً آسیب خواهد دید و نیازهای اولیه انسان‌ها رفع نخواهد شد. وی بحران غذایی جهان را از تغییرات اقلیمی می‌داند که زیر ساخت‌های زراعتی و اقتصادی را درهم شکسته، سطح نیازمندی جهان را چند برابر خواهد کرد که از این درک کشورهای که با کمبود منابع و غذا روبرو اند، آسیب بیشتر خواهند دید.

جلیل پویا (۲۰۲۳) محقق برجسته افغانسان راجع به اقلیم شناسی جهان می‌نگارد که تغییرات اقلیمی آسیب بیش‌تری به زندگی مردم در سراسری کشورهای جهان سوم و افغانستان وارد خواهد کرد. وی نگاشته است، سیلاب‌ها، بارندگی بی‌موقع، خشک‌سالی و قلت آب باعث ورشکسته‌گی پیداوار زراعتی در افغانستان خواهد شد که زندگی مردم را به بحران درجه یک داخل خواهد کرد. وی می‌نگارد: جغرافیایی افغانستان در برابر تغییرات اقلیمی، نهایت آسیب‌پذیر و خشن است و به این خاطر است که سازمان ملل متحد افغانستان را در جمع کشورهای آسیب‌پذیر در ردیف ششم قرار می‌دهد. نعیم اکرم (۲۰۱۲) طی یک تحقیق علمی زیر عنوان آیا تغییرات اقلیمی کشورهای آسیایی را هشدار می‌دهد می

نگارد که تمام کشورهای آسیایی که شامل صنعتی (چین، ژاپن و کوریا) و غیرصنعتی می‌شود در معرض تهدیدات شدید اقلیمی قرار دارند. وی تأثیرات تغییرات اقلیمی را در این کشورها در حدود ۶۰ درصد می‌داند که مستقیم و غیر مستقیم به تمام این کشورها تهدید وارد خواهد کرد و راه حل‌های علمی، جهت نجات از تغییرات اقلیمی در این مناطق به دلیل نیازهای صنعتی کشورهای آسیایی، مانند روسیه، جاپان و کوریا بعید به نظر می‌رسد. وی می‌افزاید که کشورهای آسیایی بیشترین مصرف انرژی جهان را دارند و به همین دلیل رشد اقتصادی نامتوازن این کشورها را تهدید می‌کند. وی می‌افزاید که کشورهای آسیایی، مانند افغانستان درگیر اقتصاد ناکافی اند و توان مدیریت منظم تغییرات اقلیمی در این کشورها دیده نمی‌شود به همین دلیل میزان آسیب‌پذیری در این کشورها نهایت بالاست. وی برای رهای این کشورها از بحران اقلیمی، طرح همکاری زیرساخت‌ها را توسط کشورهای توسعه یافته می‌دهد تا به هر شکل ممکن تغییرات اقلیمی کنترل شود.

نظر به گفته دیل. جونس (۲۰۰۸) نظر به تغییرات اقلیمی جهان، آمار کشورهای فقیر از ۶ در صد به ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. وی می‌افزاید که نظر به تغییرات آب و هوا، نسل بیشتر حیوانات مناطق سرد سیر منقرض و چشم انداز جهان سبز به دود و آتش تبدیل خواهد شد. بنابراین، یافته می‌شود که جهان با هیولای خاموش (تغییرات اقلیمی) روبرو است که تمام کشورها، آسیب جدی آنرا خواهند دید که این آسیب‌پذیری، تأثیرات مخرب و ویران کننده‌ای بالای جامعه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست باقی خواهد گذاشت و جهان را به چالش جدی و غیر قابل کنترولی روبرو خواهد کرد. (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۶۷-۱۶۸)

تغییرات اقلیمی و آلوده گی هوا در افغانستان تهدیدی بزرگی برای سلامت عمومی است که پیامدهای عمده اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دارد. تغییرات ناشی از آلوده گی و تخریب هوای پاک، بهره‌وری و تولید محصول فصلی سالانه‌ای ده‌ها سال را کاهش داده و آسیب‌های عمده‌ای را به ایکو سیستم، زیر ساخت‌ها و بناهای فرهنگی، تاریخی و میراث‌های طبیعی وارد خواهد کرد. افزایش فعالیت‌های صنعتی، توسعه‌ای جمعیت، افزایش شتابان و استفاده از موتورها و ده‌ها عامل دیگر باعث شده است که کره زمین در قرن حاضر به تناسب ادوار گذشته، گرم‌تر شود. باید اذعان داشت که کشورهای صنعتی در بروز این اتفاق، بیشترین سهم را داشته اند، اما پیامد این

تغییرات اقلیمی متوجه همه کشورهای شده است و از همین رو تلاش می‌شود تا کشورها نظریه به توان شان در امر کنترل این پدیده بکوشند. (Parry, 2014:145)

وقوع سیلاب‌های صخره‌ای شدید، سرمای بی‌موقع، گرمای سطح زمین، خشک‌سالی متوالی، بالا آمدن سطح آب‌دریاها و اقیانوس‌ها، شیوع آفات و بیماری گیاهی، تخریب لایه اوزون، آتش‌سوزی، ذوب شدن یخ‌های دائمی اقیانوس‌های جهان، از جمله موارد است که در تغییرات اقلیمی مورد بحث قرار می‌گیرد. در افغانستان تأثیرات تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی بیشتر شده است، باید راه‌حل‌های علمی تازه را سنجید و برای مهار آن دست بکار شد. تأثیرات تغییرات اقلیمی بر روند انکشاف اقتصادی افغانستان تأثیر مستقیم خواهد داشت که افزون بر تلفات و خسارات فوری در دراز مدت شاهرگ‌های رشد اقتصادی این کشور را خشک خواهد نمود و افغانستان را در در بعد اقتصادی وابسته به کشورهای همسایه خواهد کرد. بناً تلاش جهت مهار و مدیریت بحران اقلیمی یک امر سیال و ضروری در فضای افغانستان است که باید با تحقیقات علمی و پژوهش‌های تحقیقی به آن پرداخته شده و راه حل کارا جستجو شود. (Bozanic, 2019:134)

نتایج و یافته‌ها

تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری اقتصاد افغانستان

در رده بندی کشورهای جهان سوم، افغانستان در صدر جدول ۴۹ کشور توسعه نیافته جهان قرار دارد. این کشور با وجود منابع طبیعی هنگفت و معادن متنوع هنوز، دارای ثبات اقتصادی نشده است. قابل ذکر است که شرایط نامطلوب اقتصادی افغانستان با بحران تغییرات اقلیمی تشدید یافته و روزه‌های امید را از این جغرافیا گرفته است. افغانستان به صورت عموم دارای اقلیم خشک و نیمه خشک قاره‌ای است. به اساس فرضیه‌های علمی دانشمندان زیست‌شناس، مناطقی که دارای اقلیم خشک است، از آسیب‌پذیرترین مناطق در برابر تغییرات اقلیمی است. بناً، تغییرات اقلیمی و آب و هوای خشک و نامطلوب تأثیرات هولناکی بر اقتصاد و اجتماع افغانستان بار خواهد آورد. باید گفت که اقتصاد افغانستان یک اقتصاد طبیعی (کشاورزی) است که در حدود ۸۰ درصد معیشت روزانه مردم به زراعت و مالداري وابسته است که آسیب‌پذیری این صنایع بر اوضاع اقتصاد جمعی افغانستان که کشاورزی است، تأثیر بدی خواهد گذاشت که در زیر به شرح این اثرات خواهیم پرداخت.

۱- **اثرات اقلیمی بر حوزه‌های آبی کشور:** افغانستان از جمله کشورهای است که بخش اعظم آب‌های منطقه را کنترل می‌کند و از آن در رشد و توسعه اقتصادی خود تا قدری کار می‌گیرد. این کشور نظر به سیاست هیدروپولیتیکی اش، حوزه‌های آبی خود را به پنج بخش (دریای هلمند، کابل، مرغاب، آمو و هریرود) جداگانه تقسیم کرده است. به طور کلی، نگاه افغانستان به آب به عنوان یک منبع هیدروکاربری است که دولت مداران، آب را به عنوان یک منبع ارزشمند طبیعی، مانند نفت دیده و دولت باید بخشی از هزینه خود را از طریق فروش آب به همسایه‌های خود تأمین کند. منابع آبی افغانستان از جمله امتیازی است که توسط تغییرات اقلیمی متأثر شده است. آب‌های زیر زمینی تا یازده متر پایین رفته است، حوزه‌های آبی سمت شمال و جنوب افغانستان به دلیل خشک‌سالی آسیب جدی دیده و شبکه‌های آبرسانی آب شرب در اکثر مناطق افغانستان با چالش روبروست. کاهش باران و افزایش درجه حرارت در اکثر مناطق کشور به ویژه حوزه هندوکش، بیشتر حوض‌ها و چراگاه‌های کشور را با کاهش قابل ملاحظه‌ای آب روبه‌رو کرده و زندگی حیوانات، پرندگان و گونه‌های گیاهی ساکن را در این مناطق به مخاطره انداخته است که در کل وضعیت جغرافیای زیستی برای تمام زنده‌جان‌ها خطرناک قلمداد می‌شود. (Naqdi,2017:24)

۲- **تأثیرات اقلیمی بر جنگل‌ها و چراگاه‌ها:** به دلیل مدیریت ناکارآمد، جنگ زدایی در افغانستان در حال افزایش است. خشک‌سالی متوالی، قطع درختان جنگل، آتش سوزی‌های جنگلی و تبدیل جنگل‌ها به اراضی زراعتی باعث ویرانی کلی ایکوسیستم در افغانستان شده است. افغانستان در حدود ۳ درصد مساحت جنگلی دارد و نظر به گفته سازمان ملل مساحت کمتر از ۲۵ درصد جنگلات هر کشور را در موقعیت بحران زیست‌محیطی قرار می‌دهد. علفچرها و جنگلات سهم بالای در کارکرد محیط زیستی دارند که اثرات تغییرات اقلیمی این امتیاز را از کشورها خواهد گرفت. (Bozanic,2019:23)

۳- **اثرگذاری اقلیمی بر تنوع جغرافیای زیستی:** افغانستان دارای پنج حوزه آبی دایمی است که محل زیست طبیعی انواع حیوانات و گیاهان است، تغییرات اقلیمی، اثراتی بالای این حوزه‌ها خواهد داشت. کاهش باران و بلند رفتن درجه گرما در اکثر مناطق شمال، شمال شرق و حوزه‌های مرکز بیشتر علفچرها را با کاهش آب روبه‌رو کرده و زندگی

حیوانات، پرنده‌گان و گونه‌های گیاهی را به مخاطره انداخته است. کمبود آب و فشار گرما باعث قلت تنوع گیاهی و مرگ و میر نوزادان جانوران خواهد شد که در نهایت زمینه مهاجرت را به حیوانات مساعد خواهد کرد. آمارهای ریاست حفاظت محیط زیست افغانستان ثابت می‌کند که به دلیل تغییرات اقلیمی درختان پسته و ارچه در معرض نابودی قرار داشته و حیواناتی مانند پلنگ برفی و آهو نسل‌شان در آستانه انقراض قرار دارد. افزون بر این، حوزه‌های آبی، پارک‌های ملی و محلات تفریحی به دلیل تغییرات اقلیمی، خشک‌سالی‌ها و سیل‌های فصلی در معرض تهدید قرار داشته و آسیب‌های جدی به تنوع محیط زیستی و ایکوسیستم طبیعی بار خواهد آورد. تغییرات اقلیمی نقش مهمی در خشکی اراضی افغانستان خواهد داشت که زندگی را برای انسان‌ها، حیوانات و تنوع گیاهی به خطر مواجه خواهد کرد. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۷)

۴- اثرگذاری تغییرات اقلیمی بر زراعت: تأثیرات اقلیمی بر زراعت در جهان امروز به یک فاجعه‌ی بزرگ تبدیل شده است. به دلیل تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۲۲ میلادی در حدود ۵۲ میلیون انسان در سراسر جهان در آستانه قحطی قرار داشته‌اند که این آمار در سال ۲۰۲۳ میلادی اضافه‌تر شده است. استحکام زیر بنای زراعتی شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مانند، تولید محصولات زراعتی، باغ و گلخانه، دام‌داری، پرورش زنبور عسل، تربیه ماهی و کرم ابریشم و غیره می‌شود که تغییرات اقلیم بر همه آن اثر خواهد گذاشت. (Bozanic, 2019: 157)

افغانستان یک کشور کوهستانی و زراعتی است که در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم آن از طریق زراعت امرار حیات می‌کنند. نظر به وابسته‌گی افغانستان به شرایط اقلیمی به ویژه باران‌های فصلی، تغییرات اقلیمی نقش تعیین‌کننده‌ای بر زراعت افغانستان خواهد داشت. بلند رفتن درجه حرارت ناشی از تغییرات اقلیمی اثرهای منفی بر حاصل برخی دانه‌ها مانند، برنج، گندم، جواری، کچالو و لیبیا دارد و نیازها مارکیت را حل نخواهد کرد. در حد معمول این دانه‌ها در درجه (۱/۲ تا ۱/۸) نمو و باردهی معیاری دارند در صورتی که درجه حرارت طبق بیش‌بینی ۲۰۵۰ تا ۲/۸ بلند برود حاصل این دانه‌ها تقلیل خواهد یافت. با کاهش میزان باران و بلند رفتن درجه حرارت، کاهش اراضی قابل کشت قطعی است. تخمین زده شده است که ۱۲ تا ۱۵ درصد از مجموع اراضی افغانستان برای زراعت ممکن است، از مجموع

فوق سالانه ۳/۵ درصد افت اراضی از سال ۱۹۷۸ میلادی به این طرف از زراعت خارج میشود که فعلا تنها ۶ درصد اراضی قابل زراعت وجود دارد. (Savage, 2009: 14).

از طرف دیگر، بخش اعظم جغرافیای زراعتی افغانستان در قسمت‌های ولایاتی غربی، جنوب غرب و قسمت‌های شمال، للمی است که تغییرات اقلیمی و خشک سالی موجب کاهش عمل کرد این محصول در این مناطق خواهد شد. در قسمت‌های شمال افغانستان نظر به خشک سالی و کاهش باران آب دریاها کم شده است که کاهش حاصل برنج را طی سالهای ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی نشان می‌دهد. نظر به گرمای زیاد علوفه‌های هرزه و خودرو در اراضی زراعتی، نمورده است که هزینه‌ای هنگفت مالی به دهاقین و سیستم زراعت بار خواهد آورد. تغییرات اقلیمی طی سالهای آینده منابع تولیدی در بخش زراعت و محیط‌زیست را با آسیب‌های گسترده روبه‌رو خواهد کرد که باعث کاهش ظرفیت‌های تولیدی، محصولات زراعتی و بحران منابع آب و خاک در این کشور خواهد شد. (Cavage, 2009: 19)

۵- فرار از دهات و اسکان در شهرها: زندگی محلی با زراعت و مالداری رقم خورده است که تغییرات اقلیمی باعث خواهد شد تا گروه‌های که معیشت آنها از زراعت و مالداری محلی تأمین می‌شود، آسیب دیده از نواحی اطراف به شهرها پناه برند. این کوچ و مهاجرت ممکن زندگی شهری را مختل نموده و چالش‌های زیادی در داخل شهرها ایجاد کنند. گفته شده است که به دلیل گرمای زیاد و خشکی آب‌های زراعتی و نوشیدنی بیشتر روستاهای افغانستان مهاجر شده و این بحران در حال تشدید است. (رحیمی، ۱۳۹۱: ۶۵)

۶- آسیب تغییرات اقلیمی بر زیرساخت‌ها: بخش اعظم سرمایه‌ملی، زیرساخت‌های عام المنفعه و مردمی است. تغییرات اقلیمی و طوفان‌های ویرانگر بادی و سیل‌های صخره‌ای آسیب زیادی به این زیر ساخت‌ها خواهد زد. فرار از دهات و اسکان در شهرهای بزرگ منجر به اسکان پذیری گروه‌های زیادی خواهد شد که هر کدام تقاضای جداگانه‌ای دارند و بر محیط شهری اثر بالقوه می‌گذارند. (Cavage, 2009: 12)

۷- صنعت گردشگری و اثرپذیری اقلیمی آن: عصر حاضر، قرن بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی به ویژه در عرصه‌ای گردشگری است. فهم جامعه از اینکه؛ گردشگری، منبع بسیار مناسب درآمد پولی و قابل ملاحظه‌ای در اختیار یک کشور قرار می‌دهد، باعث شده است که گردشگری مفهومی بسیار گسترده‌ی در ابعاد مختلف

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کند و به عنوان یک صنعت مهم تلقی شود. (واحدپور، ۱۳۹۰: ۸۴).

تأثیرات اقتصادی تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که در پهلوی اثرپذیری زراعت، منابع آبی، جنگلات، گردشگری نیز آسیب‌پذیر خواهد شد. (Pearch, 1996: 234).

هرچند گردشگری جای پای خوبی در افغانستان ندارد به دلیل اینکه با وجود منابع هنگفت توریستیکی و جغرافیای دیدنی، این صنعت زیر تهدید مستقیم تغییرات اقلیمی است. بیشتر زیر ساخت‌های فرهنگی و تاریخی افغانستان از تغییرات اقلیمی آسیب خواهد دید. گرم شدن هوا جذب گردشگران را در زمستان که عاشق کوه‌های نوشاخ و غیره اند به صفر تقلیل خواهد داد و حیوانات را که به عنوان جاذبه طبیعی مورد علاقه گردشگران اند در منطقه نابود خواهد کرد. (امیری، ۱۳۹۷: ۳۴)

۸- تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر صحت: حفظ و سلامت روحی و جسمی انسان‌ها در سراسر جهان و ابتکار عمل مدیریت آن توسط بخش صحتی سازمان ملل، یک سیاست جهانی است تا جهان جبهه واحد را در مبارزه با امراض روی دست گیرد. باوجود اقدامات و پیشگیری‌ها، آفت‌های صحتی سراسر جهان را تهدید می‌کند که بخش اعظم آن از آلودگی هوا نشأت می‌گیرد. امراض تنفسی، برانشیت، ملاریا و غیره به دلیل تخریب محیط زیست و کمبود آکسجن مورد نیاز، موارد اند که در این روند از تغییرات اقلیمی آسیب می‌بینند. نظر به تخمین‌های صحتی اگر درجه حرارت تا ۴/۵ درجه در سال‌های ۲۰۹۰ میلادی برسد در حدود نصف جمعیت جهان آسیب‌پذیر و به مرگ روبه‌رو خواهند شد. تغییرات کیفیت هوا، شهرنشینی سریع و کنترل نشده، تراکم جمعیت، سوخت‌های بی کیفیت و ده‌ها موارد دیگر از جمله تغییرات اقلیمی اند که بر صحت و سلامت جامعه افغانی آسیب می‌زنند. تحقیقات تازه‌ای بخش صحت سازمان ملل متحد، ابراز داشته است که ۲۷ درصد مرگ و میر در افغانستان ناشی از آلودگی هوا است. شهرهای افغانستان و بلند منزل‌های مسکونی با معیارهای ساختمانی عیار نیستند و در فصل سرماه آزاد سازی گازهای گلخانه‌ای این خطرات را تشدید می‌کند. در دهه‌های آغازین قرن ۲۱ میلادی مرض کولرا که ناشی از آلودگی آبی بود، بحران زیادی را در این سرزمین ایجاد کرده که تا هنوز خطرات بد آن دامنگیر مردم افغانستان است. بحران صحتی و سلامت جامعه افغانی بحران جدی تغییرات اقلیمی است، که باید مورد توجه قرار گیرد. (kumar, 2019: 356)

۹- کم شدن آب‌های زیر زمینی: در یک دهه اخیر به نسبت کاهش بارندگی و استفاده بی رویه آب در افغانستان، سطح آب زیر زمینی تا حدود ۱۱ متر پایین رفته است. کمبود آب در شهرهای بزرگ که نیازشان توسط آب‌های شیرین چاه فراهم می‌شود یک خطر بزرگ است که تغییرات اقلیمی در افغانستان بار آورده است. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۳)

۱۰- تغییرات اقلیمی و کمبود علوفه‌ای مواشی: قبلاً مطرح شد که در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم افغانستان از طریق زراعت و مالداری امرار حیات و معیشت می‌نمایند. گرمای زیاد در افغانستان، نبود باران‌های فصلی و طوفان‌های سرد و پیش‌گیرانه موارد اند که مالداري را در افغانستان آسیب زده است. نواحی شمال افغانستان که دارای مراتع فراوان و دشت‌های وسیع برای مواشی است طی دو سال خشک‌سالی آسیب زیادی دیده و تعداد زیادی مواشی تلف شده است. (Cevil, 2023: 45)

۱۱- اثرات اقلیمی بر محصولات: تغییرات اقلیمی بر میزان تولیدات و حاصلات دهاقین و زراعت تأثیر زیادی دارد. این روند نیز بر کیفیت، عوارض و خسارمندی محصول نیز تأثیر خواهد گذاشت. (Akram, 2012: 34)

نتیجه‌گیری

یافته تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی، نگرانی گسترده‌ای را در سطح جهان برای تمام دولت‌ها بار آورده است. افزایش فعالیت‌های صنعتی، افزایش و تراکم جمعیت، بلند رفتن درجه حرارت زمین و غیره موارد اند که به دنبال انقلاب صنعتی دامن جهان را گرفته است. افغانستان کشور است که تغییرات اقلیمی در آن به وفور دیده می‌شود. موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی این کشور از نظر میزان بارندگی سالانه خیلی مهم بوده و بیش از چند دهه می‌شود که کاهش قابل ملاحظه‌ای در مقدار بارندگی صورت گرفته است. در این مدت، خشک‌سالی‌های پی‌هم، بخش زراعت و مالداري را آسیب زده، جنگل‌ها و ذخائر سبز طبیعی تخریب شده، آب‌های جاری ضایع و تغییرات اقلیمی باعث شده است که مهاجرت به شهرهای داخلی و خارج کشور تشدید پیدا کند. بحران اقلیمی مردم افغانستان را بر علاوه موارد فوق دچار درگیری امراض هولناک، بحران خشک‌سالی، تغییر جمعیت شهری و ده‌ها موارد دیگر نموده است که در صورت مبارزه جدی با آن آینده افغانستان با خطری جدی و قابل برگشتی مواجه است.

پیشنهادات

به رویت یافته‌های پژوهشی که در این مقاله یافته شده است، موارد زیر را به عنوان پیشنهاد به حکومت افغانستان مطرح می‌نمایم تا اقدامات هدفمندی را روی دست گیرد تا خوبتر علیه تغییرات اقلیمی مبارزه صورت گیرد.

۱. برنامه‌های آگاهی دهی به سطح مرکز، ولایت و محلات جهت حفظ و مبارزه با تغییرات اقلیمی روی دست گرفته شود؛

۲. افغانستان دارای پنج حوزه آبی گسترده است که بخش اعظم آب‌های همسایه خود را فراهم می‌کند دولت باید تلاش نماید تا با ایجاد بندها و کانالهای آبی دشت‌ها و صحراهای خشک خود را به محیط سبز تبدیل کند؛

۳. بخش مبارزه با تغییرات اقلیمی باید جز نصاب آموزشی مکاتب و پوهنتون‌ها شود تا سطح آگاهی جمعی در راستای مبارزه با تغییرات اقلیمی بالا برود؛

۴. دولت باید در راستای ماستر پلان شهری، طرح و دیزاین شهرک‌ها و سیستم آبرسانی و کانال‌های فاضلاب برنامه‌ای معقول داشته، جدی باشد؛

۵. ریاست محیط زیست، بخش‌های تخصصی وزارت زراعت و مالداري مسئولین درجه یک در راستای حفظ و نگهداشت محیط‌های سبز و ایجاد پارک‌های ملی اند، باید در این بخش تلاش نموده و با مردم و دولت در امر مبارزه با تغییرات اقلیمی همگام باشند.

منابع

- امیری، حامد. (۱۳۹۷). «چالش‌های صنعت گردشگری در افغانستان»، فصل‌نامه علمی - تحقیقی علوم اجتماعی دانشگاه غالب، سال هفتم، شماره سوم.
- رحیمی، سردار محمد. (۱۳۹۱). ژئوپولیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل: انتشارات سعید.
- عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). در آمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان، تهران: انتشارات علم و دانش - خراسان.
- عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). اکو توریسم در افغانستان، کابل: مطبعه کاروان.
- محمد پور، مجید. (۱۳۸۵). افغانستان - فرصت‌ها و تهدیدها، تهران: انتشارات جارجمی.
- Akram,naeem.(2012). Is climate change hindering economic growth of Asian economy, vol.19,no.2,December 2012.
- Aman, fatema. (2016) water dispute escalating between Afghanistan and iran, south Asia center: Atlantic council.
- Bozanic,Danjila.(2019).study on the socio- economic aspects of climate change in Afghanistan, Belgrade: global environmental facility.
- Cavage, matthew and doughery,bill.(2009). Social-economic impact of climate change in afghanistan, London: Stockholm environment institute.
- Cevil, serhan.(2023). Eye of the storm: the impact of climate shocks on inflation and growth,paris; international monetary fund.
- Cho, renee.(2019). How climate change impacts the economy, Columbia: climate school.
- Faiz, asma.(2022). Impact of climate change shocks on economic growth, environmental economic institute, carbon press.
- J.J.M and others.(2023). Climate change and its impact on rural areas, climate risk journal. Year 2013, vol.9, 2023.
- kumar, prashant.(2013). Environmental and socio-economic impact of global climate change, banaras: india.

- Mann,e,Michael.(2020). Socio- economic consequences of global warming, London: geological time.
- Naqdi, mohammad.(2017). Impact of climate change on settlement and infrastructure,London: center for environmental research.
- Orlov,Anton.(2017). Socio. Economic consequences of climate change in Hindu-kush, Islamabad: center for international climate research.
- Parry, M.L. and others (2014). Effect of climate change on global food production,delhi: india press.
- Raw.A.B.(2009). The impact of climate change on the least developed countries,paris: world press.
- Sheva,Mehdi.(2018). Socio- economic consequences of climate change, scotland: institute of research economy.



مباحث اصولی متعلق به دلالت لفظ "امر" و تطبیقات آن در آیات استغفار در سوره‌های هود و نوح

پوهنځار امین الله حلیمی*

دیارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

aminullahhalimi82@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-8694-7627>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهنځار رحیم الله سیرت

دیارتمنت فقه و قانون پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

rsrajbi1989@gmail.com

نویسنده

نشانی برقی

چکیده

مباحث اصولی متعلق به دلالت الفاظ یکی از مهمترین بحث‌های اصول فقه به شمار می‌رود، کتاب و سنت، نقطه مرکزی در بحث‌های اصول فقه، و حتی در تمام علوم اسلامی است، هنگامیکه انسان در تفسیر آیات قرآن کریم داخل شود و به تدبیر و بررسی آن‌ها پردازد، واضح می‌گردد که استغفار (طلب بخشش) متعلق در مورد امت‌های گذشته در قرآن کریم با چند نوع بیان شده است، و برای بیان نوع این خطاب‌ها ضرورت به ریشه‌یابی و توضیح آن‌ها دیده می‌شود. پرسشی اساسی که هدف تحقیق را تشکیل می‌دهد این است که: آیا کلمه استغفار متعلق به صیغه امر که در قرآن کریم وارد شده است متضمن مباحث اصولی است؟ از این جهت تمرکز اصلی این تحقیق ارتباط بین قرآن کریم و بین علم اصول فقه است، و این بر اساس مباحث و تطبیقات اصولی که از کتاب الله متعال استنباط شده است می‌باشد. روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده روش استقرای و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: مباحث اصولی متعلق به لفظ "امر" استغفار در قرآن کریم جنبه تطبیقی زیاد داشته که از جمله در سوره‌های هود در چهار آیه (3، 52، 61، و 90) آن کلمه استغفار بکار رفته است که استغفار در این آیات برای وجوب است. و در سوره نوح در یک آیه (10) که استغفار به صیغه امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است.

کلیدواژه‌ها: استغفار، اصولی، قرآن کریم، مباحث.

Jurisprudential Principles Relating to the Denotation of the Word "Command" and Its Applications in the Verses of Seeking Forgiveness in Surahs Hud and Noah

Author
Email
Orcid

Aminullah Halimi
Islamic Studies Department, Shariah Faculty,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan.
aminullahhalimi82@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0002-8694-7627>

Author
Email

Rahimullah Serat
rsrajbi1989@gmail.com

Abstract

The jurisprudential principles pertaining to the denotation of words represent one of the most significant discussions in the principles of Islamic jurisprudence. The Quran and Sunnah are central to these discussions and indeed to all Islamic sciences. When delving into the interpretation and examination of the verses of the Holy Quran, it becomes evident that the concept of seeking forgiveness (istighfar) concerning past communities is presented in various forms. To elucidate the nature of this discourse, a thorough analysis and explanation are required. The fundamental question that this research aims to address is whether the term "istighfar" associated with the imperative form in the Holy Quran entails jurisprudential discussions. Therefore, the primary focus of this research is to highlight the connection between the Holy Quran, as the Book of Allah the Almighty, and the science of the principles of jurisprudence, particularly through the lens of interpretation based on jurisprudential principles derived from the Holy Book. The methodology employed in this research is inductive and library-based. The findings of this study indicate that the jurisprudential principles related to the imperative form of "istighfar" in the Holy Quran have significant practical applications. Notably, in Surah Hud, the term "istighfar" is used in four verses (3, 52, 61, and 90), where seeking forgiveness in these verses denotes obligation. In Surah Noah, in one verse (10), seeking forgiveness in the imperative form shifts from obligation to guidance and direction.

Keywords: Discussions, Jurisprudential, Istighfar, Holy Quran

مقدمه

الحمد لله ذي العزة والجلال، والرحمة، والصلاة والسلام على محمد رسوله خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم وعلى آله وصحبه رضوان الله علیهم أجمعین.

اما بعد: بدون شک و تردید علم اصول فقه یکی از ستون اصلی و مهم در منظومه علوم اسلامی است، از جهت نیازمندی و اهمیت آن در معرفت و آشنایی اصول و قوانین اسلامی که در جهت اجرای احکام شرعی به صورت متوازن و هماهنگ با عقل دانسته شده است. از همین خاطر است که علمای متقدم و متأخر اهتمامی بیشتری به این علم داشتند، و در این عرصه از هیچ گونه زحمت و تلاش دست برنداشتند؛ در این علوم خیلی از علماء تالیف‌ها و تصنیف‌های زیادی بصورت طولانی و مختصر با ترتیب و تهذیب خیلی زیبا انجام دادند، تا اینکه یکی از بهترین علوم از جهت ارتباط به کتاب الله و سنت رسول صلی الله علیه وسلم قرار گرفته است، چون توسط همین علم خیلی از مسایل و احکام از کتاب الله و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم استفاده شده است.

تیین مسأله

هنگامیکه انسان در تفسیر آیات قرآن کریم داخل شود با تدبر به بررسی آن پردازد، واضح میگردد که استغفار (طلب بخشش) متعلق در مورد امت‌های گذشته در قرآن کریم با چند نوع بیان شده است، و برای بیان نوع این خطاب ضرورت به ریشه‌یابی و توضیح آن داشتیم. از جهت دیگر مشکل رکود دانشجویان علوم شرعی در تعامل با نصوص قرآنی، و کیفیت استنباط احکام از خلال مباحث اصول به خصوص مباحث‌های دلالت الفاظ در برخورد با متون قرآنی سردچار است. همچنان برای همگان واضح است که علم اصول فقه یکی از علوم است که منبع اصلی آن قرآن کریم بوده، بسیاری از مسایل اصولی بر گرفته شده از آیات قرآنی می‌باشد بطور مثال مباحث دلالت الفاظ، چنانکه خیلی از مسایل و احکام قرآن کریم بدون اصول فقه بطور واضح دانسته نمیشود، و مباحث اصولی متعلق با الفاظ استغفار و تطبیق آن از قرآن کریم متضمن مباحث متعددی است که در این بحث توجه ما در مورد الفاظ استغفار وارده به صیغه امر در سوره‌های هود و نوح است تا اینکه بحث تفسیری و اصولی قرآن کریم همراه باشند.

سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

1. آیا کلمه استغفار متعلق به صیغه امر متضمن مباحث اصولی است؟

سوالات فرعی:

1. آیا تفسیر تاثیری بر استنباط احکام از الفاظ "استغفار" دارد؟

2. چي ارتباطی بین مباحث تفسیر و اصول فقهی نسبت به دلالت الفاظ وجود دارد؟

اهداف تحقیق

محقق می خواهد در نتیجه این تحقیق به اهداف ذیل نایل گردد:

- 1) ارتباطی که بین قرآن کریم، و علم اصول فقه وجود دارد به وضوح می رساند که در این موضوع از جایگاه خوبی برخوردار بوده، و این بر اساس مباحث و تطبیقات اصولی که از قرآن کریم استنباط شده است، نیاز بوده که یک بحث تخصصی که جمع کننده هر دو علم "تفسیر و اصول فقه" باشد.
- 2) ضمناً داخل ساختن علم اصول فقه با تطبیقات جدید آن در مباحث اصولی؛ بخصوص دلالت الفاظ که یک بحث خیلی وسیع است، و ما در این مقاله تنها لفظ استغفار که به صیغه "امر" وارد شده خواهیم پرداخت.

پیشینه ی تحقیق

در خصوص مباحث اصولی متعلق با دلالت الفاظ "امر" استغفار و تطبیق آن از قرآن کریم، تحقیقاتی خاصی صورت نگرفته است، ولی بطور پراکنده و عمومی این مباحث بیان شده است که بر حسب جستجوی نگارنده چند مورد آن را که این موضوع را بحث کرده اند ذکر می گردد:

المباحث الأصولية المتعلقة بالفاظ الاستغفار وتطبيقاتها من القرآن

الکریم: این اثر رساله علمی مرحله ماستری بوده، که مباحث اصولی متعلق به الفاظ قرآن کریم را به طور تفصیلی و عمومی بیان نموده است. صاحب این اثر جمال جدوع خشم بوده که تحت رهنمای استاد دوکتور أحمد حمید حمادی، جهت بدست آوردن ماستری خود در دانشگاه تکریت، عراق نوشته واز آن دفاع نموده است و یافته های خود را بطور عموم در

مورد مباحث اصولی متعلق به دلالت الفاظ استغفار بطور عموم و تفصیلی به زبان عربی به بحث و بررسی گرفته است. و فرقی بحث ما نسبت با این بحث این است که بحث و تحقیق ما خاص در مورد مباحث اصولی متعلق به الفاظ استغفار "امر" و تطبیق آن در آیات قرآن کریم از سوره هود و سوره نوح به زبان فارسی است.

ألفاظ الغفران في القرآن الكريم: "دراسة لغوية" این رساله ماستری بوده که توسط سحر ناجی فاضل المشهدی، تحت رهنمایی دوکتور محمد حسین علی الصغیر در سال 2008 میلادی در دانشگاه کوفه در دانشکده زبان و ادبیات عربی نوشته شده است. که محتوی اصلی آن در مورد کلمه غفران در قرآن کریم از ناحیه لغوی که دارای مباحث صرفی و نحوی بحث شده است. و فرقی بحث ما نسبت به این بحث این است که بحث و تحقیق ما خاص در مورد مباحث اصولی متعلق به الفاظ استغفار "امر" و تطبیق آن در آیات قرآن کریم از سوره هود و سوره نوح به زبان فارسی است.

با استفاده از منابع ذکر شده این مقاله سعی می نماید که استقرای الفاظ وارد شده "استغفار" که متعلق به استغفار انبیاء علیهم السلام، مخصوصا در سوره هود و سوره نوح، و استدلال آن در مباحث اصولی است.

روش تحقیق

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده است روش استقرائی و کتابخانه ای بوده که با استفاده از منابع مکتوب با رعایت مراحل پژوهشی علمی صورت گرفته است. در این تحقیق از مقالات، کتاب ها و رساله های علمی که در این موضوع نوشته شده اند برای غنا مندی این تحقیق استفاده شده است.

اهمیت تحقیق

از آن جا که برای همگان هوایدا و اشکار است که قرآن کریم اولین منبع برای سایر علوم شرعی است، و موضوع بحث ما متعلق به بهترین کتاب "کتاب الله" است، و بیان دلالت الفاظ استغفار که متعلق به لفظ امر و تطبیق آن از سوره های هود و نوح در قرآن کریم از حیث وضع و استعمال، و آثار اصولی و استنباط احکام از کتاب الله متعال است. بحث و بررسی مسایل اصولی بصورت خصوصی موجب فهم دقیقی است که در روشنی آن مسایل و احکام شرعی استنباط می شود.

نتایج ویافته‌ها

1- تعریف مباحث در لغت و اصطلاح:

مباحث در لغت:

مباحث جمع مبحث بوده که مصدر آن بحث است و بحث بمعنی جستجو و جستار، و کاوش و تفتیش است، و هدف اینجا سوال کردن است، چنان که گفته میشود این کتاب دارای مباحث است یعنی درای مسایل است. (عمر، 2008م، 162/1).

مباحث در اصطلاح:

" هو الذی تتوجه فیہ المناظرۃ بنفی أو اثبات"، (جرجانی، 1983م، 197)، آنچه در مناظره به نفی و اثبات در آن توجه کنند.

از تعریف‌های فوق واضح شد هدف از مباحث همان مسایل است که در مناظره‌های جهت اثبات و نفی یک چیز بحث شود.

2- تعریف لغوی و اصطلاحی اصول:

نسبت اصول در این جا به علم اصول فقه است، با این وجه با دو اعتبار قابل تعریف است:
اول: از لحاظ مرکب اضافی بودن: با این اعتبار از دو کلمه ای "اصول و فقه" ترکیب شده است.

اصول جمع "اصل" است و اصل در لغت چیزی است که چیزی دیگری بر آن بنا می شود، خواه این بنا حسی باشد و یا عقلی.

و در اصطلاح: بر چندین معانی اطلاق شده است از جمله بهترین آنها: راجح، مستصحب، قاعده و دلیل (زیدان، 1396 هـ، 4) چنانکه امام آمدی گفته است: "اصول الفقه هی أدلة الفقه" (آمدی، ب.ت، 7/1)، اصول فقه همان دلیل فقه است، بناء بر این تعریف نزدیک ترین معنا به تعریف لغوی همان دلیل و یا قاعده کلی است.

اما فقه در اصطلاح: "هو العلم بالأحكام الشرعية العملية المكتسب من أدلتها التفصیلة"، (جرجانی، 1983م، 168). فقه عبارت است از علم به احکام شرعی عملی به دست آمده از ادله تفصیلی آن.

از تعریفات فوق دانسته شد که مراد از اصول فقه در لغت همان اساس فهم دقیق است، و در اصطلاح معرفی ادله مجمل، و کیفیت استفاده از آن است.

دوم: به اعتبار اینکه لقب و نام برای علم اصول فقه است: عبارت است از علم به قواعد و ادله ای اجمالی که در استنباط فقه از آن‌ها استفاده می‌شود. (زیدان، 1396 هـ.ق: 8).

3- تعریف دلالت در لغت و اصطلاح:

دلالت در لغت: بمعنی نشان دادن چیزی و رهنمای و هدایت است. (ابن فارس، 259/2: 1979).

دلالت در اصطلاح: به حالتی در یک شیء اطلاق می‌گردد که سبب علم به شیء دیگر می‌گردد، شیء اول را دال و شیء دوم را مدلول گویند. (جرجانی، 1983 م: 104). بنا بر این حتماً باید میان دال و مدلول یک نوع رابطه و تلازم وجود داشته باشد.

4- تعریف الفاظ در لغت و اصطلاح:

الفاظ در لغت: جمع لفظ، معنی دور انداختن و پرتاب کردن است خواه به واسطه دهن باشد یا چیز دیگر. (ابن فارس، 1979 م، 259/5).

لفظ در اصطلاح: به اصواتی که از دهن بیرون می‌آید گفته می‌شود، خواه دارای معنا باشد یا نباشد. (جرجانی، 1983 م، 192).

5- تعریف استغفار در لغت و اصطلاح:

استغفار در لغت مشتق از "عفر" بمعنی پوشاندن است، و معنی استغفار آمرزش خواستن، مغفرت طلبیدن و توبه کردن است. (ابن فارس، 1979 م: 385/4).

و در اصطلاح: عبارت از استقلال و اشتیاق به کارهای خیر، و فروانی کاری‌های بد و دوری جستن از آنها است. (جرجانی، 1983: 18).

مباحث اصولی متعلق به "امر" و تطبیقات آن در آیات استغفار در سوره‌های هود و نوح.

قبل از آغاز به بیان آنچه که متعلق به تطبیقات امر بر آیات استغفار است، ضروری است که معنی و مفهوم امر را جهت آشنایی قواعد و اصول آن را بدانیم.

1- تعریف امر در لغت و اصطلاح:

امر در لغت: مصدر امر، بمعنی فرمودن، دستور دادن، و ضد نهی است که جمع آن اوامر است، و معنی امر در اینجا ضد نهی است. بناء بر آنچه قبلاً گفته شد امر عبارت از طلب کردن است. (ابن فارس، 1979 م: 137/1).

امر در اصطلاح: علمای اصول از امر تعریف‌های متعددی کردند از جمله:

أ. شخصی به ما تحت خود بگوید: این کار را انجام بده. (جصاص، 1994م: 79/2).

ب. طلب کار امر داده شده و اراده وقوع آن. (الشاطبی، 1997م: 369/3).

ت. امر لفظی است که برای خواست انجام فعل به شیوه‌ی استعلاء و برتر دلالت می‌کند. (آمدی، 1979م: 204/2).

بنا برین طلب فعل، با صیغه‌ی معروف امر، یعنی "افعل" یا با صیغه‌ی مضارع مقترن به لام امر یا با جمله‌ی خبری‌ای که مقصود از آن امر و طلب است صورت می‌گیرد (زیدان، 1396ه: 299).

2. **صیغه‌های امر:** صیغه‌های امر چهار است: (زرکشی 1994م:، 274/3).

1. فعل امر است به صیغه‌ی "افعل" مانند این قول الله تعالی: ﴿وَأَسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 90].

از پروردگارتان آمرزش (گناهان خود را) بخواهید.

2. اسم برای فعل امر است مانند: صه "یعنی سکوت کن".

3. مضارع مقرون به لام امر مانند: "لِيُقْم".

4. مصدری که قایم مقام برای فعل امر است مانند این قول الله تعالی: ﴿فَتَحْرِيرُ

رَقَبَةٍ﴾ [المجادلة: 3].

باید بنده‌ی را آزاد کنند.

3. **معانی امر:** صیغه‌های امر به چندین معانی استعمال شده‌اند که بعضی آن را بر پانزده

معنی استعمال کردند، و بعضی به بیست و شش معنی، و بعضی به بیشتر از سی معنی استعمال کرده‌اند. (زرکشی، 275/3). و از جمله‌ی این معانی:

1 - "ایجاب" است مانند این قول الله تعالی: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ [البقرة: 43].

و نماز را برپا دارید.

2 - مندوب است مانند این قول الله تعالی: ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا

﴾ [النور: 33].

اگر خیر (و صلاحیت بر پای خود ایستادن در زندگی آزاد و امانت در پرداخت اقساط بازخرید) در ایشان سراغ دیدید، (در راه آزادی کمکشان کنید) و خیلی از معانی دیگری که در صیغه های امر قابل استعمال هستند چون: مباح مانند این آیه کریمه که میفرماید:

﴿وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾ [المائدة: 2].

چون از احرام بیرون آمدید، شکار کنید. تهدید، مانند این آیه که می فرماید: ﴿اعْمَلُوا مَا سَأَلْتُمْ﴾ [فصلت: 40].

هرچه می خواهید بکنید. ارشاد مانند این آیه کریمه که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ﴾ [البقرة: 282].

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به همدیگر تا سر مدت معین وامی دادید، آن را بنویسید" و غیره.

4. مباحث اصولی متعلق به قاعده: "الأمر يقتضي الوجوب" و تطبیقات آن در آیات استغفار.

قبل از آغاز در تطبیقات این قاعده بر آیات استغفار لازم است که در مورد مجرد امر از قرائن نظر علما را بیان کنیم که آیا این قاعده در وجوب حقیقی است و در دیگران مجاز؟ چون صیغه ی امر دارای معانی زیاد در نصوص وارد شده است، در مورد معنایی که به صورت حقیقی از امر مراد باشد میان علما اختلاف نظر پدید آمده و به عبارت دیگر، علما در مورد معنای وضع شده برای صیغه ی امر خالی از قرینه ها دال بر معنای حقیقی، با هم اختلاف نظر دارند که قرار زیر بر چهار قول اختلاف نمودند:

قول اول: صیغه امر در وقت خالی بودن از قرینه ها دال بر وجوب بر صورت حقیقی است، و در دیگر معنی ها مجاز است، و این نظر جمهور اصولیین است. (جصاص، 1994م: 87/2، الزرکشی، 1994م: 286/3).

قول دوم: صیغه امر در وقت خالی بودن از قرائن دال بر مندوب به صورت حقیقت است، و در دیگر معانی مجاز است، و این قول امام شافعی، و اکثر معتزلی ها است. (زرکشی، 1994م: 3289/3).

قول سوم: صیغه امر در وقت تجرد از قرائن دال بر اباحت به صورت حقیقی است، و در دیگر معانی مجازی است، و این قول بعضی شافعی‌ها و بعضی معتزلی‌ها است. (زرکشی، 1994م: 290/3).

قول چهارم: تا وقتی پیدا شدن دلیل و یا قرینه بر هدف باید توقف کرد، و این قول بعضی از اصولیین مانند باقلانی و امام غزالی است. (غزالی، 1993م: 206، باقلانی، 1998م: 15/2).

بعد از ذکر اقوال علما اصول در مورد صیغه امر که مجرد از قراین باشد به ذکر دلایل جمهور اصولیین اکتفا می‌کنیم زیرا اینکه قول آنها نظر به دلایل شان صحیح و حق است، هر کسی که طالب معلومات اضافی است باید به کتاب‌های اصول فقه مراجعه کند، و دلایل آنها قرار ذیل ذکر می‌گردد:

دلیل اول: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 36].

هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد). هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد. این دلالت بر وجوب می‌کند از دو جهت: اول: نفی اختیار است که مقتضای آیت است، و کسی که قایل بر اباحت و مندوب بودن است که هر دویشان یکجا اثبات می‌شود و این بر خلاف مقتضای این آیه کریمه است، و دوم: الله متعال کسی را که امر را ترک می‌کند عاصی نامیده است، و عصیان و نافرمانی بجز از ترک واجبات نمی‌باشد بناء دلالت بر این می‌کند امر برای وجوب است. (جصاص، 89/2: 1998).

دلیل دوم: به این آیه کریمه استدلال کردند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ [المرسلات: 48].

وقتی بدانان گفته می‌شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش بپسندید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند!، الله متعال نسبت به ترک فعل امر اش آنها را مذمت کرده است پس این دلالت می‌کند که امر مجرد از قرائن دلالت بر وجوب می‌کند؛ زیرا اینکه مذمت نمی‌باشد بجز از ترک کار امر شده به انجام آن، (النملة، 3/1337: 1999).

دلیل سوم: در قرآن کریم آمده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلایی گریبان گیرشان گردد یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود". وجه استدلال به این هم آن است که سیاق آن برای بر حذر داشتن مردم از مخالفت با امر است و گفته که مخالف با امر گرفتار بلا یا عذابی دردناک می‌گردد و بدیهی است که فقط وقتی در مخالفت با خوف بلا و عذاب وجود دارد که چیزی امر شده به آن واجب باشد، زیرا در ترک غیر واجب محذوریتی وجود ندارد. (زیدان: 1396: 302).

بعد از ذکر اقوال اصولیین در امر مجرد از قرائن و آنچه بر دلالت کند، آغاز به تطبیقات این قاعده بر آیات استغفار می‌کنیم.

تطبیق اول: وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ. [هود: 3].

و این که از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او برگردید که خداوند (به سبب استغفار صادقانه و توبه مخلصانه) شما را تا دم مرگ به طرز نیکویی (از مواهب زندگی این جهان) بهره مند می‌سازد، و (در آخرت برابر عدل و داد خود) به هر صاحب فضیلت و احسانی (پاداش) فضیلت و احسانش را می‌دهد. اگر هم پشت بکنید (و از ایمان به یزدان و طاعت و عبادت خداوند رحمن روی بگردانید، بر رسولان پیام باشد و بس) من بر شما از عذاب روز بزرگی (که روز قیامت است) بیمناکم. وَيَقَوْمُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ

ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِينَ [هود: 52].

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش (گناهان و لغزشهایتان) را بطلبید و به سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند (و باران و برکات آن را بر شما پیاپی و فراوان گرداند) و نیروئی بر نیرویتان (و عزّت و شکوهی بر عزّت و شکوهتان) بیفزاید. (ای قوم من! از حق و حقیقت) بزهکارانه روی برتنباید (و بر گناه مصمّم و مصرّ نشوید).
وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ
أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ
مُجِيبٌ. [هود: 61].

به سوی قوم ثمود یکی از خودشان را (به عنوان پیغمبر) فرستادیم که صالح نام داشت (به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد (و کسی غیر او مستحقّ پرستیدن نمی باشد). او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره وری و بهره برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است). پس، از او طلب آمرزش (گناهان خویش) را بنمائید و به سوی او برگردید (و با انجام عبادات و دوری از منکرات، مغفرت و مرحمت او را بخواهید و بدانید که اگر در این کار صادق باشید، خداوند شما را در می یابد و دعای شما را می پذیرد). بیگمان خداوند من (به بندگانش) نزدیک (است و استغفار و انگیزه استغفارشان را می داند) و پذیرنده (دعای کسانی) است (که او را مخلصانه به زاری می خوانند و به یاریش می طلبند). 61، **وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ.** [هود: 90].

از پروردگارتان آمرزش (گناهان خود را) بخواهید و بعد (از هر گناه و لغزشی که در زندگی مرتکب می شوید پشیمان شوید و) به سوی او برگردید. بیگمان پروردگار من بسیار مهربان (در حق بندگان پشیمان و) دوستدار (مؤمنان توبه کار) است.

وجه دلالت این آیات: ﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 3]، ﴿وَيَوْمَ أَسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 52]، ﴿فَأَسْتَغْفِرُوهُ﴾ [هود: 61]، ﴿وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 90].

از قواعد اصولی که علما اصول ذکر کردند: "مطلق الأمر للوجوب ومطلق النهي للتحريم"، (الشاطبي، 1/24: 1997).

جمهور علما اصول بر این قایل اند که امر مطلق افاده وجوب را می کند، زیرا اینکه ترک امر صورت گرفته گناهکار قرار داده شده، و برای گناهکار وعید است نظر به این آیه کریمه: ﴿وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ [الجن: 23].

هر کس از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می ماند، پس وعید برای ترک امر دلیل وجوب است، و اینکه مخالف امر مستحق مذمت است چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ [المرسلات: 48].

وقتی بدانان گفته می شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و سر فرود آورید خضوع نمی کنند و سر فرود نمی آورند!، پس این جا نسبت مخالفت امر مستحق مذمت شدند که این خود دلالت بر معنی وجوب می کند، اگر سوال شود که این مذمت و وعید برای ترک کار امر شده از کجا دانسته می شود؟ و اگر این را بپذیریم از کجا بدانیم مطلق امر دلالت بر وجوب میکند؟ جواب این است که از مرتب شدن مذمت و وعید در نفس مخالفت امر به صورت مطلق است، (حمادی، 2022: 386)، از آنچه که گذشت به وضوح دانسته می شود که استغفار وارده در این آیات واجب می باشد؛ برای عدم موجودیت قرینه ی که از وجوب بر گرداند، و امر به استغفار در این آیات مطلق است، و امر به استغفار اینجا در معرض طلب از مشرکین است؛ زیرا طلب از مومن و کافر مختلف است، و توجیه ان این است که هرگاه مغفرت به خطاب کفار وارد شود مرتب بر ایمان است، و هرگاه خطاب برای مومنان باشد سفارش برای اطاعت و اجتناب از معاصی و امثال آن است، (آلوسی، 1995م: 79/15). از این جهت استغفار بر توبه مقدم دانسته شده؛ زیرا معنی توبه عبارت از رجوع بسوی الله متعال توسط اعمال صالح است، و اما استغفار: طلب آمرزش از شرک

شان به الله متعال است، عمل ویا انجام فعل برای الله متعال است اگر شرک را ترک نکند عمل شان قابل قبول نیست، زیرا در موجودیت شرک عمل شان برای شیطان محسوب می گردد، از این جهت الله متعال آنها را به توبه بعد از استغفار از شرک امر کرده است، (طبری، 2000م: 229/15)، بناء برای ما وضع شد که استغفار در این آیات برای وجوب است؛ زیرا وی خطاب برای کافران است که استغفار در حق شان واجب می گردد.

تطبیق دوم: این آیه کریمه است: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ [نوح: 10]. و برای آنها گفتم: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (و شما را می بخشد).

وجه دلالت این آیه کریمه ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾.

اصولی ها بر این نظر اند که صیغه "امر"، برای معانی فراوان چون وجوب، مندوب، تهدید، و مباح مشترک است، و اینکه بلند ترین درجه امر عبارت از وجوب است، وگاهی برای مندوب ویا مباح استفاده می شود، ولی براساس قرینه برگرداننده برای آن "وجوب" است بنا از استعمالات امر این است که گاهی برای توجیه وارشاد استفاده شده است، (غزالی، 1993م: 204، زرکشی، 1994م: 262/3)، واز قواعد اصولی که در این باب دلالت دارد این قاعده است: "أدنی درجات الأمر هي الندب أو الإباحة" (سرخسی، 1993م: 127/8؛ کاسانی، 1986م: 134/4)، بنا بر آنچه گذشت امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است؛ برای ارشاد نوع علیه السلام قومش را برای استغفار، رپرا وی موجب برکت وزیادتی است، پس قرینه موجوده اینجا امر را از وجوب به ارشاد انصراف داد، چنانکه طنطاوی رحمه الله گفته است: "من برای شان گفتم- بر سبیل نصیحت وارشاد که سبب منفعت شان گردد و آنها را آمده به اطاعت بسازد- که توسط استغفار وآمورزش به پروردگار تان رجوع کنید، واز کفر وفسق خود دست بکشید- زیرا الله متعال بسیار بخشنده است". (طنطاوی، 1997م: 116/15).

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله بحث، بطور مختصر قرار ذیل نتیجه گیری می نمایم:

یکی از منابع مهم علم اصول فقه قرآن کریم بوده که در تمام بخش‌های اصولی کار آمد بوده که مهمترین بخش آن تطبیق قواعد اصولی است که توسط آیات قرآن کریم ما یک بخش کوچک آن را اینجا به بررسی گرفتیم.

در قرآن کریم الفاظ استغفار در جاهای متعددی وارد شده است که بمعنی ستر و پوشیدن است، که بالخصوص کلمه استغفار با صیغه امر در چند جا وارد شده که داری مباحث اصولی است، نظر به قاعده کلی "الأمر يقتضی الوجوب" اصولی‌ها در امر خالی از قرائن که آیا آن به یکی از معانی حقیقی دلالت می‌کند؟ و یا بیشتر از یکی معنی، اختلاف نمودند: نظر جمهور این است که صیغه امر در وقت خالی بودن از قرائن دال بر وجوب به صورت حقیقی است، و در دیگر معانی مجاز است.

لفظ استغفار بر زبان تمام انبیاء علیهم السلام، و تمام امت‌ها وارد شده است، مخصوص یک امت نیست، و آن بخشی از عباداتی است که انبیاء علیهم السلام امت‌های شان را بر آن امر کرده‌اند.

مباحث اصولی متعلق به لفظ "امر" استغفار در قرآن کریم جنبه تطبیقی زیاد داشته که از جمله در سوره ای هود در چهار آیه (3، 52، 61، و 90) آن کلمه استغفار بکار رفته است که استغفار در این آیات برای وجوب است. و در سوره نوح در یک آیه (10) که استغفار به صیغه ای امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، أحمد بن زكرياء القزويني الرازي. (1979م). معجم مقاييس اللغة. تحقيق: عبد السلام محمد هارون. بيروت: دار الفكر.
- ألوسي، محمود بن عبد الله الحسيني شهاب الدين. (1995م). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. تحقيق: علي عبد الباري عطية. بيروت: دار الكتب العلمية.
- آمدی، علی بن علی بن محمد سيف الدين أبو الحسن. (ب.ت). الإحكام في أصول الأحكام. تحقيق: عبد الرزاق عفيفي. بيروت: المكتب الإسلامي.
- باقلاني، محمد بن الطيب بن محمد بن جعفر القاضي أبوبكر. (1998م). التقريب والارشاد (الصغير). تحقيق: عبد الحميد بن علي. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- جرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف. (1983م). كتاب التعريفات. تحقيق: جماعة من العلماء باشراف الناشر. بيروت: دار الكتب العلمية.
- جصاص، أحمد بن علي الرازي. (1994م). الفصول في الأصول. كويت: وزارة الأوقاف الكويتية.
- حمادي، أحمد حميد. (2022م). الصلاة على النبي (ﷺ) بين المنظوم والمفهوم دراسة تأصيلية. مجلة العلوم الاسلامية، ج13.
- زرکشی، محمد بن عبد الله بن بهادر بدر الدين. (1994م). البحر المحيط في أصول الفقه. بيروت: دار الكتب العلمية.
- زيدان، عبد الكريم. (1396). الوجيز در اصول فقه. مترجم: دکتر فرزاد پارسا. سنندج: انتشارات کردستان.
- سرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (1993م). المبسوط. بيروت: درا المعرفة.
- شاطبي، ابراهيم بن موسى بن محمد. (1997م). الموافقات. تحقيق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان. الرياض: دار ابن عفان.
- طبري، محمد بن جرير بن يزيد أبو جعفر. (2000م). جامع البيان في تأويل القرآن. تحقيق: أحمد شاکر. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- طنطاوي، محمد سيد. (19197م). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.
- عمر، أحمد مختار عبد الحميد. (2008م). معجم اللغة العربية المعاصرة. بيروت: عالم الكتب.
- غزالي، محمد بن محمد الطوسي أبو حامد. (19913م). المستصفى. تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي. بيروت: دار الكتب العلمية.

- کاسانی، ابوبکر بن مسعود بن احمد الحنفی. (1986م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. تحقیق: ادار
الکتب العلمیة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- نملة، عبد الکریم بن علی بن محمد. (1999م). المہذب فی علم أصول الفقه المقارن (تحریر لمسائله
ودراستها دراسة نظریة تطبیقیة). الرياض: مکتبة الرشد.



مدیریت محیط زیست از نظر اسلام

پوهنمل محمد قاسم رشیدی

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان، بدخشان افغانستان

Qaseemrashidi2019@gmail.com

orq/0009-0005-2742-3948

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

محیط زیست انسانی عبارت است از مجموعه عوامل طبیعی و مصنوعی و اجتماعی که در اطراف او وجود دارد و بر زندگی اش تاثیر می گذارد و از او تاثیر می پذیرد. الله متعال زمین، آب، هوا و دیگر پدیده های طبیعی را برای رفاه و آسایش بشر آفریده، تا انسان از یک سو مطابق قانون طبیعی کون و شرع در آن ها تصرف نماید، و از طرف دیگر باید از آن ها پاسداری کند. هدف این تحقیق بازیابی راه حل چالش های محل زیست در روشنی آموزه های دینی می باشد. زیرا در شرایط کنونی، استفاده بی رویه از طبیعت و عدم رعایت قوانین اخلاقی و طبیعی آن، بشریت را در پرتگاه سقوط قرار داده و محیط زیست را با بحران خطرناکی مواجه ساخته است. در این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه استفاده صورت گرفته است. با این حال، محیط زیست ابعاد گسترده ای دارد که بحث روی تمام جوانب آن ممکن نبوده، بناء بحث خود را روی سه نقطه کلیدی که مدیریت زمین، آب و هوا می باشد، متمرکز نموده ام. با بررسی متون دینی به این نتیجه رسیدیم که اگر آیات و احادیثی که در زمینه ی حفظ و مراقبت از محیط آمده اند، به صورت درست با زخوانی و تطبیق شوند بدون شک مشکل بنیادی نه تنها جامعه ی اسلامی، که از همه ی بشریت حل خواهد گردید، زیرا اصول اخلاقی و عقیدتی در این زمینه نقش کاملاً ملموس، فراگیر و قابل ملاحظه ای دارند.

کلیدواژه ها: مدیریت، محیط زیست، اسلام، انسان.

Environmental Management from an Islamic Perspective

Author

Muhammad Qasem Rashidi

[Islamic Studies Department, Shariah Faculty,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan

E-mail

Qaseemrashidi2019@gmail.com

Orcid

[orq/0009-0005-2742-3948](https://orcid.org/0009-0005-2742-3948)

Abstract

The human environment consists of a collection of natural, artificial, and social factors that surround an individual, influencing their life and being influenced by them in return. Almighty Allah created the earth, water, air, and other natural phenomena for the comfort and well-being of humanity. On one hand, humans are to interact with these resources in accordance with natural laws and religious principles, and on the other hand, they are obliged to safeguard them. The aim of this research is to explore solutions to the challenges facing human habitats in light of religious teachings. In the current context, the reckless exploitation of nature and the failure to observe its ethical and natural laws have led humanity to the brink of catastrophe, placing the environment in a dangerous crisis. This study employs a descriptive-analytical method, utilizing library-based tools. However, given the vast scope of environmental issues, it is not feasible to address all dimensions comprehensively. Therefore, I have focused my discussion on three key areas: land, water, and air management. Through an examination of religious texts, I have concluded that if the verses and hadiths concerning environmental preservation are properly revisited and implemented, the fundamental problems facing not only Islamic societies but humanity as a whole will undoubtedly be resolved. This is because ethical and theological principles play a profoundly significant, pervasive, and observable role in this matter.

Keywords: Management, Environment, Islam, Humanity.

مقدمه

خداوند متعال، انسان را در زمین برای بندگی خود آفریده و طبیعت را مسخر او ساخته است تا از آن به صورت قانون- مند استفاده کند. تمام فراورده‌های زمین در اختیار انسان قرار داده شده و مدیریت آن‌ها نیز به عهده‌ی او گذاشته شده است. یکی از مکلفیت‌های انسانی و اخلاقی بشر، حفاظت از نظام خلقت و شگوفایی محیط زیست (خاک، آب و هوا) است. اما استفاده‌ی بی‌رویه از محیط زیست، استهلاک سرسام‌آور منابع طبیعی، تاسیس کارخانه‌جات تولیدات صنعتی، ذوب شدن یخچال‌ها، گرمی رو به افزایش زمین، تخریب لایه‌های ازن، بیابانی شدن زمین‌های مزروعی، آلودگی هوا و کمبود آب‌های صحی و مسایل از این قبیل، چالش‌هایی را در برابر تدوام زندگی بشر قرار داده است. دقیقاً این همان چیزی که در قرآن کریم به نام «فساد فی الأرض» یاد شده است که باید از آن جلوگیری شود.

تبیین مسأله

یقیناً گرم شدن کره‌ی زمین، کمبود آب‌های مورد نیاز، قطع سرسام‌آور جنگلات، تخریب زمین و آلود ساختن هوا و آب، به معضل بزرگ و حل ناشدنی تبدیل شده است. بنا به آمارهای سازمان ملل، در کمتر از دو قرن با مصرف سوخت‌های فسیلی و نابود شدن جنگل‌ها، مقدار کل کاربن دای اکساید در اتمسفر به میزان 25% بالا رفته است. اکنون بشر به این حقیقت پی برده است که فعالیت بی‌رویه‌ی انسان می‌تواند بقای انسان را در کره‌ی زیر سوال ببرد، زیرا آلودگی محیط زیست مثل آتشی است که هیزم تر و خشک گناهکاران و غیر گناهکاران را باهم می‌سوزاند، بنابراین لازم است تا تمامی ساکنان کره زمین برای توسعه پایدار و جلوگیری از تخریب محیط زیست و آلودگی، مشارکت فراگیر و هماهنگ داشته باشند. نقش مسلمانان در این بحران فراگیر بشری چه گونه است و دین مقدس اسلام در این زمینه چه راه حل‌هایی در پیش روی ما قرار می‌دهد، موضوع محوری این تحقیق است

سوالات تحقیق

1- محیط زیست در قرآن کریم، سنت نبوی و فقه اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟

2- آیا دین مقدس اسلام در زمینه‌ی «مدیریت محیط زیست»، برنامه و دستور العمل‌هایی دارد؟

اهداف تحقیق

- رعایت اصول و آدابی که دین مقدس اسلام در زمینه‌ی مدیریت محیط زیست، وضع نموده است.
- جلوگیری از آلودگی محیط زیست مطابق اصول اخلاقی، اعتقادی و راهکارهای شرعی.
- بیرون رفتن از چالش‌هایی که به سبب آلودگی آب و هوا، فرا راه جامعه بشری - به ویژه کشورهای اسلامی - قرار گرفته است

روش تحقیق

در این مقاله از روش تحلیلی- توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است. احادیث مربوط به موضوع از کتاب‌های حدیث جمع آوری و دسته بندی شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته اند. به همین گونه تلاش صورت گرفته تا آیات و احادیث ترجمه‌ی دقیق شوند.

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این زمینه به زبان‌های مختلف نوشته شده است که این چند کتاب در دسترس بنده بودند: اسلام و محیط زیست از (نورالدین امر، 1394هـ) اصول اخلاقی محیط زیست از (حمید فغفور مغربی، 1388هـ) نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از (علیرضا الماسوندی، 1401هـ). اما نوشته‌های فوق، هرکدام به یکی از بخش‌های موضوع پرداخته اند. به طور مثال حمید فغفور تنها اصول اخلاقی محیط زیست را مورد بررسی قرار داده است، به همین گونه ماسوندی فقط نقش اعتقادات در مدیریت محیط زیست را به بررسی گرفته است، در حالی که نورالدین امر به نقش عقاید و اخلاق در محیط زیست هیچ اشاره‌ای نداشته، بناء من خواسته‌ام موضوع را به صورت جامع‌تر مورد بررسی قرار دهم.

اهمیت تحقیق

اهمیت پرداختن به طبیعت آنجا آشکار می‌شود که یکی از قوی ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. شرنوشت بشر با محیط زیست گره خورده است، بناء اگر محیط

زیست‌مدیریت نشود، بستر زندگی انسان نیز برچیده خواهد شد. بناء پرداختن به محیط زیست، شناسایی مشکلاتی که سبب آلودگی محیط زیست می‌گردد و یافتن راه حل آن، در حقیقت پرداختن به سرنوشت خود انسان است.

نتایج ویافته‌ها

تعریف علمی محیط زیست

محیط زیست در معنایی که امروزه به کار می‌رود؛ در بسیاری از زبان‌ها، اصطلاحی نو و تازه است. کاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم باز می‌گردد. این اصطلاح از آغاز ده‌شصت‌کاربردی مستمر و مؤثر پیدا کرده و در خلال همین دهه کلمات جدیدی برای بیان این مفهوم، در زبان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. این امر نشان از سابقه‌ی تقریباً 30 سال توجه بخش عظیمی از جهان، به طور همزمان، نسبت به پدیده‌ای تازه است که پیش روی جهان مدرن قرار دارد. مفهوم لغوی (Environment) محیط است که اصطلاحاً برای مفهوم محیط زیست به کار گرفته است. محیط زیست، به تمامی محیطی اطلاق می‌شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. به زبان ساده محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آب‌زیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر، یاده که شامل کوچه، خیابان، ساختمان و غیره می‌شود محیط زیست انسانی نیز عبارت است از؛ مجموعه عوامل طبیعی و مصنوعی و اجتماعی که در اطراف او وجود دارد و بر زندگی اش تاثیر می‌گذارد و از او تاثیر می‌پذیرد. (الماسوندی، 1351: 5).

تقسیم محیط زیست: محیط زیست انسانی به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف: محیط زیست طبیعی که شامل قسمتی از فضای کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است، مانند کوه، جنگل، دریا. محیط زیست طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود:

1- بی‌جان؛ مانند آب، هوا، خاک و غیره.

2- محیط زیست جان‌دار، مانند گیاهان، حیات وحش و غیره.

ب: محیط زیست مصنوعی: این بخش، قسمتی از محیط زیست را شامل می‌شود که به دست بشر ساخته شده است. به طور کلی، شهرهای ما با تمام محتوای شان محیط زیست

مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند، خانه‌ها، مدارس، فرودگاه‌ها، کارخانه‌ها و... همگی از اجزای محیط زیست مصنوعی به شمار می‌روند. فرم و شکل محیط زیست مصنوعی حاصل نیروی فکر جامعه است و از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای شناخت طرز تفکر و فرهنگ هر جامعه بهره جست؛ بر پایه‌ی همین استدلال می‌توان از طریق بررسی تمیزی یا آلودگی ی که شهر به کیفیت فرهنگی مردم آن شهر و میزان اهمیتی که برای بهبود کیفیت شرایط زندگی خود قایل هستند، پی برد.

چ: محیط زیست اجتماعی: همه انسان‌های اطراف ما اعم از خانواده، همسایه، همکار و... محیط زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. این بخش از محیط زیست، دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا زندگی انسان یک موجود اجتماعی است که در سایه‌ی ارتباط با دیگران مفهوم پیدا می‌کند (الماسوندی، 1401: 36).

طبیعت در جهان بینی اسلامی

کار و تلاشی که در جوامع بشری پیرامون طبیعت صورت گرفته، بر دو نوع جهان بینی استوار است: یکی جهان بینی الهی و دیگری جهان بینی مادی، که این دو نوع جهان بینی، خود باعث دو طرز تفکر و در نتیجه، دو گونه برخورد با محیط زیست می‌شود؛ زیرا جهان بینی مادی بر این اعتقاد است که طبیعت، فاقد شعور است و می‌توان هر گونه دخل و تصرفی در آن نمود. کسی می‌تواند در این عرصه موفق شود که بیشترین بهره را از طبیعت ببرد و با توانایهای علمی و فن آوری‌های جدید، محیط را مقهور خود نماید، این در حالی است که در جهان بینی الهی، نه تنها طبیعت فاقد شعور نیست، بلکه موجودی هوشمند و نشانه از نشانه‌های الهی شمرده می‌شود: **{تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا}** {الإسراء: 44}

ترجمه: آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند همگی، تسبیح خدا می‌گویند و بلکه هیچ موجودی نیست مگر این که حمد و ثنای وی می‌گویند، ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید بی‌گمان یزدان بس شکیبیا و بخشنده است.

قرآن کریم، مالکیت همه اشیا را از آن خداوند متعال دانسته و مالکیت انسان نسبت به اموال مالکیت قراردادی است که از سوی خداوند متعال به افراد، به عنوان امانت تفویض شده است، مانند مالکیت انسان بر اعضای بدن خود، در آیات متعددی تصریح شده است که

همه موجودات که در آسمان‌ها هستند و از محدوده‌ی علم بشر پنهان و آنچه در زمین است و آنچه بین آن‌ها است و آنچه در اعماق زمین است از آن خدا است و مالک حقیقی آن‌ها، الله متعال می‌باشد. پس ما در محیطی زندگی می‌کنیم که خدای عالم، خالق و مالک و حاکم آن است و هدایت و تربیت عالم نیز به عهده‌ی او است. در قرآن کریم آمده است:

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آل عمران: 189].

ترجمه: و ملک آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا بر هر چیزی توانا است. اهمیت پرداختن به طبیعت آنجا آشکار می‌شود که یکی از قوی‌ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. حکمای مشا از مشاهده افعال متکثر و هماهنگی که در گیاهان و حیوانات است و مستند به اجزای و عناصر مادی خاص درون گیاه یا حیوانی است، نفس حیوانی یا گیاهی را نتیجه گرفته‌اند و شیخ اشراق از هماهنگی عالمانه و مدبرانه میان عناصر، به اثبات خدای متعال برای آن‌ها می‌پردازد (الماسوندی، 1401: 36).

قرآن کریم در آیات متعدد به این مسئله می‌پردازد: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ آل عمران: 190**

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌ها و دلایلی برای خردمندان است.

در اندیشه اسلامی، انسان سرور زمین و عهده دار نقش اول روایت‌ها و حکایت‌ها در قرآن است و همه‌اشیایی که در زمین وجود دارد برای او و در خدمت او است و هر گونه تغییر و تبدیلی در طبیعت در تسخیر او، توسط او صورت می‌گیرد. چنین برجستگی باعث می‌شود که انسان، گرامی‌تر و عزیزتر از همه‌اشیای مادی باشد، طوری که قرآن کریم بدان تصریح نموده است.

به همین گونه محیط زیست در فقه اسلامی نیز جایگاه بلندی دارد. قانون طبیعت یک حق، همگانی است و تخریب آن، برخلاف قوانین زیست محیطی می‌باشد. روشن است که اقدام به تخریب محیط زیست، در واقع اقدامی برخلاف حق، یعنی جنگیدن با حق است. یکی از مشهورترین قاعده‌های فقه اسلامی که در بیشتر ابواب؛ مانند عبادات، معاملات،

روابط اجتماعی و اقتصادی از آن بهره‌ی زیادی گرفته می‌شود، قاعده «لاضرر ولاضرار»¹ است. لاضرر و لاضرار، یعنی این که در اسلام هر حکمی که اصل وجود یا توسعه و استمرار آن مستلزم ضرر و ضرار بوده باشد منفی است. به عبارت دیگر، حکم کلی در اسلام این است که احکام موضوعه در اسلام نبایستی به ضرر و ضرار منجر گردد. (خزایی، 1396: 17).

مدیریت محیط زیست

انسان به عنوان بخشی از این عالم عظیم هست و هرگز نمی‌بایست به صورت یک وصله‌ی ناهماهنگ در این عالم زندگی کند. عالم نظام و میزانی دارد و انسان‌ها نیز باید برای حیات توأم با سعادت و سلامت خویش از این نظام و میزان و قوانین و معیارهای توازن بخش عالم هستی تبعیت کنند. همانطوری که اگر میزان و قانون از عالم پرچیده شود راه فنا و نابودی درپیش می‌گیرد. اگر انسان‌ها نیز در زندگی فردی و اجتماعی خویش فاقد نظم و میزان بوده و التزامی به رعایت معیارهای به‌هنجار در زندگی اجتماعی خویش نداشته باشند، رو به فنا خواهد رفت. با توجه به این امر، مدیریت محیط زیست مطابق قوانین کون و شرع یک امر ضرور بوده که در مباحث آتی روی مدیریت، زمین، آب و هوا در روشنی آیات و احادیث بحث خواهیم نمود.

الف: مدیریت زمین

خاک تأمین کننده مواد غذایی است، خاصیت تصفیه‌کنندگی نیز دارد و به همین دلیل به عنوان یکی از پالاینده‌های مهم طبیعت محسوب می‌شود. بستر بودن خاک برای حیات و هرگونه آلودگی در این محیط به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دیگر موجودات زنده اثر می‌گذارد، این را می‌شود با در نظر داشت موارد زیر، مدیریت نمود.

1- حفاظت زمین از آلودگی

متاسفانه آلودگی خاک نسبت به سایر آلودگی‌های زیست محیطی؛ همچون آب و هوا، به دلیل ملموس نبودن آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما باید توجه نمود که خاک به عنوان یک عنصر میانی بین آب و هوا نقش بسیار مهمی در انتقال و نگهداشت آلودگی

¹ این قاعده از حدیث گرفته شده است که در کتاب‌های مختلف حدیثی آمده است از جمله در سنن ابن ماجه. محمد فواد عبدالباقی در حاشه این کتاب می‌گوید: با آن که این حدیث منقطع است ولی روای‌های حدیث ثقه هستند. با این حال این حدیث به حیث قاعده فقهی متداول در آمده است. (ابن ماجه، 784/2).

دارد، به خصوص به دلیل ماهیت جامد بودن آن مسأله‌ی نگهداشت و انتقال آلودگی از این محیط به سایر محیط‌ها و جان‌داران قابل تامل است. (الماسوندی، 1401: 40)

بناء آلوده ساختن محیط زیست، نمونه‌ی آشکار فساد در زمین است، زیرا نقطه‌ی مقابل اصلاح و صلح، یعنی سازگاری در نظام طبیعت است. در قرآن کریم آمده است: **وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** [الأعراف: 85]

ترجمه: و در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی نکنید. این کار به سود شما است اگر ایمان دارید.

آمار محیط زیست در زمینه‌ی کویرزایی بسیار و حشتناک است: سالانه 18 میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی به صحرا می‌پیوندند. فضای سبز جنگل جهانی از 37 میلیون کیلومتر مربع به 24 میلیون کیلومتر مربع کاهش یافته است، 90 کشور با بیابان زایی دست به گریباندن و 40 در صد فرآورده‌های کشاورزی جهان پایین آمده و ... (امرا، 1394هـ: ص 27).

در حالی که قرآن کریم تخریب کشتزار و جنگلات را فساد قلمداد نموده است: **وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ** **الْفُسَادَ** [البقرة: 205]

ترجمه: و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان، حیوان و درختان) را نابود کند و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌داند.

2- اصلاح زمین

دین مقدس اسلام برای اصلاح زمین، حفظ امنیت فضای سبز و طبیعت راهکارهای زیادی را به صورت عملی و اخلاقی به اجرا گذاشته است، زیرا هدف از تسلط بر زمین، استفاده از زمین و عمران و آبادی آن است، نه سیطره‌ی مطلق بر آن. در قرآن کریم آمده است: **{هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا}** {هود: 61}

ترجمه: او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است بازسازی زمین و عمران آن، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دینی ما دارد، به همین خاطر است که زمین به هر صورتی که امکان دارد، باید مورد استفاده قرار بگیرد. پیامبر اکرم صلی الله

علیه وسلم می‌فرماید: "مَنْ كَانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيُزْرِعْهَا، أَوْ لِيَمْنَحْهَا أَخَاهُ (بخاری، 1388: 118/2).

ترجمه: کسی که زمینی دارد باید آن را کشت کند و یا به برادرش ببخشد (تا آن را آباد کرده از آن استفاده نماید).

سطح زمین نقش چشم‌گیری در تولید زراعت دارد، اهمیت پستی و بلندی زمین از سطح دریا و همچنین تناسب دوری و نزدیکی آن به آفتاب، مساعد بودنش با سیستم وزش باد و باران همه و همه زمینه‌ی خوبی است برای توسعه زراعت و کشت و کار (هارون، 1423: 11).

همه این‌ها نعمت‌های الهی بوده که باید پاسداری شوند، طوری که الله متعال می‌فرماید: **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ [الأنعام: 141]**

ترجمه: خدا است که آفریده است باغهایی را که بر پایه استوار می‌باشند و باغهایی را که چنین نیستند و خرمائوها و کشتزارها را آفریده است که ثمره‌ی آن‌ها گوناگون است، و نیز درختان زیتون و انار را آفریده است که هم‌گونند و متفاوتند. هنگامی که به بار آمدند از میوه‌ی آن‌ها بخورید و به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردن‌شان از آن‌ها ببخشید و زکات لازم آن‌ها را بدهید، و اسراف نکنید، زیرا که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

با توجه به این امر است که کسی که زمین بایری را آباد می‌کند، آن زمین به او تعلق گرفته، شخصی دیگر حق تصرف در آن را ندارد. از فرامین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است: **مَنْ أَعْمَرَ أَرْضاً لَيْسَتْ لِأَحَدٍ؛ فَهُوَ أَحَقُّ".** قال عرووة: قضی به عُمَرُ رضي الله عنه في خلافته (بخاری، 1388: 116/2).

ترجمه: هرکسی زمینی که به کسی تعلق ندارد را آباد کند، او از دیگران بدان زمین اولاتر است. عروه می‌گوید: عمر رضی الله عنه در زمان خلافت خود همین گونه فیصله کرد). بناء رسیدگی به محیط زیست و کمک در برقراری نظم و انضباط آن عبادت، و برهم زدن و یا خدشه دار کردن زیبایی آن از جمله گناهان شمرده شده است: رسول اکرم صلی الله

علیه وسلم می‌فرماید: عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنَةً وَسَيِّئَةً، فَوَجَدْتُ فِي مَحَاسِنِ أَعْمَالِهَا إِمَامَةَ الْأَدَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَوَجَدْتُ فِي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا التُّخَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ لَا تُدْفَنُ² (ابن خزیمه، (ب ت): 643/1)² (این حدیث در کتب مختلف حدیثی از جمله در مسند احمد، مسند بزار و غیره آمده و شیعب ارنووط گفته: این حدیث مطابق شرط امام مسلم است. مسند احمد: 448/35)

ترجمه: کارنامه امت؛ از خوبی‌ها و بدی‌های‌شان، بر من عرضه شد. دیدم که از جمله خوبی‌های آن، کنار زدن هر آنچه باعث آزار و اذیت مردم می‌شود از سر راه بود. و از جمله بدی‌های‌شان بلغمی است که در مسجد انداخته شده روی آن خاك نریخته اند محمد فود عبدالباقی در شرح کلمه‌ی «إِمَامَةُ الْأَدَى» که در صحیح مسلم نیز آمده است، می‌نویسد: مراد دور کردن و یک سو کردن هر چیزی است که سبب آزار و اذیت انسان می‌گردد، مانند سنگ، کلوخ، خار و چیزهای از این قبیل. نیساپوری، ب ت: 63/1

3 کاشت درخت

درخت در تغییر آب و هوا، زیبایی طبیعت و جلب باران نقش بسیار مهمی دارد. درخت مانند کارخانه‌ای است که فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای را بدون چشم‌داشتی به جامعه تقدیم می‌کند. به همین سبب است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فِسِيلٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ إِلَّا تَقْوَمَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلْيَفْعَلْ» (الطیالسی، 1398: 545/3).

ترجمه: اگر قیامت برپا شد و در دست کسی از شما نهالی بود، و اگر می‌توانست آن را قبل از برپایی قیامت بکارد، حتماً این کار را انجام دهد

در آموزه‌های دینی، کاشت درخت یک عمل اسلامی و عبادی است. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ، أَوْ إِنْسَانٌ، أَوْ بَيْهَمَةٌ (وَفِي رَوَايَةٍ: دَابَّةٌ؛ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (بخاری، 1380: 109/2).

ترجمه: هر فرد مسلمانی که درختی بکارد یا زراعتی کشت کند، و پرندگان یا انسان‌ها یا حیوانات از آن بخورند در آن برای او اجر و پاداش (صدقه) است.

ب: مدیریت آب

² شیعب ارنووط این حدیث را در حاشیه همین کتاب بررسی نموده می‌گوید که صحیح است.

آب یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار است که مایه‌ی حیات تمام موجودات می‌باشد. آب 72 در صد روی زمین را پوشانیده است. 97/2 در صد حجم آب کره زمین در اقیانوس‌ها و دریاها است. حدود 1/23 در آب‌های زمین شیرین است که حدود یک سوم این مقدار قابل مصرف است (مغربی: 1388: 32).

آب یک ماده‌ی ضروری جهت زندگی بر روی زمین و جزئی از بدن همه‌ی موجودات زنده است. طوری که در قرآن کریم آمده است: **وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ** [نور: 45]. ترجمه: خداوند هر جنبنده را از آب آفریده است.

به اثر تحقیقاتی که صورت گرفته گفته می‌شود که مقدار آب در حیوانات زنده مابین 70-90% مطابق به نوعیت حیوان می‌باشد. مقدار آب در جسم انسان حدودا 7% مطابق وزن کلی جسمش می‌رسد، به همین گونه مقدار آن در میوه‌ها به 90% و در سبزیجات به 85% می‌رسد. (الحفیظ، 1432: 95)

در قرآن کریم نیز به این مسأله تصریح شده است: **{وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ}** [الأنبیاء: 30]

ترجمه: و هرچیز زنده‌ای را از آب آفریده ایم. آیا ایمان نمی‌آورند؟
دین مقدس اسلام، تصرفات ناشایست را مانند انداختن فاضلاب و تفاله کارخانجات، استفاده از سمها و حشره‌کش‌ها، شستشوی ظرف و لباس، و انداختن آشغال‌ها و کثافت‌های حیوانی در آب‌های رودخانه‌ها، گناه تلقی کرده و با فراهم کردن بستر فرهنگی مناسب، پیروان خود خود را از هرگونه تصرف اشتباه در این زمینه برحذر می‌دارد. قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم -: **«اتَّقُوا الْمَلَاعِنَ الثَّلَاثَةَ: الْبِرَّازَ فِي الْمَوَارِدِ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ، وَالظَّلَّ»** (أبی داود، 1383: 21/1).⁽³⁾

ترجمه: از سه موردی که باعث جلب لعن و نفرین برای فرد می‌شوند دوری کنید: ادرار در آب، و یا سر راه‌های عمومی، و در سایه.

در حدیث دیگری آمده است: **«لَا يُولَنَ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَجْرِي، ثُمَّ يَغْتَسِلُ فِيهِ»** [بخاری، 1388: 95/1].

³ شعبی از نووط گفته است: این حدیث حسن لغیره است، ابن ماجه نیز این حدیث را تخریج نموده در ص 328 و برای آن شاهی از طریق ابی هریره آمده است. (أبی داود: 21/1).

ترجمه: باید کسی از شما در آب ایستاده‌ای که روان نیست، ادرار نکند که بعدا در آن غسل می‌کند.

در فرامین دیگری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به حفاظت از آب نوشیدنی از دخول حشرات و میکروب‌ها و گرد و خاک نظافت آن بسیار تأکید شده است: قال النبي صلی الله علیه وسلم: «أغلقوا الباب، وأوكتوا السقاء» (ترمذی، 1423: 4/263⁴).

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: در واژه را بسته کنید و سر ظرف‌های تان را ببندید.

در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ اخْتِنَانِ الْأَشْقِيَةِ (بخاری، 1388: 3/472).

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از نوشیدن آب از ظرفی که دهان اش شکسته است ممانعت فرمودند.

ج: مدیریت هوا از آلودگی

آلودگی هوا عبارت است از حضور یک یا چند آلاینده در آن. آلودگی هوا به وضعیت اشاره دارد که در آن هوا با مواد و ذرات آلوده کننده مانند گازهای ناخالص، ذرات معلق، ترکیبات شیمیایی و غیره یکجا می‌شود. هوا یکی از عناصر ارزشمند و حیاتی است، چیزی که با استنشاق آن زندگی خود را تداوم می‌بخشیم. هوا، اقیانوسی است که در آن تنفس می‌کنیم 9/99 درصد هوا از نیتروژن، اکسیژن، بخار آب و گازهای بی‌اثر تشکیل شده است. (مغربی، 1388: 33).

فقهای اسلام در زمانی که غرب در غارها و جنگل‌ها زندگی بدوی را سپری می‌کرد، در مورد بهداشت عمومی جامعه و عدم آلودگی هوا قلم زده؛ برپایی آسیاب، حمام‌های عمومی، پوست‌سازی، آهنگری و هر آنچه باعث آلودگی هوا شود را در بین خانه‌های مسکونی و وسط شهر ممنوع دانسته، نظافت هوا و حمایت از آن را فرض عین بر هر فرد مسلمان تلقی می‌کردند. این در حالی است که براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت آلودگی هوا در هر سال موجب مرگ سه میلیون نفر می‌شود. کارشناسان معتقد اند که آلودگی هوا سه پیامد اصلی شامل «باران اسیدی، تخریب لایه‌ی ازن و گرم شدن زمین را در مقیاس بین‌المللی به دنبال دارد» (مغربی، 1388: 33).

⁴ این حدیث را امام ترمذی در نفس صفحه صحیح گفته است.

در احادیث متعددی به سرسبزی و غرس نهال مسلمانان را تشویق نموده که سبب پاکی هوا می‌گردد. به همین گونه ضرر رساندن به دیگران گناه دانسته است. بناء مصرف بیش از حد سوخت‌های فسیلی مانند نفت، گاز وزغال سنگ، باعث آلودگی هوا شده که این خود بزرگترین خطر برای سلامتی انسان است. در حدیث دیگر می‌فرماید: "المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويديه" (بخاری، 1388: 21/1)

ترجمه: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند از نظر اسلام، هر آنچه باعث آلودگی هوا - حتی در محیط بسیار بسته و تنگ بهداشت فردی - شود ممنوع اعلام شده است: "أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا فَلْيَعْتَزِلْنَا، أَوْ قَالَ: فَلْيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا، وَلْيَقْعُدْ فِي بَيْتِهِ" (بخاری، 1388: 265/1)

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گفته است: کسی که سیر یا پیاز - یا هر چیز بد بویی - خورده باشد به مسجد ما یاید

در حدیثی دیگری آمده است: "مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْمُتَنَبِّئَةِ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَأْذَى مِمَّا يَأْذَى مِنْهُ الْإِنْسُ" (الشیبانی، 1416: 259/23).⁵

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: کسی از این درخت بدبوی - پیاز - اگر خورد پس به مسجد ما نزدیک نشود، چرا که فرشتگان نیز از هر آنچه باعث آزار و اذیت انسانها شوند آزرده خاطر می‌گردند.

نتیجه‌گیری

نظر به تحقیق و بررسی که در زمینه‌ی مدیریت محیط زیست از نظر اسلام صورت گرفت، مقاله حاضر به نتایج زیر دست یافته است: محیط زیست عبارت است از مجموعه عوامل طبیعی، مصنوعی و اجتماعی که در اطراف انسان وجود داشته، برزندگی اش اثر گذاشته و انسان نیز از آن متأثر می‌شود. از آنجایی که انسان عنصر جدایی‌ناپذیر از مجموعه‌ی نظام هستی است، پس موقعیت او در برابر طبیعت باید بر اساس حقیقت آفرینش تعیین گردد. همانطور که اراده‌ی تکوینی خداوند بر نظم و هماهنگی در جهان استوار شده، اراده‌ی تشریحی

⁵ محقق این کتاب، شعیب از نووط در پاورقی همین کتاب در نفس صفحه می‌گوید: این حدیث صحیح است. در مسند بزار و دیگر کتب حدیث نیز آمده است. بزار، 1988: 167/14.

او نیز بر چنین امری تعلق می‌گیرد، از این رو خداوند متعال از مخلوقات خود، به‌ویژه انسان- که موجودی مکلف و مختار است خواسته تا این نظم و توازن را نگهداشته و از تصرف منافی با نظام زیست محیطی پرهیز کند. در این تحقیق، محیط زیست به دو بخش که عبارت از محیط زیست انسانی و غیر انسانی می‌باشد، تقسیم شده است. محیط زیست انسانی نیز به سه بخش تقسیم شده است: محیط زیست طبیعی، محیط زیست مصنوعی و محیط زیست اجتماعی. دین مقدس اسلام برای اصلاح زمین، حفظ امنیت فضای سبز و طبیعت راه کارهای زیادی را به صورت عملی و اخلاقی به اجرا گذاشته است، زیرا هدف از تسلط بر زمین، استفاده از زمین و عمران و آبادی آن است، نه سیطره‌ی مطلق بر آن.

در این تحقیق نیز آلودگی هوا مورد بررسی قرار گرفته و راه‌های بیرون رفت از آن در روشنی آموزه‌های دینی نیز بیان گردیده است. آلودگی هوا عبارت است از حضور یک یا چند آلاینده در آن می‌باشد. آلودگی هوا به وضعیت اشاره دارد که در آن هوا با مواد و ذرات آلوده کننده مانند گازهای ناخالص، ذرات معلق، ترکیبات شیمیایی و غیره یکجا می‌شود. نگهداشتن هوا از آلودگی نیز مورد توجه تمام فقهای اسلام بوده و در احادیث متعددی به سرسبزی و غرس نهال، مسلمانان را تشویق نموده که سبب پاکی هوا می‌گردد. به همین گونه ضرر رساندن به دیگران گناه دانسته شده است.

منابع

قرآن کریم

ابن خزیمه، ابو بکر محمد بن اسحاق، (ب ت) صحیح ابن خزیمه، تحقیق: محمد بن مصطفی الأعظمی، ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت.

ابن ماجه، (ب ت) أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء الكتب العربية.

امرا، د. نورمحمد، (1394) اسلام و محیط زیست، سایت: کتابخانه‌ی عقیده،

WWW.aqeedeh.com

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، (1388هـ)، صحیح البخاری، تحقیق: محمدفواد عبد الباقي. ناشر: المکتبة العلمية.

- بزار، ابوبکر احمد بن عمرو، (1988م) مسند البزار، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، ناشر: مكتبة العلوم الحكم - المدينة المنورة.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن موسی، (1423هـ)، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالباقی، نشر: المكتبة العلمية.
- حفیظ، محمد ذیاب، (1432) البیئة، حمایتها، تلوثها، مخاطرها، دار صفا للنشر، چاپ اول.
- سجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث. (ب ت). سنن أبي داود. تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید. بیروت: المكتبة العصرية.
- شیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل. (1416 هـ). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق: أحمد محمد شاكر. القاهرة: دار الحديث.
- طیالسی، ابوداود بن سلیمان بن جالود، (1419) مسند أبي داود الطيالسی، تحقیق: محمد بن الحسن، ناشر: دار هجر - مصر.
- ماسوندی، علیرضا و دیگران، (1401) نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن، مجله نامه الهیات، سال پانزدهم، شماره پنجاه ونهم.
- مغربی، حمید فغفور، (1388) اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم.
- نیساپوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسن قشیری، (ب ت) صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت
- هارون، علی احمد، (1423) جغرافیه الزراعیه، دارالفکر العربی، چاپ دو



بخش دوم: علوم طبیعی



سال نهم، شماره 28

بهار 1403



نگاهی مختصری بر عملکرد، دستگاهوری و کاربردهای اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک

پوهنمل محمد شاکر دهزاد

دیارتمنت کیمیا پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

@gmail.com25dehazhaker

7749-1107-0000-0009

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

در این تحقیق، عملکرد، دستگاهوری و موارد استفاده‌ی اسپکتروسکوپی (طیف سنجی) فوتواکوستیک مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از این تحقیق، بررسی عملکرد و مقایسه‌ی اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک با اسپکتروسکوپی‌های معمولی، سیستم دستگاهی و حوزه‌های کاربرد این اسپکتروسکوپی می‌باشد. روش به کار گرفته شده در این تحقیق، از نوع کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی توصیفی می‌باشد. منابعی که در این تحقیق از آن‌ها استفاده شده عبارت اند از کتاب‌ها، مقالات علمی و تیزیس‌های مقاطع ماستری و دکتورا می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عملکرد اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک با اسپکتروسکوپی‌های معمولی مانند اسپکتروسکوپی اشعه‌ی ماورای بنفش (UV)، مرئی (Vis) و ... از هم فرق دارد. برای مثال، در طیف‌سنجی‌های معمولی محلول بودن نمونه یک امر الزامی است؛ در حالیکه در اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک نیاز به محلول بودن نمونه نیست و نمونه در هر سه فاز (جامد، مایع و گاز) استفاده شده. می‌تواند از سوی هم، در طیف‌سنجی‌های معمولی از منابع مختلف نوری با فریکونسی‌های مختلف استفاده به عمل می‌آید؛ یعنی، از منابع نوری با انرژی‌های بیشتر و یا کمتر در اسپکتروسکوپی معمولی استفاده شده می‌تواند. در حالی که در اسپکتروسکوپی نور-صوتی نیاز به منابع نوری با انرژی زیاد از جمله «نور لیزر» می‌باشد.

کلمات کلیدی: اسپکتروسکوپی، فوتواکوستیک، دستگاهوری، فریکونسی، انرژی.

A Brief Overview of the Functionality, Instrumentation, and Applications of Photoacoustic Spectroscopy

Author

Mohammad Shaker Dehzad

Email:

Chemistry department, Faculty of Education,
Badakhshan university, Badakhshan,
Afghanistan.

ORCID:

dehzashaker25@gmail.com
0009-0000-1107-7749

Abstract

This research focuses on the functionality, instrumentation, and applications of photoacoustic spectroscopy. The aim of the study is to examine the performance and compare photoacoustic spectroscopy with conventional spectroscopies, analyze its system instrumentation, and explore its fields of application. The research methodology is library-based, employing a descriptive-analytical approach. The sources used in this study include books, scientific articles, and theses from master's and doctoral programs.

The results of the study indicate that the performance of photoacoustic spectroscopy differs from that of conventional spectroscopies, such as ultraviolet (UV) and visible (Vis) spectroscopy. For instance, in conventional spectroscopies, the sample must be in solution form, whereas in photoacoustic spectroscopy, the sample does not need to be in solution and can be used in all three phases (solid, liquid, and gas). Furthermore, conventional spectroscopies utilize various light sources with different frequencies, meaning they can employ light sources with higher or lower energy. In contrast, photoacoustic spectroscopy requires high-energy light sources, such as laser light.

Keywords: spectroscopy, photoacoustic, instrumentation, frequency, energy.

مقدمه

اسپکتروسکوپی که در زبان فارسی به آن طیف سنجی گفته می‌شود یکی از روش‌های تحلیل و تجزیه مواد است که از برهم‌کنش نور با ماده بحث می‌کند. یعنی، علم برهم‌کنش نور با ماده به نام اسپکتروسکوپی یاد می‌شود (فیلد و هم‌کاران، 2002: ص 6). در حقیقت، این تعریف کلی اسپکتروسکوپی است. یعنی، وقت که نور با ماده برخورد می‌کند در اثر جذب انرژی الکترون‌های آن برانگیخته شده و در این وقت، ماده به حالت برانگیخته تبدیل می‌شود (نجاری و هم‌کاران، 1398: ص 98). از حالت پایدار یعنی، الکترون از نزدیک‌ترین مدار به هسته به مدارهای دورتر از آن انتقال می‌یابد. اما، ثانیه انرژی جذب 10^{08} تا 10^{09} الکترون آنجا برای مدت طولانی باقی نمانده و در مدت نموده‌ی خود را از دست داده و دوباره به مدار اولیه خود باز می‌گردد. همین انرژی نشر شده وقتی به بخشی از دستگاه طیف سنج (اسپکتروفتومتر) به نام آشکار ساز، هدایت داده شود، دستگاه پس از تحلیل

و تجزیه انرژی، اطلاعاتی را در اختیار می‌گذارد که تحلیل و تجزیه این اطلاعات (Pavia et al, 2013: p 526) معلوماتی را در مورد نمونه ارائه می‌کند)

اطلاعات ارائه شده می‌تواند از نوع توصیفی، مقداری و یا ساختاری باشد. توصیفی به این مفهوم که نوعیت اتوم‌ها و عناصر تشکیل دهنده‌ی نمونه را مشخص می‌کند، مقداری یعنی مقدار مواد تشکیل دهنده‌ی نمونه مورد مطالعه را تعیین می‌کند و ساختاری هندسه

و ساختار نمونه را مشخص می‌سازد. در طیف سنجی فوتواکوستیک وقتی نور به یک گاز تابانده می‌شود مقدار از انرژی آن توسط گاز جذب می‌گردد. متعاقباً، انرژی جذب شده فوراً تبدیل به حرارت شده و باعث بلند رفتن فشار گاز خواهد شد (میرزایی، 1401: ص 54).

در نتیجه امواج فشار که عبارت از همان «امواج صوتی» می‌باشند توسط یک آشکار ساز اندازه‌گیری می‌شوند. در این مطالعه، عملکرد، دستگاهوری و موارد کاربرد اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک مورد بررسی قرار گرفته است.

تبیین مسأله

اسپکتروسکوپی یکی از تکنیک‌های اساسی تحلیل و تجزیه مواد است. به کمک این تکنیک، اجزای تشکیل دهنده‌ی یک ماده هم به شکل توصیفی (کیفی) و هم به شکل مقداری (کمی) تحلیل شده می‌تواند. به بیان دیگر، تکنیک اسپکتروسکوپی یکی از زیر شاخه‌های اساسی کیمیا‌ی تحلیلی می‌باشد. زیرا، کیمیا‌ی تحلیلی که در کتاب‌های فارسی چاپ ایران به آن «شیمی تجزیه» گفته می‌شود به‌عنوان علم شناسایی، تعیین و اندازه‌گیری مواد تعریف می‌شود. منظور از تحلیل توصیفی این است که تعیین کنیم نمونه مورد مطالعه از کدام اجزاء ساخته شده است و هدف از تحلیل مقداری این است که اجزای تشکیل دهنده‌ی نمونه به کدام مقدار در نمونه مورد نظر، وجود دارند. با فرض اینکه، اگر حضور عناصر سمی سرب و کدیم در دریایی کوچکچه موجب مرگ ماهیان گردیده باشد؛ تحلیل توصیفی عامل اصلی مرگ ماهیان را مشخص می‌کند که بخارات این دو عنصر (سرب و سیماب) سبب مرگ ماهیان شده است و تحلیل مقداری بیان می‌دارد که در هر مترمکعب آب دریای کوچکچه چه مقدار از عنصرهای سرب و سیماب موجود بوده که موجب مرگ ماهیان شده است.

پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی

چرا از نور لیزر به‌عنوان منبع نوری در اسپکتروسکوپی نور - صوتی استفاده می‌شود؟

سوالات فرعی

- دلیل عدم استفاده از نورهای معمولی را به‌عنوان منبع در اسپکتروسکوپی نور - صوتی

چگونه توجیه می‌کنید؟

- تفاوت عمده بین طیف سنجی فوتواکوستیک با طیف سنجی‌های معمولی در چی

مواردی مشاهده می‌شود؟

- حوزه‌های عمده‌ی کاربرد اسپکتروسکوپی نور - صوتی کدام بخش‌ها را احتوا می‌کند؟

اهداف تحقیق

اهدافی که در این تحقیق در نظر گرفته شده است در چند مورد ذیل خلاصه می‌شود:

1. واضح ساختن اهمیت اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک در تحلیل و تجزیه مواد؛
2. مقایسه عملکرد اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک با اسپکتروسکوپی‌های معمولی؛
3. دانستن حوزه‌های مهم کاربرد طیف سنجی نور - صوتی.

روش تحقیق

تحقیق حاضر تحت عنوان « نگاهی مختصری بر عملکرد، دستگاهوری و کاربردهای اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک » انجام شده است که در اصل با نوع تحقیق تئوری / توصیفی هم‌خوانی دارد. منابعی که در این مطالعه به آن استناد شده است عبارت‌اند از کتاب‌ها، مقالات علمی و سایر منبع‌های معتبر علمی می‌باشد. بنابراین، روش به کار گرفته شده در این تحقیق روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی - توصیفی می‌باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

اثر فوتواکوستیک در جامدات برای اولین بار در سال ۱۸۸۰ توسط گراهام بل کشف شد. اما به دلیل نیاز شدید به منابع نوری قدرتمند از جمله لیزرها، استفاده از اثر فوتواکوستیک به گونه‌ی برای تجزیه و تحلیل گازها به آهستگی ظاهر شد که بیش از ۵۰ سال طول کشید. (اما تا سال ۱۹۶۰م، ظهور لیزر به‌عنوان یکی از منابع نوری (Bell, 1880: pp 306-309) قدرتمند، با خلوص طیفی زیاد و توان تابشی بالا، باعث سریع‌تر شدن توسعه روش‌های تجزیه

(Liu et al, 2023: pp 1-2) و تحلیل گازهای نادر با استفاده از اثر فوتواکوستیک شد) به تعقیب آن کارهای محققان دانشگاه کامبریج به توسعه این تکنیک کمک شایانی نموده و امروزه به‌عنوان یک تکنیک قوی و قدرتمند برای تحلیل مواد اعم از جامدات، مایعات

و گازها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به خاطر ویژگی‌های که این تکنیک به همراه دارد امروزه تحقیقات زیادی در مورد در سال (2023) طی) و همکاران Xiaoli Liu آن انجام شده است. از جمله زیئولی لیو (تحقیقی بیان نموده‌اند که از طیف سنجی فوتواکوستیک به دلیل سادگی عملکرد، حجم کوچک

و حساسیت بالا به طور گسترده‌ای در زمینه تشخیص و تعیین غلظت گازها استفاده به عمل می‌آید.

سیما اسلامی و کیوان معقولی (1394) در اثر تحقیقی بیان نمودند که تکنیک تصویربرداری فوتواکوستیک به‌عنوان یک روش تصویربرداری ترکیبی (هایبریدی)، حاصل روش‌های تصویربرداری نوری و فراصوتی است که به‌عنوان یک روش کاربردی مطرح

می‌باشد. بزرگترین نقطه قوت این روش، توانایی جمع آوری اطلاعات مالیکولی و عملی در زمان واقعی با قدرت تفکیک بالا و در غیاب شعات غیرآیونیز کننده است. عطیه یعقوبی و پریسا زنگرز (1395) در یک تحقیقی ابراز داشتند که اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک یک روش تصویربرداری جدید است که اخیراً برای بسیاری از کارهای زیست طبی پیشنهاد شده است. این روش تصویربرداری می‌تواند اطلاعات اناتومیکی، بیولوژیکی و فزیولوژیکی در سطح مختلف از تحقیقات بیولوژیکی و کلینیکی را ارائه نماید. از جمله کاربردهای عمده‌ی آن در بخش طبابت، می‌توان از تصویربرداری سرطان پوست، تعیین غلظت هموگلوبین و گلوکوز خون نامبرد.

اهمیت تحقیق

بدون انجام تحقیقات لایه‌های علوم در همه بخش‌ها همواره پنهان خواهد ماند. یک نهاد علمی و اکادمیک زمانی مفهوم واقعی خود را کسب می‌کند که در آن تحقیقات علمی انجام شود. از اینکه تکنیک طیف سنجی امروزه در اکثر بخش‌های زندگی به عنوان یک تکنیک موفق مورد استفاده قرار می‌گیرد، باعث گردید تا در مورد بخش خاص از این تکنیک تحت عنوان «نگاه مختصر بر عملکرد، دستگاهوری و کاربردهای اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک» این مقاله را به رشته تحریر بیاورم.

نتایج و یافته‌ها

اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک

(¹ یک روش تجزیه و تحلیل مواد است که از PAS اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک) ترکیب دو تکنیک، یعنی فوتونیک (نور) و اکوستیک (صوت) برای بررسی ویژگی‌های مواد و نمونه‌ها استفاده می‌کند. در این روش، ابتدا با استفاده از نور لیزر یا منابع نوری دیگر، نمونه مورد بررسی، برانگیخته می‌شود. سپس، اثرات این تابش نوری بر روی نمونه، این جمله تغییرات درجه حرارت و فشار، باعث تولید امواج صوتی در نمونه می‌شود.

¹ Photoacoustic Spectroscopy

امواج صوتی که به عنوان پاسخ به تابش نوری ایجاد شده‌اند، سپس با استفاده از حس-گرهای اکوستیک (مانند میکروفون‌ها) ثبت می‌شوند (نجاری و هم کاران، 1398: ص 96).

با تحلیل ویژگی‌های این امواج صوتی، اطلاعاتی درباره‌ی خواص فیزیکی و کیمیاوی نمونه مورد بررسی به دست می‌آید. به عبارت دیگر، با مطالعه الگوی امواج صوتی که در پاسخ به تابش نوری ایجاد می‌شوند، می‌توان مشخصات مهمی از نمونه را مشاهده کرد، مانند جذب نوری، پراکندگی و ویژگی‌های سطحی. در حقیقت، این روش ترکیبی با استفاده از امواج نوری (فوتون) و امواج صوتی (صوت)، اطلاعات جامعی از خواص ماده‌ای مانند جذب نوری، هدایت حرارتی، و غیره را ارائه می‌دهد (اسلامی و کیوان، 1394: ص 135).

اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک به دلیل داشتن دقت بالا و قابلیت بررسی مواد در سطوح مختلف مواد اعم از مایعات تا جامدات، در بخش‌های مختلفی علوم از جمله کیمیاوی تحلیلی، بیولوژی، طب و انجینیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنان در بخش‌های نظارت بر اتموسفیر هوا، کنترل پروسه‌های صنعتی، امنیت و بخش‌های طبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس اثر فوتواکوستیک، شناسایی امواج صوتی تولید شده از گازهای که توسط نور مشتعل می‌شوند، اجازه می‌دهد تا اندازه‌گیری دقیقی از غلظت اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک را می‌توان از محدوده طیفی مرئی تا . گاز انجام شود (Gray et al, 1983: p 797 تراهرتز، با انواع منابع نوری استفاده کرد)

اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک انرژی نوری یا امواج صوتی را که برایش می‌رسد به سیگنال‌ها تبدیل می‌کند که تحلیل و تجزیه آن‌ها معلوماتی را در مورد ماده در اختیار می‌گذارد. مزیت اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک نسبت به اسپکتروسکوپی‌های معمولی مانند ماورای بنفش، ماورای بنفش - مرئی و مادون قرمز در این است که در اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک حالت فیزیکی ماده مانند جامد، مایع و یا محلول مطرح

نیوده و مواد به

شکل‌های جامد و گاز در آن استفاده شده می‌تواند. در فوتواکوستیک نور به شکل مدیریت شده یا منقطع به ماده تابانده می‌شود. زیرا این کار فرصت گرم شدن و مجدداً سرد شدن را به ماده می‌دهد. فریکونسی نوری که به ماده داده می‌شود باید در حدی باشد که با فریکونسی کمتر از سرد شدن ماده معادل باشد. زیرا، این کار موجب جذب بهتر نور توسط ماده مورد هدف، می‌گردد. یک طیف فوتواکوستیک از یک نمونه می‌تواند با اندازه‌گیری صدا در طول موج‌های مختلف نور ضبط شود. این طیف می‌تواند برای (Lujun Fu, 2022: p 7 شناسایی اجزای جذب‌کننده‌ی نمونه استفاده شود)

همان طوری که قبلاً تذکر داده شد اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک یک تکنیک تحقیقاتی پیشرفته است که امکان تجزیه و تحلیل خواص ماده‌ی را با استفاده از ترکیب دو روش اصلی، یعنی «نور و صوت»، فراهم می‌کند. این روش ترکیبی با استفاده از امواج نوری (فوتون) و امواج صوتی (صوت)، اطلاعات جامعی از خواص ماده مانند جذب نوری، هدایت حرارتی، و غیره را ارائه می‌دهد.

: به طور کلی، این روش از مراحل زیر تشکیل شده است

1. تولید پالس‌های نوری: ابتدا با استفاده از یک لیزر یا منبع نوری قوی، پالس‌های نوری (امواج با انرژی بالا) با طول موج خاص تولید می‌شود. این پالس‌ها می‌توانند در محدوده‌ی نور مرئی یا حتی ماورای بنفش باشند (فلد و همکاران، 2002، ص 180).

2. تابش نور بر روی نمونه: این پالس‌های نوری بر روی نمونه مورد تحقیق تابانده می‌شوند. در این مرحله، نمونه به اندازه کافی نازک و شفاف باید باشد تا نور به طور کامل از آن عبور کند

3. جذب نور توسط نمونه: نوری که بر روی نمونه تابیده می‌شود، توسط ماده جذب می‌شود. این جذب نور باعث ایجاد تغییرات درجه حرارت و فشار در نمونه می‌شود

- تولید امواج صوتی: جذب نور توسط نمونه باعث تولید امواج صوتی می‌شود. این 4.
- امواج صوتی ناشی از تغییرات درجه و فشار در نمونه هستند.
- تشدید امواج صوتی: امواج صوتی تولید شده توسط جذب نور توسط یک ترانسدویسر 5.
- (معمولاً یک میکروفن) تشدید می‌شوند

- تجزیه و تحلیل امواج صوتی: امواج صوتی تشدید شده برای بررسی و تجزیه 6.
- و تحلیل توسط تجهیزات مربوطه، مانند اسپکترومترهای صوتی، اندازه‌گیری می‌شوند
- تجزیه و تحلیل دیتاها: دیتاهای حاصل از تجزیه و تحلیل امواج صوتی با استفاده از 7.
- الگوریتم‌ها و روش‌های تحلیل دیتاهای پیچیده، مانند تحلیل فوریه، تحلیل شبکه‌های عصبی و غیره، تجزیه و تحلیل می‌شوند تا خواص ماده‌ی مورد نظر مشخص شود
- با این روش، امکان تحلیل دقیق‌تر و جزئی‌تری از خواص ماده (Thomas, 2006: p 7) فراهم می‌شود که با استفاده از روش‌های تکیه بر نور یا صوت به تنهایی امکان‌پذیر نیست.

دستگاهوری اسپکتروسکوپی نور - صوتی

1. لامپ‌های مورد استفاده در این تکنیک: در این اسپکتروسکوپی از لامپ‌های استفاده می‌شود که محدوده‌ی مورد نظر را تحت پوشش قرار دهد. این لامپ‌ها در داخل خود برخی از گازها از جمله زینون را دارند که برایش انرژی داده می‌شود و در محدوده‌های طول موج 200 تا 700 نانومتر نور پخش می‌کنند که طول موج آن پیوسته می‌باشد. زیرا، خود لامپ‌ها طول موج‌های پیوسته را نشر می‌کنند. علت تشکیل طول موج‌های پیوسته در این تکنیک، موجودیت تعداد سویه‌های انرژی مختلف که در یک اتم وجود دارند، می‌باشد. این نوع طول موج‌ها برای اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک، مطلوب نیست.
- امروزه به جای لامپ‌های معمولی، از لیزرهای گازی که از شدت و انرژی بیشتری برخوردارند، استفاده می‌شود. مزیت منابع لیزری در این است که طول موج شان کوچک پذیر است؛ یعنی، هر لحظه قابلیت تنظیم شدن را دارند. اما قیمت بودن لیزرها، کاربرد منابع لیزری را محدود ساخته است. نورهای منتشر شده از لیزر هم‌فاز هستند، از همین

خاطر در یک مسیر حرکت می‌کنند. بر علاوه مشکلاتی که تذکر داده شده، خصوصیتی مانند شدت و انرژی زیاد باعث شده است که امروزه از نورهای لیزری به پیمانه زیاد در طیف سنجی نور- صوتی استفاده صورت گیرد. استفاده از لیزر به عنوان منبع نور، دیگر نیازی به استفاده از مونوکروماتور (یک رنگ کننده) نیست؛ زیرا، نوری که خود لیزرها نشر می‌کنند، یک رنگ است. این وسیله برای نورهای چند رنگ مانند نور آفتاب که در حقیقت ترکیبی از امواج الکترومقناطیسی با طول موج‌های مختلف است، به کار برده می‌شود. (Dumitras et al, 2007: pp 3656 - 3657 شود)

2. سل (جای نمونه): به طور کلی، «سل» به معنی یک واحد کوچک یا بخشی از یک ساختار بزرگتر است که می‌تواند مواد یا اطلاعات را نگهداری، پردازش و یا انتقال دهد. در اسپکتروسکوپی فوتوآکوستیک، معمولاً سل به عنوان یک بخش از دستگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد که نور یا صوت را به دستگاه جهت تحلیل می‌فرستد. شرط استفاده سل در یک محدوده طیفی آن است که وقتی نور تابانده می‌شود در آن محدوده جذب (به حیث سل از نمک‌ها IR نداشته باشد. برای مثال، در اسپکتروسکوپی مادون قرمز) استفاده می‌شود، زیرا در نمک‌ها روابط آیونی قوی وجود داشته و نور مادون قرمز انرژی جذب نداشته IR شکستن همچون روابط را تأمین کرده نمی‌تواند. از این رو، نمک‌ها در UV و به حیث سل استفاده می‌شوند. از سوی دیگر، نمک‌ها در ناحیه ماورای بنفش) جذب دارند و از همین خاطر در اینجا به عنوان سل استفاده شده نمی‌توانند. اکثراً در سل‌ها از گازات بی اثر مانند زینون

و رادون استفاده می‌شود، ولی بعض وقت‌ها از هوا نیز در آنها استفاده می‌گردد. به شرطی که اجزای تشکیل دهنده هوا (نایتروجن، اکسیجن، ...) در آن محدوده جذب نداشته باشند (Yehya, 2012: p 2056)

3. آشکار سازها در این روش: هر چیزی که صوت را به سیگنال‌های برقی (الکتریکی) تبدیل کند، آشکارساز (دیتکتور) نامیده می‌شود. انواع میکروفون‌های خازنی، بلوری و زغالی در جمع آشکارسازها به شمار می‌روند. در اسپکتروسکوپی نور- صوتی،

آشکارسازها برای تشخیص و ثبت امواج صوتی که در پاسخ به تابش نوری تولید می‌شوند، استفاده می‌شوند. این امواج صوتی حاصل از تغییرات فشار و درجه‌ی حرارت در نمونه‌های مورد مطالعه به خاطر تابش نوری هستند. برخی از آشکارسازهای استفاده شده در این روش قرار ذیل هستند:

میکروفون‌ها: برای ثبت امواج صوتی از میکروفون‌ها استفاده می‌شود. این میکروفون‌ها به عنوان آشکارسازهای صوتی عمل می‌کنند و امواج صوتی را به سیگنال‌های برقی تبدیل می‌کنند.

مواد پیزوالکتریک: برخی از آشکارسازهای پیزوالکتریک می‌توانند تغییرات فشاری را که در نتیجه تابش نوری اتفاق می‌افتد، تشخیص دهند و این تغییرات را به سیگنال‌های برقی تبدیل کنند.

آشکارسازهای نوری: این آشکارسازها می‌توانند تغییرات نوری را که در نتیجه اثرات صوتی ایجاد شده‌اند، تشخیص دهند. این اثرات ممکن است شامل تغییرات در شدت، (Christoph Haisch, 2012: p 17) یا پراکندگی نور باشد)

این آشکارسازها به‌طور معمول در تجهیزات اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک استفاده می‌شوند تا الگوی امواج صوتی را که در پاسخ به تابش نوری ایجاد می‌شود، ثبت و تحلیل کنند.

کاربردهای اسپکتروسکوپی نور-صوتی

به‌حیث یک تکنالوژی سبز و مؤثر در راستای کاهش زباله- طیف سنجی فوتواکوستیک های کیمیاوی، روش غیر مخرب و عدم نیاز به آماده‌سازی نمونه تعریف می‌شود که در بخش‌های مختلف علمی اعم از تجزیه و تحلیل جامدات، مایعات، گازات و تصویربرداری انساج بیولوژیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه به برخی از کاربردهای این اسپکتروسکوپی اشاره داده می‌شود:

1. تحقیقات بیولوژیکی و طبی: در این حوزه، اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک برای تصویربرداری با رزولوشن (قدرت تفکیک) بالا و تشخیص بیماری‌های بیولوژیکی مانند سرطان، اختلالات عروقی، و بیماری‌های قلبی عروقی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
2. تحقیقات نانوتکنالوژی: اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک برای تصویربرداری و تحلیل نانوذرات، نانومواد، و نانو ساختارها به کار می‌رود، که می‌تواند به طور مؤثر در توسعه مواد نانو پیشرفته و دستگاه‌های برقی با اندازه نانو کمک کند.
3. کاربردهای صنعتی: از اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک در کاربردهای صنعتی مانند کنترل کیفیت، تصویربرداری، و ارزیابی خواص مکانیکی و حرارتی مواد در صنایع مختلف از جمله صنایع مواد، برق و موتورسازی استفاده می‌شود.
4. تحقیقات محیطی: اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک می‌تواند در بررسی آلودکننده‌ها، ارزیابی کیفیت آب، اندازه‌گیری تغییرات در ایکوسیستم‌های محیطی، و پایش تغییرات زمینه‌های کاربرد داشته باشد.
5. تحقیقات مواد: این روش می‌تواند در تحلیل خواص فیزیکی و کیمیاوی مواد، مطالعه رفتار حرکتی و ساختاری مالیکول‌ها، کریستل‌ها، ارزیابی خواص نوری و صوتی مواد مورد برای مثال، از این نوع طیف‌سنجی به‌طور گسترده برای اندازه‌گیری استفاده قرار گیرد. مقدار موادی چون اکسیجن، اوزن، بخارات آب و کاربن دای اکساید در هوا استفاده می‌شود. همچنان، برای تعیین مقدار ایزومیری برخی از مرکبات از اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک به‌طور گسترده استفاده به‌عمل می‌آید. پس، بر اساس مواردی که تذکر داده شده می‌توان گفت که اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک به‌عنوان یک روش تحلیلی قدرتمند، در تحقیقات پیشرفته در بخش‌های مختلف علمی و صنعتی کاربرد داشته و در
442 - 245 Singsong Li راستای توسعه تکنالوژی نوین کمک زیاد نموده است)

با وجود استفاده در بخش‌های گوناگون، اما به علت قیمت بودن دستگاه‌ها و خاص بودن عملکرد شان، این اسپکتروسکوپی آنچنان عمومیت پیدا نموده است.

نتیجه‌گیری

در طی 60 تا 80 سال اخیر، همزمان با افزایش نیازمندی‌های انسان و توسعه صنعت، نیاز بیشتر به تحلیل و تجزیه انواع مواد کیمیای به وجود آمده است. زیرا، با در نظر داشت نوعیت فاز

و ساختار کیمیای مواد، خواص شان نیز از هم متفاوت می‌باشد. در لابلای مطالعه حاضر به این نتیجه می‌رسیم که علم اسپکتروسکوپی نقش اساسی را در تحلیل و تجزیه مواد بر اساس طیف‌های به دست آمده از آن‌ها دارد. زیرا، در اثر عمل متقابل نور با ماده و نشر انرژی از مواد با ساختارهای مختلف کیمیای اطلاعات طیفی مختلفی در مورد ماده حاصل می‌شود که تحلیلی و بررسی آن اطلاعاتی را در مورد ماده در اختیار می‌گذارد. در اسپکتروسکوپی فوتواکوستیک که عبارت از یک تکنیک «ترکیبی» می‌باشد با تابانده نور پر قدرت «لیزر» به یک نمونه کیمیای باعث ایجاد حرارت و در نتیجه فشار می‌شود که این فشار تولید شده توسط بخشی خاص از دستگاه به امواج صوتی تبدیل می‌گردد و تحلیل و تجزیه این امواج اطلاعاتی را در مورد اندازه، شکل، سطوح، فیصدی عناصر و ساختار کریستلی نمونه ارائه می‌کند. این تکنیک به منابع نوری قوی ضرورت دارد؛ از همین خاطر از «لیزر» به‌هیچ‌منبع نور استفاده می‌شود. از طرف دیگر به‌علت اینکه نورهای معمولی دارای انرژی کمتر هستند در اسپکتروسکوپی نور-صوتی به‌عنوان منابع نور استفاده شده نمی‌توانند. اسپکتروسکوپی نور-صوتی حوزه‌های کاربرد زیاد دارد. از جمله کاربرد آن در بخش‌های طبابت، تحلیل مواد، نانوتکنالوژی، تحقیقات بیولوژیکی و محیط زیست به‌طور وسیعی رو به افزایش است. بنابر گفته‌های فوق، اسپکتروسکوپی نور-صوتی امروزه به‌عنوان یکی از تکنیک‌های قدرت‌مند برای تشخیص، تفکیک و اندازه‌گیری مواد، اعم از جامد، مایع و گاز به شمار می‌رود.

منابع

- ال. دی. فیلد و هم کاران. (2002). کاربردهای طیف سنجی در شیمی آلی؛ ترجمه عیسی یآوری، نشر علوم دانشگاهی، 1393.
- اسلامی، سیما و معقولی، کیوان. (1394). مروری بر تصویربرداری فوتواکوستیک و کاربردهای بیومدیکال آن. دومین کنفرانس بین المللی و سومین همایش ملی کاربرد فناوری های نوین در علوم مهندسی - ایران.
- میرزایی، مجید. (1401). بررسی روش های ارزیابی پوشش سد حرارتی با استفاده از روش های غیر مخرب. فصلنامه سرامیک ایران، دوره 18 شماره 2.
- با $NO_2 - Ar$ و $NO_2 - N_2$ نجاری، حمید و همکاران. (1398). طیف نگاری نورصوتی استفاده از دو منبع لیزری. فصلنامه فیزیک علمی کاربردی ایران.
- یعقوبی، عطیه و زنگرز، پریسا. (1395). مروری بر اصول و کاربرد سیستم تصویربرداری . دومین کنفرانس بین المللی یافته-K-WAVE فوتواکوستیک و معرفی نرم افزار های نوین پژوهشی در مهندسی برق و علوم کمپیوتری.
- A.G. Bell. (1880). On the Production and Reproduction of Sound by Light.
- Christoph Haisch. (2012). Photoacoustic spectroscopy for analytical measurements. Journal; Measurement Science and Technology.
- D, C. Dumitru's. et al. (2007). Laser photoacoustic spectroscopy: principles, instrumentation, and characterization. Journal; OF Optoelectronics and advanced materials.
- F, Yehya and A K Chaudhary. (2012). Pulsed Photoacoustic Spectroscopy of I2 and NO₂. Advanced Centre of Research in High Energy Materials, University of Hyderabad.
- Gray et al. (1983). Photoacoustic Spectroscopy.
- JINGSONG LI. (2011). Recent Progress on Infrared Photoacoustic Spectroscopy Techniques. Journal; Infrared Photoacoustic Spectroscopy Techniques.
- L. Pavia et al. (2013). Introduction to spectroscopy.

- L. Xiaoli et al. (2023). Methodology and applications of acoustic-electric analogy in photoacoustic cell design for trace gas analysis. Journal; Homepage.
- Lujan et al. (2022). Small-volume highly-sensitive all-optical gas sensor using non-resonant photoacoustic spectroscopy with dual silicon cantilever optical microphones. Journal; Photoacoustic.
- Thomas Schmid. (2006). Photoacoustic spectroscopy for process analysis. Journal; Analytical and Bioanalytical Chemistry.
- Y, Shen et al. (2001). Time Resolved Aspects of Pulsed Photoacoustic Spectroscopy. Journal; Analytical Science.



نقش پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها در تغذیه چوجه مرغ‌های گوشتی

بوهنیار محبوب الله جویا

پوهنځی زراعت، پوهنتون بدخشان، فیض آباد، افغانستان.

Mahboobullah1990@gmail.com

<https://orcid.org/9632-4461-0006-0009>

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

مشکلات و نگرانی‌های مرتبط با به کارگیری پیوسته آنتی بیوتیک‌ها (احتمال ایجاد مقاومت در برابر باکتری‌های بیماری‌زا و نیز باقی ماندن آن‌ها در محصولات حیوانی) باعث شده تا استفاده از آنتی بیوتیک‌ها عامل محرک رشد در بسیاری از نقاط دنیا با محدودیت‌های مواجه شود. حذف آنتی بیوتیک‌ها می‌تواند بر سلامت طيور اثرات نامطلوب داشته و هزینه تولید را افزایش دهد. این وضعیت باعث شد محققین در پی یافتن جایگزین‌های طبیعی، سالم و مؤثر برای آنتی بیوتیک‌ها باشند. از مهم‌ترین جایگزین‌های پیشنهاد شده برای آنتی بیوتیک‌ها می‌توان پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها را نام برد. پروبیوتیک‌ها مکمل‌های میکروبی زنده بوده که با بهبود تعادل میکروبی روده بر حیوان میزبان اثرات سودمند دارند. پری‌بیوتیک‌ها ترکیبات غیرقابل هضمی هستند که می‌توانند به طور انتخابی باعث تحریک رشد و یا فعالیت یک یا تعداد محدودی از باکتری‌های مفید سیستم هاضمه حیوان شده و در نتیجه اثرات مطلوبی بر جا می‌گذارند. اهمیت این میکروارگانیسم‌ها و سلامت بخش آنها منجر به افزایش محصولات جدید فراسودمند از جمله محصولات پروبیوتیک و پری‌بیوتیک گردیده است. بنابراین هدف این مطالعه، مرور بر مطالعات گذشته در بررسی اثرات پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها در تغذیه مرغ‌های گوشتی است. مقالات مرتبط با موضوع به زبان انگلیسی و فارسی که اثرات پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها را در مرغ‌های گوشتی بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند. نتایج تحقیقات حاکی از آن بود که استفاده از افزودنی‌های خوراکی (پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها) در تغذیه مرغ‌های گوشتی سبب بهبود عملکرد (افزایش وزن بدن و ضریب تبدیل خوراک)، کاهش جمعیت باکتری‌های نامطلوب و افزایش جمعیت باکتری‌های سودمند سیستم هاضمه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: پروبیوتیک‌ها، پری‌بیوتیک‌ها، چوجه مرغ‌های گوشتی، تغذیه.

The Role of Probiotics and Prebiotics in the Nutrition of Broiler Chickens

Author
Email
Orcid

Mhboobullah Joya

Department of Animal Science, Agriculture Faculty, Fayzabad, Badakhshan.

Mahboobullah1990@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0006-4461-9632>

Abstract

Concerns and issues related to the continuous use of antibiotics (the potential for developing resistance against pathogenic bacteria and the presence of antibiotic residues in animal products) have led to restrictions on the use of antibiotics as growth-promoting agents in many parts of the world. The removal of antibiotics can negatively impact poultry health and increase production costs. This situation has driven researchers to seek natural, safe, and effective alternatives to antibiotics. Among the most notable alternatives proposed are probiotics and prebiotics. Probiotics are live microbial supplements that benefit the host animal by improving the microbial balance of the gut. Prebiotics, on the other hand, are indigestible compounds that selectively stimulate the growth or activity of one or a limited number of beneficial bacteria in the digestive system, resulting in positive effects. The importance and health-promoting properties of these microorganisms have led to the development of new functional products, including probiotic and prebiotic products. Therefore, the aim of this study is to review previous studies on the effects of probiotics and prebiotics in the nutrition of broiler chickens. Relevant English and Farsi articles that examined the effects of probiotics and prebiotics on broiler chickens were included in the study. The findings indicate that the use of feed additives (probiotics and prebiotics) in broiler nutrition improves performance (increased body weight and feed conversion ratio), reduces the population of harmful bacteria, and increases the population of beneficial bacteria in the digestive system.

Keywords: probiotics, prebiotics, broiler chickens, nutrition.

مقدمه

عملکرد مرغ‌های گوشتی به عوامل مختلفی مانند شرایط محیطی، تغذیه، مدیریت و ژنتیک وابسته است (سین جایز و همکاران، ۲۰۱۵). تولید اقتصادی یکی از معیارهای مهم و موثر در پویایی صنعت طیور می‌باشد. خوراک نیز مهمترین عامل موثر در تولید اقتصادی است. بازدهی استفاده از خوراک به قدرت هضم و جذب خوراک وابسته است که این نیز به سالم بودن سیستم هاضمه بستگی دارد. سیستم‌های پرورش متراکم مرغ‌های گوشتی به همراه تنش‌های ناشی از رقابت شدید پرندگان و همچنین وجود آلودگی‌های محیطی ناشی از میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا مانند اش‌ریشیاکولی^۱، سالمونلا^۲، کلستریدیوم پرفریژنس^۳ و کمپیلوباکتر اسپاتاروم^۴ زمینه را برای تغییر نامطلوب جمعیت میکروبی سیستم هاضمه و گسترش باکتری‌های فرصت طلب فراهم می‌سازد (ولنریتر و همکاران، ۲۰۰۰). رشد و تعادل جمعیت میکروبی سیستم هاضمه عامل مهمی برای رسیدن به حداکثر توان تولیدی در حیوانات معده ساده می‌باشد. در پرندگان، فیصدی بالای از رشد اولیه (۲ تا ۵ برابر رشد سایر اندام‌ها) سیستم هاضمه و اندام‌های ضمیمه آن در هفته اول پرورش اتفاق می‌افتد. تاخیر در رشد سیستم هاضمه تاثیر منفی بر رشد بدن خواهد داشت (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴). به کمک آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد می‌توان شرایط بهینه سیستم هاضمه را حفظ و کنترل نمود. با توجه به گسترش مصرف این مواد افزودنی در خوراک طیور و افزایش چشمگیر تولیدات جهانی محصولات طیور، به راحتی می‌توان برآورد نمود که چه حجم زیادی از این مواد کیمیاوی سلامت محیط زیست و مصرف‌کنندگان (ناهنجاری‌های مادرزادی، امراض مزمن و پدیده مقاومت میکروبی) را تهدید می‌کند (افشار مازندران و رجب، ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر به دلیل ممنوعیت مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها به عنوان افزودنی خوراکی در صنعت پرورش حیوانات اهلی و طیور، به کارگیری افزودنی‌هایی نظیر اسیدهای آلی، گیاهان دارویی، پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها به‌عنوان راه کارهایی جدید و فاقد مضرات آنتی‌بیوتیک‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (جوزفیاک، ۲۰۰۸). پروبیوتیک‌ها

¹- *Escherichia coli*

²- *Salmonella*

³- *Clostridium perfringens*

⁴- *Campylobacter Spatum*

میکروارگانسیم‌های زنده‌ای هستند که در صورت مصرف مقادیر کافی، اثرات مفیدی بر سلامت میزبان دارند (FAO/WHO، ۲۰۰۱). باکتری‌های اسید لاکتیکی^۵ از جنس لاکتوباسیلوس‌ها^۶، باسیلوس‌ها^۷ و بیفیدوباکتری‌ها^۸ شایع‌ترین انواع پروبیوتیک‌ها هستند (الخلیفه، ۲۰۱۸). این میکروارگانسیم‌ها می‌توانند به روش‌های مختلفی مانند کاهش pH روده از طریق تخمیر، تحریک سیستم ایمنی مرتبط با روده، افزایش ظرفیت آنتی‌اکسیدانی روده، حذف رقابتی و تولید مواد ضدباکتری‌ها سبب بهبود سلامت روده و آسایش میزبان شوند (بایی و همکاران، ۲۰۱۷). امروزه افزودنی‌های (پروبیوتیک و پری‌بیوتیک) در صنعت پرورش حیوانات اهلی و طیور بطور گسترده مودر استفاده قرار گرفته، بنابراین در این مطالعه نقش تغذیه‌ای پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها بر مرغ‌های گوشتی مورد بررسی قرار گرفت.

تبیین مسأله

در طی چند دهه گذشته، آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد از نقش و جایگاه ویژه‌ای در صنعت پرورش مرغ گوشتی برخوردار بوده‌اند. اما در نهایت علی‌رغم تمام فواید ناشی از مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها در صنعت پرورش مرغ گوشتی، استفاده بی‌رویه از این ترکیب با اهمیت منجر به پدید آمدن مقاومت آنتی‌بیوتیکی در میان جمعیت باکتری‌های سیستم هاضمه مرغ‌های گوشتی شده است. از این رو با توجه به آگاهی از پیامدهای نامناسب ناشی از مصرف بی‌رویه آنتی‌بیوتیک‌ها، استفاده از آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد در تغذیه طیور گوشتی در بسیاری از کشورها ممنوع یا محدود گردیده است. مقاومت آنتی‌بیوتیکی اکتسابی ناشی از مصرف بی‌رویه آنتی‌بیوتیک‌ها، به راحتی میان باکتری‌های سیستم هاضمه (از جمله باکتری‌های بیماری‌زا) قابل انتقال است و از این رو منجر به بی‌اثر شدن آنتی‌بیوتیک‌ها بر روی عوامل بیماری‌زا در مواقع ضروری می‌شود. اما از طرف دیگر، حذف آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد در صنعت طیور، کنترل عفونت‌های روده‌ای ناشی از باکتری‌های پاتوژن را به چالشی مهم در این صنعت تبدیل نموده است. مرگ و میر ناشی از عفونت‌های روده‌ای، مهم‌ترین معضل صنعت طیور است. وقوع چنین عفونت‌هایی منجر به کاهش میزان رشد و متعاقب آن وقوع خسارات اقتصادی فراوانی در صنعت طیور می‌شود.

5- LAB

6 - *Lactobacillus*

7- *Bacillus*

8- *Bifidobacterium*

با توجه به مشکلات پدید آمده ناشی از حذف آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد و از سوی دیگر رویارویی جهانی صنعت پرورش مرغ گوشتی با پدیده افزایش تقاضا برای پرندگان پرورش یافته بدون مصرف آنتی‌بیوتیک، پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها به عنوان یکی از راهکارهای جایگزین مناسب برای این منظور در نظر گرفته شده‌اند.

سوالات تحقیق

- 1) آیا افزودن مکمل‌های پروبیوتیکی و پری‌بیوتیکی در جیره غذایی بر عملکرد طیور گوشتی تاثیر مثبت دارد؟
- 2) آیا استفاده پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها در جیره غذایی بر سیستم ایمنی بدن طیورگوشتی تاثیر دارد؟
- 3) آیا پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها می‌تواند جایگزین آنتی‌بیوتیک‌ها در جیره غذایی باشد؟

اهداف تحقیق

- 1) شناخت انواع پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها.
- 2) تفکیک پروبیوتیک‌ها با پری‌بیوتیک‌ها.
- 3) دانستن تاثیرات (نقش تغذیه‌ای) پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها بالای مرغ‌های گوشتی.

پیشینه‌ی تحقیق

باگذشت بیش از یک دهه از ممنوعیت استفاده از آنتی‌بیوتیک‌های محرک رشد در تغذیه طیور، این صنعت با چالش یافتن جایگزین‌های مناسب برای این ترکیبات مواجه بوده است. در این میان پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها به خوبی توانسته‌اند بسیاری از انتظارات پرورش دهندگان طیور به یک مکمل غذایی بی‌خطر و موثر بر رشد و سلامتی طیور را برآورده نمایند. پروبیوتیک‌ها مکمل‌های میکروبی زنده بوده که با بهبود تعادل میکروبی روده بر حیوان میزبان اثرات سودمند دارند. پری‌بیوتیک‌ها ترکیبات غیرقابل هضم هستند که می‌توانند به طور انتخابی باعث تحریک رشد و یا فعالیت یک یا تعداد محدودی از باکتری‌های مفید سیستم هاضمه حیوان شده و در نتیجه اثرات مطلوبی برجا می‌گذارند (ابراهیمی و همکاران، 1395). اثرات پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها بر عملکرد، مقاومت سیستم ایمنی و فلورمیکروبی مرغ‌های گوشتی در پژوهش‌های زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور نتایج پژوهش بزکرت و همکاران (2014) نشاد داده است که مرغ‌های گوشتی تغذیه

شده با جیره حاوی پروبیوتیک در مقایسه با گروه شاهد، افزایش وزن بیش‌تری دارند. همچنین در پژوهش آن‌ها، افزودن پری‌بیوتیک باعث افزایش وزن بیشتر و ضریب تبدیل غذایی بهتر شد. سلیم و همکاران (2013) گزارش کردند افزودن پروبیوتیک به جیره مرغ‌های گوشتی باعث بهبود عملکرد (افزایش وزن بدن و ضریب تبدیل غذایی) شد. این محققین دریافتند که در مرغ‌های تغذیه شده با پروبیوتیک، تعداد کرویات سفید، منوسایت‌ها و ایمنوگلوبولین‌های خون در مقایسه با گروه شاهد، افزایش نشان می‌دهند. در تحقیق یانگ و همکاران (2012)، استفاده از پروبیوتیک باعث افزایش معنی دار وزن بدن و افزایش وزن روزانه، کاهش جمعیت باکتری‌های نامطلوب (ای کولای و سالمونلا) و افزایش جمعیت باکتری‌های سودمند (لاکتوباسیلوس و بیفیدوباکتر) روده کور مرغ‌های گوشتی شد. یافته‌های کیم و همکاران (2011) نشان داد تغذیه مرغ‌ها با جیره‌های حاوی پری‌بیوتیک و آنتی‌بیوتیک، بهبود معنی دار عملکرد مرغ‌های گوشتی را به دنبال دارد. استفاده از الیگوکتیوزان که یک افزودنی پری‌بیوتیکی به‌شمار می‌رود باعث افزایش غلظت ایمنوگلوبولین‌های خون و تکامل بهتر اندام‌های ایمنی (طحال، بورس فابریسیوس و تیموس) شد (هانگ و همکاران، 2007).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیق کتابخانه‌ای بوده، گردآوری اطلاعات با استفاده از کتاب‌های معتبر، مقالات علمی و سایت‌های معتبر اینترنتی به انجام رسید.

اهمیت تحقیق

پرورش طیور کارآمدترین صنعت برای افزایش عرضه منابع حیوانی پروتئین، چربی و ویتامین در یک دوره کوتاه است. تقاضای روزافزون برای محصولات مرغداری نیاز به افزایش عرضه را با وارد کردن نژاد بهبود یافته پرندگان طیور افزایش می‌دهد. مفاد حاصل از پرورش چوپر-های گوشتی به علت افزایش مداوم هزینه‌های مواد خوراکی روند کاهشی دارد. یک عملکرد تولیدی ایده‌آل به دنبال مصرف خوراک بالاتر، هضم و جذب بهتر مواد مغذی، بهبود سلامت روده، مقاومت در برابر شرایط تنش‌زا و یا ترکیبی از آنها حاصل می‌شود. بنابراین با افزودن انواع مختلفی از محرک‌های رشد به جیره تلاش شده است تا افزایش وزن و ضریب تبدیل خوراک بهبود یابد. مواد افزودنی خوراکی معمولاً به عنوان مواد غیر مغذی

به جیره افزوده می‌شود تا عملکرد تولید، آسایش و سلامت حیوان به ویژه در شرایط تنش‌زا بهبود یابد.

نتایج و یافته‌ها

پروبیوتیک

اولین هدف از تولید حیوانات، عرضه غذای سالم برای مصرف انسان با توجه به آسایش حیوانات و حفظ سلامت محیط زیست است. شیوع انتقال بیماری‌ها از غذاهای با منشا حیوانی، نیاز به کاهش باکتری‌های بیماری‌زا در این دسته از مواد منابع غذایی را به کمک ترکیبات غیرآنتی‌بیوتیکی مانند پروبیوتیک‌ها ضروری می‌کند. باکتری‌های بیماری‌زا روده یک منبع مستقیم برای آلودگی منابع غذایی حیوانی هستند (جگگیا و همکاران، ۲۰۱۰، ابو اککادا و اواد، ۲۰۱۵).

طبق گزارش سازمان صحت جهانی و سازمان غذا و زراعت، پروبیوتیک‌ها میکروارگانیسم‌های زنده هستند که وقتی در مقادیر کافی مصرف می‌شوند، سبب بهبود سلامت میزبان می‌شوند (FAO/WHO، ۲۰۰۱). پروبیوتیک‌ها چون باعث ایجاد و گسترش مقاومت میکروبی نمی‌شوند، قابلیت زیادی برای تبدیل شدن به یک جایگزین مناسب برای آنتی‌بیوتیک‌ها دارند. پروبیوتیک‌ها می‌تواند به عنوان ابزار جهت افزایش رشد، تغییر جمعیت میکروبی روده و مهار باکتری‌های بیماری‌زا، تغییر وضعیت سیستم ایمنی و افزایش کیفیت گوشت طیور استفاده شوند. پروبیوتیک‌ها باعث حفظ ثبات⁹ جمعیت میکروبی بومی روده، عملکرد سیستم هاضمه، بیان باکتری‌ها¹⁰، فعالیت آنزیم‌ها جهت تحریک جذب و تغذیه، پاسخ‌های ایمنی، مهار آنزیم‌های پروکارسینوژنیک¹¹ و مقابله با باکتری‌های بیماری‌زا برای استقرار و تشکیل کالونی در مخاط روده میزبان می‌شوند (جگگیا و همکاران، ۲۰۱۰). یک پروبیوتیک مناسب باید از منشاء میزبان هدف انتخاب شده و غیر بیماری‌زا، غیر زهری و زنده باشد. همچنین باید توانایی زنده ماندن را در طی سیستم هاضمه حفظ کرده و در محیط روده قادر به تکثیر باشد. علاوه بر این، محصولات پروبیوتیکی باید قابلیت نگهداری طولانی مدت در شرایط مزرعه را داشته باشند.

انواع پروبیوتیک‌ها:

⁹ - Homeostasis

¹⁰ - Bacteriocins

¹¹ - Procarcinogenic

به‌طور کلی پروبیوتیک‌های مورد استفاده در حیوانات شامل لاکتوباسیل‌ها (لاکتوباسیل بولگاریسیوس¹²، لاکتوباسیل پلاتتاریوم¹³، لاکتوباسیل اسیدوفیلوس¹⁴، لاکتوباسیل هیلوتیسیوس¹⁵، لاکتوباسیل لاکتیس¹⁶، لاکتوباسیل سالواریوس¹⁷، لاکتوباسیل کارنی¹⁸، باسیلوس سوبتیلیس¹⁹، انتروکوکوس‌ها (انتروکوکوس فاکالیس²⁰، انتروکوکوس فاسیوم²¹)، انواع بیفیدوباکتریوم‌ها²²، استرپتوکوکوس²³، انتروکوکوس²⁴، لاکتوکوکوس²⁵، اشیشیاکولی، قارچ‌ها²⁶ و مخمر (آسپرژیلوس اوریزا²⁷، ساکرومایسیز سرویسیا) هستند. پروبیوتیک‌هایی که از چند سویه میکروبی تشکیل شده‌اند ممکن است به دلیل تاثیر هر سویه در مکان‌های مختلف سیستم هاضمه و بروز اثرات همکوشی²⁸ بین آنها، نسبت به پروبیوتیک‌های تک سویه برتری داشته باشند (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷).

مکانیسم عمل پروبیوتیک‌ها

پیچیدگی محیط روده و اثرات متقابل بین میکروب‌ها و همچنین بین میکروب‌ها و میزبان شناخت صحیح مکانیسم‌های عمل پروبیوتیک‌ها را مشکل می‌سازد (آجان، ۲۰۱۶). پروبیوتیک عموماً از طریق حذف رقابتی عمل می‌کنند. پروبیوتیک‌ها با رقابت برای جایگاه‌های اتصال در روده، دسترسی باکتری‌های بیماری‌زا به مخاط روده و شانس تشکیل کالونی در آن را کاهش می‌دهند. همچنین پروبیوتیک طی حذف رقابتی از طریق بهبود پاسخ سیستم ایمنی میزبان و تولید ترکیبات ضد میکروبی مانند اسیدهای چرب کوتاه زنجیر و باکتری‌اوسین‌ها در کنترل جمعیت باکتری‌های بیماری‌زا موثر هستند. به عنوان مثال،

12 - *L. bulgaricus*

13 - *L. plantarum*

14 - *L. acidophilus*

15 - *L. helveticus*

16 - *L. lactis*

17 - *L. salivarius*

18 - *L. casei*

19 - *Bacillus subtilis*

20 - *E. faecalis*

21 - *E. faecium*

22 - *Bifidobacterium spp*

23 - *Streptococcus*

24 - *Enterococcus*

25 - *Lactococcus*

26 - *Fungi*

27 - *Aspergillus oryzae*

28 - *Synergistic*

لاکتیک اسید تولید شده توسط پروبیوتیک‌ها از طریق کاهش pH روده اثرات ضد میکروبی نشان می‌دهد (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷). پروبیوتیک‌ها از طریق افزایش فعالیت انزیم هضمی میزبان و کاهش فعالیت انزیم‌های باکتریایی و تولید آمونیاک و خنثی‌سازی انتروتوکسین‌ها نیز موثر هستند (کرال و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، برخی از دسته‌های پروبیوتیکی باکتریاهای لاکتیک اسید، بیان ژن عامل تهاجم در باکتریاهای بیماری‌زا مانند شیگیلا²⁹ و یرسینیا³⁰ را کاهش داده و به‌طور مستقیم بیماری‌زایی آن‌ها را کاهش می‌دهند. مکانیسم عمل پروبیوتیک‌ها برای تقویت سیستم ایمنی اغلب به گونه باکتری یا میکروارگانیسم، روش آماده‌سازی پروبیوتیک، روش استفاده و محیط پرورش پرندگان بستگی دارد. اثر متقابل بین میزبان و کشت پروبیوتیک‌ها سبب افزایش غلظت آنتی‌بادی-های طبیعی و اختصاصی، اینترفرون‌ها³¹ یا سیتوکین‌ها و همچنین فعال‌شدن یا سرکوب سلول‌های T که در نهایت منجر به بیان سیتوکین می‌شود (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷). بنابراین، پروبیوتیک‌ها می‌توانند از طریق افزایش تولید اسیدهای چرب فرار در طیور و تنظیم انتخابی سیگنالینگ انسولین در بافت‌های مختلف، رشد پرند را تحریک کنند. همچنین اسیدهای چرب فرار سلامت روده و یکپارچگی آن را با تحریک تکثیر حجرات اپیتلیال افزایش می‌دهند. پروبیوتیک‌ها با تنظیم سیستم ایمنی بدن در بهبود رشد موثر هستند. تنظیم سیستم ایمنی بدن ممکن است منجر به کاهش اثرات منفی فعال‌سازی پاسخ‌های شدید ایمنی شود. فعال‌سازی سیستم ایمنی سبب می‌شود تا مواد مغذی بجای مصرف در فرآیندهای تولیدی مانند افزایش وزن یا تولید تخم مرغ، در ایجاد پاسخ‌های ایمنی هزینه شود. علاوه بر این، پروبیوتیک با محافظت از ناقل‌های موجود در اپیتلیال، جذب مواد مغذی و رشد پرند را افزایش دهند (آجوان، ۲۰۱۶).

اثر پروبیوتیک‌ها بر چوپه‌مرغ‌های گوشتی

حامد و همکاران (۲۰۱۴) گزارش کردند که پروبیوتیک باسیلوس آمیلولیکویی فاسینس³² بر تعداد لاکتوباسیلوس‌ها و باسیلوس‌ها در روده کور مرغ‌های گوشتی تاثیر نداشت، اما جمعیت اشیشیاکولی با افزایش سطح پروبیوتیک کاهش یافت. علاوه بر این، مصرف

29 - Shigella

30 - Yersinia

31 - Interferon

32 - *Bacillus amyloliquefaciens*

پروبیوتیک غلظت ایمونوگلوبولین G و ایمونوگلوبولین A سرم و همچنین ارتفاع پرزهای روده را افزایش داد. در یک مطالعه دیگر، مکمل سازی جیره با سیتروباکتر دیورسیوس³³، کلبسیلا پنومونیه³⁴ و اشیشیاکولی بطور قابل توجهی جمعیت کمپیلوباکترهای ژژونوم را در مرغهای گوشتی کاهش داد (استرن و همکاران، ۲۰۰۱). مکمل خوراکی باسیلوس سوبتیلیس سبب بهبود ضریب تبدیل خوراک و کاهش جراحات روده در مرغهای گوشتی آلوده به کلستریدیوم³⁵ و ایمریا³⁶ شده است (جایارامان و همکاران، ۲۰۱۳). اثر پروبیوتیک باسیلوس سوبتیلیس بر عفونت ناشی ایمریا ماکزیم³⁷ در مرغهای گوشتی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که این پروبیوتیک علائم کلینیکی کوکسیدیوز را کاهش داده و پاسخ سیستم ایمنی را افزایش می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۱۹). گزارش شده است که با مصرف مکمل باسیلوس سوبتیلیس افزایش وزن روزانه، اوسط مصرف خوراکی روزانه و ضریب تبدیل خوراک در مرغهای گوشتی در فاصله سنین ۲۱ تا ۴۲ و ۱ تا ۴۲ روزگی بهبود یافت. همچنین غلظت گلوکوتایون و فعالیت آنزیم‌های گلوکوتایون ردوکتاز، گلوکوتایون پراکسیداز و سوپراکسید دیسموتاز پلازما و کبد افزایش یافت (بابی و همکاران، ۲۰۱۷). افزودن یک کیلوگرم در تن پروبیوتیک تجاری بیوژن در جیره مرغهای گوشتی، مصرف خوراک روزانه، افزایش وزن بدن و ضریب تبدیل خوراک را بهبود داد (ایلتریفی و همکاران، ۲۰۱۷). شمس شرق و همکاران (۲۰۱۲) گزارش کردند که با مصرف پروبیوتیک تعداد کل باکتریهای هوازی و لاکتوباسیل‌ها در جاغر مرغهای گوشتی در سن ۴۰ روزگی افزایش یافت. مطالعات نشان داده است که اسپری نمودن مکمل پروبیوتیک‌ها در پیشگیری از عفونت‌های سیستم تنفسی و بهبود عملکرد پرندگان موثر است. اسپری کردن پروبیوتیک‌ها باعث کاهش غلظت گاز آمونیا و میکروب در هوای سالن پرورش می‌شود (لوان و همکاران، ۲۰۱۸).

پری‌بیوتیک‌ها

در گذشته پری‌بیوتیک‌ها عبارتند از کاربوهایدرات‌های غیرقابل هضمی که با تحریک انتخابی رشد و یا فعالیت یک یا تعدادی از باکتری‌ها در بخش مختلف سیستم هاضمه، اثر

³³ - *Citrobacter diversu*

³⁴ - *Klebsiella pneumoniae*

³⁵ - *Clostridium*

³⁶ - *Eimeria*

³⁷ - *Eimeria maxima*

مطلوبی بر میزان دارند (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷). بر اساس این تعریف، در سال ۱۹۹۸، معیارهایی برای یک پری بیوتیک تعیین گردید (روسل، ۱۹۹۸): نخست این که پری بیوتیک‌ها، اجزای غذایی هستند که توسط میزان هضم نمی‌شوند و یا به مقدار کمی استفاده و سوخت و ساز می‌شوند، لذا می‌توانند با عبور از قسمت‌های بالایی سیستم هاضمه، به جمعیت روده بزرگ برسند. دوم اینکه بتوانند به عنوان پیش‌ماده‌ی برای یک یا تعداد بیشتری از انواع باکتریایی مفید به کار روند. سرانجام اینکه با تغییر سودمند جمعیت میکروبی سیستم هاضمه، در بهبود سلامت میزان مؤثر باشند. اما اخیراً، پری بیوتیک‌ها به عنوان سوبستراهایی تعریف شده‌اند که به صورت انتخابی توسط میکروارگانیسم‌های مؤثر در بهبود سلامت میزان در سیستم هاضمه مورد استفاده قرار می‌گیرند (گیسون و همکاران، ۲۰۱۷).
انواع پری بیوتیک‌ها:

چندین الیگوساکراید غیرقابل هضم از جمله فروکتوالیگوساکرایدها³⁸ (الیگوفروکتوز³⁹، اینولین نوع فروکتان‌ها⁴⁰)، ترانس گالاکتوالیگوساکراید⁴¹، گلیکوالیگوساکرایدها⁴²، مالتوالیگوساکرایدها⁴³، زایلوالیگوساکرایدها⁴⁴، دیواره سلولی مخمر (مانانو-الیگوساکرایدها⁴⁵)، گلوکوالیگوساکرایدها⁴⁶ و گلایکوالیگوساکرایدها⁴⁷ به عنوان پری بیوتیک مورد توجه قرار گرفته‌اند (ریک، ۲۰۱۵). پری بیوتیک‌های که اغلب برای پرندگان استفاده می‌شود شامل انواع الیگوساکرایدها مانند فروکتوالیگوساکراید، اینولین، مانان الیگوساکراید و زایلوالیگوساکراید است. فروکتوالیگوساکراید، پلیمرهای خطی از واحدهای فروکتوزیل با پیوند بتا (۱-۲) است و در روده پرندگان هضم نمی‌شوند. اینولین زنجیره‌ی طولانی‌تر از فروکتوالیگوساکرایدها است. مانان الیگوساکراید، الیگومرهای بر پایه مانوز با پیوند گلیکوزیدی بتا (۱-۴) هستند و در دیواره سلولی مخمر سکرومایسز یافت می‌شوند.

38 - Fructooligosaccharide

39 - Oligofructose

40 - Inulin-type fructans

41 - Trans-galactooligosaccharides

42 - Glycooligosaccharides

43 - Maltooligosaccharides

44 - Xylo-oligosaccharides

45 - Mannano-oligosaccharides

46 - Glucooligosaccharides

47 - Glycooligosaccharids

زایلوالیگوسکرایدها، لیگومرهای متشکل از واحدهای زایلوز با پیوندهای بتا (۴-۱) می‌باشند. لیگوسکرایدهای دیگری شامل گالاکتوالیگوسکرایدها و لاکتوز نیز به عنوان پری‌بیوتیک در پرندگان استفاده می‌شوند (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷).

مکانیسم عمل پری‌بیوتیک‌ها

پری‌بیوتیک‌ها عمدتاً از طریق فراهم‌سازی مواد مغذی قابل تخمیر برای باکتری‌های سودمند روده، سبب تغییر بهینه تعادل جمعیت میکروبی آن می‌شوند. همچنین با جلوگیری از تشکیل کالونی باکتری‌های بیماری‌زا، در بهبود یکپارچگی مخاط روده نقش دارند. تعدادی از باکتری‌های بیماری‌زا می‌توانند به برخی قندها در مخاط روده متصل شوند. به عنوان مثال، مانان لیگوسکراید می‌تواند با اتصال به فیمبر یا اختصاصی قند مانوز در باکتری‌های بیماری‌زا گرم منفی مانند اشریشیاکلی منجر به دفع آن‌ها از روده شود (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷). تولید اسیدهای چرب زنجیره کوتاه عمدتاً بوتیرات، پروپیونات و استات به عنوان بخشی از فرایند تخمیر، یکی از مکانیسم‌های اصلی پری‌بیوتیک است. اسیدهای چرب زنجیره کوتاه سبب کاهش pH مجرای روده و ایجاد انرژی برای حجرات اپیتلیال می‌شوند (آجوان، ۲۰۱۶؛ آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷). در طیور، بوتیرات می‌تواند با افزایش انتخابی بیان ژن زیرواحد بتا گیرنده انسولین در عضلات، و بدنبال آن، تخصیص انتخابی مواد مغذی از جگر و انساج چربی به سمت عضلات سرعت رشد را تنظیم کند (آجوان، ۲۰۱۶). بخشی از تغییرات پاسخ سیستم ایمنی پس از مصرف پری‌بیوتیک ممکن است به دلیل اثر متقابل بین پری‌بیوتیک‌ها و حجرات ایمنی روده و همچنین به صورت غیرمستقیم از طریق کمک به غالب شدن جمعیت میکروب‌های مفید و محصولات آن‌ها باشد (جاناردانا و همکاران، ۲۰۰۹). مکمل مانان لیگوسکراید سبب افزایش جمعیت انواع لاکتوباسیلوس و بیفیدوباکتریوم در روده کور و ارتفاع پرزها و تعداد حجرات گابلت در ایلئوم و ژژونوم مرغ‌های گوشتی می‌شود (پورابیدین و همکاران، ۲۰۱۴). استفاده پری‌بیوتیک در جیره خوراکی طیور گوشتی، افزایش وزن روزانه و وزن نهایی را افزایش و ضریب تبدیل خوراک را در ۴۲ روزگی کاهش داد. همچنان وزن و طول دثودنوم، ژژونوم و ایلئوم را بهبود بخشید (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). باید توجه داشت که طول دوره مصرف لیگوسکرایدها نقش مهمی در میزان اثربخشی آنها دارد (آدهیکاری و کیم، ۲۰۱۷).

اثر پری‌بیوتیک‌ها بر چوپه‌مرغ‌های گوشتی

از زمانی که مکمل‌های مانان الیگوسکرایدی، اولین بار در سال ۱۹۹۳ به عنوان افزودنی غذایی در جیره چوپه‌های گوشتی معرفی شدند، تحقیقات زیادی روی آنها صورت گرفته است. در اکثر آزمایشات، جیره‌های مکمل سازی شده با مانان الیگوسکرایدها در مقایسه با جیره کنترل، افزایش وزن و ضریب تبدیل غذایی بهتری داشتند. آمرمن و همکاران (۱۹۸۹) گزارش کردند که تغذیه چوپه‌های گوشتی نر با الیگوفروکتوز، سبب بهبود وزن لاشه قابل طبخ و وزن سینه و همچنین کاهش میزان چربی حفره بطنی میشود. وو و همکاران (۱۹۹۹) مشاهده کردند که استفاده از سطوح ۲/۵ و ۵ گرم فروکتوالیگوسکراید در کیلوگرم جیره، اثرات مفیدی بر افزایش وزن و ضریب تبدیل غذایی دارند. نتایج تحقیقات زانک و همکاران (۲۰۰۳) نشان میدهد، مکمل سازی سطوح صفر، ۰/۳، ۰/۶، ۰/۹ و ۱/۲ از ایزومالتوالیگوسکراید در خوراک چوپه‌های گوشتی، ضریب تبدیل غذایی را در کل دوره پرورش در مقایسه با جیره شاهد بهبود می‌بخشد. علاوه براین، بیمار حاوی ۰/۳ فیصد ایزومالتوالیگوسکراید، منجر به بهبود افزایش وزن در انتهای دوره پرورشی گردید. هوانگ و همکاران (۲۰۰۵) گزارش دادند، مکمل سازی سطوح ۱۰۰ و ۱۵۰ میلی گرم پری بیوتیک اولیگوکتیتوزان در هر کیلوگرم از خوراک چوپه‌های گوشتی در ۲۱ و ۴۲ روزگی، ضریب تبدیل غذایی مشابهی با جیره حاوی ۶ میلی گرم در کیلوگرام از آنتی بیوتیک فلاوومایسین ایجاد نمود. علاوه براین، بدون آنکه این پری بیوتیک بتواند مصرف خوراک را تحت تأثیر قرار دهد، توانست عملکرد رشد پرنده را در مقایسه با جیره شاهد افزایش دهد. نتایج تحقیقات فلیکینگر و فاهی (۲۰۰۲) نشان داد مکمل سازی اینولین به تهایی و یا در ترکیب با پروبیوتیک‌ها، میزان کلونایزیشن⁴⁸ سالمونلا را در روده کور و لاشه چوپه‌های گوشتی را اساس فرضیه حذف رقابتی کاهش میدهد. این محققین پیشنهاد نمودند، تغذیه با اینولین میتواند یک راهکار تغذیه‌ای مناسب برای کنترل باکتری‌های بیماری‌زا در چوپه مرغ‌ها باشد. در آزمایش تیتاروم و همکاران (۲۰۰۵)، مکمل سازی جیره با ایزومالتو الیگوسکرایدها، جمعیت میکروبی روده را تحت تأثیر قرار نداد. با این وجود شمار باکتریا-های سالمونلا در روده کور چوپه‌های که با ۱ فیصد ایزومالتو الیگوسکراید تغذیه شده بودند در مقایسه با چوپه‌های گروه شاهد، پایین تر بود. یوسریزال و چن (۲۰۰۳) گزارش کردند استفاده از اینولین و الیگوفروکتوز در جیره چوپه‌های گوشتی باعث کاهش میزان

کلسترول سرم و چربی حفره بطنی آنها میشود. سویج و همکاران (۱۹۹۶) افزایش سطوح سرمی ایمونوگلوبولین‌های G و A را در پرندگان دریافت کننده تیمار حاوی مانان الیگوساکراید در مقایسه با پرندگان دریافت کننده تیمار شاهد گزارش نمودند. در تحقیق دیگری که روی گله‌های مرغ نسلی گوشتی صورت گرفت، اضافه کردن مکمل مانان الیگوساکرایدها به جیره، به طور معنی داری پاسخ آنتی بادی را به مرض گامبروافزایش داد. علاوه بر این، تیترا آنتی بادی مادری در چوپه‌های حاصل از این مرغ‌ها نیز افزایش پیدا کرد (شاشیدهارا و دوگودا، ۲۰۰۳). یکی از عواملی که روی قابلیت استفاده از مواد مغذی در طیور موثر است، مورفولوژی روده و مقاومت آن در برابر امراض روده‌ی می‌باشد. نتایج تحقیقات فرکت (۲۰۰۲) نشان میدهد که اگرچه مانان الیگوساکرایدها تأثیری بر ارتفاع پرزهای روده خورد نداشتند، اما بطور معنی داری منجر به کاهش عمق حجرات کریپت و همچنین افزایش نسبت ارتفاع پرزها به عمق حجرات کریپت در مقایسه با تیمار شاهد و تیمار حاوی ویرجینیامایسین شدند.

نتیجه گیری

فلور میکروبی سیستم هاضمه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سلامتی و بهره‌وری طیور داشته باشد. بدین ترتیب، هرگونه اختلال در این فلور می‌تواند به علت استقرار عوامل بیماری‌زا یا باکتری‌های کاهش دهنده رشد با تأثیرات مضر همراه گردد. در صنعت پرورش طیور به منظور دستیابی به حداکثر جذب مواد مغذی در دستگاه سیستم هاضمه باید از تشکیل کالونی باکتری‌های بیماری‌زا جلوگیری نمود و سطح نواحی جذب را در روده افزایش داد. در طول روده کوچک، وظیفه اصلی پرزها به تدریج از هضم به سمت جذب مواد مغذی تغییر می‌یابد. کاهش ارتفاع پرزها و افزایش عمق کریپت‌ها میتواند منجر به جذب ناکافی مواد مغذی و کاهش عملکرد روده پرند شود. بررسی‌های انجام شده بر روی مرغ‌های گوشتی نشان میدهد که باکتری‌های پروبیوتیکی و مکمل‌های پری‌بیوتیکی بطور قابل توجهی جمعیت کمپیلوباکترهای ژژنوم و میزان کلونایزیشن سالمونلا در روده کور چوپه-های گوشتی را به اساس فرضیه حذف رقابتی کاهش دادند. همچنین طبق مطالعات، مصرف مکمل‌های پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها، غلظت ایمونوگلوبولین G و ایمونوگلوبولین A سرم و همچنین ارتفاع پرزهای روده را افزایش داد. در اکثر آزمایشات، جیره‌های مکمل سازی شده با پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها بهبود عملکرد چوپه مرغ‌های

گوشتی در پی داشته است. بنابراین پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها پتانسیل خوبی برای جایگزینی آنتی‌بیوتیک‌ها جهت تولید اقتصادی صنعت طیور میتواند باشد.

پیشنهادها

- 1- ایجاد صنایع فابریکه خوراک حیوانی در سطح کشور
- 2- بررسی سطوح مقادیر پایین تر پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها در تغذیه طیور
- 3- تشویق مرغداران در استفاده این افزودنی‌ها بجای آنتی‌بیوتیک‌ها و هورمون‌های رشد.

منابع

- ابراهیمی، حسین،، شعبان رحیمی و پژواک خاکی. (1394). تاثیر اسید آلی، پروبیوتیک و عصاره الکلی سرخارگل بر جمعیت میکروبی روده و سیستم ایمنی جوجه گوشتی. *مجله تحقیقات دامپزشکی*. 70: 293-299.
- ابراهیمی، حسین،، محمد هوشمند، مختار خواجوی و اصغر نقی‌ها. (1395). اثرات پری-بیوتیک، پروبیوتیک و مخلوط آن‌ها بر عملکرد، پاسخ ایمنی و فلور میکروبی دستگاه گوارش جوجه‌های گوشتی. *پژوهشهای تولیدات دامی*. 13: 60-69.
- افشار مازندران، نادر،، ابوالفضل رجب و محمد مهدی کیایی. (1381). پروبیوتیک‌ها و کاربرد آنها در تغذیه دام و طیور (ترجمه). چاپ دوم. انتشارات نوربخش صفحه. 390.
- شرق، محمود شمس و علی خسروی. (1390). افزودنی‌های خوراکی در تغذیه طیور. چاپ اول. انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان. 191.
- Adhikari, P. A. and W. K. Kim. (2017). Overview of prebiotics and probiotics: focus on performance, gut health and immunity. *Annals of Animal Science*. 0:1-30.
- Ahmed, S. T., M. M. Islam, H. S. Mun, H. J. Sim, Y. J. Kim, and C. J. Yang. (2014). Effects of *Bacillus amyloliquefaciens* as a probiotic strain on growth performance, cecal microflora, and fecal noxious gas emissions of broiler chickens. *Poultry Science*. 93:1963-1971.
- Ajuwon, K. M. (2016). Toward a better understanding of mechanisms of probiotics and prebiotics action in poultry species. *Journal of Applied Poltry Ruesearch*. 25:277-283.
- Al-Khalaifah, H. S. (2018). Benefits of probiotics and/or prebiotics for antibiotic-reduced poultry. *Poultry Science*. 0:1-9.
- Bai, K., Q. Huang, J. Zhang, J. He, L. Zhang, and T. Wang. (2017). Supplemental effects of probiotic *Bacillus subtilis* fmbJ on growth performance, antioxidant capacity, and meat quality of broiler chickens. *Poultry Science*. 96:74-82. ۲۰
- Bozkurt, M., N. Aysul, K. Kucukyilmaz, S. Aypak, G. Ege, A. U. Catli, H. Akşit, F. Coven, K. Seyrek, and M. Cınar. 2014. Efficacy of in-feed preparations of an anticoccidial, multienzyme, prebiotic, probiotic and herbal essential oil mixture in healthy and *Eimeria* spp.-infected broilers. *Poultry Science*, 93: 389-399.

- Cengiz, O., B. H. Koksall, O. That, O. Sevim, U. Ahsan, A. G. Uner, P. A. Ulutas, D. Beyaz, S. Buyukyoruk, A. Yakan, and A. G. Onol. (2015). Effect of dietary probiotic and high stocking density on the performance, carcass yield, gut microflora, and stress indicators of broilers. *Poultry Science*. 94:2395-2403.
- Eltrefi, A. M. E., A. A. Mohammed, A. B. Habib, E. S. Abu shulukh, A. A. Abubaker, M. F. Mohammed, G. A. Ibrahim, and H. H. Abdelwahid. (2017). Effect of different levels of probiotic, biogen, on performance and carcass characteristics of broiler chickens. *International Journal of Recent Trends in Engineering and Research*. 3:82-90.
- FAO/WHO, (2001). Health and nutritional properties of probiotics in food including powder milk with live lactic acid bacteria, American Córdoba Park Hotel, Córdoba, Argentina.
- Ferket, P. R. 2002. Use of oligosaccharides and gut modifiers as replacements for dietary antibiotics. Proc. 63rd Minnesota nutrition conference, September 17-18, Eagan, MN. Pp: 169-182.
- Gaggia, F., P. Mattarelli, and B. Biavati. (2010). *Probiotics and prebiotics in animal feeding for safe food production*. International Journal of Food Microbiology. 141:515-528.
- Gibson, G.R.; Hutkins, R.; Sanders, M.E.; Prescott, S.L.; Reimer, R.A.; Salminen, S.J.; Scott, K.; Stanton, C.; Swanson, K.S.; Cani, P.D.; Verbeke, K. and Reid, G., (2017). expert consensus document: the international scientific association for probiotics and prebiotics (ISAPP) consensus statement on the definition and scope of prebiotics. *Nature reviews. Gastroenterology and hepatology*. 14:491-502.
- Huang, R.L., Z.Y. Deng, C. Yang, Y.L. Yin, M.Y. Xie, G.Y. Wu, T.J. Li, L.L. Li, Z.R. Tang, P. Kang, Z.P. Hou, D. Deng, H. Xiang, X. Feng Kong and Y.M. Guo. 2007. Dietary oligochitosan supplementation enhances immune status of broilers. *Journal of the Science of Food and Agriculture*, 87: 153-159.
- Janardhana, V., M. M. Broadway, M. P. Bruce, J. W. Lowenthal, M. S. Geier, R. J. Hughes, and A. G. D. Bean. (2009). Prebiotics modulate immune responses in the gut-associated lymphoid tissue of chickens. *The Journal of Nutrition Nutritional Immunology*. 139:1404-1409.
- Jayaraman, S., G. Thangavel, H. Kurian, R. Mani, R. Mukkalil, and H. Chirakkal. (2013). Bacillus subtilis PB6 improves intestinal health of broiler chickens challenged with

- Clostridium perfringens*-induced necrotic enteritis. *Poultry science* 92:370-374.
- Jozefiak, D., S. Kaczmarek, and A. Rutkowski. (2008). A note on the effects of selected prebiotics on the performance and ileal microbiota of broiler chickens. *Animal and feed sciences*. 17: 392-397.
- Kim, G.B., Y.M. Seo, C.H. Kim and I.K. Paik. 2011. Effect of dietary prebiotic supplementation on the performance, intestinal microflora and immune response of broilers. *Poultry Science*, 90: 75-82.
- Kral, M., M. Angelovicova, and L. Mrazova. (2012). Application of probiotics in poultry production. *Animal Science and Biotechnologies*. 45:55-57.
- Li, C.-l., J. Wang, H.-j. Zhang, S.-g. Wu, Q.-r. Hui, C.-b. Yang, R.-j. Fang, and G.-h. Qi. (2019). intestinal morphologic and microbiota responses to dietary bacillus spp. in a broiler chicken model. *Frontiers in Physiology* 9:1968.
- Luan, S. J., Y. B. Sun, Y. Wang, R. N. Sa, and H. F. Zhang. (2018). *Bacillus amyloliquefaciens* spray improves the growth performance, immune status, and respiratory mucosal barrier in broiler chickens. *Poultry Science*. 98:1403-1409.
- Pourabedin, M., Z. Xu, B. Baurhoo, E. Chevaux, and X. Zhao. (2014). Effects of mannan oligosaccharide and virginiamycin on the cecal microbial community and intestinal morphology of chickens raised under suboptimal conditions. *Canadian Journal of Microbiology*. 60:255-266.
- Ricke, S. C. (2015). Potential of fructooligosaccharide prebiotics in alternative and nonconventional poultry production systems. *Poultry Science*. 94:1411-1418.
- Russell, T. J. (1998). The effect of natural source of non-digestible oligosaccharides on the fecal microflora of the dog and effects on digestion. *Friskies R and D Center, Missouri USA*.
- Salim, H.M., H.K. Kang, N. Akter, D.W. Kim, J.H. Kim, M.J. Kim, J.C. Na, H.B. Jong, H.C. Choi, O.S. Suh and W.K. Kim. 2013. Supplementation of direct-fed microbials as an alternative to antibiotic on growth performance, immune response, cecal microbial population and ileal morphology of broiler chickens. *Poultry Science*, 92: 2084-2090.
- Shams Shargh, M., B. Dastar, S. Zerehdaran, M. Khomeiri, and A. Moradi. (2012). Effects of using plant extracts and a probiotic on performance, intestinal morphology, and microflora population in broilers. *Journal of Applied Poltry Ruesearch*. 21:201-208.

- Wang, W., H. Yang, Z. Wang, J. Han, D. Zhang, H. Sun, and F. Zhang. (2015). Effects of prebiotic supplementation on growth performance, slaughter performance, growth of internal organs and small intestine and serum biochemical parameters of broilers. *Journal of Applied Animal Research*. 43:33-38.
- Wellenreiter, R. H., D. H. Mowrey, L. A. Stobbs, and J. A. D. Assonville. (2000). Effects of avilamycin on performance of broiler chickens. *Veterinary therapeutic*. 1:118-124.
- Yang, C.M., G.T. Cao, P.R. Ferket, T.T. Liu, L. Zhou, L. Zhang, Y.P. Xiao and A.G. Chen. 2012. Effects of probiotic, *Clostridium butyricum*, on growth performance, immune function, and cecal microflora in broiler chickens. *Poultry Science*, 91: 2121-21

بررسی جریان‌ات کانوکشنی مانند فوقانی زمین و تاثیرات آن بالای

ریلیف زمین

پوهنمل مصطفی اورمر

پوهنځی انجنیري معادن و محیط زیست، دپارتمنت انجنیري معدن پوهنتون بلخ، ولایت بلخ،

افغانستان

mustafaaurmal786@ba.edu.af

<https://orcid.org/0009-0002-7698-2031>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

پروسه جریان‌ات کانوکشنی در مانند زمین، نقش حیاتی در شکل‌گیری و تغییرات ریلیف زمین ایفا می‌کنند. این جریان‌ات که ناشی از تفاوت‌های حرارت و کثافت در طبقات مانند هستند، باعث حرکت مواد داغ به سمت بالا و مواد سرد به سمت پایین می‌شوند. این حرکت‌ها منجر به پدیده‌های جیوفیزیکی متعددی می‌شوند که تاثیرات عمده‌ای بر ریلیف زمین دارند. یکی از مهم‌ترین هدف این تحقیق دریافت تاثیرات جریان‌ات کانوکشنی و حرکت صفحه‌های تکتونیکی است. روش و شویه تحقیق بالای جریان‌ات کانوکشنی به صورت غیر مستقیم توسط مدل‌های جیولوجیکی و اثرات آن بالای زمین صورت می‌گیرد. این جریان‌ات باعث می‌شوند که صفحه‌های تکتونیکی به هم برخورد کرده یا از هم جدا شوند، که نتیجه آن تشکیل و تغییر شکل کوه‌ها، دره‌ها، و حتی زلزله‌ها است. به علاوه، جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند مواد داغ را به سطح زمین برسانند و منجر به فعالیت‌های آتشفشانی و لکه‌های داغ شوند. این آتشفشان‌ها می‌توانند زمین‌ریخت‌های جدیدی ایجاد کنند و تغییرات عمده‌ای در ریلیف زمین به وجود آورند. جریان‌ات کانوکشنی همچنین می‌توانند باعث گسترش بستر اقیانوس‌ها شوند. این پروسه زمانی رخ می‌دهد که مواد داغ از مانند به سطح بستر اقیانوس‌ها می‌رسند و باعث تشکیل پوسته‌های جدید می‌شوند. علاوه بر این، جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند باعث کشش یا جدایش در قشر زمین شوند که منجر به تشکیل دره‌های ریفت می‌شود. در نتیجه، جریان‌ات کانوکشنی در مانند زمین نقش کلیدی در تغییرات ریلیف زمین دارند. این جریان‌ات نه تنها به تشکیل و تغییر شکل زمین‌ریخت‌های مختلف کمک می‌کنند، بلکه در پروسه‌های جیوفیزیکی بزرگ‌تری که شکل‌دهنده سطح زمین هستند، نیز مشارکت دارند. با درک بهتر این جریان‌ات و تاثیرات آن‌ها، می‌توانیم به تحلیل و پیش‌بینی بهتر پروسه‌های زمین‌شناسی پردازیم.

کلیدواژه‌ها: حرکات، ریلیف، زمین، کانوکشن، مانند.

An Investigation into the Upper Mantle Convection Currents and Their Impact on Earth's Relief

Author
Email
Orcid

Mustafa Ormal

Department of Mining Engineering, Faculty of Mining and Environmental Engineering Balkh University, Balkh, Afghanistan
mustafaaurmal786@ba.edu.af
<https://orcid.org/0009-0002-7698-2031>

Abstract

Convective current processes in the Earth's mantle play a vital role in shaping and changing the Earth's topography. These flows, resulting from temperature and density differences in the mantle layers, cause hot materials to move upwards and cold materials to move downwards. These movements lead to various geophysical phenomena that have significant effects on the Earth's topography. One of the main objectives of this research is to understand the effects of convective flows on the movement of tectonic plates. Research methods focus on indirect assessment of convective flows through geological models and their effects on the Earth's surface. These flows can cause tectonic plates to collide or separate, resulting in the formation and deformation of mountains, valleys, and even earthquakes. Additionally, convective flows can bring hot materials to the Earth's surface, leading to volcanic activities and hotspots. These volcanoes can create new landforms and bring about significant changes in the Earth's topography. Convective flows can also contribute to seafloor spreading when hot materials reach the oceanic crust, forming new crustal layers. Furthermore, convective flows can induce tension and separation in the Earth's crust, leading to the formation of rift valleys. As a result, convective flows in the Earth's mantle play a key role in changes in Earth's topography by not only aiding in the formation and deformation of various landforms but also participating in larger geophysical processes that shape the Earth's surface. A better understanding of these flows and their effects can help us analyze and predict geological processes more effectively.

Keywords: Convection, Earth Mantle, Movements, Relief

مقدمه

در دنیای تغییرات جیولوجی، جریان‌های کانوکشنی ماتل یکی از عوامل کلیدی و مؤثر بر ساختار و ریلیف زمین به شمار می‌روند. این جریان‌ها که در طبقات ماتل زمین رخ می‌دهند، به دلیل خواص حرارتی و مکانیکی مواد ماتل، به طور مداوم در حال حرکت و تغییر هستند. اهمیت این جریان‌ها به حدی است که می‌توانند باعث تغییرات بنیادی در سطح زمین شوند، از جمله تشکیل کوه‌ها، جابه‌جایی قاره‌ها و ایجاد زلزله‌ها ماتل، طبقه‌ای از زمین که در زیر قشر زمین و بالای هسته خارجی قرار دارد، دارای جریان‌های کانوکشنی است که نقش مهمی در دینامیک زمین بازی می‌کنند. این جریان‌ها به دلیل تفاوت حرارت و کثافت مواد ماتل ایجاد می‌شوند و به حرکت قشرهای زمین منجر می‌شوند (McKenzie & Richter, 1976: 74). این حرکت‌ها می‌توانند تغییرات بزرگی در سطح زمین ایجاد کنند و منجر به پدیده‌های جیولوجی مهمی مانند تشکیل رشته کوه‌ها، شکستگی‌ها و زلزله‌ها شوند.

در این مقاله، به بررسی دقیق جریان‌های کانوکشنی ماتل و تأثیرات آن بر ریلیف زمین پرداخته خواهد شد. ابتدا به توضیح مفاهیم اساسی و مکانیزم‌های جریان‌های کانوکشنی ماتل پرداخته و سپس به تحلیل اثرات این جریان‌ها بر ساختار زمین پرداخته خواهد شد. در نهایت، با مطالعه موردی از مناطق خاص، تغییرات و اثرات این جریان‌ها را به صورت عملی بررسی خواهد شد. هدف ما این است که با فهم بهتر این جریان‌ها، بتوانیم به درک بهتری از پروسه‌های جیولوجی و تأثیرات آن بر ریلیف زمین دست یابیم.

تبیین مسأله

ریلیف زمین یا شکل‌گیری سطح زمین تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جریان‌های کانوکشنی ماتل فوقانی است. این جریان‌ها با انتقال گرما حرکت پلیت‌ها و مواد در ماتل، می‌توانند باعث تغییرات عمده در ساختار زمین شوند. درک بهتر این جریان‌ها و تأثیرات آن‌ها بر ریلیف زمین، می‌تواند به پیش‌بینی بهتر پروسه‌های جیولوجی و کاهش خطرات زمین‌شناسی کمک کند بنا ضرورت مبرم است تا مسأله فوق شناسایی و بررسی گردد.

پرسش‌های تحقیق

اصلی

1. جریانات کانوکشنی مانند فوقانی چگونه ایجاد می‌شوند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

فرعی

1. چه عواملی می‌توانند جریانات کانوکشنی را تحت تاثیر قرار دهند؟

2. چگونه می‌توان با استفاده از مدل‌های کامپیوتری و داده‌های لرزه‌شناسی، جریانات کانوکشنی را تحلیل و پیش‌بینی کرد؟

اهداف تحقیق

از اهداف عمده این تحقیق تحلیل و بررسی مکانیزم‌های مختلف جریانات کانوکشنی در مانند فوقانی بوده که بررسی تاثیرات این جریانات بر تغییرات ریلیف زمین را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بر علاوه ارایه مدل‌های جدید برای پیش‌بینی تغییرات ریلیف زمین بر اساس داده‌های جریانات کانوکشنی و ارایه راهکارهایی برای کاهش خطرات زمین‌شناسی مرتبط با جریانات کانوکشنی.

پیشینه‌ی تحقیق

با استفاده از مطالعات در زمینه جریانات کانوکشنی و مقایسه تحلیل نظریات علما می‌توان راجع به پیشینه‌ی این موضوع معلومات خود را جمع‌آوری کرد اما مطالعات معاصر در زمینه دقیق‌تر بوده به دلیل این‌که میتود جیوفزیک با استفاده از تکنالوژی پیشرفت نموده تا زیر سطح زمین را مورد بررسی قرار دهیم. جریانات کانوکشنی در مانند فوقانی زمین به عنوان یکی از پروسه‌های حیاتی در دینامیک جیولوجی شناخته می‌شوند. این جریانات به دلیل تفاوت‌های حرارت و کثافت در مواد مانند به وجود می‌آیند و باعث حرکت مواد داغ به سمت بالا و مواد سرد به سمت پایین می‌شوند. این حرکت‌های مواد نقش اساسی در تغییرات ریلیف زمین و پروسه‌های تکتونیکی ایفا می‌کنند.

اولین مطالعات جامع در زمینه‌ی جریان‌ات کانوکشنی ماتل فوقانی به دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی باز می‌گردد. در این دوره، دانشمندانی چون هری هس و رابرت دی‌تس نظریه‌های خود را درباره تکتونیک صفحه‌ای و نقش جریان‌ات کانوکشنی در حرکت صفحه‌ها ارائه دادند (Hess, 1962:13). تحقیقات آن‌ها نشان داده که جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند باعث حرکت‌های افقی و عمودی در پوسته‌ی زمین شوند و در نتیجه، پدیده‌های زمین‌ساختی مانند تشکیل کوه‌ها، زلزله‌ها و آتشفشان‌ها را توضیح دادند.

با پیشرفت فناوری‌های جیوفیزیکی و مدل‌سازی کامپیوتری در دهه‌های بعدی، مطالعات دقیق‌تری درباره جریان‌ات کانوکشنی ماتل فوقانی انجام شد. محققان با استفاده از داده‌های لرزه‌شناسی و مدل‌های کامپیوتری، توانستند تصاویر دقیقی از ساختار داخلی ماتل و جریان‌ات کانوکشنی آن تولید کنند (Turcotte & Schubert, 2002:75). این مطالعات نشان داده که جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند به صورت سلول‌های بزرگ و کوچک در ماتل فوقانی وجود داشته باشند و تاثیرات متفاوتی بر ریلیف زمین باشند. مطالعات نشان داده‌است که جریان‌ات کانوکشنی در ماتل فوقانی تاثیرات عمده‌ای بر ریلیف زمین دارند. به عنوان مثال، این جریان‌ات می‌توانند باعث تشکیل و تغییر شکل کوه‌ها و دره‌ها شوند. در مناطقی که جریان‌ات کانوکشنی مواد داغ را به سطح زمین بالا می‌برند، فعالیت‌های آتشفشانی افزایش می‌یابد و زمین‌ریخت‌های جدیدی ایجاد می‌شود (Davies, 1999:178). همچنین، جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند باعث گسترش بستر اقیانوس‌ها و تشکیل دره‌های ریف‌ت شوند.

تحقیقات اخیر با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته‌تر مانند توموگرافی لرزه‌ای و مدل‌سازی دینامیکی، به درک بهتری از جریان‌ات کانوکشنی ماتل فوقانی و تاثیرات آن‌ها بر ریلیف زمین کمک کرده‌اند (Montelli et al., 2004:339). این مطالعات نشان می‌دهند که جریان‌ات کانوکشنی می‌توانند تحت تاثیر عوامل متعددی مانند ترکیب کیمیایی ماتل، فشار و حرارت قرارگیرند. همچنین، پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که پروسه‌های کانوکشنی می‌توانند به صورت دوره‌ای و متناوب رخ دهند، که این موضوع می‌تواند تاثیرات پویایی بر ریلیف زمین داشته باشد.

با پیشرفت‌های بیشتر در فناوری‌های جیوفیزیکی و مدل‌سازی، می‌توانیم به درک دقیق‌تری از این جریان‌ات و تاثیرات آن‌ها بر ریلیف زمین دست یابیم. به عنوان مثال، استفاده

از تکنیک‌های پیشرفته توموگرافی لرزه‌ای و مدل‌سازی دینامیکی می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر ساختار داخلی ماتل و جریانات کانوکشنی کمک کند. این مطالعات می‌توانند به پیش‌بینی بهتر پروسه‌های جیولوجیکی و تحلیل تغییرات ریلیف زمین کمک کنند.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی جهت بررسی مقالات، کتب و منابع معتبر علمی در زمینه جریانات کانوکشنی خواهد پرداخت تا درک بهتری از این پدیده و تاثیرات آن‌ها را بر روی ریلیف زمین بررسی کند. منابع علمی انتخاب شده در این تحقیق از منابع دارای استانداردهای علمی معتبر و منتشر شده در مجلات معتبر می‌باشد که شامل مطالعات تجربی، مدل‌سازی‌های کامپیوتری و بررسی‌های تئوریک می‌باشد.

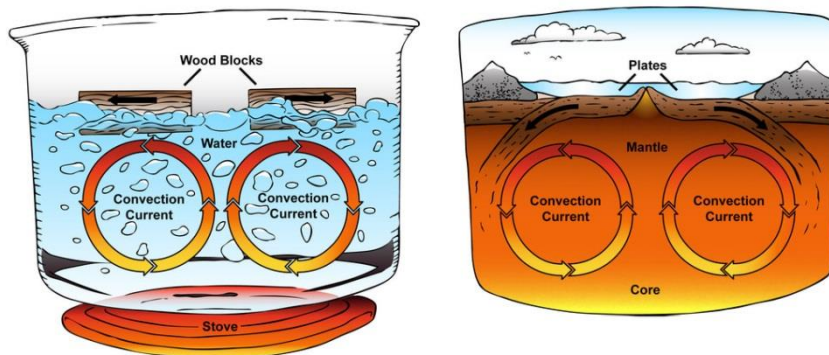
اهمیت تحقیق

تحقیق درباره‌ی جریانات کانوکشنی ماتل فوقانی زمین اهمیت زیادی دارد، زیرا این جریانات تاثیر عمده بر عملکرد و تکامل ریلیف زمین دارند. این تحقیقات به ما کمک می‌کنند تا پروسه‌های جیودینامیکی را درک بیشتر و بهتر کنیم. علل شکل‌گیری کوهستان‌ها، دره‌ها، شکستگی‌ها و سایر ویژگی‌های زمین را بشناسیم و پدیده‌های جیوتکتونیک را تفسیر کنیم.

نتایج و یافته‌ها

بخش اول: جریانات کانوکشنی ماتل

جریانات کانوکشنی ماتل به حرکت‌های دورانی مواد درون طبقه ماتل زمین اشاره دارد. این حرکت‌ها به دلیل تفاوت در حرارت و کثافت مواد ماتل ایجاد می‌شوند. مواد گرم‌تر و کثافت کمتر از عمق ماتل به سمت بالا حرکت می‌کنند و مواد سردتر و متراکم‌تر به سمت پایین فرو می‌روند (Coltice et al., 2017:136). این پروسه، مشابه جریانات کانوکشنی در مایعات است که در آشپزخانه‌ها هنگام جوشیدن آب مشاهده می‌شود.



شکل شماره 1: الف) جریان‌های کانوکشنی زمین، ب) جریان کانوکشنی جوشیدن آب (Coltice et al., 2017:136)

مانتل زمین از مواد سیلیکاتی بسیار داغ تشکیل شده است که در حرارت‌های بالا و فشارهای عظیم قرار دارد. این مواد در حرارت بالاتر به حالت پلاستیکی در می‌آیند و قادر به حرکت هستند. جریان‌های کانوکشنی در مانتل به دلیل گرمایش از هسته زمین و سرد شدن در نزدیکی سطح آن، به وجود می‌آیند (Kaula, 1980:7041). این جریان‌ها به حرکت‌های بزرگ مقیاس درون زمین منجر می‌شوند که تأثیرات گسترده‌ای بر قشر زمین دارند.

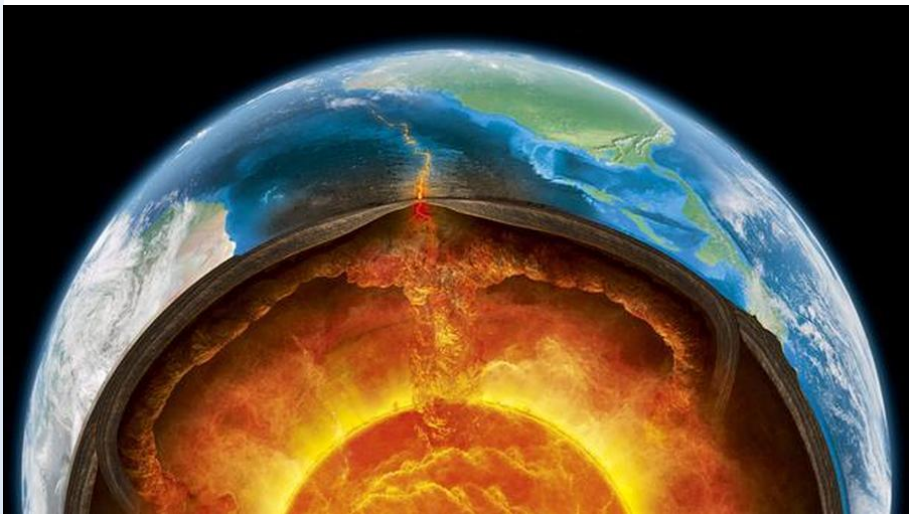
مکانیزم‌های جریان‌های کانوکشنی

دو مکانیزم اصلی برای جریان‌های کانوکشنی مانتل وجود دارد: جریان‌های حرارتی و جریان‌های ترکیبی. جریان‌های حرارتی به تفاوت در حرارت و گرادیان حرارتی در مانتل بستگی دارند. این جریان‌ها به دلیل تفاوت در حرارت بین هسته و پوسته زمین ایجاد می‌شوند. جریان‌های ترکیبی نیز به تفاوت در ترکیب؛ کیمیایی مواد مانتل بستگی دارند. مواد با ترکیب کیمیایی متفاوت دارای کثافت‌های مختلفی هستند و این تفاوت‌ها به ایجاد جریان‌های ترکیبی کمک می‌کنند.

جریان‌های کانوکشنی مانتل تأثیرات مهمی بر دینامیک زمین دارند. این جریان‌ها می‌توانند به حرکت صفحات تکتونیکی منجر شوند و در نتیجه، تغییرات بزرگی در سطح زمین ایجاد کنند. برای مثال، جابه‌جایی قاره‌ها، تشکیل رشته‌کوه‌ها و ایجاد زلزله‌ها همگی به دلیل جریان‌های کانوکشنی مانتل رخ می‌دهند (Kronbichler, 2012:18).

نقش حرارت هسته‌ی زمین

هسته‌ی زمین، که از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده است، منبع اصلی حرارت برای جریانات کانوکشنی ماتل است. هسته‌ی داخلی جامد و هسته‌ی خارجی مایع است و هر دو بخش دارای حرارت‌های بسیار بالایی هستند. این حرارت به صورت تابشی به ماتل منتقل می‌شود و باعث گرم شدن مواد ماتل می‌شود. مواد گرمتر به سمت بالا حرکت می‌کنند و در نزدیکی سطح زمین سرد می‌شوند (Ricard, 2007: 65). این سرد شدن باعث فرو رفتن مواد به عمق ماتل و ایجاد جریانات کانوکشنی می‌شود.

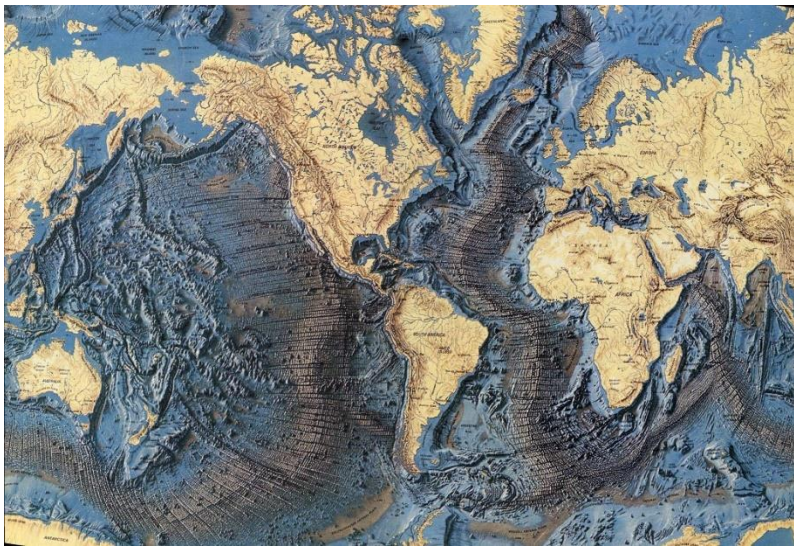


شکل شماره 2: مدل جریان حرارتی هسته و تاثیر آن بالای ماتل (Ricard, 2007: 65).

تأثیرات جریانات کانوکشنی بر قشر زمین

گریانات کانوکشنی ماتل نقش بسیار مهمی در ایجاد و تغییرات قشر زمین دارند. این جریانات باعث حرکت صفحات تکتونیکی می‌شوند، که در نتیجه آن پدیده‌های جیولوجی مختلفی مانند تشکیل رشته کوه‌ها، ایجاد شکستگی‌ها و وقوع زلزله‌ها رخ می‌دهد. برای مثال، حرکت صفحات تکتونیکی در امتداد شکستگی‌های بزرگ می‌تواند منجر به زلزله‌های شدید شود (Lomnitz, 2013: 8). همچنین، جریانات کانوکشنی می‌توانند باعث تشکیل

رشته کوه‌ها شوند، زمانی که دو صفحه تکتونیکی به هم برخورد می‌کنند و مواد مانند به سطح زمین فشرده می‌شوند. حرکت پلت‌ها باعث به وجود آمدن ریفت‌ها شده که از این سرحد پلت‌ها به دو طرف دور میشود که در نتیجه آن اقیانوس‌ها تشکیل شده و همچنان کوه‌های بین‌بحری تشکیل میشود ماهواره‌های آلتی متری (ارتفاع سنجی) امکان سنجش ارتفاع سطح جویید یا همان ارتفاع سطح آب بحر آزاد را در سطح وسیعی به وجود آورد (Lowman, 2011: 14). با استفاده از نقشه تغییرات مشاهده شده سطح جویید و اعمال یک سری مدل سازی های فیزیکی عمق کف بحر با یک دقت قابل قبول برای تمام اقیانوس‌ها محاسبه شد (شکل 3). ماهواره‌های آلتی متری با ارسال امواج رادار به سطح آب دریا و محاسبه زمان رفت و برگشت این امواج، ارتفاع سطح دریا را محاسبه می‌کنند. شکل 2 به روشنی سلسه کوه‌های میان اقیانوسی را در اقیانوس اطلس و هند نشان می‌دهد.



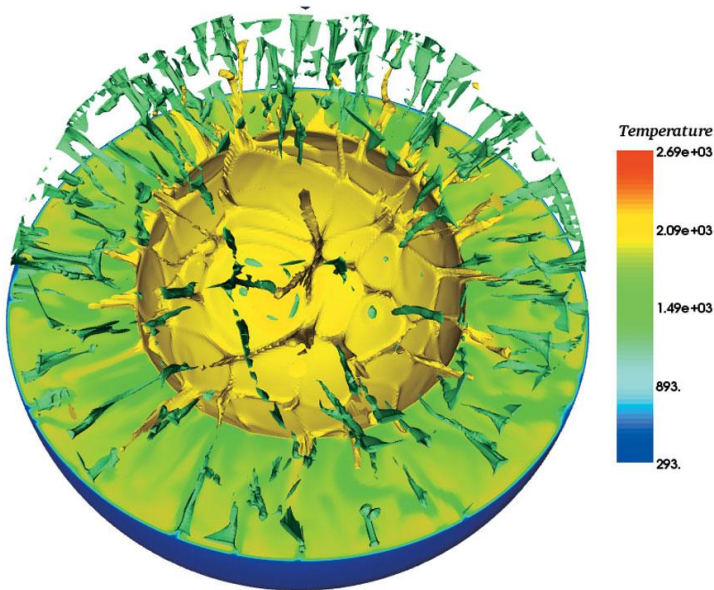
شکل شماره 3: نقشه بستر اقیانوس‌ها و سلسله جبال وسط ابحار (Lowman, 2011: 13)

مدل‌های جریانات کانوکشنی

برای درک بهتر جریانات کانوکشنی مانند، دانشمندان از مدل‌های عددی و تجربی استفاده می‌کنند. این مدل‌ها به شبیه‌سازی حرکت مواد درون مانند می‌پردازند و به ما کمک می‌کنند

تا بفهمیم چگونه این جریانات بر پوسته زمین تأثیر می‌گذارند. مدل‌های عددی معمولاً از معادلات ریاضی پیچیده‌ای استفاده می‌کنند که توزیع حرارت، کثافت و غلظت مواد ماتل را در نظر می‌گیرند. مدل‌های تجربی نیز از آزمایش‌های فیزیکی برای شبیه‌سازی جریانات کانوکشنی استفاده می‌کنند.

این بخش به بررسی مفاهیم پایه و مکانیزم‌های جریانات کانوکشنی ماتل پرداخت. در بخش بعدی، به تحلیل دقیق‌تر تأثیرات این جریانات بر ریلیف زمین و نمونه‌های برجسته از تغییرات ریلیف زمین خواهیم پرداخت (Lowman, 2011: 13).



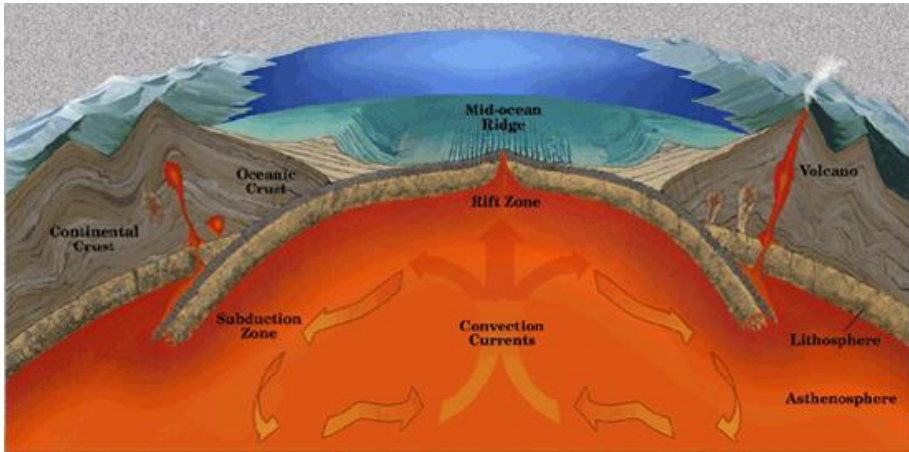
شکل شماره 4: مدل کانوکشنی جریانات مگما در ماتل (Lowman, 2011: 13).

بخش 2: تأثیرات جریانات کانوکشنی بر ریلیف زمین

گریانات کانوکشنی ماتل تأثیرات گسترده‌ای بر ریلیف زمین دارند. این جریانات می‌توانند به حرکت صفحات تکتونیک و در نتیجه تغییرات بزرگ در سطح زمین منجر شوند. این بخش به تحلیل دقیق‌تر تأثیرات این جریانات بر ریلیف زمین و نمونه‌های برجسته از تغییرات ریلیف زمین می‌پردازد (Korenaga, 2020: 9).

تشکیل رشته کوه‌ها

یکی از مهم‌ترین تأثیرات جریان‌های کانوکشنی مانند، تشکیل رشته کوه‌ها است. زمانی که دو صفحه تکتونیکی به هم برخورد می‌کنند، مواد مانند به سطح زمین فشرده می‌شوند و باعث تشکیل کوه‌ها می‌شوند. برای مثال، رشته کوه هیمالیا که بلندترین رشته کوه جهان است، به دلیل برخورد صفحه تکتونیکی هند با صفحه تکتونیکی اوراسیا تشکیل شده است. این برخورد باعث فشرده شدن مواد مانند و بلند شدن سطح زمین شده است. به علاوه، این پروسه همچنان ادامه دارد و باعث رشد مداوم هیمالیا می‌شود (Davies, 1999:178).

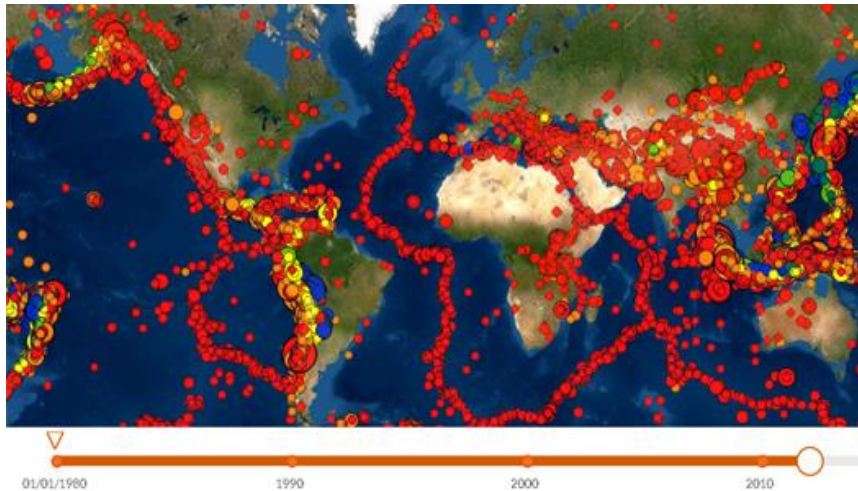


شکل شماره 5: تشکیل کوه‌ها در اثر جریان‌های کانوکشنی (Korenaga, 2020:13)

ایجاد شکستگی و زلزله‌ها

جریان‌های کانوکشنی مانند می‌توانند باعث ایجاد شکستگی و وقوع زلزله‌ها شوند. حرکت صفحات تکتونیکی در امتداد شکستگی‌های بزرگ می‌تواند منجر به زلزله‌های شدید شود. برای مثال، شکستگی سان آندریاس در کالیفرنیا یکی از بزرگترین شکستگی‌های جهان است که به دلیل جریان‌های کانوکشنی مانند ایجاد شده است. حرکت صفحات تکتونیکی در امتداد این شکستگی باعث وقوع زلزله‌های شدید در منطقه شده است. علاوه بر

شکستگی سان آندریاس، شکستگی‌های دیگری نیز به دلیل این جریانات در نقاط مختلف جهان ایجاد شده‌اند که همگی به وقوع زلزله‌های متعدد منجر می‌شوند (Lomnitz, 2013:9).



شکل شماره 6: زلزله‌های سالهای 1980 الی 2010 میلادی که هر نقطه نشان دهنده یک زلزله است (Lomnitz, 2013:6).

جابه‌جایی قاره‌ها

جریانات کانوکشنی مانند می‌توانند به جابه‌جایی قاره‌ها منجر شوند. این جریانات باعث حرکت صفحات تکتونیکی می‌شوند که در نتیجه آن قاره‌ها به تدریج بی‌جا می‌شوند. برای مثال، قاره‌ها در طول زمان به دلیل جریانات کانوکشنی مانند از هم جدا شده و به موقعیت‌های جدیدی منتقل شده‌اند (Turcotte & Schubert, 2002:75). این پدیده به عنوان تکتونیک صفحه‌ای شناخته می‌شود و نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری جغرافیای فعلی زمین داشته است. نمونه بارز این پدیده، جدا شدن قاره آفریقا و آمریکای جنوبی از یکدیگر و تشکیل اقیانوس اطلس است. طبق مطالعات جدید پلیت‌های قشر زمین نظر به قدرت جریانات کانوکشنی تحت آن دارای حرکت بوده که سانی متر در سال مطابق جدول ذیل محاسبه می‌شود (Kious & Tilling, 1996:65) (LePichon et al., 2013:170).

دانشمندان جیولوجی دریافتند که محل قاره‌ها ثابت نبوده، بلکه قاره‌ها در سطح زمین به تدریج مهاجرت می‌کنند، شق شدن قاره‌ها حوضه‌های اقیانوسی جدیدی به وجود می‌آورد در حالی که قطعات قدیمی کف اقیانوس‌ها در محل گودال‌های عمیق اقیانوسی وارد چرخه جدیدی از زندگی خود می‌شوند به علاوه به علت این حرکت قطعات قاره‌ای که زمانی از هم جدا بوده‌اند به همدیگر برخورد نموده و عظیم‌ترین سلسله جبال‌های زمینی را به وجود آورده‌اند.

در اوایل قرن بیستم به طور واضح پیشنهاد شد کره زمین اشتقاق حاصل می‌نماید. بعد از چندین سال این نظریه به وسیله اکثریت زمین‌شناسان رد شد، اما طی دو دهه‌ی 1950 و 1960 شباهت جدید سبب زبانه کشیدن آتش‌پنهان در زیر خاکستر شد. در سال 1968 این پیشرفت‌ها منجر به ابراز نظریه بسیار جامع‌تری نسبت به اشتقاق قاره‌ها به نام تکتونیک شد.

وگنر هواشناس و جیوفیزیکدان آلمانی نظریه‌ی انقلابی خود یعنی اشتقاق قاره‌ها (Continental drift) را در کتابی به نام خاستگاه قاره‌ها و اقیانوس‌ها طرح ریزی کرد. بنا به عقیده وی زمانی ابرقاره‌ی پانگه‌آ به صورت خشکی یک پارچه وجود داشته است و ی چنین استدلال کرد که در حدود 200 میلیون سال این ابرقاره آغاز به جدا شدن کرد و قاره‌های کوچکتری را پدید آورد که بعداً به محل کنونی خود رانده شدند. وگنر و کسانی که پشتیبان این نظریه بودند برای اثبات ادعای خود به جمع‌آوری مدارک مشغول شدند. انطباق آمریکای جنوبی و آفریقا، تشابه آب و هوای دیرینه، شواهد فسیل‌شناسی و ساختارهای احجار همه حاکی از آن بودند که زمانی این خشکی‌ها به همدیگر متصل بوده‌اند.

وگنر وقتی مشابهت قاره‌های دو طرف اقیانوس اطلس را مشاهده کرد به این فکر افتاد که این قاره‌ها زمانی به هم متصل بوده‌اند ولی تلاش او در به کارگیری خطوط ساحلی امروزی برای انطباق قاره‌ها توسط دیگر دانشمندان مورد انتقاد قرار گرفت. مخالفان اظهار داشتند خطوط ساحلی به وسیله فرایندها فرسایش می‌یابند حتی اگر جابه‌جایی نیز صورت گرفته باشد مطابقت کامل امروزی آنها امکان‌پذیر نیست. اما مشکل عمده نظریه فوق عدم بیان منبع حرکت بود که بیان نمود بعدها توسط علما دریافت گردید که منبع این حرکات

از ماتل زمین توسط جریانات کانوکشنی به وجود می‌آید (LePichon et al., 2013:170).

جدول شماره 1: سرعت پلیت‌های قشر زمین (LePichon et al., 2013:170)

نام پلیت	سرعت مطلق (سانتی متر در سال)
پاسیفیک	~۱۰
آسیا	~۱۰
عربستان	~4.65
کارابین	~2.45
کوکاس	~8.55
اوپوشیا	~0.95
هند	~6.00
نارکا	~7.55
امریکای شمالی	~1.15
اقیانوس آرام	~8.10
فلیپین	~6.35
امریکای شمالی	~1.45

قسمی که از جدول فوق ملاحظه می‌گردد پلت‌های کره زمین به اساس قوه‌های جریانات کانوکشن ماتل زمین دارای سرعت‌های متفاوت بوده که در نتیجه آن باعث ایجاد ساختارهای از قبیل کوه‌های بین‌البحری، سبدکشن‌ها و سرحدات لغزشی می‌گردد که هر یک از پلت‌های فوق (جدول 1) را در تصویر 5 ذیل مشاهده می‌کنیم.



تصویر شماره 7: مسیر حرکت قاره‌ها توسط جریان‌ات کانوکشنی (LePichon et al., 2013:186).

تغییرات ریلیف زمین در نواحی خاص

یکی از نمونه‌های برجسته تغییرات ریلیف زمین به دلیل جریان‌ات کانوکشنی ماتل، منطقه آتشفشانی هاوایی است. این منطقه به دلیل جریان‌ات کانوکشنی ماتل و حرکت صفحات تکتونیکی، دارای فعالیت‌های آتشفشانی بسیار فعال است. آتشفشان‌های هاوایی به دلیل جریان‌ات کانوکشنی ماتل به طور مداوم فعال هستند و تغییرات بزرگی در ریلیف زمین منطقه ایجاد می‌کنند. فعالیت‌های آتشفشانی باعث تشکیل جزایر جدید و تغییرات در سطح جزایر موجود می‌شوند. به عنوان مثال، جزیره بزرگ هاوایی (Big Island) به دلیل فعالیت‌های آتشفشانی مداوم به تدریج بزرگ‌تر می‌شود (Torsvik et al., 2013:8).

تاثیرات جریان‌ات کانوکشنی بر اقیانوس‌ها

جریان‌ات کانوکشنی ماتل نیز می‌توانند بر اقیانوس‌ها تاثیر بگذارند. این جریان‌ات می‌توانند باعث ایجاد پشته‌های اقیانوسی شوند که در نتیجه آن کف اقیانوس بلند می‌شود. برای مثال، پشته میانی اقیانوس اطلس به دلیل جریان‌ات کانوکشنی ماتل ایجاد شده است. این پشته باعث بلند شدن کف اقیانوس و ایجاد یک ساختار ریلیف بسیار بزرگ در کف اقیانوس

شده است. این پدیده به طور مستقیم بر جریان‌های اقیانوسی و حتی آب و هوا تاثیر دارد. پشته‌های اقیانوسی می‌توانند به عنوان مراکز فعالیت‌های آتشفشانی زیر آب عمل کنند که باعث ایجاد جزایر جدید و تغییرات در زیستگاه‌های دریایی می‌شوند (et al., 2013:1050). (Zheng).

تاثیرات جریان‌ات کانوکشنی بر محیط زیست

جریان‌ات کانوکشنی مانند می‌توانند تاثیرات گسترده‌ای بر محیط زیست داشته باشند. این جریان‌ات می‌توانند باعث ایجاد زلزله‌ها و آتشفشان‌ها شوند که می‌تواند به تخریب محیط زیست و زیستگاه‌های طبیعی منجر شود. برای مثال، زلزله‌های شدید می‌توانند باعث تخریب زیستگاه‌های طبیعی و ایجاد تغییرات بزرگی در اکوسیستم‌ها شوند. همچنین، آتشفشان‌ها می‌توانند گازهای سمی و خاکسترهای زیادی را به جو زمین وارد کنند که می‌تواند تاثیرات مخربی بر محیط زیست و سلامت انسان‌ها داشته باشد (Korenaga, 2020:13).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نقش حیاتی جریان‌ات کانوکشنی مانند در شکل‌گیری و تغییرات ریلیف زمین مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه برای این شد که جریان‌ات کانوکشنی در اثر ذوب مواد در مانند زمین ایجاد شده و به دلیل کثافت کم مواد این جریان‌ات به سطح زمین می‌رسد. با مرور تاثیرات این جریان‌ات بر ریلیف زمین، تشکیل رشته‌کوه‌ها، ایجاد شکستگی‌ها و زلزله‌ها، جابه‌جایی قاره‌ها و تغییرات در نواحی خاص مانند منطقه آتشفشانی هاوایی، می‌توان به اهمیت این پدیده در زمین‌شناسی پی برد. در نتیجه، جریان‌ات کانوکشنی مانند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تغییرات ریلیف زمین دارند. این جریان‌ات تاثیرات گسترده‌ای بر حرکت صفحات تکتونیکی، تشکیل رشته‌کوه‌ها، ایجاد شکستگی‌ها و زلزله‌ها، جابه‌جایی قاره‌ها، تغییرات در نواحی خاص و حتی بر محیط زیست دارند.

مطالعه جریان‌ات کانوکشنی مانند برای درک بهتر پروسه‌های زمین‌شناسی و تغییرات ریلیف زمین بسیار حیاتی است. این جریان‌ات نه تنها باعث حرکت صفحات تکتونیکی و تغییرات بزرگی در سطح زمین می‌شوند، بلکه تاثیرات گسترده‌ای بر محیط زیست و جوامع محلی دارند. درک بهتر این جریان‌ات می‌تواند

به پیش‌بینی و مدیریت بهتر زلزله‌ها و فعالیت‌های آتش‌فشانی کمک کند و به حفظ محیط زیست و کاهش آسیب‌های ناشی از این پدیده‌ها منجر می‌شود.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌گردد تا برای دستیابی به درک بهتر از جریان‌ات کانوکشنی ماتل فوقانی، توسعه مدل‌های کامپیوتری پیشرفته با استفاده از داده‌های جدید و بروز کار گرفته شود. این مدل‌ها قادر به شبیه‌سازی دقیق جریان‌ات داخلی ماتل و تاثیرات آن‌ها بر ساختار جیولوجی می‌باشد.

منابع

- Coltice, N., G erault, M., & Ulvrova, M. (2017). A mantle convection perspective on global tectonics. *Earth-science reviews*, 165, 120-150.
- Davies, G. F. (1999). "Dynamic Earth: Plates, Plumes and Mantle Convection". Cambridge University Press.
- Davies, G. F. (1999). *Dynamic Earth: Plates, Plumes and Mantle Convection*. Cambridge University Press.
- Hess, H. H. (1962). "History of Ocean Basins." In Engel, A. E. J., James, H. L., & Leonard, B. F. (Eds.), *Petrologic Studies: A Volume in Honor of A. F. Buddington*.
- Kaula, W. M. (1980). Material properties for mantle convection consistent with observed surface fields. *Journal of Geophysical Research: Solid Earth*, 85(B12), 7031-7044.
- Kious, W. J., & Tilling, R. I. (1996). *This Dynamic Earth: The Story of Plate Tectonics*. U.S. Geological Survey.
- Korenaga, J. (2020). Plate tectonics and surface environment: Role of the oceanic upper mantle. *Earth-science reviews*, 205, 103185.
- Kronbichler, M., Heister, T., & Bangerth, W. (2012). High accuracy mantle convection simulation through modern numerical methods. *Geophysical Journal International*, 191(1), 12-29.
- Le Pichon, X., Francheteau, J., & Bonnin, J. (2013). *Plate tectonics* (Vol. 6). Elsevier.
- Lomnitz, C. (2013). *Global tectonics and earthquake risk*. Elsevier.
- Lowman, J. P. (2011). Mantle convection models featuring plate tectonic behavior: An overview of methods and progress. *Tectonophysics*, 510(1-2), 1-16.
- McKenzie, D. P., & Richter, F. (1976). Convection currents in the Earth's mantle. *Scientific American*, 235(5), 72-89.
- Montelli, R., Nolet, G., Dahlen, F. A., Masters, G., Engdahl, E. R., & Hung, S. H. (2004). "Finite-frequency tomography reveals a variety of plumes in the mantle". *Science*, 303(5656), 338-343

- Read, H. H. & Janet Watson. Introduction to Geology. New York: Halsted, 1975: 13-15
- Ricard, Y. (2007). Physics of mantle convection. Treatise on geophysics, 7, 31-87.
- Torsvik, T. H., Doubrovine, P. V., Steinberger, B., Gaina, C., Spakman, W., & Domeier, M. (2017). Pacific plate motion change caused the Hawaiian-Emperor Bend. Nature Communications, 8(1), 15660.
- Turcotte, D. L., & Schubert, G. (2002). "Geodynamics". Cambridge University Press.
- Turcotte, D. L., & Schubert, G. (2002). Geodynamics. Cambridge University Press.
- Zheng, Y., Chen, Y., Dai, L., & Zhao, Z. (2015). Developing plate tectonics theory from oceanic subduction zones to collisional orogens. Science China Earth Sciences, 58, 1045-106

